



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق  
علیه  
صلاوة  
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# موقعیت فرهنگی جهان

## از ظهور منجی تا وقوع قیامت

از منظر متون اسلامی و عهد جدید

نگارنده: منیره قضاوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موقعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر متون اسلامی و عهد جدید

نویسنده:

منیره قضاوی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۵	پایان نامه کارشناسی ارشد: موقعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر متون اسلامی و عهد جدید
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۱۹	فهرست مطالب
۳۹	فصل اول: کلیات
۳۹	اشاره
۴۰	۱. کلیات
۴۰	اشاره
۴۰	۱-۱. تبیین مسأله
۴۱	۱-۲. سئوالات پژوهش
۴۲	۱-۳. فرضیه های پژوهش
۴۲	۱-۴. روش پژوهش
۴۳	۱-۵. اهمیت و ضرورت تحقیق
۴۳	۱-۶. اهداف و کارکردها
۴۴	۱-۷. پیشینه تحقیق
۴۵	۱-۸. مفاهیم کلیدی
۴۵	اشاره
۴۵	۱-۸-۱. فرهنگ
۴۸	۱-۸-۲. آخرالزمان
۵۰	۱-۸-۳. علائم آخرالزمان
۵۲	۱-۸-۴. منجی
۵۴	۱-۸-۵. مهدویت
۵۵	۱-۸-۶. ظهور

۵۵	۷-۸-۱. متون اسلامی
۵۵	۸-۸-۱. عهد جدید
۵۶	فصل دوم: وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منجی از منظر روایات
۵۶	اشاره
۵۷	۲. وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منجی از منظر روایات
۵۷	اشاره
۵۸	۱-۲. دین
۵۸	اشاره
۵۸	۱-۱-۲. اعراض از دین
۵۸	۲-۱-۲. انحراف دین
۶۰	۳-۱-۲. سستی و انزوای دین
۶۲	۴-۱-۲. تعطیل شدن احکام و حدود الهی
۶۷	۲-۲. اخلاق
۶۷	اشاره
۶۸	۱-۲-۲. مفسد اخلاقی
۶۸	اشاره
۶۸	۱-۲-۲-۱. مفسد اخلاقی مردان آخرالزمان
۷۰	۲-۲-۲-۲. مفسد اخلاقی زنان آخرالزمان
۷۳	۳-۲-۲-۱. گرایش به لهو و لعب (شراب، قمار، موسیقی)
۷۵	۴-۲-۲-۱. شیوع ربا و رشوه
۷۷	۲-۲-۲. رذایل اخلاقی
۸۰	۳-۲-۲. بی اخلاقی در روابط انسانی
۸۲	۳-۲. علم
۸۵	۴-۲. دولت و دولتمردان
۸۹	۵-۲. اقتصاد
۹۱	۶-۲. امنیت

۹۲	..... بهداشت
۹۵	..... جمع بندی
۹۶	..... فصل سوم: وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور منجی از منظر آیات و روایات
۹۶	..... اشاره
۹۷	..... ۳. وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور منجی از منظر آیات و روایات
۹۷	..... اشاره
۹۷	..... ۳-۱. دین در عصر ظهور
۹۷	..... اشاره
۹۸	..... ۳-۱-۱. احیاء دین
۱۰۳	..... ۳-۱-۲. فراگیری و غلبه دین اسلام
۱۰۳	..... اشاره
۱۰۳	..... ۳-۱-۲-۱. دلایل عقلی
۱۰۳	..... اشاره
۱۰۴	..... ۳-۱-۲-۱-۱. وحدت دین، سبب ایجاد وحدت در جامعه
۱۰۴	..... ۳-۱-۲-۱-۲. خاتمیت و جهانی بودن دین اسلام
۱۰۴	..... ۳-۱-۲-۲. دلایل نقلی
۱۰۴	..... اشاره
۱۰۴	..... ۳-۱-۲-۲-۱. آیات قرآن کریم
۱۰۹	..... ۳-۱-۲-۲-۲. روایات
۱۱۰	..... ۳-۱-۳. جایگاه اجبار و اکراه در فراگیری اسلام
۱۱۰	..... اشاره
۱۱۰	..... ۳-۱-۳-۱. دسته اول روایات
۱۱۴	..... ۳-۱-۳-۲. دسته دوم آیات و روایات
۱۱۴	..... اشاره
۱۱۴	..... ۳-۱-۳-۲-۱. آیات
۱۱۷	..... ۳-۱-۳-۲-۲. روایات

- ۳-۱-۴. عوامل مؤثر بر جهانی شدن اسلام ..... ۱۲۴
- ۳-۲. اخلاق در عصر ظهور ..... ۱۳۲
- اشاره ..... ۱۳۲
- ۳-۲-۱. از بین رفتن مفاسد و انحرافات اخلاقی ..... ۱۳۲
- ۳-۲-۲. روابط انسانی مبتنی بر اخلاق ..... ۱۳۶
- ۳-۳. علم در عصر ظهور ..... ۱۳۶
- اشاره ..... ۱۳۶
- ۳-۳-۱. میزان پیشرفت علم ..... ۱۳۷
- ۳-۳-۲. حوزه های پیشرفت علم ..... ۱۳۹
- اشاره ..... ۱۳۹
- ۳-۳-۲-۱. صنایع هوا- فضا ..... ۱۳۹
- اشاره ..... ۱۳۹
- ۳-۳-۲-۱-۱. عظمت فضا ..... ۱۳۹
- ۳-۳-۲-۱-۲. سفرهای فضایی در عصر ما ..... ۱۴۲
- ۳-۳-۲-۱-۳. سفرهای فضایی در عصر ظهور ..... ۱۴۲
- ۳-۳-۲-۲. صنایع مخابراتی و ارتباطی ..... ۱۴۵
- ۳-۳-۲-۳. منابع تامین انرژی ..... ۱۴۹
- ۳-۴. حکومت در عصر ظهور ..... ۱۴۹
- اشاره ..... ۱۴۹
- ۳-۴-۱. سیمای کلی دولت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۱۵۰
- ۳-۴-۲. عدالت، مهم ترین شاخصه حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۱۵۱
- اشاره ..... ۱۵۱
- ۳-۴-۲-۱. عوامل مؤثر در تحقق سریع عدالت ..... ۱۵۴
- ۳-۴-۳. عامل استقرار حکومت: تحوّل فرهنگی یا برخورد نظامی؟ ..... ۱۵۶
- اشاره ..... ۱۵۶
- ۳-۴-۳-۱. روایات دسته ی اول ..... ۱۵۶



- ۱۵۹ ..... ۳-۴-۳-۲. روایات دسته دوم
- ۱۶۵ ..... ۳-۴-۴. وسعت و گستره حکومت
- ۱۶۵ ..... اشاره
- ۱۶۶ ..... ۳-۴-۴-۱. آیات
- ۱۷۰ ..... ۳-۴-۴-۲. روایات
- ۱۷۶ ..... ۳-۴-۵. جهانی شدن
- ۱۷۶ ..... اشاره
- ۱۷۷ ..... ۳-۴-۵-۱. فرآیند طبیعی و تدریجی جهانی شدن
- ۱۷۷ ..... ۳-۴-۵-۲. جهانی سازی اسلامی
- ۱۷۷ ..... ۳-۴-۵-۳. جهانی سازی غربی - آمریکائی
- ۱۷۷ ..... اشاره
- ۱۷۷ ..... ۳-۴-۵-۳-۱. فوکویاما و نظریه پایان تاریخ
- ۱۷۹ ..... ۳-۴-۵-۳-۲. مک لوهان و دیدگاه دهکده جهانی
- ۱۷۹ ..... ۳-۴-۵-۳-۳. تافلر و تئوری برترین ها
- ۱۸۰ ..... ۳-۴-۵-۳-۴. ساموئل هانتینگتون و نظریه برخورد تمدن ها
- ۱۸۰ ..... ۳-۴-۶. مقایسه جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۱۸۳ ..... ۳-۴-۷. مدت حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۱۸۳ ..... اشاره
- ۱۸۴ ..... ۳-۴-۷-۱. علت اختلاف روایات
- ۱۸۶ ..... ۳-۵. قضاوت در عصر ظهور
- ۱۸۶ ..... اشاره
- ۱۸۶ ..... ۳-۵-۱. دلایل کاهش جرم در حکومت حضرت مهدی (علیه السلام)
- ۱۸۶ ..... اشاره
- ۱۸۷ ..... ۳-۵-۱-۱. راهکارهای پیش گیرانه
- ۱۸۹ ..... ۳-۵-۱-۲. راهکارهای تدافعی
- ۱۹۱ ..... ۳-۵-۲. قضاوت مهدوی

۱۹۱	..... اشاره
۱۹۱	..... ۱-۲-۵-۳. روایات دسته اول
۱۹۳	..... ۲-۲-۵-۳. روایات دسته ی دوم
۱۹۵	..... ۳-۵-۲-۳. جمع بین روایات
۱۹۹	..... ۳-۵-۳. نوآوری در قضاوت
۲۰۲	..... ۴-۵-۳. قضاوت زنان
۲۰۴	..... ۵-۵-۳. قضاوت در میان اهل کتاب
۲۰۴	..... ۶-۳. اقتصاد عصر ظهور
۲۰۴	..... اشاره
۲۰۵	..... ۱-۶-۳. اصلاح انحرافات اقتصادی
۲۰۷	..... ۲-۶-۳. گشوده شدن برکات آسمانی و زمینی
۲۱۰	..... ۳-۶-۳. ایجاد توازن اقتصادی و ریشه کن شدن فقر
۲۱۳	..... ۷-۳. امنیت در عصر ظهور
۲۱۳	..... اشاره
۲۱۵	..... ۱-۷-۳. چگونگی ایجاد امنیت
۲۱۶	..... ۲-۷-۳. ابعاد امنیت
۲۱۶	..... اشاره
۲۱۶	..... ۱-۲-۷-۳. امنیت اقتصادی
۲۱۶	..... ۲-۲-۷-۳. امنیت سیاسی- نظامی
۲۱۶	..... ۳-۲-۷-۳. امنیت اجتماعی
۲۱۶	..... ۴-۲-۷-۳. امنیت فرهنگی و معنوی
۲۱۶	..... ۵-۲-۷-۳. امنیت علمی
۲۱۸	..... ۶-۲-۷-۳. امنیت قضایی و حقوقی
۲۲۲	..... ۸-۳. بهداشت در عصر ظهور
۲۲۳	..... ۹-۳. جمع بندی
۲۲۶	..... فصل چهارم: موقعیت جهان پس از پایان زندگی امام از منظر روایات

- ۲۲۶ ..... اشاره
- ۲۲۷ ..... ۴. موقعیت جهان پس از پایان زندگی امام از منظر روایات
- ۲۲۷ ..... اشاره
- ۲۲۸ ..... ۴-۱. پایان زندگی امام
- ۲۲۹ ..... ۴-۲. حاکمیت جهان پس از امام
- ۲۲۹ ..... اشاره
- ۲۳۰ ..... ۴-۲-۱. نظریه اول: رجعت معصومان
- ۲۳۰ ..... اشاره
- ۲۳۰ ..... ۴-۲-۱-۱. معنای رجعتاً
- ۲۳۲ ..... ۴-۲-۱-۲. رجعت در قرآن کریم
- ۲۳۶ ..... ۴-۲-۱-۳. رجعت در روایات
- ۲۳۸ ..... ۴-۲-۱-۴. دیدگاه‌ها درباره رجعت
- ۲۴۱ ..... ۴-۲-۲. نظریه دوم؛ حکومت و رهبری اولیای صالح (دوازده مهدی)
- ۲۴۱ ..... اشاره
- ۲۴۱ ..... ۴-۲-۲-۱. روایات
- ۲۴۳ ..... ۴-۲-۲-۲. دیدگاه‌ها و نظرات
- ۲۴۷ ..... ۴-۲-۳. نظریه سوم؛ پایان جهان با پایان یافتن حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۲۴۷ ..... اشاره
- ۲۴۷ ..... ۴-۲-۳-۱. روایات
- ۲۴۹ ..... ۴-۲-۳-۲. نظرات و دیدگاه‌ها
- ۲۵۱ ..... ۴-۲-۳-۳. آیا قیامت در زمان بدترین مردمان، بر پا می‌شود؟
- ۲۵۱ ..... اشاره
- ۲۵۲ ..... ۴-۲-۳-۳-۱. آیات
- ۲۵۶ ..... ۴-۲-۳-۳-۲. روایات
- ۲۶۱ ..... ۴-۳. جمع بندی
- ۲۶۴ ..... فصل پنجم: وضعیت جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر عهد جدید

- ۲۶۴ ..... اشاره -
- ۲۶۵ ..... ۵. وضعیت جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر عهد جدید
- ۲۶۵ ..... اشاره -
- ۲۶۵ ..... ۵-۱. موعود در مسیحیت
- ۲۶۷ ..... ۵-۲. جهان در آستانه بازگشت منجی
- ۲۶۷ ..... اشاره -
- ۲۶۸ ..... ۵-۲-۱. دین در زمان های آخر
- ۲۶۸ ..... اشاره -
- ۲۶۸ ..... ۵-۲-۱-۱. بی اعتنایی و بی توجهی به امور دینی
- ۲۶۹ ..... ۵-۲-۱-۲. افزایش تعداد انبیای کاذب و خطر بدعت در کلیسا
- ۲۷۰ ..... ۵-۲-۱-۳. جفا به ایمان داران مسیح
- ۲۷۰ ..... ۵-۲-۱-۴. تکذیب مسیح در روزهای آخر
- ۲۷۱ ..... ۵-۲-۲. اخلاق و روابط انسانی در روزهای آخر
- ۲۷۱ ..... اشاره -
- ۲۷۱ ..... ۵-۲-۲-۱. کاهش محبت و عواطف خانوادگی
- ۲۷۱ ..... ۵-۲-۲-۲. افزایش رذایل اخلاقی
- ۲۷۳ ..... ۵-۲-۳. امنیت در روزهای آخر
- ۲۷۳ ..... اشاره -
- ۲۷۳ ..... ۵-۲-۳-۱. افزایش وقوع جنگ، قحطی و زلزله
- ۲۷۳ ..... ۵-۲-۳-۲. مصیبت های شدید جهانی
- ۲۷۵ ..... ۵-۲-۴. فرمانروایی و حکومت «شریر» و «بی دین» در روزهای آخر
- ۲۷۵ ..... اشاره -
- ۲۷۵ ..... ۵-۲-۴-۱. ظهور ضد مسیح (مرد بی دین)
- ۲۷۵ ..... ۵-۲-۴-۲. فرمانروای جهان در دوران مصیبت جهانی
- ۲۷۶ ..... ۵-۳. بازگشت مسیح
- ۲۷۶ ..... اشاره -

- ۲۷۸ ..... ۵-۳-۱. معنا و چگونگی بازگشت عیسی
- ۲۷۸ ..... اشاره
- ۲۷۹ ..... ۵-۳-۱-۱. بازگشت اولیه مسیح یا آمدن مسیح به آسمان
- ۲۷۹ ..... ۵-۳-۱-۲. دوران مصیبت عظیم
- ۲۸۰ ..... ۵-۳-۱-۳. بازگشت ثانویه مسیح و سلطنت هزار ساله او بر زمین
- ۲۸۱ ..... ۵-۳-۱-۴. پایان سلطنت هزارساله، برپایی قیامت و داوری نهایی
- ۲۸۱ ..... ۵-۳-۲. بازگشت مسیح از دیدگاه مسیحیت صهیونیستی
- ۲۸۱ ..... اشاره
- ۲۸۲ ..... ۵-۳-۲-۱. صهیونیسم
- ۲۸۲ ..... ۵-۳-۲-۲. مسیحیت صهیونیستی
- ۲۸۴ ..... ۵-۳-۲-۳. جنگ آرماگدون
- ۲۸۶ ..... ۵-۴. جهان پس از بازگشت مسیح
- ۲۸۶ ..... اشاره
- ۲۸۶ ..... ۵-۴-۱. قضاوت و داوری
- ۲۸۶ ..... اشاره
- ۲۸۶ ..... ۵-۴-۱-۱. قضاوت کردن در مورد دیگران
- ۲۸۸ ..... ۵-۴-۱-۲. داوری هنگام بازگشت مسیح
- ۲۹۰ ..... ۵-۴-۱-۳. داوری نهایی
- ۲۹۰ ..... ۵-۴-۲. برقرار ساختن ملکوت خداوند
- ۲۹۰ ..... اشاره
- ۲۹۳ ..... ۵-۴-۲-۱. مشخصه های حکومت خداوند
- ۲۹۳ ..... اشاره
- ۲۹۳ ..... ۵-۴-۲-۱-۱. سلطنت هزارساله
- ۲۹۴ ..... ۵-۴-۲-۱-۲. برپا شدن عدالت
- ۲۹۵ ..... ۵-۴-۲-۱-۳. از بین رفتن شرارت و گناه
- ۲۹۶ ..... ۵-۴-۲-۱-۴. برقراری امنیت و آرامش

۲۹۷ ..... ۵-۴-۲-۱-۵. فراوانی، برکت و رفاه

۲۹۷ ..... ۵-۴-۲-۱-۶. استقرار دین واحد

۲۹۸ ..... ۵-۴-۲-۱-۷. حکومت صالحان

۲۹۹ ..... ۵-۵. جهان در آستانه برپایی قیامت

۳۰۲ ..... ۵-۶. جمع بندی

۳۰۷ ..... نتیجه گیری

۳۱۳ ..... فهرست منابع و مآخذ

۳۲۹ ..... درباره مرکز

# پایان نامه کارشناسی ارشد: موقعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر متون اسلامی و عهد جدید

## مشخصات کتاب

دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن

عنوان:

موقعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی

تا وقوع قیامت از منظر متون اسلامی و عهد جدید

استاد راهنما:

دکتر محمد کاظم شاکر

استاد مشاور:

دکتر محمد کاظم رحمان ستایش

نگارنده:

منیره قضاوی

اسفند ۹۱

ص: ۱

## اشاره

↔

ص: ۲

[ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ - ]

(يوسف/٨٨)

ص: ٣



تشکر و قدردانی:

حمد و سپاس خدای بزرگ و مهربان را که توفیق گام نهادن در راه علم و معرفت را عطا فرمود. از تمامی اساتید بزرگوار که در طول سالیان گذشته، مقدمات رسیدن به این مرحله را برایم فراهم نمودند، تقدیر و تشکر می نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار، جناب آقای دکتر محمد کاظم شاکر که راهنمایی این جانب را در انتخاب موضوع، انجام مراحل تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل فرمودند، کمال امتنان و تشکر را دارم.

از استاد محترم، جناب آقای دکتر محمد کاظم رحمان ستایش، به خاطر مشاوره های مؤثر و سازنده شان نهایت تشکر و سپاس گزاری را دارم.

از همسر عزیز و مهربانم، سیدعلیرضا از صمیم قلب تشکر می کنم که اگر نبود همدلی، همراهی و همکاری اش، پاهایم در پیمودن این راه لنگان بود و دلم لرزان.

در نهایت، دستان پر مهر و قلب پر عطوفت هر دو مادرم - مادرم خودم و مادر همسر - را که همیشه ی ایام، به ویژه در طی این دو سال زحمات زیادی متقبل شدند، می بوسم و از دختر کوچک و نازنینم، زهرا سادات به خاطر لحظه لحظه ی روزهایی که حضورم را در کنار خودش کمتر احساس کرد، عذر تقصیر می طلبم.

ص: ۴

ظه‌ور و قی‌ام منجی که در دوره پایانی جهان و در هنگامه فراگ‌یر شدن ستم در ساحت های مختلف جامعه بشری به وقوع می‌پیوندد، به مثابه یک انقلاب عظیم فرهنگی، سبب ساز تغییرات و دگرگ‌ونی های وسیع فرهنگی شده، تمام پدیده ها و مؤلفه های فره‌نگی را متحوّل می‌سازد. این تحوّلات در حالی رخ می‌دهد که در آستانه ظهور منج‌ی، جهان وضعیّت نامساعد و نامطلوبی دارد و با ظهور و اصلاحات بنیادین او در همه مؤلفه ها و اجزاء فره‌نگ، وضعیّت جهان پس از ظهور به یک باره دگرگ‌ون شده، در چنان جایگاه مطلوب، بلکه ایده آلی قرار می‌گیرد که بش‌رّیت تا آن زمان نظیرش را تجربه نکرده است. در نگاشته حاضر- به منظور دس‌ت یابی به تأثیر عمیق منج‌ی در رسیدن به تعالی و کمال- وضعیّت فره‌نگی جهان، در فاصله زمانی دو رویداد مهمّ ظهور و قیامت، و از دو منظر متون اسلامی و عهد جدید مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب عهد جدید- کت‌اب مق‌دّس مسیح‌یان- در کنار متون اسلامی، با هدف انعکاس دیدگاه مسیح‌رّیت، به عنوان دینی صورت گرفته است که ظ‌هور (بازگ‌شت) منج‌ی و پیام‌دهای آن، نقش‌ی محوری و کلیدی در آم‌وزه‌ای اعتق‌ادی اش دارد. این تحقیق نشان می‌دهد وضعیّت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منج‌ی بسیار نامساعد بوده، پس از ظهور او به وضعیّت مطلوب و ایده آلی نیل می‌کند، و این شرایط تا پایان جهان (وقوع قیامت) پایا و ماندگار است. هم‌چنین، انطباق کامل آموزه های عهد جدید با متون اسلامی درباره وضعیّت آستانه ظهور، و انطباق نسبی آن‌ها در مورد وضعیّت پس از ظهور به دست آمده است.

کلمات کلیدی: آخرالزمان، منجی، ظهور، وضعیّت فرهنگی، حکومت حضرت مهدی، بازگشت مسیح.

## فهرست مطالب

عنوان صفحه

پیش گفتار ۱

فصل اول: کلیات

۱. کلیات ۵

۱-۱. تبیین مساله ۵

۱-۲. سوالات پژوهش ۶

۱-۳. فرضیه های پژوهش ۷

۱-۴. روش پژوهش ۷

۱-۵. اهمیت و ضرورت تحقیق ۸

۱-۶. اهداف و کارکردها ۸

۱-۷. پیشینه ی تحقیق ۹

۱-۸. مفاهیم کلیدی ۱۰

۱-۸-۱. فرهنگ ۱۰

۱-۸-۲. آخرالزمان ۱۲

۱-۸-۳. علائم آخرالزمان ۱۴

۱-۸-۴. منجی ۱۶

۱-۸-۵. مهدویت ۱۷

۱-۸-۶. ظهور ۱۸

۱-۸-۷. متون اسلامی ۱۸

۱-۸-۸. عهد جدید ۱۹

ص: ۶

فصل دوم: وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ی ظهور منجی از منظر روایات

۲. وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ی ظهور منجی از منظر روایات ۲۱

۲-۱. دین ۲۲

۲-۱-۱. اعراض از دین ۲۲

۲-۱-۲. انحراف دین ۲۲

۲-۱-۳. سستی و انزوای دین ۲۳

۲-۱-۴. تعطیل شدن احکام و حدود الهی ۲۵

۲-۲. اخلاق ۲۸

۲-۲-۱. مفسد اخلاقی ۲۹

۲-۲-۱-۱. مفسد اخلاقی مردان آخرالزمان ۲۹

۲-۲-۱-۲. مفسد اخلاقی زنان آخرالزمان ۳۰

۲-۲-۱-۳. گرایش به لهو و لعب (شراب، قمار، موسیقی) ۳۲

۲-۲-۱-۴. شیوع ربا و رشوه ۳۳

۲-۲-۲. رذایل اخلاقی ۳۴

۲-۲-۳. بی اخلاقی در روابط انسانی ۳۶

۲-۳. علم ۳۸

۲-۴. دولت و دولتمردان ۳۹

۲-۵. اقتصاد ۴۳

۲-۶. امنیت ۴۴

۲-۷. بهداشت ۴۵

۸-۲. جمع بندی ۴۷

ص: ۷

فصل سوم: وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور منجی از منظر آیات و روایات

۳. وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور منجی از منظر آیات و روایات ۴۹

۳-۱. دین در عصر ظهور ۴۹

۳-۱-۱. احیاء دین ۵۰

۳-۱-۲. فراگیری و غلبه دین اسلام ۵۵

۳-۱-۲-۱. دلایل عقلی ۵۶

۳-۱-۲-۱-۱. وحدت دین، سبب ایجاد وحدت در جامعه ۵۶

۳-۱-۲-۱-۲. خاتمیت و جهانی بودن دین اسلام ۵۶

۳-۱-۲-۲. دلایل نقلی ۵۶

۳-۱-۲-۲-۱. آیات قرآن کریم ۵۶

۳-۱-۲-۲-۲. روایات ۶۰

۳-۱-۳. جایگاه اجبار و اکراه در فراگیری اسلام ۶۱

۳-۱-۳-۱. دسته ی اول روایات ۶۲

۳-۱-۳-۲. دسته ی دوم آیات و روایات ۶۵

۳-۱-۳-۲-۱. آیات ۶۵

۳-۱-۳-۲-۲. روایات ۶۶

۳-۱-۴. عوامل موثر بر جهانی شدن اسلام ۷۴

۳-۲. اخلاق در عصر ظهور ۸۱

۳-۲-۱. از بین رفتن مفاسد و انحرافات اخلاقی ۸۲

۳-۲-۲. روابط انسانی مبتنی بر اخلاق ۸۵





۳-۳. علم در عصر ظهور ۸۶

۳-۳-۱. میزان پیشرفت علم ۸۷

۳-۳-۲. حوزه های پیشرفت علم ۸۸

۳-۳-۲-۱. صنایع هوا فضا ۸۹

۳-۳-۲-۱-۱. عظمت فضا ۸۹

۳-۳-۲-۱-۲. سفرهای فضایی در عصر ما ۹۰

۳-۳-۲-۱-۳. سفرهای فضایی در عصر ظهور ۹۱

۳-۳-۲-۲. صنایع مخابراتی و ارتباطی ۹۴

۳-۳-۲-۳. منابع تامین انرژی ۹۷

۳-۴. حکومت در عصر ظهور ۹۸

۳-۴-۱. سیمای کلی دولت امام مهدی ۹۹

۳-۴-۲. عدالت، مهم ترین شاخصه ی حکومت حضرت مهدی ۱۰۰

۳-۴-۲-۱. عوامل موثر در تحقق سریع عدالت ۱۰۲

۳-۴-۳. عامل استقرار حکومت: تحول فرهنگی یا برخورد نظامی؟ ۱۰۳

۳-۴-۳-۱. روایات دسته ی اول ۱۰۳

۳-۴-۳-۲. روایات دسته ی دوم ۱۰۶

۳-۴-۴. وسعت و گستره ی حکومت ۱۱۱

۳-۴-۴-۱. آیات ۱۱۲

۳-۴-۴-۲. روایات ۱۱۷

۳-۴-۵. جهانی شدن ۱۲۱



۳-۴-۵-۲. جهانی سازی اسلامی ۱۲۲

۳-۴-۵-۳. جهانی سازی غربی آمریکایی ۱۲۲

۳-۴-۵-۳-۱. فوکویاما و نظریه پایان تاریخ ۱۲۳

۳-۴-۵-۳-۲. مک لوهان و دیدگاه دهکده جهانی ۱۲۳

۳-۴-۵-۳-۳. تافلر و تئوری برترین ها ۱۲۴

۳-۴-۵-۳-۴. ساموئل هانتینگتون و نظریه ی برخورد تمدن ها ۱۲۴

۳-۴-۶. مقایسه ی جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی ۱۲۵

۳-۴-۷. مدت حکومت حضرت مهدی ۱۲۸

۳-۴-۷-۱. علت اختلاف روایات ۱۲۹

۳-۵. قضاوت در عصر ظهور ۱۳۱

۳-۵-۱. دلایل کاهش جرم در حکومت حضرت مهدی ۱۳۱

۳-۵-۱-۱. راهکارهای پیش گیرانه ۱۳۱

۳-۵-۱-۲. راهکارهای تدافعی ۱۳۳

۳-۵-۲. قضاوت مهدوی ۱۳۴

۳-۵-۲-۱. روایات دسته ی اول ۱۳۴

۳-۵-۲-۲. روایات دسته ی دوم ۱۳۷

۳-۵-۲-۳. جمع بین روایات ۱۳۸

۳-۵-۳. نوآوری در قضاوت ۱۴۲

۳-۵-۴. قضاوت زنان ۱۴۵

۳-۵-۵. قضاوت در میان اهل کتاب ۱۴۶



۱-۶-۳. اصلاح انحرافات اقتصادی ۱۴۷

۲-۶-۳. گشوده شدن برکات آسمانی وزمینی ۱۵۰

۳-۶-۳. ایجاد توازن اقتصادی و ریشه کن شدن فقر ۱۵۲

۷-۳. امنیت در عصر ظهور ۱۵۴

۱-۷-۳. چگونگی ایجاد امنیت ۱۵۶

۲-۷-۳. ابعاد امنیت ۱۵۷

۱-۲-۷-۳. امنیت اقتصادی ۱۵۷

۲-۲-۷-۳. امنیت سیاسی - نظامی ۱۵۷

۳-۲-۷-۳. امنیت اجتماعی ۱۵۷

۴-۲-۷-۳. امنیت فرهنگی و معنوی ۱۵۷

۵-۲-۷-۳. امنیت علمی ۱۵۷

۶-۲-۷-۳. امنیت قضایی و حقوقی ۱۵۸

۸-۳. بهداشت در عصر ظهور ۱۶۲

۹-۳. جمع بندی ۱۶۳

فصل چهارم: موقعیت جهان پس از پایان زندگی امام از منظر روایات

۴. موقعیت جهان پس از پایان زندگی امام ۱۶۷

۱-۴. پایان زندگی امام ۱۶۸

۲-۴. حاکمیت جهان پس از امام ۱۶۹

۱-۲-۴. نظریه اول؛ رجعت معصومان ۱۷۰

۱-۱-۲-۴. معنای رجعت ۱۷۰

۲-۱-۲-۴. رجعت در قرآن کریم ۱۷۰

ص: ۱۱

۳-۱-۲-۴. رجعت در روایات ۱۷۴

۴-۱-۲-۴. دیدگاه های در باره ی رجعت ۱۷۶

۲-۲-۴. نظریه ی دوم؛ حکومت و رهبری اولیای صالح (دوازده مهدی) ۱۷۸

۱-۲-۲-۴. روایات ۱۷۸

۲-۲-۲-۴. دیدگاه ها و نظرات ۱۸۰

۳-۲-۴. نظریه ی سوم؛ پایان جهان با پایان یافتن حکومت حضرت مهدی ۱۸۴

۱-۲-۳-۴. روایات ۱۸۴

۲-۲-۳-۴. نظرات و دیدگاه ها ۱۸۶

۳-۲-۳-۴. آیا قیامت در زمان بدترین مردم برپا می شود؟ ۱۸۸

۱-۲-۳-۳-۴. آیات ۱۸۹

۲-۲-۳-۳-۴. روایات ۱۹۳

۳-۴. جمع بندی ۱۹۷

فصل پنجم: وضعیت جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر عهد جدید

۵. وضعیت جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر عهد جدید ۲۰۱

۱-۵. موعود در مسیحیت ۲۰۱

۲-۵. جهان در آستانه ی بازگشت منجی ۲۰۳

۱-۲-۵. دین در زمان های آخر ۲۰۴

۱-۱-۲-۵. بی اعتنایی و بی توجهی به امور دینی ۲۰۴

۲-۱-۲-۵. افزایش تعداد انبیای کاذب و خطر بدعت در کلیسا ۲۰۵

۳-۱-۲-۵. جفا به ایمان داران مسیح ۲۰۶

۴-۱-۲-۵. تکذیب مسیح در روزهای آخر ۲۰۶

ص: ۱۲



۲-۲-۵. اخلاق و روابط انسانی در روزهای آخر ۲۰۷

۲-۲-۱-۵. کاهش محبت و عواطف خانوادگی ۲۰۷

۲-۲-۲-۵. افزایش رذایل اخلاقی ۲۰۷

۲-۲-۳-۵. امنیت در روزهای آخر ۲۰۸

۲-۲-۳-۱-۵. افزایش وقوع جنگ، قحطی و زلزله ۲۰۸

۲-۲-۳-۲-۵. مصیبت های شدید جهانی ۲۰۸

۲-۲-۴-۵. فرمانروایی و حکومت «شریر» و «بی دین» در روزهای آخر ۲۰۹

۲-۲-۴-۱-۵. ظهور ضد مسیح (مرد بی دین) ۲۰۹

۲-۲-۴-۲-۵. فرمانروای جهان در دوران مصیبت جهانی ۲۰۹

۳-۵. بازگشت مسیح ۲۱۰

۳-۱-۵. معنا و چگونگی بازگشت عیسی ۲۱۲

۳-۱-۱-۵. بازگشت اولیه ی مسیح یا آمدن مسیح به آسمان ۲۱۳

۳-۱-۲-۵. دوران مصیبت عظیم ۲۱۳

۳-۱-۳-۵. بازگشت ثانویه ی مسیح و سلطنت هزار ساله ی او بر زمین ۲۱۴

۳-۱-۴-۵. پایان سلطنت هزارساله، برپایی قیامت و داوری نهایی ۲۱۵

۳-۲-۵. بازگشت مسیح از دیدگاه مسیحیت صهیونیستی ۲۱۵

۳-۲-۱-۵. صهیونسم ۲۱۶

۳-۲-۲-۵. مسیحیت صهیونیستی ۲۱۶

۳-۲-۳-۵. جنگ آرماگدون ۲۱۸

۴-۵. جهان پس از بازگشت مسیح ۲۲۰



۱-۱-۴-۵. قضاوت کردن در مورد دیگران ۲۲۰

۲-۱-۴-۵. داوری هنگام بازگشت مسیح ۲۲۱

۳-۱-۴-۵. داوری نهایی ۲۲۳

۲-۴-۵. برقرار ساختن ملکوت خداوند ۲۲۳

۱-۲-۴-۵. مشخصه های حکومت خداوند ۲۲۶

۱-۱-۲-۴-۵. سلطنت هزارساله ۲۲۶

۲-۱-۲-۴-۵. برپا شدن عدالت ۲۲۷

۳-۱-۲-۴-۵. از بین رفتن شرارت و گناه ۲۲۸

۴-۱-۲-۴-۵. برقراری امنیت و آرامش ۲۲۹

۵-۱-۲-۴-۵. فراوانی، برکت و رفاه ۲۳۰

۶-۱-۲-۴-۵. استقرار دین واحد ۲۳۰

۷-۱-۲-۴-۵. حکومت صالحان ۲۳۱

۵-۵. جهان در آستانه برپایی قیامت ۲۳۲

۶-۵. جمع بندی ۲۳۵

نتیجه گیری ۲۴۰

فهرست منابع و مآخذ ۲۴۶

ص: ۱۴

فرهنگ، منشأ اعمال انسان ها و مبدأ مسیر تکاملی جوامع است. از این منظر، انسان ها سازنده جامعه هستند و تأثیر فرهنگ بر انسان ها نیز مورد تردید نیست؛ فرهنگ متعالی، انسان های متعالی می سازد و آن ها نیز جامعه را به سوی مقصد نهایی آن هدایت می کنند.

فرهنگ، امری تغییرپذیر است و تغییر فرهنگی، دگرگونی ها و تحولاتی است که در پدیده های فرهنگی، نظیر اعتقادات، افکار، آیین های دینی و اخلاقی، شیوه زندگی، و به طور کلی در فرهنگ مادی و غیرمادی صورت می پذیرد. (۱)

در ایجاد تغییرات فرهنگی، عوامل مؤثر زیادی دخالت دارد که «انقلاب ها و اصلاحات اجتماعی» یکی از آن عوامل است.

«انقلاب فرهنگی» نیز که در اساس خود، انقلابی در اندیشه، ایدئولوژی، یا به طور جامع تر، در فرهنگ است، از جمله مواردی است که تغییر و تحولات وسیع فرهنگی را موجب می شود.

ظهور و قیام منجی - که در آخرالزمان و در روزگار استیلائی ظلمت بر ساحت های مختلف حیات جامعه بشری به وقوع می پیوندد - به عنوان یک انقلاب عظیم فرهنگی، تمام مؤلفه ها و پدیده های فرهنگی را متحول ساخته، سبب تغییرات و دگرگونی های گسترده فرهنگی می شود.

این تحولات در حالی رخ می دهد که جامعه در آستانه ظهور، وضعیت فرهنگی نامساعد و نامطلوبی دارد و با ظهور منجی و ایجاد اصلاحات بنیادین، موقعیت فرهنگی جهان در چنان جایگاه مطلوب و ایده آلی قرار می گیرد که تا آن زمان، بشریت مانند آن را تجربه نکرده است.

پس از ظهور، دین به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های فرهنگی، چنان احیاء و تجدید می شود که همگان می پندارند، دین جدیدی عرضه شده است.

اخلاق، جایگاه شایسته خود را می یابد و مفاصد اخلاقی ریشه کن شده، فضایل اخلاقی جایگزین رذایل می شوند و روابط انسان ها با یک دیگر، بر اخلاق مبتنی می گردد.

با رشد دوازده برابری «علم»، درهای علوم ناشناخته به روی بشر گشوده شده، جهان در اوج قلّه پیشرفت قرار می گیرد.

عدالت در تمامی ابعادش به جای جای جامعه نفوذ می کند و در جهان آکنده از عدالت، جایی برای ظلم و ستم باقی نمی ماند.

انقلاب اقتصادی، منجر به نابودی فقر، و فراوانی نعمت و ثروت در جامعه می شود.

امنیت، سایه تسکین بخش خود را بر جهان می اندازد و جایی برای جنگ و آشوب و نزاع نمی گذارد، و خلاصه، حکومت عدل جهانی مستقر شده، همه مردم را از برکاتش بهره مند می سازد.

تحقیق حاضر، با موضوع «موقعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت، از منظر متون اسلامی و عهد جدید»، در پنج فصل تنظیم شده است.

در «فصل اول»، به بیان «کلیات» و مفاهیم پرداخته شده است.

در «فصل دوم»، با استفاده از روایات، «وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منجی» مورد بررسی قرار گرفته تا از این رهگذر، دست یابی به عمق و گستره تحولات پس از ظهور میسر شود. در این فصل، شناخت وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منجی، از طریق بررسی مؤلفه های فرهنگی (شامل دین، اخلاق، علم، سیاست، اقتصاد، امنیت و بهداشت) صورت گرفته است.

در «فصل سوم»، «موقعیت فرهنگی جهان پس از ظهور» مورد سوال است. بدین منظور - مانند فصل پیش - وضعیت مؤلفه های فرهنگی در عصر پس از ظهور، به تفکیک از منظر آیات و روایات، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، تا برآیند آن ها، وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور را به دست دهد. در این فصل، چگونگی تحولات و تغییرات فرهنگی عصر ظهور بیان شده و چهره درخشان و بی بدیل آن دوران به تصویر کشیده شده است.

سؤال مهمی که ایجاد می شود، این است که آیا وضعیت مطلوب فرهنگی عصر ظهور، پس از پایان زندگی منجی هم ماندگار است؟ آیا دولت عدل جهانی که با محوریت تعالی فرهنگی تأسیس شده، تا برپایی قیامت تداوم و ثبات خواهد داشت؟ اساساً سرنوشت جهان پس

از پایان زندگی امام چه خواهد شد؟ این‌ها سؤالاتی است که در «فصل چهارم» با موضوع «وضعیت جهان پس از پایان زندگی امام» به آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

در این فصل، از آن‌جا که با محدودیت منابع مواجهیم و از روایات، اطلاعاتی راجع به وضعیت فرهنگی جهان پس از امام به دست نمی‌آید، به ناچار، از طریق بررسی وضعیت حاکمیت پس از امام، سعی در یافتن پاسخی برای سؤالات موجود می‌شود.

در این فصل، به سؤال مهم دیگری نیز پاسخ داده می‌شود؛ این‌که: با توجه به اشارات برخی آیات و روایات، دال بر وقوع قیامت در زمان بدترین مردم، آیا این مطلب نافی تداوم حاکمیت عدل جهانی تا پایان جهان نیست؟

پس از این‌که موقعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت، از منظر متون اسلامی به دست آمد، مسأله را از منظر «عهد جدید» - کتاب مقدس مسیحیان - پی می‌گیریم، زیرا اعتقاد به منجی، در دین اسلام منحصر نمی‌شود و مسیحیان نیز در چشم داشت روز موعودی هستند که برای نجات و رستگاری آن‌ها به دست «مسیح» تعیین شده است. آنان در انتظار «بازگشت مسیح» اند تا به دست او تبعیض‌ها، ظلم‌ها و تاریکی‌ها، تبدیل به عدالت، امید و مهر شود و لذا، مسیحیت و اسلام از این حیث، در عین تمایز در بعضی جهات، دارای اشتراکاتی هستند.

در «فصل پنجم»، «وضعیت جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر عهد جدید» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل مشخص می‌شود که وضعیت جهان در آستانه بازگشت مسیح، با آن‌چه از روایات اسلامی در خصوص آستانه ظهور به دست آمد منطبق است، ولی راجع به تحولات پس از بازگشت مسیح، و به خصوص «برقراری ملکوت الهی» به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف بازگشت، ابهاماتی وجود دارد.

فصل اول: کلیات

اشاره

ص: ۴

در این فصل به منظور معرفی اجمالی این تحقیق، به بیان مقدمات و مفاهیم کلیدی می پردازیم.

#### ۱-۱. تبیین مسأله

از دیرباز، عالمان مسلمان- اعم از محدثان، مفسران و متکلمان- در آثار خود به موازات دیگر موضوعات و بحث های علمی، به گفت و گو درباره ظهور مردی از خاندان نبوی (صلی الله علیه و آله) به نام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخته اند که در دوره پایانی جهان و پیش از برپایی قیامت و در هنگامه فراگیر شدن ستم در ساحت های مختلف جامعه بشری رخ می نماید و مژده به قیام او را از یک سو خبری خوش آیند درباره رهایی نظام جهانی از سیطره حاکمیت زورمندان، زردستان و تزویرگران شمرده، از دیگر سو، از آن قیام به عنوان عامل برقراری نظم و نظامی جدید یاد نموده اند که بر خداپرستی و فرمان برداری از قوانین الهی مبتنی بوده، با هدف تحقق بخشیدن به اصل کرامت انسانی و عدالت در عرصه های مختلف زندگی، همراه با امنیت، ثبات، آسایش مادی و آرامش معنوی به وقوع خواهد پیوست.

مطالعه و بررسی روایات اسلامی پیرامون رویداد ظهور و قیام منجی و پیامدهای آن نشان می دهد که این پدیده موجبات تغییر و تحولاتی عظیم را در شئون مختلف زندگی بشری فراهم آورده، جامعه را در مسیر نیل به تعالی و کمال قرار می دهد. از آن جایی که عمده این دیگرگونی ها، از طریق تغییر در اندیشه، ایدئولوژی، جهان بینی، ارزش ها ایجاد می شود، ظهور و



قیام منجی را در حقیقت باید یک انقلاب عظیم فرهنگی دانست که سبب ساز تحولات و دگرگونی‌هایی وسیع شده، تمام مؤلفه‌ها و پدیده‌های فرهنگی را زیر و رو می‌سازد.

این رساله بر آن است تا به بررسی تغییراتی بپردازد که با ظهور منجی در وضعیت فرهنگی جهان ایجاد می‌شود و به عبارتی، بنا دارد تأثیرات حضور او را در تحول پارامترها و مؤلفه‌های فرهنگی، در فاصله دو رویداد مهم ظهور و قیامت مورد واکاوی قرار دهد.

پس از معرفی فرهنگ و مشخص نمودن اجزاء و مؤلفه‌های آن، به منظور دست‌یابی به عمق و گستره تحولات دولت مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عرصه فرهنگ، به وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور مهدی (علیه السلام) پرداخته ایم و بعد از آن، با ترسیم چهره فرهنگی جهان پس از ظهور، سعی در توصیف تأثیرگذاری عمیق منجی در این حیطة داشته ایم.

اما مسأله‌ای که تاکنون - با وجود حجم وسیع تحقیقات و پژوهش‌های حوزه مهدویت - مغفول مانده، سرنوشت جهان پس از پایان زندگی حضرت مهدی (علیه السلام) است. آیا موقعیت مطلوب فرهنگی عصر ظهور، پس از حضور امام هم‌ماندگار خواهد بود؟ آیا پس از امام، حاکمیت ارزش‌ها تداوم خواهد یافت؟ آیا دولت کریمه مهدوی تا برپا شدن قیامت پایدار می‌ماند؟ این‌ها سؤالاتی است که در ادامه تحقیق، بدان‌ها پاسخ داده می‌شود و با وجود محدودیت منابع، سعی شده است تصویری - هرچند کلی - از وضعیت جهان پس از پایان زندگی امام ارائه شود.

چنان‌که می‌دانیم، اعتقاد به منجی و آینده درخشانی که به دست او رقم می‌خورد، ویژه اسلام نیست و همه ادیان و مکاتب چشم به راه منجی نجات‌بخش خویش‌اند. در این میان، مسیحیان در انتظار «بازگشت مسیح»‌اند و سعادت و حیات ابدی خود را در گرو بازگشت دوباره او می‌بینند. اما اگرچه مسیحیان در مورد ظهور دوباره عیسی (علیه السلام) اتفاق نظر دارند، عهد جدید به عنوان کتاب مقدس ایشان و حجت دینی مسیحیت، در ارتباط با دوره بعد از بازگشت مسیح تا وقوع قیامت، دارای ابهاماتی است و به دشواری می‌توان تصویری روشن و هماهنگ از تحولات پس از بازگشت مسیح ارائه کرد. در این تحقیق، سعی شده تا وضعیت جهان در فاصله بازگشت مسیح تا وقوع قیامت از منظر عهد جدید مورد بررسی قرار گیرد.

## ۱-۲. سؤالات پژوهش

۱- با توجه به آیات قرآن، روایات اسلامی و نوشته های عهد جدید، وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منجی چگونه است؟

۲- با توجه به آیات قرآن، روایات اسلامی و عهد جدید، ظهور منجی چه تأثیراتی بر وضعیت فرهنگی جهان دارد؟

۳- با توجه به انعکاس دیدگاه های مختلف در مورد وضعیت جهان بعد از پایان زندگی منجی، جهان در آن هنگام در چه موقعیتی قرار می گیرد؟

۴- قرآن، روایات و عهد جدید، وضعیت فرهنگی عالم در آستانه قیامت را چگونه پیش بینی می کند؟

### ۳-۱. فرضیه های پژوهش

۱- منجی در حالی می آید که وضعیت فرهنگی جهان، نامطلوب و نگران کننده است، اما آمادگی پذیرش حق وجود دارد.

۲- ظهور منجی تأثیرات شگرفی بر وضعیت فرهنگی جهان می گذارد؛ همه مؤلفه های فرهنگی یا متأثر از فرهنگ به کلی دگرگون می شود.

۳- سیر کلی جهان- به لحاظ فرهنگی- رو به تکامل بوده، پس از پایان زندگی منجی نیز متوقف نمی شود؛ وجود مظاهر مغایر با تکامل امری حاشیه ای است.

۴- قیامت در حالی رخ می دهد که انسان ها با عقاید و ادیان مختلف در صحنه جهان حضور دارند، اما غلبه با دین حق است.

### ۴-۱. روش پژوهش

روش پژوهش در این پایان نامه، روش کتابخانه ای، و روش گردآوری اطلاعات، فیش برداری است. در این شیوه از روش های توصیفی (گزارش اطلاعات گردآوری شده)، انتقادی (ارزیابی اطلاعات و شناسایی صحت و سقم آن ها)، تحلیل علمی (روشن ساختن نقاط تاریک زوایای مطلب)، ترجمه متون نیازمند ترجمه، و تفسیر متون نیازمند تفسیر، و تقسیم و دسته بندی اطلاعات و روشن ساختن اقسام مختلف آن استفاده شده است.

مطالب این پایان نامه، از دیدگاه قرآن، روایات و عهد جدید مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

## ۵-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

اگرچه درباره واقعه بزرگ ظهور، مقدمات و پیامدهای آن، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته، اما دامنه همه آن‌ها محدود به زمان حیات منجی شده است و راجع به سرنوشت جهان در فاصله پایان زندگی منجی تا وقوع قیامت، ابهامات زیادی وجود دارد. بنابراین، رفع ابهام از وضعیت جهان پس از حیات منجی ضروری می‌نماید.

در همین راستا، آیات و روایات ظاهراً متضادی وجود دارد که فحوای شماری از آیات و روایات بر تداوم حاکمیت ارزش‌ها تا زمان برپایی قیامت دلالت می‌کند، و برخی آیات و روایات دیگر، حاکی از وقوع قیامت در زمان بدترین مردم است؛ رفع تناقض در این مورد نیز ضروری به نظر می‌رسد.

علاوه بر آن، ارائه گزارشی همه‌جانبه و منسجم از وضعیت فرهنگی جهان در بازه زمانی آستانه ظهور تا وقوع قیامت، از دیگر ضروریات این تحقیق است.

در کنار متون اسلامی، استفاده از عهد جدید به عنوان کتاب مقدس مسیحیان، برای بررسی وضعیت فرهنگی جهان در آستانه بازگشت مسیح و پرداختن به تحولات پس از آن، خالی از فایده نیست؛ بلکه از آن‌جا که عهد جدید تصویر روشن و هماهنگی از تحولات پس از بازگشت مسیح ارائه نمی‌دهد و نائل شدن به ملکوت الهی - که از مهم‌ترین اهداف بازگشت اوست - به چند صورت ناهم‌سان مطرح شده است، در این زمینه، رفع ابهام تا حد ممکن ضروری به نظر می‌رسد.

## ۶-۱. اهداف و کارکردها

۱- ترسیم چهره فرهنگی جهان هم‌زمان با ظهور منجی، از طریق پرداختن به جایگاه مؤلفه‌های فرهنگی از قبیل دین، اخلاق، علم و ... در آن محدوده زمانی.

۲- توصیف تحولات و دگرگونی های مرتبط با فرهنگ، پس از ظهور منجی؛ از جمله تحولات عرصه دین، اخلاق و روابط انسانی، علم، حکومت، قضا، اقتصاد، امنیت، بهداشت.

۳- پرداختن به وضعیت جهان پس از پایان زندگی منجی، از طریق انعکاس دیدگاه های مختلف راجع به تداوم یا عدم تداوم حاکمیت ارزش ها.

۴- ارائه چشم انداز عهد جدید در خصوص وضعیت فرهنگی جهان قبل و بعد از ظهور منجی و بررسی ابهامات آن.

## ۷-۱. پیشینه تحقیق

بشر به مقتضای حبّ ذات و طبیعت جست و جوگر خود، همواره به سرانجام دنیا می اندیشیده است و به دنبال پیش بینی آینده و اظهار نظر درباره پایان تاریخ بوده است و لذا، پژوهش های فراوان و متعددی در این زمینه صورت گرفته و سرنوشت آینده بشر مورد سؤال و بررسی قرار گرفته است.

در این راستا، موضوعاتی مثل آخرالزمان، علائم و نشانه های آخرالزمان، موعود آخرالزمان، پایان تاریخ، منجی در ادیان و مکاتب مختلف، واقعه ظهور منجی، وقایع آستانه ظهور و پیامدهای آن، از جمله موضوعاتی هستند که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. در این باب، دیدگاه های مختلفی مطرح گردیده و برای طرح این دیدگاه ها به قرآن و روایات اسلامی استناد شده و از علوم مختلفی از جمله کلام، فلسفه، تاریخ و ... استمداد شده است.

آثار متعدد و فراوانی در این زمینه خلق شده است، که تعدادی از مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱- الغیبه: محمد بن ابراهیم نعمانی - قرن چهارم،

۲- کمال الدین و تمام النعمه: محمد بن علی ابن بابویه - قرن چهارم،

۳- الغیبه: محمد بن حسن طوسی - قرن پنجم،

۴- منتخب انوار المضيئه فی ذکر القائم الحجة (علیه السلام): علی بن عبدالکریم بهاء الدین نیلی نجفی - قرن نهم،

۱- بحار الأنوار (جلد ۵۱): محمدباقر مجلسی - قرن دوازدهم،

۲- منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر: لطف الله صافی گلپایگانی - معاصر،

۳- معجم أحادیث الإمام المهدي (عليه السلام): تحت نظر شیخ علی کورانی - معاصر.

اما آن چه مورد نظر این پایان نامه است، بررسی وضعیت فرهنگی جهان، در فاصله دو رویداد مهم ظهور و قیامت به طور خاص است که پس از تفحص مشخص گردید که پژوهش متمرکز و موسعی در این زمینه صورت نگرفته است؛<sup>(۱)</sup> به خصوص در فاصله زمانی پایان زندگی منجی تا وقوع قیامت، شاید بتوان ادعا کرد که به کلی مغفول مانده، به جز اشاراتی پراکنده، مطلب مهم دیگری درباره آن نمی توان یافت.

## ۸-۱. مفاهیم کلیدی

### اشاره

مهم ترین و کلیدی ترین مفاهیم به کار برده شده در این تحقیق به شرح زیر است:

### ۱-۸-۱. فرهنگ

درباره واژه فرهنگ، از نظر علمی تعاریف بسیاری شده است، تا جایی که شمار آن ها به بیش از ۲۵۰ مورد می رسد.<sup>(۲)</sup> از بین تعاریف ارائه شده، در این نوشتار به تعدادی از تعاریف مهم بسنده می شود.

تایلور، فرهنگ را این گونه تعریف می کند:

«فرهنگ یا تمدن، کلیت درهم تافته ای شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت است که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد».<sup>(۳)</sup>

در تعریف دیگری از فرهنگ، مارتین به عنوان یک جامعه شناس فرهنگی، فرهنگ را شامل در تمامی محتواهای فکری و ارزشی که زندگی انسانی را از زندگی حیوانی متمایز و

ص: ۱۰

---

۱- پایان نامه ای که به نظر می رسد بیشترین قرابت موضوعی را با موضوع این رساله داشته باشد، «مفهوم آخرالزمان در ادیان ابراهیمی» نوشته محمدحسین محمدی (موجود در دانشگاه قم) بود که البته پس از بررسی روشن شد اشتراک قابل توجهی با موضوع این تحقیق ندارد.

۲- محمدجواد ابوالقاسمی، شناخت فرهنگ، ص ۵۸.

۳- داریوش آشوری، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، [بی نا]، (تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷ش)، ص ۳۹.

برجسته می سازد می داند ودین، خانواده، اقتصاد، تکنیک، دولت، سیستم دفاعی و ... را نیز دربر می گیرد. (۱)

در تعریف دیگری، فرهنگ شیوه زندگی یک ملت دانسته شده است:

«فرهنگ، شیوه زندگی یک ملت است که الگوهای قراردادی از تفکر و رفتار، شامل ارزش ها، عقاید، مقررات، سلوک، سازمان های سیاسی، فعالیت های اقتصادی و امثال آن را - که از طریق یادگیری، و نه توارث زیستی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود- دربر می گیرد». (۲)

در تعریف زیر، فرهنگ متضمن نظام های مختلف جامعه شده است:

«مجموع روش ها، آداب و رسوم، و ارزش های یک اجتماع معین، که متضمن نظام اقتصادی، اجتماعی، ساخت سیاسی، علم، دین، تربیت، هنر و سرگرمی ها می باشد». (۳)

در تعریف دیگری، آمده است:

«فرهنگ، عبارت است از تمام عوامل مربوط به شناسایی، اعتقاد، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم، نحوه معیشت، و امکانات علمی دیگر، که به وسیله فرد از جامعه کسب شده است». (۴)

دکتر فرامرز رفیع پور، درباره تجزیه فرهنگ به بخش های مختلف و ارتباط آن با میزان پیشرفت در هر جامعه معتقد است:

«(در یک جامعه پیشرفته) در پی پیشرفت علم و تکنولوژی، و هم چنین تقسیم کار، بخش های مختلف فرهنگ تجزیه یافته، هریک در سطح وسیعی رشد می کنند». (۵)

او این بخش ها را شامل موارد زیر می داند:

۱- علم، ۲- تکنولوژی، ۳- آموزش، ۴- بهداشت و طب، ۵- معماری، ۶- کشاورزی، ۷- دفاعی، ۸- ارتباطات، ۹- قانون و قضاوت، ۱۰- اقتصاد، ۱۱- ورزش و ...». (۶)

ص: ۱۱

۱- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، چاپ اول، (تهران: انتشار، ۱۳۷۸ ش)، ص ۲۹۷.

۲- محمدجواد ابوالقاسمی، شناخت فرهنگ، ص ۵۸.

۳- محمدجواد ابوالقاسمی، شناخت فرهنگ، ص ۷۲.

۴- محمدجواد ابوالقاسمی، شناخت فرهنگ، ص ۷۲.

۵- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، چاپ اول، (تهران: انتشار، ۱۳۷۸ ش)، ص ۳۰۵.

۶- فرامرز رفیع پور، آناتومی جامعه؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی، چاپ اول، (تهران: انتشار، ۱۳۷۸ ش)، ص ۳۰۵.

با دقت در تعاریف ارائه شده و با توجه به دیدگاه صاحب نظران، می توان گفت فرهنگ هم امری است معنوی و هم مادی؛ فرهنگ معنوی عبارت است از عقاید، باورها، نگرش ها، و کلاً جهان بینی افراد، و فرهنگ مادی عبارت است از تجلی فرهنگ معنوی در عناصر زندگی انسانی، همچون اوقات فراغت، حقوق، قانون، اقتصاد، تعلیم و تربیت، سیاست، و دیگر عناصر زندگی. (۱)

با توجه به تعاریف ارائه شده، برای دست یابی به وضعیت فرهنگ در یک جامعه، باید وضعیت مؤلفه ها و بخش های آن مشخص شود، و هرچه مؤلفه های بیشتری مورد بررسی قرار گیرد، شناخت روشن تری از فرهنگ میسر خواهد شد.

در این تحقیق، برای دست یابی به موقعیت فرهنگی، مؤلفه های زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱- دین، ۲- اخلاق، ۳- علم، ۴- اقتصاد، ۵- قانون و قضا(قضاوت)، ۶- سیاست (حکومت)، ۷- امنیت و ۸- بهداشت.

با بررسی این مؤلفه ها در محدوده های زمانی مشخص، مثل آستانه ظهور منجی و پس از ظهور او، به وضعیت فرهنگی در آن محدوده ها دست خواهیم یافت.

## ۲-۸-۱. آخرالزمان

«آخرالزمان» اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا، به معنای آخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت. (۲) محدوده آخرالزمان به دقت قابل اندازه گیری نیست؛ با این حال در فرهنگ اسلامی، با استفاده از روایات می توان بعثت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) را سرآغاز دوره «آخرالزمان» دانست که البته در بیشتر روایات، آخرالزمان به دوره پایانی که با ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مقارن است، اطلاق شده است. (۳)

منظور ما نیز از واژه «آخرالزمان» در این تحقیق، همین دوره پایانی مقارن با ظهور است.

ص: ۱۲

۱- محمدجواد ابوالقاسمی، شناخت فرهنگ، ص ۸۶.

۲- مجتبی تونه ای، موعودنامه، چاپ سوم، (قم: میراث ماندگار، ۱۳۸۵ ش)، ص ۳۴.

۳- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برگزیده فرهنگ قرآن، چاپ اول، (قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش)، ج ۱، ص ۱۱۵..



همه ادیان الهی و بیشتر مکاتب بشری، درباره پایان تاریخ اظهار نظر کرده اند. در همه پیش گویی های مربوط به آخرالزمان نیز خبرهای وحشتناک و نگران کننده ای وجود دارد، ولی اغلب بر این امر اتفاق نظر است که پایان کار بشر، روشن و سعادت آمیز است و در تمام فرقه ها و مذاهب اسلامی، کم و بیش سرانجام سعادت مند بشر پیش بینی شده است. (۱)

در دین اسلام، متون اسلامی که شامل قرآن کریم و روایات اسلامی می شود، به تحولات آخرالزمان پرداخته اند. قرآن کریم با قطعیت تمام، پیروزی نهایی ایمان اسلامی (۲)، غلبه قطعی صالحان و متقیان (۳)، کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه (۴)، و آینده درخشان و سعادت مندانه بشریت (۵) را نوید داده است.

این اندیشه، بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ، و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر می باشد که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها فوق العاده تاریک و ابتر است. (۶)

عده ای از مفسران و علمای متأخر (۷)، آیات و روایات مربوط به تحولات آخرالزمان را بیانگر نوعی فلسفه تاریخ می دانند. در نظر اینان، تحولات آخرالزمان که در روایات بیان شده، چیزی جز آینده طبیعی جامعه انسانی نیست؛ عصر آخرالزمان، عبارت است از دوران شکوفایی تکامل اجتماعی و طبیعی نوع انسان؛ چنین آینده ای امری است محتوم، و مسلمانان باید انتظار آن را بکشند. در چارچوب این برداشت فلسفی، آخرالزمان قطعه معینی از تاریخ نوع انسان است

ص: ۱۳

۱- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، برگزیده فرهنگ قرآن، چاپ اول، (قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش)، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲- {هو الّٰذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدّین کله و لو کره المشرکون} (سوره توبه، آیه ۳۳ و سوره صف، آیه ۹).

۳- {و لقد کتبنا فی الزّبور من بعد الذّکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصّالحون} (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵).

۴- {و نرید أنّ نمّنّ علی الدّین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمه و نجعلهم الوارثین\* و نمکنّ لهم فی الأرض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون} (سوره قصص، آیات ۶ و ۵)

۵- {قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا أنّ الأرض لله یرثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتّقین} (سوره اعراف، آیه ۱۲۸).

۶- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی (علیه السلام) از دیدگاه فلسفه تاریخ، چاپ چهلیم، (تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ ش)، ص ۱۴.

۷- از جمله این علما، شهید مطهری است که در کتاب قیام و انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیدگاه فلسفه ی تاریخ، به طور مبسوط به این مسئله پرداخته است.

که نه می تواند پیش افتد و نه ممکن است واپس افکنده شود. نوع انسان باید حرکت تکاملی تدریجی خود را که بر مبنای پیروزی تدریجی حق بر باطل صورت می گیرد، همواره دنبال کند تا به دوره آخرالزمان برسد.

در نقطه مقابل این تصور- که طرحی برای فلسفه تاریخ است- در آثار اکثر مسلمانان قدیم، اعم از شیعه و سنی، مسأله آخرالزمان ظاهراً به فلسفه تاریخ ربط داده نشده است. در نظر آنان، تحولات آخرالزمان امری است غیرعادی که در آخرین بخش از زندگی نوع انسان واقع می شود و به تحولات قبلی جامعه انسانی مربوط نمی گردد. در آثار آن ها، تاریخ عبارت است از مجموعه حوادث پراکنده، و پیروزی حق بر باطل در آخرالزمان حادثه ای است مخصوص همان عصر، و نه فلسفه ای که تاریخ بر اساس آن حرکت می کند. مبنای عقیده به حکومت توحید و عدل در آخرالزمان نیز صرفاً همین است که چنین مطلبی از طریق روایات پیش گویی شده است. (۱)

نکته دیگری که شایان توجه است این که: کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان، از جمله مطالبی است که تقریباً در میان همه مذاهب و فرقه های بزرگ اسلامی پذیرفته شده است، ولی این که آیا تحولات آخرالزمان با ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پدیدار خواهد شد، و نیز این که آن موعود چه کسی است، مورد اختلاف است.

### ۳-۸-۱. علائم آخرالزمان

در فرهنگ عامه مسلمانان، مخصوصاً شیعه، آخرالزمان حکایت از عصری می کند که مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن ظهور می کند و تحولات ویژه ای در جهان رخ می دهد. در روایات مسلمانان، برای این عصر مشخصات ویژه ای به نام علائم آخرالزمان نقل شده است. (۲)

ص: ۱۴

---

۱- کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، (تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش)، ص ۱۳۴.

۲- کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، (تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش)، ص ۱۳۳.

دسته ای از علائم آخرالزمان، شامل حوادث و تحولات اجتماعی در واپسین دوره حیات بشری می گردد که معمولاً در کتاب هایی تحت عنوان «الملاحم و الفتن»<sup>(۱)</sup> و کتاب های مربوط به غیبت امام زمان<sup>(۲)</sup> بررسی می شود.

از مجموع روایاتی که در کتاب های حدیث، تفسیر و تاریخ درباره عصر ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود نقل شده، دو مطلب درباره مشخصات آخرالزمان - به معنی عصر مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - به صورت تواتر معنوی به دست می آید: نخست این که، در این عصر پیش از ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فساد اخلاقی و بیداد و ستم، همه جوامع بشری را فرا می گیرد و به صورت عام ترین پدیده در روابط انسان ها درمی آید؛ دیگر این که، پس از ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تحول عظیمی در جوامع واقع می شود؛ فساد و ستم از میان می رود و توحید، عدل، و رشد کامل عقلی و علمی در سراسر زندگی انسان ها گسترش می یابد.

برخی مجموعه مشخصات و علائم آخرالزمان را که مربوط به عصر مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می شود و در احادیث پیش گویی شده است، چنین تفسیر کرده اند: پیروزی نهایی صلح و عدالت و آزادی، حکومت جهانی واحد، عمران تمام زمین، بلوغ بشریت به خردمندی کامل و آزادی از جبرهای طبیعی و اجتماعی، برقراری مساوات کامل میان انسان ها در امر ثروت، محو کامل مفساد اخلاقی، و منتفی شدن جنگ و ناسازگاری انسان و طبیعت.<sup>(۳)</sup>

علاوه بر اصطلاح «علائم آخر الزمان»، اصطلاح مشابه دیگری نیز در فرهنگ مسلمانان وجود دارد و آن «اشراط الساعة» است؛ به معنی علائم برپا شدن قیامت. هرچند این اصطلاح به علائم وقوع قیامت اختصاص دارد، بررسی روایاتی که زیر این عنوان قرار دارد نشان می دهد که مضمون این روایات مطالب مشترک بسیاری با روایات آخر الزمان دارد و بسیاری از علائم در هر دو دسته از روایات ذکر شده است.

ص: ۱۵

---

۱- الملاحم و الفتن ابن طاووس و الفتن و الملاحم فی آخر الزمان اثر ابن کثیر.

۲- الغیبة اثر طوسی و الغیبة نعمانی.

۳- کاظم موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، (تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش)، ص ۱۳۵.

پیامبر می فرماید: «ده چیز پیش از برپایی قیامت، ناگزیر رخ خواهد داد: خروج سفیانی و دجال، پیداشدن دود و چهارپا (دابه)، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب، فرود آمدن عیسی (علیه السلام) از آسمان، فرو رفتن [افرادی] (در زمین) در ناحیه مشرق و فرو رفتن در منطقه جزیره العرب، آتشی که از انتهای عدن برمی خیزد و مردمان را به سوی صحرای محشر می کشاند» (۱).

برابر این حدیث، خروج سفیانی و دجال، فرو رفتن در منطقه جزیره العرب و نزول عیسی (علیه السلام) از نشانه های قیامت است و حال آن که در روایات دیگر، آن ها به روشنی از نشانه های ظهور معرفی شده اند. البته همه این رخدادها که از وقوع آن ها خبر داده شده، چه به عنوان نشانه های ظهور و چه به مثابه نشانه های قیامت، پیش از برپایی رستاخیز - هرچند با فاصله زیاد- واقع خواهد شد. با این حساب، آن چه در طول دوره غیبت کبری واقع شود، به طور طبیعی پیش از برپایی قیامت واقع شده و در نتیجه، از نشانه های قیامت است. بر این اساس، همه نشانه های ظهور، به گونه ای نشانه های قیامت نیز است، ولی همه نشانه های قیامت نمی تواند نشانه های ظهور باشد، زیرا ممکن است برخی از آن ها پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع شود. (۲)

شناخت «آخرالزمان» و «علائم» آن، در ادیان یهود، مسیحیت و زرتشت نیز حائز اهمیت است. در عهد جدید هم به این مطلب پرداخته شده و مکاشفه یوحنا (۳) به طور کامل به حوادث ناگوار آخرالزمان اختصاص یافته و در پایان آن، به برقراری صلح و آرامش در جهان تحت حاکمیت مؤمنان اشاره شده است.

۴-۸-۱. منجی

ص: ۱۶

---

۱- محمدبن حسن طوسی، الغیبه، (تصحیح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح)، چاپ اول، (قم: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق)، ص ۴۳۶.

۲- مجتبی تونه ای، موعودنامه، چاپ سوم، (قم: میراث ماندگار، ۱۳۸۵ ش)، ص ۱۰۵.

۳- عهد جدید، مکاشفه یوحنا ۴-۲۲.

منجی به معنای نجات دهنده ای است که با خروج خود عدل و قسط و گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان به ارمغان خواهد آورد، به ستم و تجاوز ظالمان در پهنه کره خاکی پایان خواهد بخشید، و یک دولت کریمه عدل پرور و دادگستر بنیان خواهد نهاد.

این آموزه به عنوان یک اعتقاد عمومی و همگانی مطرح است؛ به گونه ای که امروزه هیچ مذهب و آیینی را نمی توان یافت که باور به ظهور منجی بزرگ جهانی، از جمله تعالیم اصلی و پایه های اعتقادی آن نباشد. یهودیان مانند مسیحیان- که به بازگشت عیسی (علیه السلام) معتقدند- به ظهور مسیحای منجی می اندیشند و همان گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت «بهرام شاه» اند، نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود «تئودور» موعود هستند؛ هندوها نیز به خروج «ویشنو» دل بسته اند، مجوسی ها به زنده بودن «هوشیدر» اعتقاد راسخ دارند، و بودایی ها منتظر باز آمدن «بودا» هستند؛ اسپانیایی ها مترقب بزرگ خود «رودریک» اند و اقوام مغول هم رهبر خود، «چنگیز» را منجی بزرگ می شمارند. هم چنین، ایده «ظهور منجی» در مصر باستان هم رواج داشته، همان گونه که در متون کهن چین هم دیده شده است.<sup>(۱)</sup>

در میان مسلمانان نیز در اصل اعتقاد به ظهور یک منجی در آخرالزمان، هیچ گونه اختلافی نیست؛ هرچند در مصداق آن اختلافاتی وجود دارد، لیکن تمامی امت اسلامی بر این باورند که اسم مبارک وی «محمد» و لقب او «مهدی» است. علامه طباطبایی (رحمه الله) در این باره می نویسد:

«بشر از روزی که روی زمین سکنی گزیده، پیوسته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت می باشد و به امید رسیدن چنین روزی قدم برمی دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی بست؛ چنان که اگر غذایی نبود، گرسنگی نبود، اگر آبی نبود، تشنگی تحقق نمی یافت و از این روی، به حکم ضرورت، آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که آن روز جامعه بشری پر از عدل و داد شده، با صلح و صفا زندگی خواهند کرد و افراد انسانی، غرق فضیلت و کمال می شوند. البته

ص: ۱۷

---

۱- مجتبی تونه ای، موعودنامه، چاپ سوم، (قم: میراث ماندگار، ۱۳۸۵ ش)، ص ۷۱۶.

استقرار چنان وضعی به دست خود انسان خواهد بود، و رهبر چنین جامعه ای، منجی جهان بشری- و به لسان روایات، «مهدی» - خواهد بود»<sup>(۱)</sup>.

## ۵-۸-۱. مهدویت

مصدر جعلی مهدی، به معنای مهدی بودن است. در اصطلاح، اعتقاد به ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را گویند که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری، و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است.<sup>(۲)</sup>

مهدویت، گفتمان برجسته اسلامی- و نه فقط شیعی- است که همواره مورد توجه محدثان، متکلمان و اندیشوران مسلمان بوده است، و اهل سنت و شیعه، ضمن اعتقاد به اصل مهدویت، دارای اشتراکات و افتراقاتی در این زمینه هستند.

به طور خلاصه، مشترکات شیعه و سنی در مهدویت عبارتند از: نسبت و شمایل امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ این که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و از فرزندان آن حضرت، و هم نام و هم کنیه ایشان است، و این که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فرزند امام علی (علیه السلام) و از نسل حضرت فاطمه علیها السلام است.<sup>(۳)</sup>

مهم ترین مورد اختلاف شیعه و اهل سنت در باب مهدویت، ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. در جامعه شیعه دوازده امامی، هم در میان عالمان و صاحب نظران و هم میان مردم عادی، تولد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مورد اجماع بوده، بلکه بالاتر از آن، از ضروریات مذهب شیعه به شمار می آید، درحالی که بیشتر اهل سنت به دنیا آمدن آن حضرت را نپذیرفته اند و بر این باورند که مهدی موعودی که در احادیث اسلامی به آن نوید داده شده، هنوز متولد نشده است و در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد.<sup>(۴)</sup>

ص: ۱۸

۱- سیدمحمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام، [بی نا]، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش)، ص ۲۲۰.

۲- مجتبی تونه ای، موعودنامه، چاپ سوم، (قم: میراث ماندگار، ۱۳۸۵ ش)، ص ۷۱۱.

۳- مهدی اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، چاپ اول، (قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش)، صص ۱۰۸-۱۱۵.

۴- مهدی اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، چاپ اول، (قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش)، ص ۲۰۵.

در این تحقیق، مباحث مربوط به منجی و مسائل پیرامون آن، از دیدگاه شیعه مطرح گردیده است.

#### ۶-۸-۱. ظهور

در روایات، تعبیر گوناگونی نسبت به «ظهور» وجود دارد؛ مانند یظهر، یبعث، یخرج و یقوم. در برخی از موارد همه این تعبیر، بیانگر یک حقیقت واحد است و آن، تحقق وعده الهی و آمدن حضرت مهدی (علیه السلام) می باشد.

#### ۷-۸-۱. متون اسلامی

منظور از «متون اسلامی» در این تحقیق، منابع اصلی اسلامی، شامل قرآن کریم و روایات اسلامی است.

#### ۸-۸-۱. عهد جدید

عهد جدید- کتب مقدس مسیحیان- شامل ۲۷ کتاب است که بعضی از آن ها درباره زندگی عیسی (علیه السلام) و برخی دیگر درباره برنامه ها و مسائل عملی جامعه جوان مسیحی است. عهد جدید با یک مکاشفه به پایان می رسد که تفسیر مسیحا از پایان جهان است.

این کتاب ها در مجموع نوشته های معتبر مسیحیت بوده، الهام خداوند تلقی می شوند.

۲۷ کتابی که عهد جدید را تشکیل می دهد، شامل چهار انجیل، ۲۱ نامه، اعمال رسولان و کتاب مکاشفه است.

بیشتر آن چه درباره عیسی مسیح (علیه السلام) می دانیم، از طریق اناجیل است، و بیشتر اطلاعات راجع به مسیحیان اولیه، به واسطه نامه ها یا رساله هاست. نامه های رسولان، دستوراتی است که برخی از رسولان و حواریون عیسی (علیه السلام) به افراد و هیأت های اولیه مسیحی نوشته و طی آن، تعلیمات لازم را بیان داشته اند.

مکاشفه یوحنا، آخرین کتاب عهد جدید است که پایان جهان را به تصویر می کشد و به زبانی کاملاً نمادین، و برای امیدوار نگه داشتن مسیحیان در طول دوره مشقت شدید نوشته شده است.

## فصل دوم: وضعیت فرهنگی جهان در آستانه ظهور منجی از منظر روایات

اشاره

ص: ۲۰



برای پی بردن به عمق و گستره تحولات پس از ظهور منجی، آشنایی با جهان در آستانه ظهور، ضروری به نظر می رسد.

روایات زیادی وضعیت جهان در آستانه ظهور منجی را به تصویر کشیده اند که بخشی از آن ها معطوف به علائم مقطعی و گذرای ظهور است، مثل ندای آسمانی، خسوف و کسوف، زمین لرزه، قتل نفس زکیه، و... و بخشی دیگر، حاکی از اوضاع و احوال نسبتاً پایدار آن دوران است. آن چه در این قسمت به آن پرداخته می شود با تأکید بر دسته دوم از روایات است؛ یعنی فارغ از نشانه ها و علائم دفعی ظهور، به وضعیت ثابت فرهنگی آستانه ظهور می پردازد.

برای آشنایی با وضعیت فرهنگی در هر مقطع زمانی، باید وضعیت مؤلفه های فرهنگی در آن زمان مشخص شوند؛ به این منظور، باید به سوال هایی از قبیل سوال های زیر پاسخ داده شود:

جایگاه ارزش ها و میزان حاکمیت آن ها بر جامعه چگونه است؛ جایگاه دین و میزان گرایش و عمل به آن به چه صورت است؟ اخلاق گرایی تا چه حدی رواج دارد و میزان حاکمیت اخلاق بر روابط انسان ها تا چه حد است؟ جایگاه علم و آموزش چیست؟ میزان مدنیّت و قانون گرایی در جامعه چقدر است؟ بهداشت در چه وضعیتی قرار دارد؟

در این مقاله سعی شده تا با استفاده از روایات، به بررسی اجمالی وضعیت دین، اخلاق، علم، اقتصاد، امنیت، حکومت و بهداشت پرداخته شود تا از این طریق، وضعیت فرهنگی آستانه ظهور منجی، ترسیم گردد.

## اشاره

دین در فرهنگ مردم آخرالزمان، جایگاه مطلوبی نداشته و کسی پذیرای آن نیست. در آستانه ظهور، از دین اعراض شده و مردم دسته دسته از آن خارج می شوند. دین دچار انحراف شده، به سستی و انزوا می گراید و دین فروشی رایج می گردد. مؤمن خوار و زبون شده، احکام و حدود الهی تعطیل می شود، و دین داری از گرفتن گلوله آتشین در دست سخت تر می شود. روایات، وضعیت دین و دین داری در آخرالزمان را این گونه توصیف می کند:

## ۱-۱-۲. اعراض از دین

مردم دسته دسته از دین بیرون می روند:

امام صادق (علیه السلام): «و تولد شکوک فی قلوب الشیعۀ من طول غیبتہ و ارتداد اکثرهم عن دینہ و خلعهم ربقة الإسلام من أعناقهم!» (۱)

از طولانی شدن غیبت، در قلب های شیعیان شک ایجاد می شود و بیشتر مردمان از دین مرتد می شوند و رشته اسلام را از گردن خود درمی آورند.

پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله): «انَّ النَّاسَ يَخْرُجُونَ مِنْ دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا كَمَا دَخَلُوا فِيهِ أَفْوَاجًا»؛ (۲)

مردم دسته دسته از دین خدا بیرون می روند، آن چنان که دسته دسته به آن داخل شدند.

## ۲-۱-۲. انحراف دین

- اسلام وارونه می گردد:

نبی مکرم (صلی الله علیه و آله): «... وَ لُبِسَ الْإِسْلَامُ لُبْسَ الْفَرِّو مَقْلُوبًا»؛ (۳)

و اسلام وارونه می گردد، همانند پوستینی که وارونه پوشیده شود.

ص: ۲۲

۱- محمد بن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۱۶۹.

۲- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنز فی التعریف بالفتن، (تحقیق: مؤسسه صاحب الأمر)، چاپ اول، (قم: مؤسسه صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۱۶ ق)، ص ۲۶۵.

۳- عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، (تصحیح: سید مهدی رجائی)، چاپ دوم، (قم: دارالکتاب الإسلامی،



امام صادق (علیه السلام): «وَرَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يَحْدُثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَ الْبِدْعَةِ أَكْثَرَ مِمَّا كَانَ»؛ (۱)

و می بینی که هر سال بیش از سال های پیش، بدعت و شر احداث گردد.

### ۳-۱-۲. سستی و انزوای دین

- اسلام غریب شود:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا، وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ»؛ (۲)

اسلام در آغاز غریب بود و در پایان نیز غریب می شود؛ خوشا به حال آن غریبان.

- دین کم ارزش گردد:

رسول گرامی (صلی الله علیه و آله): «وَ يُوضَعُ الدِّينُ، وَ تُرْفَعُ الدُّنْيَا»؛ (۳)

دین کم ارج می شود و دنیا ارزش فراوان پیدا می کند.

- «الله» جز در خفا گفته نشود:

حضرت علی (علیه السلام): «لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ اللَّهُ، إِلَّا مُسْتَخْفِيًا، ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلَأُونَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»؛ (۴)

قطعا زمین از ظلم و ستم پر می شود، تا جائی که «الله» جز در خفاء گفته نمی شود. سپس خداوند قومی شایسته و صالح می آورد که زمین را از قسط و عدل پر می کنند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده است.

- دین را به متاع اندک بفروشند:

ص: ۲۳

۱- محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۰.

۲- محمد بن ابراهیم بن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق)، ص ۳۲۱.

۳- محمد محسن فیض کاشانی، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، (تصحیح: مهدی انصاری قمی)، چاپ اول، (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ ش)، ص ۳۲۸.

۴- محمد بن الحسن طوسی، الأمالی (للطوسی)، چاپ اول، (قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق)، ص ۳۸۲.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله): «لِغَشِيَنَ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلَمِ، يَصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَ يَمْسِي كَافِرًا، يَبِيعُ أَقْوَامَ دِينِهِمْ بَعْرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا قَلِيلًا»؛ (۱)

بعد از من امتم را فتنه‌هایی در برمی‌گیرد، به سان پاره‌های شب تاریک؛ انسان در حال ایمان صبح می‌کند و در حال کفر روز را به شب می‌رساند، و مردمی دین خود را به متاعی اندک از حطام دنیا می‌فروشند.

- از اسلام فقط اسم آن باقی می‌ماند:

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله): «... وَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَنٌ، لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ...»؛ (۲)

بر امت من زمانی پیش می‌آید که از اسلام جز اسم آن، و از قرآن جز نقش آن باقی نمی‌ماند.

- دین داری بسیار سخت شود:

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله): «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، أَلْصَابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ»؛ (۳)

برای مردم زمانی پیش می‌آید که اگر کسی بر آیین خود استوار باشد، همانند کسی است که آتش گداخته‌ای را با دست بگیرد.

رسول گرامی (صلی الله علیه و آله): «لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَسْلُمُ لَدَى دِينٍ دِينُهُ إِلَّا مَنْ يَفِرُّ مِنْ شَاهِقٍ إِلَى شَاهِقٍ وَ مِنْ حَجَرٍ إِلَى حَجَرٍ كَالْتَّلْعَبِ بِأَسْبَالِهِ...»؛ (۴)

برای مردم زمانی پیش می‌آید که برای هیچ دین داری، دینش سالم نمی‌ماند، جز این که از کوهی به کوهی فرار کند و همچون روباه، بچه‌هایش را برداشته، از لانه‌ای به لانه‌ای بگریزد...».

ص: ۲۴

---

۱- ابوالقاسم پاینده، نهج النصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله))، چاپ چهارم، (تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش)، ص ۶۶۴.

۲- علی بن محمد خزاز رازی، کفایه الأثر فی النص الاثمه الاثنی عشر، (تصحیح: عبداللطیف حسینی کوهکمری)، [بی‌نا]، (قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق)، ص ۱۵.

۳- محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، ص ۴۸۵.

۴- احمد ابن فهد حلّی، التحصین فی صفات العارفين، (تصحیح: مدرسه امام مهدی (علیه السلام))، چاپ دوم، (قم: مدرسه الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف))، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۳.

- مؤمن زبون گردد:

پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله): «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، الْمُؤْمِنُ فِيهِ أَذَلُّ مِنْ شَاتِهِ»؛ (۱)

زمانی خواهد آمد که مؤمن در آن زمان از گوسفند خود زبون تر خواهد بود.

#### ۴-۱-۲. تعطیل شدن احکام و حدود الهی

انزوای دین، تا آن جا پیش می رود که حدود الهی تعطیل شده، محرمات الهی جایز شمرده می شود:

امام صادق (علیه السلام): «وَرَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ عَطَّتْ، وَ عَمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ»؛ (۲)

و می بینی که حدود الهی تعطیل شده، در مورد حدود به هوای نفس رفتار می شود.

حضرت علی (علیه السلام): «وَتَبَطُلُ الْأَحْكَامُ، وَ تَحْبِطُ الْإِسْلَامُ، وَ تَظْهَرُ دَوْلَةُ الْأَشْرَارِ، وَ يَحِلُّ الظُّلْمُ فِي جَمِيعِ الْأُمُصَارِ»؛ (۳)

احکام دین تعطیل می شود، آیین اسلام حبط می گردد، دولت اشرار ظاهر می شود و ستم هر شهر و آبادی را فرا می گیرد.

امام صادق (علیه السلام): «وَرَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَ رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ»؛ (۴)

و می بینی که حرام حلال شده، حلال حرام می گردد.

- نماز ضایع می شود:

حضرت علی (علیه السلام): «وَضَيَّعَتْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى الصَّلَاةَ، وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ...»؛ (۵)

و امت محمد مصطفی نمازها را ضایع، و از شهوت ها پیروی کنند.

ص: ۲۵

۱- ابوالقاسم پاینده، نهج النصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله))، چاپ چهارم، (تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش)، ص ۷۹۹.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۰.

۳- علی یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۱۵۳.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب

الإسلاميه، ١٤٠٧ ق)، ج ٨، ص ٣٩؛ على يزدي حائري، إلزام الناصب في إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، (تصحیح: على عاشور)، چاپ اول، (بيروت: مؤسسه الأعلمی، ١٤٢٢ ق)، ج ٢، ص ١١٩.

٥- حسين بن محمدتقى نوري، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، (تصحیح: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام))، چاپ اول، (قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ١٤٠٨ ق)، ج ١١، ص ٣٧٧.

نَبِيِّ أَكْرَمٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ... رَاكِبُونَ لِلشَّهَوَاتِ، تَارِكُونَ لِلْجَمَاعَاتِ، رَاقِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ، مُفْرَطُونَ فِي الْغَدَوَاتِ، مَثَلُهُمْ مَثَلُ الدِّفْلِيِّ: زَهْرَتُهَا حَسَنَةٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ، كَلَامُهُمْ الْحِكْمَةُ، وَأَعْمَالُهُمْ دَاءٌ لَا يَقْبَلُ الدَّوَاءُ!»؛ (١)

بعد از من اقوامی می آیند ... که از خواسته های نفس پیروی می کنند، از نماز جماعت دوری می گزینند، به هنگام شب زنده داری می خوابند، و در مورد نماز صبح سستی می کنند، ... مثل آن ها مثل درخت «دِفلِ» است که شکوفه های بسیار زیبا و طعمی بسیار تلخ دارد؛ گفتارشان حکیمانه و کردارشان بیمارگونه است و بیماری شان علاج ناپذیر.

- حج و جهاد تعطیل شده، یا برای غیرخدا به جای آورده می شود:

امام صادق (علیه السلام): «... وَرَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ عَطَّلَ وَ يُؤَمَّرُ بِتَرْكِهِ...»؛ (٢)

و بینی [حج] خانه خدا تعطیل شده، دستور ترک آن صادر می شود.

امام صادق (علیه السلام): «... وَرَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَالْجِهَادِ لغيرِ اللَّهِ»؛ (٣)

و بینی که حج و جهاد را برای غیرخدا می خواهند.

و از پیامبر مکرم (صلی الله علیه و آله) است: «تَحَجُّجُ أَغْنِيَاءِ أُمَّتِي لِلنَّزْهِةِ، وَ تَحَجُّجُ أَوْسَاطِهَا لِلتَّجَارَةِ، وَ تَحَجُّجُ فُقَرَاءِهِمْ لِلزِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ»؛ (٤)

ثروتمندان امت من برای سیاحت به مکه روند و متوسطین آن ها برای تجارت، و فقرای آن ها برای ریا و تظاهر.

- امر به معروف و نهی از منکر ترک می شود و امر به معروف کننده خوارشده، به انجام منکرات تشویق می شود:

ص: ٢٦

١- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، (قم: شریف رضی، ١٤١٢ ق)، ص ٤٤٩.

٢- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ١٤٠٧ ق)، ج ٨، ص ٣٨.

٣- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ١٤٠٧ ق)، ج ٨، ص ٤٠.

٤- محمد محسن فیض کاشانی، نوادر الأخبار، ص ٣٢٨؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، (تصحیح: طیب موسوی جزائری)، چاپ سوم، (قم: دارالکتب، ١٤٠٤ ق)، ج ٢، ص ٣٠٦.



امام صادق (علیه السلام): «وَرَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ تَرَكَ التُّدَيْنَ بِهِ»؛ (۱)

و بینی که مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی شده اند، و در ترک پایبندی به آن.

رسول اعظم (صلی الله علیه و آله): «و رأیت القمار قد ظهر و رأیت الشراب یباع ظاهراً لیس له مانع»؛ (۲)

و بینی قمار علنی می شود و مشروبات آشکارا فروخته می شود و کسی جلوگیری نمی کند.

امام صادق (علیه السلام): «و رأیت الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ دَلِيلًا، وَ الْفَاسِقُ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ قَوِيًّا مَحْمُودًا»؛ (۳)

و بینی کسی که امر به معروف کند، خوار می شود و کسی که مرتکب گناه شود، مورد ستایش قرار می گیرد.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله): «و كَثُرَ الْجَوْرُ وَ الْفَسَادُ، وَ ظَهَرَ الْمُنْكَرُ وَ أَمَرَ النَّاسُ بِهِ، وَ نَهَوَا عَنِ الْمَعْرُوفِ»؛ (۴)

و ظلم و فساد بسیار شود و منکرات علنی گردد، و مردم به انجام منکرات تشویق نمایند، و از انجام کارهای خیر نهی کنند.

- زکات پرداخت نمی شود:

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله): «و قطعتم زکاتکم»؛ (۵)

و [زمانی که] زکات خود را نپردازید.

حضرت علی (علیه السلام): «...و الزکاة مغرماً»؛ (۶)

و زکات را جریمه پندارند.

ص: ۲۷

---

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۹.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۸.

۴- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ دوم، (تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق)، ج ۱، ص ۲۵۲.

۵- محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، چاپ اول، (نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا]، ص ۱۴۱).

۶- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، (تصحیح: طیب موسوی جزائری)، چاپ سوم، (قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق)، ج ۲، ص ۳۰۴؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۶۹.

امام صادق (علیه السلام): «رأيت الرجل ينفق المال في غير طاعة الله»؛ (۱)

و می بینی شخص مال زیادی در غیر طاعت خدا خرج می کند.

- قرآن طبق هوای نفس تفسیر می شود و از آن جز نقشی نمی ماند:

امام صادق (علیه السلام): «و رأيت القرآن قد خلق و أحدث فيه ما ليس له و وجه على الأهواء»؛ (۲)

و می بینی که قرآن کهنه شده، آن چه در آن نیست احداث شود، و بر طبق خواسته ها تفسیر و توجیه گردد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «يأتي على الناس زمان، لا يبقى من القرآن إلا رسمه و لا من الإسلام إلا اسمه»؛ (۳)

برای مردم زمانی پیش می آید که از قرآن جز نقش آن، و از اسلام جز نام آن باقی نباشد.

## ۲-۲. اخلاق

### اشاره

بر اساس بیان روایات، وضعیت اخلاقی مردم در آخرالزمان بسیار نامطلوب و ناپسند است. در آن روزگار، فساد و بی بندوباری اخلاقی به طور فزاینده ای گسترش می یابد، و ابتدال و فسادهای جنسی شیوع پیدا می کند. لهو و لعب آشکار می گردد، شراب علناً به فروش می رسد و قمار رایج می شود.

رذایل اخلاقی مبتلایان بی شماری پیدا می کند و دروغ، خیانت در امانت، حرص، تجمل گرایی، پول پرستی، و توجه به مادیات بیداد می کند، و عواطف انسانی به سردی می گراید؛ بنیان خانواده سست می شود و پیوند خویشاوندی بریده می شود؛ مقام پدر و مادر سبک شمرده می شود و فرزندان به عاق والدین مبتلا می گردند. در ادامه سعی شده است، اهم روایات مربوط به این بحث به تفکیک در سه بخش: ۱- مفاصد اخلاقی، ۲- رذایل اخلاقی، و ۳- بی اخلاقی در روابط انسانی آورده شود.

ص: ۲۸

---

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۸.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۷.

۳- همان، ص ۳۰۸.

مردان و زنان آخرزمان دچار فساد اخلاقی می شوند؛ گرایش به لهو و لعب زیاد شده، ربا و رشوه شیوع پیدا می کند.

### ۱-۱-۲-۲. مفاسد اخلاقی مردان آخرالزمان

در روایات، برای مردانی که در آخرالزمان دچار آسیب شده اند، نشانه هایی ذکر شده است؛ از جمله:

- هم جنس گرایی:

رسول مکرم (صلی الله علیه و آله): «اِكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ»؛ (۱)

مردان به مردان بسنده می کنند و زنان به زنان.

امام صادق (علیه السلام): «و رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيِّرُ عَلَى إِتْيَانِ النِّسَاءِ»؛ (۲)

و می بینی که مرد برای آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار می گیرد.

امام صادق (علیه السلام): «و امْتَشَطُوا كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا، وَ أَعْطُوا الرِّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ، وَ تَنَوَّفَسَ فِي الرِّجْلِ وَ

تَغَايَرَ عَلَيْهِمُ الرِّجَالُ، وَ كَانَ صَاحِبَ الْمَالِ اعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ»؛ (۳)

مرد برای مرد شانه می زند و آرایش می کند، آن چنان که زن برای همسرش شانه می زند و خود را می آراید، و مردان برای

کام دادن خود اجرت می گیرند، و گاهی مورد رقابت طالبین واقع می گردند، و گاهی مرد ناموس مرد می شود و برای او

غیرت به خرج می دهد، و ثروت مند از مؤمن عزیزتر می شود.

ص: ۲۹

۱- نعمان بن محمد ابن حیون، دعائم الإسلام، (تحقیق: آصف فیضی)، چاپ دوم، (قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۸۵

ق)، ج ۲، ص ۴۵۵؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران:

دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۸.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب

الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۹.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب



- بی غیرتی:

امام صادق (علیه السلام): «وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ، يَعْلَمُ ذَلِكَ وَ يَقِيمُ عَلَيْهِ! ... يَكْرِى امْرَأَتَهُ وَ جَارِيَتَهُ، وَ يَرْضَى بِالذَّنْبِ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ»؛ (۱)

و ببینی زن از راه نامشروع پول به دست آورد و مرد از درآمد او بخورد! وضع نامطلوب او را بداند و با او زندگی کند! ... زن و دخترش را به کرایه بدهد، و به چیزی اندک از آب و غذا راضی باشد.

و بر اساس فرموده امام صادق (علیه السلام)، مردان آخرالزمان به این جا می رسند:

«... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مِكيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ، أَوْ غَشِيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ، كَثِيبًا حَزِينًا، يَحْسِبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ»؛ (۲)

و ببینی اگر مردی یک روز گناه بزرگی از قبیل فحشاء، کم فروشی، کلاه برداری و شرب خمر انجام نداده باشد، بسیار غمگین و اندوهگین می شود که گوئی آن روز عمرش تباه شده است.

## ۲-۱-۲-۲. مفاسد اخلاقی زنان آخرالزمان

امام علی (علیه السلام): «يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ... نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ... دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ مَسْرَعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحَلَّاتٌ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ»؛ (۳)

در آخرالزمان زنانی مکشوف و عریان ظاهر گردند که زینت های خود را آشکار می سازند... داخل در فتنه ها می شوند، به سوی شهوت ها می گرایند و به لذت ها می شتابند، محرمات الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاویدانند.

ص: ۳۰

۱- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۹.

۲- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۱.

۳- محمدبن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ دوم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ ق)، ج ۳، ص ۳۹۰.

- هم جنس گرایی:

حضرت علی (علیه السلام): «تَتَزَوَّجُ الْأَمْرَأَةَ بِالْأَمْرَأَةِ، وَ تُزْفُّ كَمَا تُزْفُّ الْعَرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا»؛ (۱)

زن با زن درآمیزد و همانند عروس که برای داماد آرایش کند، برای یک دیگر آرایش می کنند.

- برهنگی:

نبی گرامی (صلی الله علیه و آله): «سَيِّئُ كَوْنٍ آخِرُ أُمَّتِي نِسَاءِ كَاسِيَّاتِ عَارِيَّاتٍ، عَلَى رُؤُسِهِنَّ كَأَسْنَمَةِ الْبَخْتِ الْعَنُوهْنَ فَإِنَّهِنَّ مَلْعُونَاتٌ»؛ (۲)

در آخر امت من، زنان در عین پوشیدن لباس، عریان هستند و بر سرشان چیزی همانند کوهان اشتران است، آن ها را لعنت کنید که از رحمت خدا بدور هستند.

- مادی گری:

پیامبر مکرم (صلی الله علیه و آله): «أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فَتْنَةُ السَّرَّاءِ مِنْ قَبْلِ النَّسَاءِ إِذَا تَسَوَّرْنَ الذَّهَبَ، وَ أَتَعَبْنَ الْغِنَى، وَ كَلَّفْنَ الْفَقِيرَ مَا لَا يَجِدُ»؛ (۳)

بیشترین چیزی که در مورد شما از آن بیمناکم، فتنه نامرئی زنان است، و آن هنگامی است که غرق در طلا شوند، و پولدار را به زحمت بیندازند، و بی پول را به چیزی که قدرت ندارد وادار سازند.

- بدرفتاری با همسر:

امام صادق (علیه السلام): «رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا، وَ تَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهِي، وَ تُنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا»؛ (۴)

و زن را ببینی که با خشونت با همسرش رفتار می کند، آن چه را که او نمی خواهد انجام می دهد و از درآمد شخصی خود به شوهرش انفاق می کند.

ص: ۳۱

۱- علی یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- سلیمان بن احمد الطبری، المعجم الصغیر، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۲۸.

۳- ابوالقاسم پاینده، نهج النصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله))، چاپ چهارم، (تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش)، ص ۲۱۵.

۴- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب  
الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۹.



- مستی دائمی، استفاده علنی از مشروب، و حلال شمردن آن، از مفاسد اخلاقی مردم آخرالزمان است:

امام صادق (علیه السلام): «وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمَسِي نَشْوَانَ، وَ يُصْبِحُ سَكَرَانَ، وَ لَا يَهْتَمُّ بِمَا النَّاسُ فِيهِ»؛ (۱)

مردم آن زمان را می بینی که روز را در حال نشئه شب می کنند و شب را در حال مستی به صبح می رسانند، و دیگر اهمیت نمی دهند که دیگران چه حالی دارند.

امام صادق (علیه السلام): «وَالْخُمُورُ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً، وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»؛ (۲)

و می بینی که مشروب را به طور علنی می نوشند؛ افرادی که از خدا پروا ندارند، بر گرد آن اجتماع می کنند.

رسول اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله): «لَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يَسْتَجِلُّونَ الْخَمْرَ، وَ يُسَيِّمُونَهُ النَّبِيذَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ»؛ (۳)

زمانی پیش می آید که مردم خمر را - در حالی که آن را نبیذ می نامند- حلال می شمارند. لعنت خدا و آدمیان و فرشتگان همگی بر آن ها باد.

- علنی شدن قمار:

امام صادق (علیه السلام): «و رأيت القمار قد ظهر و رأيت الشراب يباع ظاهراً ليس له مانع»؛ (۴)

و بینی قمار علنی گردد و مشروبات آشکارا فروخته شود و کسی جلوگیری نکند.

- حلال پنداشتن غنا، خرج کردن اموال بسیار برای آن، و راه یافتن موسیقی به مکان های مقدس:

حضرت علی (علیه السلام): «يَسْتَجِلُّ الْفِتْيَانُ الْمَغَانِي وَ شُرِبَ الْخَمْرُ»؛ (۵)

ص: ۳۲

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۰.

۲- محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، چاپ اول، (اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین علی (علیه السلام)، ۱۴۰۶ ق)، ج ۲۶، ص ۴۵۳.

۳- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۵۲؛ محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۲۱۳.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب

الإسلاميه، ١٤٠٧ ق)، ج ٨، ص ٣٩؛ محمد محسن فيض كاشاني، الوافي، ج ٢٦، ص ٤٥٤.  
٥- علي يزدي حايري، إلام الناصب في إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، (اصحيح: علي عاشور)، چاپ اول، (بيروت: مؤسسه الأعلمي، ١٤٢٢ ق)، ج ٢، ص ١٥٣.

جوانان غنا و مشروبات را حلال شمارند.

نبی گرامی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله): «... أَنْفَقُوا الْمَالَ لِلْغِنَاءِ»؛ (۱)

اموال [فراوان] برای موسیقی و غنا خرج کنند.

امام صادق (علیه السلام): «و رأیت المَلاهی قد ظهرت یُمُرُّ بها لا یمنعها احدٌ احدا و لا یجتَرِیُ اَحَدٌ عَلَی مَنعِها!»؛ (۲)

و می بینی آلات لهو و لعب در رهگذر مردم آشکارا به کار گرفته شده است و کسی دیگری را از آن منع نکرده، جرأت نمی کند که از آن جلوگیری به عمل آورد.

حضرت علی (علیه السلام): «... و یضربون فی المساجد العیدان و الزمر...»؛ (۳)

در مساجدنی و بربط زنند....

امام صادق (علیه السلام): «و رأیت المَعازِ فُظَاهِرَةً فی الحَرَمَینِ...»؛ (۴)

و می بینی آلات لهو در حرمین شریفین ظاهر شود.

#### ۴-۱-۲-۲. شیوع ربا و رشوه

ربا و رشوه شایع شده، با نام داد و ستد حلال پنداشته می شود:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): « فَعِنْدَهَا يَظْهَرُ الرِّبَا، وَ يَتَعَامَلُونَ الْغَيْبَةَ وَ الرِّشَا وَ يُوضَعُ الدِّينُ وَ تُرْفَعُ الدُّنْيَا »؛ (۵)

در آن زمان ربا شایع می گردد، کارها را با غیبت و رشوه انجام می دهند، مقام و ارزش دین تنزل یافته، دنیا [در نظر آن ها] ارزش پیدا می کند.

ص: ۳۳

۱- محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، چاپ اول، (نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا]، ص ۱۴۱؛ علی یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۱۱۵.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۹.

۳- علی یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ

اول، (بيروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۱۵۴.

۴- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۰؛ محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۴۵۵.

۵- محمدبن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، (تصحیح: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام))، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۰۹ ق)، ج ۱۵، ص ۳۴۹؛ علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، (تصحیح: طیب موسوی جزائری)، چاپ سوم، (قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق)، ج ۲، ص ۳۰۶.

رسول گرامی (صلی الله علیه و آله): «... فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيِّ، وَ الشُّحْتَ بِالْهَدْيَةِ، وَ الرِّبَا بِالْبَيْعِ»؛ (۱)

مشروب را به نام نبی، رشوه را به اسم هدیه، و ربا را با عنوان دادوستد، حلال می کنند.

نبی گران قدر (صلی الله علیه و آله): «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، لَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَا، فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ مِنْ غُبَارِهِ»؛

(۲)

برای مردم زمانی پیش می آید که احدی یافت نشود، جز آن که به ربا آلوده گردد؛ اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می رسد.

## ۲-۲-۲. رذایل اخلاقی

در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مبتلایان به رذایل اخلاقی زیاد می شوند؛

- دروغ فراگیر شود و دروغ گو تصدیق:

امام علی (علیه السلام): «و غَارَ الصُّدُقُ، وَ فَاضَ الكَذِبُ، وَ اسْتُعْمِلَتِ المَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ، وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالقُلُوبِ، وَ صَارَ الفُسُوقُ نَسْبًا، وَ العِفَافُ عَجَبًا، وَ لُبِسَ الإسلامُ لُبْسَ الفِرِّوِّ مَقْلُوبًا»؛ (۳)

راستی و درستی کمیاب می شود، دروغ همه جا را فرا می گیرد، دوستی و صمیمیت به سر زبان ها اختصاص می یابد و در اعماق دل همه با یک دیگر خصومت می ورزند، کارهای نامشروع مایه مباهات شده، عفت و خویشتن داری موجب اعجاب و شگفت می شود، اسلام وارونه می گردد، همانند پوستینی که وارونه پوشیده شود.

امام علی (علیه السلام): «إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ القَائِمِ سِنِينَ خَدَا عَهْ، يُكذَّبُ فِيهَا الصَّادِقُ، وَ يُصَدَّقُ فِيهَا الكَاذِبُ، وَ يُقَرَّبُ فِيهَا المَاحِلُ، وَ فِي حَدِيثٍ وَ يَنْطِقُ فِيهَا الرُّوْبِيضَةُ»؛ (۴)

ص: ۳۴

۱- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، (تصحیح: فیض الإسلام)، چاپ اول، (قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق)، ص ۲۲۰.

۲- حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، (تصحیح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام))، چاپ اول، (قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق)، ج ۱۳، ص ۳۳۳.

۳- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، (تصحیح: فیض الإسلام)، چاپ اول، (قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق)، ص ۱۵۸.

۴- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق)، ص ۲۷۸.

همانا در آستانه ظهور قائم، سال‌هایی فریبده است؛ در آن سال‌ها راست‌گو تکذیب می‌شود و دروغ‌گو تصدیق؛ افراد حيله‌گر مقرب و محترم می‌شوند، و اشخاص پست و فاقد صلاحیت اظهار نظر می‌کنند.

- تجمل‌گرایی زیاد شود:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ بَطُونُهُمُ الْهَتَمُ وَ نِسَاءُهُمْ قَبْلَتُهُمْ، وَ دَنَانِيرُهُمْ دِينُهُمْ، وَ شَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ»؛  
(۱)

برای مردم روزگاری فرا می‌رسد که خدایشان، شکم آن‌ها، قبله آنان، همسرانشان، دین و آیین ایشان، درهم و دینارشان و تجملات زندگی آن‌ها، شرفشان است.

رسول گرامی (صلی الله علیه و آله): « وَ رَأَيْتَ الْخَلْقَ وَ الْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ »؛ (۲)

و بینی مردم و مجالس جز از ثروت‌مندان دنباله روی نمی‌کنند.

- تکبر در دل‌ها جای گیرد:

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله): «و دَبَّ الْكِبْرُ فِي الْقُلُوبِ كَدَيْبِ السَّمِّ فِي الْأَبْدَانِ، وَ قَلَّ الْمَعْرُوفُ وَ ظَهَرَتِ الْجِرَائِمُ، وَ هَوْنَتِ الْعِظَائِمُ»؛ (۳)

و تکبر و خودپرستی در اعماق دل‌ها نفوذ کند، آن‌سان که سموم در بدن‌ها نفوذ می‌کند، و خوبی کم‌شود و گناهان علنی گردد و محرمات الهی سبک‌شمرده شود.

- طمع بسیار شود:

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله): «و قَلَّ الْوَرَعُ وَ كَثُرَ الطَّمَعُ ...»؛ (۴)

تقوی کم‌شود و طمع بسیار گردد.

ص: ۳۵

---

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، (تصحیح: جمعی از مصححان)، چاپ دوم، (بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۳ ق)، ص ۴۵۳.

۲- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۱؛ محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۴۵۶.

۳- محمدبن محمد شعیری، جامع الأخبار، چاپ اول، (نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا]، ص ۱۴۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار،

ج ٥٢، ص ٢٦٤؛ علي يزدي حايري، إزام الناصب في إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، (تصحيح: علي عاشور)، چاپ اول، (بيروت: مؤسسه الأعلمی، ١٤٢٢ ق)، ج ٢، ص ١١٥.

٤- محمدبن محمد شعيري، جامع الأخبار، چاپ اول، (نجف: مطبعة حيدريه، [بي تا]، ص ١٤١؛ محمدباقر مجلسي، بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٦٤.

- غیبت نقل مجالس شود:

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): «و الکذب حدیثکم و الغیبة فاکهتکم...»؛ (۱)

و گفتارتان دروغ، و شیرینی مجالستان غیبت باشد.

### ۳-۲-۲. بی اخلاقی در روابط انسانی

در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روابط انسان ها با یک دیگر، به سردی می گراید و بی اخلاقی بر روابط حکم فرما می شود؛

- قطع روابط خویشاوندی:

نبی مکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله): «و قطع رحمه و ذهبت رحمته الأکابر، و قلّ حياء الأصاغر»؛ (۲)

و پیوند خویشاوندی قطع شود و مرحمت از دل بزرگان رخت بر بندد و حیا از کوچک ترها گرفته شود.

امام باقر (علیه السلام): «اذا اشتدت الحاجة و الفاقة و أنکر الناس بعضهم بعضا فعند ذلك توقعوا هذا الأمر صباحاً و مساءً... یأتی الرجل أخاه فیلقاه بغير الوجه الذی کان یلقاه فيه و یکلّمه بغير الکلام الذی کان یکلّمه!»؛ (۳)

هنگامی که نیازمندی و فقر فراوان شود و مردم هم دیگر را نشانند، پس در آن هنگام منتظر فرج باشید صبح و عصر... انسان [برای استمداد] به برادرش مراجعه کند، ولی برادرش به غیر آن چه همواره نگاه می کرد به او نگاه کند، و به جز آن چه همواره با او سخن می گفت، با وی سخن بگوید.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله): «کان ذلک الزمان فهلاک الرجل علی یدى أبویہ، فإن لم یکن له أبوان فعلی یدى زوجته و ولده. فإن لم یکن له زوجة و ولد فعلی یدى قرابته و جيرانه»؛ (۴)

ص: ۳۶

۱- نعمت الله جزایری، ریاض الأبرار فی مناقب أئمة الأطهار، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۷ ق- ۲۰۰۶ م)، ج ۳، ص ۱۷۵؛ محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، چاپ اول، (نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا]، ص ۱۴۱.

۲- محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، چاپ اول، (نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا]، ص ۱۴۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۶۳.

۳- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، (تصحیح: طیب موسوی جزائری)، چاپ سوم، (قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق)، ج ۱، ص ۳۱۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۲۲۱.



٤- احمد بن محمد ابن فهد حلّى، التحصين فى صفات العارفين، (تصحیح: مدرسة امام مهدي (عليه السلام))، چاپ دوم، (قم):  
مدرسة الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، ١٤٠٦ ق، ص ١٣.

در آن زمان هلاکت انسان به دست پدر و مادرش تحقق می یابد، اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندان، و اگر همسر و فرزندی نداشته باشد، به دست خویشان و همسایگانش.

- سبک شمردن پدر و مادر و رواج عاق والدین:

امام صادق (علیه السلام): «... وَ رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ، وَ اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالاً عِنْدَ الْوَالِدِ...»؛ (۱)

و می بینی که عاق والدین رواج یافته، پدر و مادر سبک شمرده می شوند و از دیدگاه فرزند پست تر از هر فرد دیگر به شمار می آیند.

نبی گرامی (صلی الله علیه و آله): «و رأیت ابن الرجل یفتري علی أبيه و يدعو علی والدیه، و یفرح بموتیهما»؛ (۲)

فرزند به پدرش تهمت می زند، بر پدر و مادرش نفرین می کند و از مرگ آن ها مسرور می شود.

- زیاد شدن طلاق در روابط همسران:

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): «و کثر الطلاق، و موت الفجأة»؛ (۳)

و طلاق زیاد شود و مرگ ناگهانی نیز.

- بی رحمی بزرگ ترها و بی احترامی کوچک ترها:

پیامبر مکرم (صلی الله علیه و آله): «... ولا یرحم کبیرکم صغیرکم، و لا یوقر صغیرکم کبیرکم، فعند ذلک تنزل اللعنة علیکم و یجعل بأسکم بینکم»؛ (۴)

بزرگ ترها به کوچک ترها، ترحم نکنند و کوچک ترها نیز احترام بزرگان را رعایت نکنند، در چنین زمانی لعنت بر شما نازل می شود، و نیروی شما علیه هم دیگر به کار گرفته می شود.

### ۳-۲. علم

ص: ۳۷

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۱.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳.

٤- محمد بن محمد شعيرى، جامع الأخبار، چاپ اول، (نجف: مطبعة حيدريه، [بى تا]، ص ١٤١؛ محمد باقر مجلسى، بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ٢٤٣.

آن چه در روایات، در ارتباط با وضعیت علم در آخرالزمان بیان شده، حاکی از ظهور نادانی و جهل و رخت بر بستن علم از میان مردم، کم شدن دانشمندان حقیقی، و فراوانی علمای خائن و فاسد است. معصومین (علیهم السلام)، با بیانات خود خطر انحراف و تباهی دانشمندان را گوشزد نموده و از فساد آن ها بیم داده اند؛

- رفتن علم و ظهور جهل:

رسول اعظم (صلی الله علیه و آله): «و رُفِعَ الْعِلْمُ، وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ، وَ كَثُرَ الْقُرَاءُ، وَ قَلَّ الْعُلَمَاءُ»؛ (۱)

و علم رخت بر بندد و نادانی ظاهر شود، قاریان فراوان و دانایان اندک باشند.

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله): «سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ يَكْثُرُ الْفُقَرَاءُ، وَ يَقِلُّ الْفُقَهَاءُ، وَ يَقْبُضُ الْعِلْمُ وَ يَكْثُرُ الْهَرْجُ، ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ زَمَانٌ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ رِجَالٌ مِنْ أُمَّتِي لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيهِمْ»؛ (۲)

برامت من زمانی پیش می آید که در آن فقیران فراوان و فقیهان کم شوند، علم برگرفته شود و آشوب فزونی گیرد. آن گاه از پس آن، زمانی بیاید که مردانی از امت من قرآن بخوانند که از گلویشان بالاتر نرود.

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله): «يُرْفَعُ الْعِلْمُ، وَ يَظْهَرُ الْجَهْلُ وَ يُشْرَبُ الْخَمْرُ، وَ يَفْشُو الزَّانَا وَ...»؛ (۳)

علم برداشته می شود، نادانی فراگیر، و زنا و مشروب خواری شایع می گردد و...

به نظر می رسد منظور از علم در این روایات، حکمت، فقاها و علوم الهی است و اشاره به قاریان قرآن در این روایات، قرینه ای بر این مطلب است.

- فسق و دنیاطلبی برخی از علمای آخرالزمان:

ص: ۳۸

۱- رجب بن محمد حافظ بررسی، مشارق أنوار اليقين في أسرار أميرالمومنين (عليه السلام)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: أعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ص ۱۱۸.

۲- ابوالقاسم پاینده، نهج النصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله))، چاپ چهارم، (تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش)، ص ۵۲۷.

۳- محمد بن أحمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، چاپ اول، (قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش)، ص ۴۸۵.

رسول اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله): «عَلَمَاءُهُمْ وَفُقَهَاءُهُمْ خَوْنَةٌ فَجَزَهُ!»! أَلَا إِنَّهُمْ أَشْرَارُ خَلَقَ اللَّهُ وَكَذَلِكَ تَبَاعُهُمْ وَ مَنْ يَأْتِيهِمْ وَ يَأْخُذُ مِنْهُمْ وَ يُجِبُّهُمْ وَ يُجَالِسُهُمْ وَ يُشَاوِرُهُمْ أَشْرَارُ خَلَقَ اللَّهُ يَدْخُلُهُمْ نَارَ جَهَنَّمَ»؛ (۱)

علما و فقهای آن ها خائن و فاسق هستند؛ بدانید آنان و هم چنین، پیروان آن ها، و آنان که به سوی ایشان می آیند و از آن ها کسب [علم] می کنند، و آنان که ایشان را دوست می دارند و با ایشان می نشینند و مشورت می کنند، بدترین مخلوقات خدا [روی زمین] می باشند و خدا آن ها را در آتش جهنم داخل می سازد.

امام صادق (علیه السلام): «و رأيت الفقيه يتفقّه لغير الدين يطلب الدنيا و الرئاسة»؛ (۲)

و می بینی فقیه برای غیر دین [خدا] فقه می خواند و به دنبال دنیا و مقام و ریاست است.

امام علی (علیه السلام): «و تَمِيلُ الْفُقَهَاءُ إِلَى الْكَذِبِ وَ تَمِيلُ الْعُلَمَاءُ إِلَى الرَّيْبِ»؛ (۳)

فقها به دروغ، و علما به شک و تردید تمایل نشان می دهند.

نبی معظم (صلی الله علیه و آله): «و قَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ، وَ كَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَةِ وَ الْخَوْنَةِ، وَ كَثُرَ الشُّعْرَاءُ»؛ (۴)

و فقهای هدایتگر کم شوند و فقیهان گمراه و خیانت پیشه فراوان باشند و شاعران بسیار شوند.

#### ۴-۲. دولت و دولتمردان

در منابع دینی، زمامداران و دولتمردان آخرالزمان به شدت مذمت شده اند، و با القاب و عناوین تندی مثل انسان های شرور، درنده خوی، فاسق، ظالم، ستم پیشه و دروغ گو از آن ها یاد شده و حتی جزء پست ترین مردمان قرار گرفته اند. مشخص است که با وجود چنین زمامدارانی، حکومت های مقطعی و کوتاه مدت جایگزین حکومت های باثبات و مقتدر می شوند.

- ظهور دولت اشرا:

ص: ۳۹

۱- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۵۰.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۰؛ محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۴۵۵.

۳- علی یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۱۸۵.

۴- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۱.

حضرت علی (علیه السلام): «و تبطل الأحكام و تحبط الإسلام و تظهر دولة الأشرار و يحل الظلم بكل الأمصار»؛ (۱)

احکام [دین] تعطیل می شود، آیین اسلام حبط می گردد، دولت اشرار ظاهر می شود، و ظلم و ستم شهر و آبادی را فرا می گیرد.

- زمامداران دروغ گو:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «سَيَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أَمِيَّةٌ يَمْلِكُونَ عَلَيْكُمْ أَرْزَاقَكُمْ، يَحْدَثُونَكُمْ فَيَكْذِبُونَكُمْ، وَيَعْمَلُونَ فَيَسِيئُونَ الْعَمَلَ لَا يَرْضَوْنَ مِنْكُمْ حَتَّى تُحَسِّنُوا قَبِيحَهُمْ وَ تَصَدِّقُوا كَذِبَهُمْ»؛ (۲)

رهبرانی بر شما مسلط می شوند، که روزی های شما را به دست می گیرند، چون با شما سخن بگویند دروغ می گویند، و بدترین کارها را انجام می دهند. از شما راضی نمی شوند، مگر هنگامی که کارهای ناشایست آن ها را تحسین کنید و دروغ های آنان را تصدیق نمائید.

- زمامداران ستم پیشه:

نبی گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم): «إِنَّ عِنْدَهَا يَلِيهِمْ أُمَرَاءُ ظَلَمَةٌ، وَ وُزَرَءُ فَسَقَةٌ، وَ عُرَفَاءُ ظَلَمَةٌ وَ أَمَنَاءُ خَوْنَةٌ»؛ (۳)

در آستانه آن (ظهور)، زمامدارانی ستم پیشه، وزیرانی فاسق، عارفانی ستمگر، و امین هائی خیانت گر بر مردم حاکم شوند.

- تسلط بدترین مخلوقات:

حضرت علی (علیه السلام): «كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ»؛ (۴)

پست ترین مردمان، رهبر آنان گردد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): «بَعَثَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شَرَّ خَلْقِهِ فَيَلْتَحُوْكُمْ كَمَا يَلْتَحِي الْقَضِيبُ»؛ (۵)

ص: ۴۰

۱- علی یزدی حائری، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- ابوالقاسم پاینده، نهج النصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله))، چاپ چهارم، (تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش)، ص ۵۲۳.

۳- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، (تصحیح: طیب موسوی جزائری)، چاپ سوم، (قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق)، ج ۲، ص ۳۰۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۰۶.

۴- حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ دوم، (قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ق)، ص ۵۳.

۵- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۶۰.

خداوند بدترین مخلوقاتش را بر شما مسلط می کند که پوست شما را همانند پوست درخت بکند.

-حاکم شدن اختناق:

پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله): «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَقْوَامٌ إِنْ تَكَلَّمُوا قَتَلُوهُمْ، وَإِنْ سَكَتُوا اسْتَبَاحُواهُمْ... وَ لَيَطْوُنَّ حُرْمَتَهُمْ، وَ لَيَسْفِكُنَّ دِمَاءَهُمْ، وَ لَتَمْلَأَنَّ قُلُوبَهُمْ رُعبًا، فَلَا تَرَاهُمْ إِلَّا وَجِلِينَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ مَرهوبين»؛ (۱)

سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، افرادی زمام امور امت را در دست می گیرند که اگر مردم سخن بگویند، آن ها را می کشند، و اگر سکوت کنند، به حریم ایشان تعدی می کنند، خون آنرا می ریزند، و دل های آن ها با ترس و وحشت پر می شود. آنان را ترسان و لرزان می یابی، و جز وحشت و اضطراب در ایشان نمی بینی.

- حکومت های چند روزه:

امام صادق (علیه السلام): «وَ عِنْدَ ذَلِكَ إِخْتِلَافُ السِّنِينَ، وَ إِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَ قَتْلٌ وَ خَلْعٌ فِي آخِرِ النَّهَارِ»؛ (۲)

در آن زمان، سال ها دگرگون می شود، اول صبح حکومتی به قدرت می رسد و تا آخر روز کشت و کشتار می شود و سقوط می کند.

امام صادق (علیه السلام): «يَذْهَبُ مَلِكُ السِّنِينَ، وَ يَصِيرُ مَلِكُ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ»؛ (۳)

زامداری چندساله از بین می رود و زامداری چندماهه و چندروزه معمول می گردد.

علاوه بر حکما و زمامداران، قضات نیز از حق و انصاف و عدالت فاصله می گیرند و با رشوه و پول پرستی و گواهی دروغ، دامن خود را آلوده می کنند.

- داوری بر خلاف اوامر الهی:

ص: ۴۱

۱- محمد محسن فیض کاشانی، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، ص ۳۲۷.

۲- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳- محمد بن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۴۴۷.



امام صادق (علیه السلام): «وَرَأَيْتَ الْقُضَاةَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ»؛ (۱)

و می بینی داوران بر خلاف اوامر خداوند داوری می کنند.

- دادن شهادت دروغ:

حضرت علی (علیه السلام): «... وَ قُضَاتُهُمْ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ يَحْكُمُونَ وَ أَكْثَرُهُمْ بِالزُّورِ يَشْهَدُونَ! مَنْ كَانَ عِنْدَهُ دَرَاهِمٌ كَانَ عِنْدَهُمْ مَرْفُوعًا، وَ مَنْ عَلِمُوا أَنَّهُ مَقْلٌ فَهُوَ عِنْدَهُمْ مَوْضُوعٌ»؛ (۲)

قاضی های آن ها آن چه را نمی دانند حکم می کنند و بیشتر آنان به دروغ گواهی می دهند! کسی که چند درهم پول داشته باشد، در نزد آن ها عزیز و محترم است، و کسی که بدانند بی پول است، در نزدشان خوار و زبون باشد.

- رشوه گرفتن برای داوری:

امام صادق (علیه السلام): «... وَ رَأَيْتَ الْوُلَاةَ يَرْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ، وَ رَأَيْتَ الْوَلَايَةَ قِبَالَ لِمَنْ زَادَ». (۳)

داوران را می بینی که برای داوری رشوه می گیرند و هر کس بیشتر دهد، او برنده می شود و او حق معرفی می گردد.

- پذیرفتن شهادت دروغ:

امام صادق (علیه السلام): «قَبِلْتُ شَهَادَةَ الزُّورِ، وَ رُدَّتْ شَهَادَةُ الْعَدْلِ، وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالِدِّمَاءِ...». (۴)

شهادت دروغ پذیرفته شود و شهادت عادل رد شود، و مردم خون را سبک بشمارند.

## ۵-۲. اقتصاد

ص: ۴۲

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۴۱.

۲- علی یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۳۹؛ محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۴۵۴.

۴- فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم، (تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ق)، ص ۴۶۳.

قحطی و خشک سالی، فقر و گرسنگی، کسادى تجارت و کمبود درآمدها و گرانی قیمت ها که در روایات به عنوان نشانه های پیش از ظهور یاد شده اند، نشانگر اوضاع نابه سامان اقتصادی در آستانه ظهور منجی است.

پیشوای ششم شیعیان، در ضمن تفسیر آیه شریفه {وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ} (۱)

(یقیناً پیش از عذاب بزرگ، با عذاب کوچک آن ها را کیفر خواهیم داد)، فرمود:

«الْأَدْنَى: غَلَاءُ السَّعْرِ وَالْأَكْبَرُ: الْمَهْدِيُّ (علیه السلام) بِالسَّيْفِ»؛ (۲)

کیفر کوچک گرانی قیمت ها، و کیفر بزرگ شمشیر بران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

امام صادق (علیه السلام): «لَا يَدُّ أَنْ يَكُونَ قَدَامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ، وَ يَصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ، وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ {وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ}»؛ (۳)

به ناچار، پیش از ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سالی خواهد بود که مردم دچار گرسنگی بشوند و وحشت شدیدی از کشت و کشتار و کاهش و نقصان در مال و جان داشته باشند، چنان که در کتاب خدا به روشنی آمده است: هر آینه شما را بیازمائیم به چیزی از ترس و گرسنگی، و نقص مال ها و جان ها و ثمرات، و مژده بده صبرپیشگان را .

حضرت علی (علیه السلام): «يَأْخُذُهُمُ الْقَحْطُ وَ الْعَلَاءُ ثَلَاثَ سِنِينَ»؛ (۴)

قحطی و گرانی سه سال [سایه سنگینش را می گستراند و] مردم را در برمی گیرد.

ص: ۴۳

۱- سوره سجده، آیه ۲۱.

۲- سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، (تصحیح: قسم الدراسات الإسلامیه موسسه البعثه)، چاپ اول، (قم: موسسه البعثه، ۱۳۷۴ ش)، ج ۴، ص ۴۰۱.

۳- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق)، ص ۲۵۱.

۴- علی بن موسی ابن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمره المومنین، (تصحیح: اسماعیل انصاری)، چاپ اول، (قم: دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق)، ص ۴۲۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹.

در روایات از هرج و مرج، فتنه، آشوب، گسیختگی اجتماع، ناامنی و آشوب های جهانی به عنوان آفت های پیش از ظهور یاد شده است.

- آشوب های جهانی:

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): «لَتَأْتِيَكُمْ بَعْدِي أَرْبَعُ فِتْنٍ: الْأُولَى يَسْتَحِلُّ فِيهَا الدِّمَاءَ، وَ الثَّانِيَةُ يَسْتَحِلُّ فِيهَا الدِّمَاءَ وَ الْأَمْوَالُ، وَ الثَّلَاثَةُ يَسْتَحِلُّ فِيهَا الدِّمَاءَ وَ الْأَمْوَالُ وَ الْفُرُوجَ وَ الرَّابِعَةُ صَمَاءٌ عَمِيَاءٌ مُطَبَّقَةٌ تَمُورُ مُمُورِ الْمَوْجِ فِي الْبَحْرِ، حَتَّى لَا يَجِدَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَلْجَأً...، تَعْرُكُ الْأُمَّةُ فِيهَا بِالْبَلَاءِ عِرْكَ الْأَدِيمِ، لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَقُولَ فِيهَا: مَهْ، مَهْ!!! لَا يَرْفَعُونَهَا مِنْ نَاحِيَةٍ إِلَّا انْفَتَقَتْ مِنْ نَاحِيَةٍ أُخْرَى»؛ (۱)

بعد از من چهار فتنه بر شما فرود آید که در اولی خون ها مباح می شود، در دومی خون ها و ثروت ها مباح می گردد، در سومی خون ها و ثروت ها و ناموس هامباح می شود، و در چهارمی آشوبی کور و کر جهان را مضطرب می سازد، آن چنان که موج آب های مجاور را مضطرب کند، تا این که احدی از مردم پناهی نمی یابد...، مردم تلخی حوادث و فشار آشوب را لمس می کنند، آن چنان که پوست به هنگام دباغی شدن فشار وارده را لمس می کند. کسی قدرت یک کلمه سخن گفتن نخواهد داشت! این فتنه در نقطه ای آرام نمی یابد، جز پس از آن که در نقطه ای دیگر بیداد کند.

- جنگ های بزرگ و کشتارهای وسیع:

در نتیجه آشوب های جهانی، جنگ های خونین و کشتارهای بزرگ به وجود می آید که گویا این جنگ ها بیشتر میان اهل باطل، و برسر رقابت های مادی و سیاسی روی می دهد که در نهایت، بدون پیروزی هیچ یک از دو گروه، و پس از به جای گذاشتن انبوهی از کشته ها پایان می یابد.

ص: ۴۴

۱- علی بن موسیابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۶۸.

امام رضا (علیه السلام): «قَبِلَ هَذَا الْأَمْرَ قَتْلَ بَيْوُحٍ. قِيلَ: وَ مَا الْبَيْوُحُ؟ قَالَ: دَائِمٌ لَا يَفْتُرُ»؛ (۱)

پیش از این امر (ظهور)، کشتار بیوح است. گفته شد: «بیوح» به چه معناست؟ فرمود: کشتار مداومی که سرد نشود و از حدت و شدت آن کاسته نگردد.

امام صادق (علیه السلام): «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلَاثَا النَّاسِ! فقلنا إذا ذهب ثلثا الناس فمن يبقى؟ فقال: أما ترصون أن تكونوا من الثلث الباقي؟!»؛ (۲)

این امر - ظهور - تحقق نمی پذیرد، جز هنگامی که دو سوم مردم از بین بروند! عرض کردیم: پس چه کسی باقی می ماند؟ فرمود: آیا شما نمی پسندید که از ثلث باقی باشید؟!

امام صادق (علیه السلام): «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ تِسْعَةُ أَعْشَارِ النَّاسِ»؛ (۳)

این امر واقع نمی شود، جز بعد از آن که نه دهم مردم از بین بروند.

## ۷-۲. بهداشت

مطابق برخی روایات، در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بهداشت وضعیت نامناسبی خواهد داشت. بیمارهای مختلف، از جمله طاعون، وبا و جذام شیوع پیدا می کند و مرگ های زودرس و ناگهانی فراوان می شوند.

- شیوع طاعون:

طاعون، نوعی بیماری است که پیش از ظهور حضرت رواج می یابد و در برخی از احادیث از آن با عنوان «مرگ سفید» تعبیر شده است.

حضرت علی (علیه السلام): «بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرٌ وَ مَوْتُ أبيضٌ ... فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسيِّفُ، وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونُ»؛ (۴)

ص: ۴۵

۱- عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الأسناد، (تصحیح: موسسه آل البيت (علیهم السلام))، چاپ اول، (قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۳ ق)، ص ۳۸۵؛ محمد بن ابراهیم بن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق)، ص ۲۷۱.

۲- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۶؛ محمد بن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۳۳۹.

۳- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق)، ص ۲۷۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

٤- سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، (تحقیق / تصحیح: مؤسسه الإمام المهدی (علیه السلام)، چاپ اول، قم: مؤسسه الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ١٤٠٩ ق)، ج ٣، ص ١١٥٢؛ محمد بن ابراهیم ابن أبی زینب، الغیبه (للنعمانی)، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (تهران: نشر صدوق، ١٣٩٧ ق)، ص ٢٧٨.

در پیش قدم حضرت قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مرگ سرخ و سفید است... اما مرگ سرخ کشت و کشتار، و اما مرگ سفید طاعون است.

امام باقر (علیه السلام): «لَا يَتَقَوْمُ الْقَائِمِ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ، وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ...»؛ (۱)

قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) قیام نمی کند، مگر پس از وحشت شدید، زلزله ها، فتنه ها و بلاهای فراگیری که بر مردم چیره گردد، و طاعونی که پیش از آن شایع شود.

- شیوع وبا:

امام صادق (علیه السلام): «... وَ يَظْهَرُ فِيكُمْ الظُّلْمُ وَ العُدْوَانُ، مع البلاء وَ الوباء وَ الجوع...»؛ (۲)

در میان شما ظلم و ستم، دشمنی، بلاء، وبا و گرسنگی پدیدار گردد.

- فراوان شدن مرگ های زودرس و ناگهانی:

در روایات، مرگ «فُجَاءَه» یا ناگهانی و همین طور مرگ زودرس از نشانه های ظهور ذکر شده است؛

حضرت علی (علیه السلام): «وَ لِذَلِكَ عِلَامَاتٌ ... وَ قَتْلٌ سَرِيعٌ وَ مَوْتُ ذَرِيعٍ»؛ (۳)

برای این کار (ظهور)، نشانه هایی است که از آن جمله است: ... کشتارهای بی امان، و مرگ های زودرس و ناگهانی.

پیامبر اعظم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله): «إِذَا كَثُرَ الزَّنا بَعْدِي، كَثُرَ مَوْتُ الْفُجَاءَةِ ...»؛ (۴)

هنگامی که بعد از من فحشا بسیار گردد، مرگ های ناگهانی فراوان شود.

ص: ۴۶

---

۱- محمد بن ابراهیم بن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق)، ص ۲۳۵.

۲- محمد بن محمد مفید، الأمالی (للمفید)، (تصحیح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق)، ص ۶۳.

۳- علی بن عبدالکریم بهاء الدین نیلی نجفی، سرور أهل الایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، (تصحیح: قیس عطار)، چاپ اول، (قم: دلیل ما، ۱۴۲۶ ق)، ص ۵۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳.

۴- احمد بن محمد خالد برقی، المحاسن، (تصحیح: جلال الدین محدث)، چاپ دوم، (قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ق)، ج ۱، ص ۱۰۷.

بر اساس تصویری که روایات از وضعیت جهان در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارائه می کند، می توان دریافت که در آن زمان:

- دین در انزوا قرار گرفته، دچار انحراف می شود.

- بی اخلاقی بر روابط انسان ها حاکم می شود و اخلاق جایگاه خود را از دست می دهد.

- علم جای خود را به جهل داده، علما به فساد و خیانت روی می آورند.

- جنگ های بزرگ و کشتارهای وسیع، موجبات بروز ناامنی را فراهم می آورد.

- قطحی و گرانی و گرسنگی شایع می شود.

- دولتمردان فاسق حکومت کرده، حکومت ها پایداری و استقرار خود را از دست می دهد و حکومت های چندروزه و چندماهه به وجود می آید.

- بیماری ها شیوع پیدا می کند و مرگ های زودرس و ناگهانی زیاد می شود.

همه این ها، حکایت از وضعیت نامطلوب و نابه سامان فرهنگی جهان در سال های نزدیک ظهور دارد.

## فصل سوم: وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور منجی از منظر آیات و روایات

اشاره

ص: ۴۸



### ۳. وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور منجی از منظر آیات و روایات

#### اشاره

پیام آوران وحی الهی در طول تاریخ، همواره بشر را به تحقق عدالت بر روی زمین وعده داده اند و خاتم سلسله رسولان و اوصیای پاکش<sup>[۱]</sup>، دورنمایی از وضع موعودی را که در انتظار بشر است، ترسیم کرده اند.

در آموزه های دین مبین اسلام، ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، گشایش کار جهانیان و میراث بری مستضعفان را به دنبال دارد و نقطه پایانی است بر همه نراستی ها و نادرستی ها. بر اساس روایات اسلامی، فضای دوران پس از ظهور، بهشتی جان فراست که در آن هیچ نشانی از بی دینی و بی اخلاقی، جهل و نادانی، فقر و تنگ دستی، بی عدالتی و ظلم، و ناامنی و اضطراب وجود نداشته، جهان به لحاظ فرهنگی در وضعیتی آرمانی و ایده آل قرار می گیرد.

در این فصل برآنیم تا به بررسی «وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور» پردازیم و برای رسیدن به این مقصود، بررسی عناصر و اجزاء فرهنگ - شامل دین، اخلاق، علم، حکومت، قضاوت، اقتصاد، امنیت و بهداشت- در بازه ی زمانی پس از ظهور ضروری می نماید، تا با کنار هم قرار دادن نتایج حاصل از این بررسی، از وضعیت فرهنگی جهان پس از ظهور، تصویر روشنی حاصل گردد.

#### ۱-۳. دین در عصر ظهور

#### اشاره

مهم ترین هدف قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اقامه کامل و همه جانبه عدالت، در تمام سطوح جامعه است و عدالت کامل، تنها در چارچوب دین اسلام تحقق می یابد. بنابراین، اجرای عدالت

با پیاده شدن اسلام واقعی درهم تنیده، و به عبارتی لازم و ملزوم یک دیگرند. این مطلب نیازمند تحلیلی کلامی است که به طور خلاصه، چنین است:

اسلام، آخرین دین آسمانی است و خرد جمعی از ایجاد عدالت کامل در جهان ناتوان است و خداوند نیز به عملی ساختن عدالت کامل و عبودیت مطلق بر روی زمین وعده داده است؛ بنابراین، نتیجه می گیریم که عدالت مورد نظر، همان اسلام است، زیرا این عدالت کامل از عقل بشری بر نمی خیزد و دین دیگری هم جز اسلام نخواهد آمد. (۱)

بر این اساس، مهم ترین و بایسته ترین عملکرد دولت مهدوی، زدودن هرگونه ناخالصی از قبیل بدعت، تحریف، تضعیف، مهجوریت، انحراف، و غفلت از چهره دین، و معرفی و ارائه اسلام ناب و اصیل است که به دنبال آن، ایمان و یقین انسان ها به خداوند تقویت شده، فضایل انسانی و اخلاقی بر جامعه حکم فرما خواهد شد.

در نتیجه معرفی اسلام اصیل از یک طرف، و رشد عقلانیت و خردورزی (۲) از طرف دیگر، مردم به گونه بی سابقه ای به اسلام روی می آورند و در همه جا آوای اسلام طنین انداز می شود و آثار مذهب و دین داری تجلی یافته، فرهنگ دینی نهادینه می شود؛ گرایش به قرآن (۳)، نماز جماعت و جمعه (۴) به قدری زیاد می شود که در روایات آمده، مساجد کنونی و حتی مساجدی که در آینده ساخته می شود، برطرف کننده نیاز مردم نخواهد بود. (۵)

با قوت یافتن ارزش های دینی، ایمان به قلوب همگان راه می یابد و رذایل اخلاقی از بین می رود و همه جا از صلح و صفا لبریز می شود.

### ۱-۱-۳. احیاء دین

ص: ۵۰

- 
- ۱- سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، (ترجمه: حسن سجادی پور)، چاپ دوم، (تهران: موعود عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۴ ش)، ص ۶۳.
  - ۲- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
  - ۳- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.
  - ۴- محمد بن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۴۶۸.
  - ۵- محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، (تصحیح: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام))، چاپ اول، (قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق)، ج ۲، ص ۳۰۸.

در زمان غیبت، دین در تماس با افکار منحط جاهلان و دست‌های آلوده مغرضان و آمیخته شدن با عادات و رسوم و سلیقه‌های شخصی، دچار دگرگونی و تحریف شده، جاذبه و کشش خود را از دست می‌دهد؛ تاجایی که دین داری بسیار سخت شده، دین‌داران در اقلیت قرار می‌گیرند و بسیاری از مفاهیم اسلام نزد گروه زیادی از مسلمانان چنان مسخ و واژگون می‌شود که می‌توان گفت اسلام اصیل عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار نایاب می‌شود.

بنابراین، با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تغییرات بسیار زیاد و گاه بنیادین در عرصه دین ایجاد می‌شود تا گرد و غبار نسیان، غفلت، تحریف، بدعت و جهل از چهره دین زدوده شده، دین دوباره احیاء شود، و این تغییرات و اصلاحات به قدری زیاد است که گویی حضرت دین تازه‌ای می‌آورند؛

ایشان در راستای اصلاحات، بدعت‌ها را نابود و سنت‌ها را زنده می‌کنند:

امام صادق (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: «لا یتروک بدعۀ الاّ ازالها، و لا سنۀ الاّ اقامها»؛ (۱)

او هر بدعتی را از بین می‌برد و هر سنتی را برپا می‌کند.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در خصوص حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرماید: «... یمحو الله به البدع کلها، و یمیت به الفتن کلها»؛ (۲)

خداوند همه بدعت‌ها را به وسیله او نابود می‌سازد و همه فتنه‌ها را به دست او از میان برمی‌دارد.

- ساحت قرآن را از تفسیرهای مغرضانه تطهیر می‌کند و تعالیم فراموش شده قرآن را زنده می‌سازد:

حضرت علی (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید: «یعطف الهوی عن الهدی إذا عطفوا الهدی علی الهوی، و یعطف الرأی علی القرآن إذا عطفوا القرآن علی الرأی... و یریهم کیف عدل السیره، و یحیی میت کتاب و السنه»؛ (۳)

ص: ۵۱

---

۱- فضل بن حسن طبرسی، تاج الموالید، چاپ اول، (بیروت: دارالقاری، ۱۴۲۲ ق)، ص ۱۱۶.

۲- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۶۵.

۳- علی بن محمد خراز رازی، کفایه الأثر فی النص الاثمه الإثنی عشر، ص ۲۳۲.

هنگامی که دیگران هوای نفس را بر هدایت مقدم بدارند، او امیال نفسانی را به هدایت برمی گرداند، و هنگامی که دیگران قرآن را با رأی خود تفسیر کنند، او آراء و افکار را به قرآن باز می گرداند... و به مردم نشان می دهد که چه نیکو می توان به عدالت رفتار نمود، و تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده می سازد.

- نسیان و فراموشی و غفلت را از چهره دین می زداید و دین را آشکار می کند:

امام حسین (علیه السلام) می فرماید: «التاسع من وُلدی هو القائم بالحقّ، یحیی الله به الأرض بعد موتها، و یظهر به الدّین، یحقّ الحقّ ولو کره المشرکون»؛ (۱)

نهمین فرزند من، قائم به حق است. خداوند به وسیله او زمین مرده را زنده گرداند، دین را به دست او آشکار می سازد، و حق را احقاق نماید، گرچه مشرکان خوش ندارند.

- ساخته های ذهنی مدعیان دین را ویران کرده، اسلام را از نو می نمایاند:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله أمر الجاهلیة و یستأنف الإسلام جدیداً»؛ (۲)

پیش از خود را نابود می کند، همان طور که رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) انجام داد و اسلام را از سر می گیرد و آغاز می کند.

در این حدیث با دو واژه «یستأنف» و «جدید»، به نوآوری و نوگرایی انقلاب مهدوی اشاره شده است.

امام صادق (علیه السلام) نیز در همین رابطه فرموده است:

«یصنع کما صنع رسول الله (صلی الله علیه و آله)؛ ینهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) أمر الجاهلیة و یستأنف الإسلام جدیداً»؛ (۳)

ص: ۵۲

۱- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۱.

۲- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۱.

۳- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۱.

به مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتار می کند؛ آن چه راپیش از اوست نابود می کند، همان طور که رسول خدا جاهلیت را نابود کرد، و اسلام را از سر می گیرد و آغاز می کند.

محمد بن عجلان از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمودند:

« اذا قام القائم (علیه السلام) دعی الناس إلى الإسلام جدیداً و هداهم إلى أمر قد دثر فضلاً عنه الجمهور و إنما سمی القائم مهدياً لأنه يهدى إلى أمر قد ضلوا عنه و سمی بالقائم لقيامه بالحق؛ (۱)

آن گاه که قائم قیام کند، از نو مردم را به اسلام بخواند، و به امری که کهنه و فراموش شده، و بیشتر مردم از آن دور شده و آن را گم کرده اند، هدایت و راهنمایی نماید، و قائم، مهدی نامیده شده است، چون به امری که رها و گم شده، راهنمایی می کند و قائم نامیده شده، برای آن که به حق قیام فرماید.

احکام و حدود الهی که اعلام نشده، تحریف شده، پیاده نشده، و یا به غلط استنباط شده را به ترتیب اعلام، تعدیل، اجراء و تصحیح می نماید: (۲)

مجموع این نوسازی ها و بازسازی ها آن چنان زیاد و دگرگون کننده است که در پاره ای از روایات اسلامی از آن به «امر جدید»، «کتاب جدید»، «سنت جدید»، «قضای جدید» و «سلطان جدید» تعبیر شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اذا قام القائم (علیه السلام) جاء بأمر جدید، كما دعا رسول الله (صلی الله علیه و آله) فی بدو الإسلام إلى أمر جدید؛ (۳)

زمانی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند امری تازه می آورد، چنان که رسول الله (صلی الله علیه و آله) در صدر اسلام امری تازه آورد.

و در حدیث دیگری از ایشان آمده: «فوالله كأنی أنظر إليه بین الزکن و المقام، یباع الناس بأمر جدید، و کتاب جدید و سلطان جدید؛ (۴)

ص: ۵۳

۱- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲- این مطلب در بخش قضاوت همین فصل به تفصیل آورده شده است.

۳- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۴- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۶۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.

به خدا سوگند، گویی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می بینم که از مردم برای امری تازه، کتابی تازه و حکومت تازه ای بیعت می گیرد.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ، وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ، وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدًا...»؛ (۱)

چون قیام کند، با امری تازه، کتابی تازه و روشی تازه قیام می کند که داوری هایش بر عرب بسیار گران خواهد بود.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «أَنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ»؛ (۲)

زمانی که قائم ما قیام می نماید، مردم را به «امر جدید» فرا می خواند، همان طور که رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) به سوی آن فرا خواند و اسلام غریب آغاز شد و به غربتی همانند آغاز برمی گردد، پس خوشا به حال آن غریبان.

بنابراین حدیث، انقلاب امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همانند بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، برای دعوت به سوی امری نو و جدید است. آن قدر از بعثت پیامبر تا قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حقایق و معارف ناب اسلامی، تعلیمات کتاب آسمانی و سنت پیامبر، آئین دادرسی و کیفری، و قضاوت مسلمانان در جهان اسلام، تغییر و تحوّل می یابد که اقدامات امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در بازگرداندن اسلام راستین، دعوت به امر جدید خواهد بود.

روشن است که تازگی برنامه ها، روش ها و داوری ها، نه به خاطر آن است که امام دین و مذهب جدیدی با خود می آورد، بلکه آن چنان اسلام را از میان انبوه خرافات و تحریف ها و تفسیرهای نادرست و تلقی های غلط بیرون می آورد که بنائی کاملاً نو و جدید جلوه می کند، و همین طور کتاب جدید به معنای آن نیست که امام کتاب آسمانی جدیدی می آورند، چراکه دین و نبوت با پیامبر ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ختم شده است، بلکه به معنای زدودن تحریف های

ص: ۵۴

---

۱- محمد بن حسن، شیخ حر عاملی، إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، چاپ اول، (بیروت، أعلمی، ۱۴۲۵ ق)، ج ۵، ص ۱۶۵.

۲- فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، (تصحیح: محمد کاظم) چاپ اول، (تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ ق)، ص ۱۳۹، محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغيبة (للنعمانی)، ص ۳۲۱.

معنوی و تفسیرهای نادرست از قرآن و آرائه تفسیری جدید، ژرف و گسترده به مردم است که با سطح عالی شعور و درکشان آن را دریابند و الگوی عمل خویش قرار دهند.

در روایات خواندیم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چونان پیامبر (صلی الله علیه و آله) امری نو و دعوتی جدید را می آغازد. این مطلب درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله) روشن است، زیرا آن حضرت، مردم را به مدد نبوت جدید، از عصر تیرگی و جاهلیت بیرون آورد و به دوران نور و عدالت رهنمون گردید. دعوت اسلامی در غربت آغاز شد؛ مؤمنان در سال های نخست بعثت، در گمنامی و انزوا شاهد ستم و آزارهای مشرکان بودند و این وضع ادامه داشت تا آن که دعوت اسلامی فراگیر شد و غربت مسلمانان برطرف گردید. اما در پی آزمایش های الهی و گرایش مردم به ستم و عصیان، اسلام دوباره غریب گشت و این وضع تا طلوع آفتاب هدایت و عدالت مهدوی ادامه خواهد داشت. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به گاه ظهور، امری نو و دعوتی جدید را آغاز می نماید که جامعه اسلامی از زمان های بسیار دور، در نتیجه انحراف و کژپویی خویش از آن محروم بوده است. البته این تازگی صددرصد نخواهد بود، بلکه پایه آن از قبل گذاشته شده، همان طور که اصول و پایه های دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز با دعوت های پیامبران پیشین هم ریشه است. با این تفاوت که پیوستگی دعوت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به آموزه های اسلامی، به مراتب بیشتر از ارتباط دعوت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) با تعالیم پیامبران گذشته می باشد. (۱)

## ۲-۱-۳. فراگیری و غلبه دین اسلام

### اشاره

از آیات و روایات استفاده می شود که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، پس از ظهور، حکومت واحد جهانی تشکیل می دهند و در آن حکومت، تنها یک دین و آیین بر جهان حکم فرما می شود و آن دین اسلام است. ادله اثبات تشکیل حکومت جهانی در بخش حکومت خواهد آمد، اما در این بخش ادله اثبات حاکمیت جهانی «دین اسلام» بیان می شود؛ دلایل عقلی و نقلی این ادعا، به شرح زیر است:

## ۱-۲-۱-۳. دلایل عقلی

### اشاره

ص: ۵۵

---

۱- سیدمحمدصدر، تاریخ پس از ظهور، (ترجمه: حسن سجادی پور)، چاپ دوم، (تهران: موعود عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۴ ش)، ص ۳۹۲.

دلایل عقلی حاکمیت جهانی دین اسلام عبارت است از:

### ۱-۱-۲-۱-۳. وحدت دین، سبب ایجاد وحدت در جامعه

یکی از عوامل مهم در ایجاد وحدت، وحدت در جهان بینی و به عبارتی، وحدت دین است. تنها دین است که می تواند مافوق همه اختلاف ها، رنگ ها، نژادها، زبان ها و فرهنگ ها، همه انسان ها را تحت یک مجموعه واحد گرد هم آورد. به عبارت دیگر، جهان بینی های گوناگون و متضاد، سبب بروز اختلاف ها و ناسازگاری های اجتماعی می گردد، چراکه زیربنای تفکر اجتماعی در روابط انسانی، جهان بینی و اعتقاد است و در یک جامعه، روابط اجتماعی، اقتصاد، آموزش و پرورش، سیاست و خلاصه همه چیز، بر اساس جهان بینی حاکم بر آن جامعه شکل می گیرد. بنابراین، تنوع و چندگانگی در ایدئولوژی ها، زمینه ساز اختلافات و تضادها می شود و در مقابل، یگانگی در ایدئولوژی، وحدت و هماهنگی همه افراد جامعه را به ارمغان می آورد. به همین دلیل، یکی از برنامه های اساسی آن مصلح بزرگ، توحید صفوف در سایه توحید دین است.

### ۱-۲-۱-۲-۳. خاتمیت و جهانی بودن دین اسلام

دین اسلام، آخرین و کامل ترین دین الهی است و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آخرین رسول خداست که نبوت بر او ختم شده است. دین اسلام، جامع، کامل و جهانی است و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بر اساس رسالت جهانی خویش، ابتدا اسلام را در سرزمین جزیره العرب حکم فرما نمود و بعد با دعوت سران کشورهای بزرگ عصر خویش به اسلام، جهانی سازی دین اسلام را آغاز کرد و از آن زمان تاکنون، همواره دین اسلام در حال توسعه بوده، ولی هنوز بر سراسر جهان حاکم نشده است. در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این مهم - إن شاء الله - محقق خواهد شد.

### ۱-۲-۲-۲-۳. دلایل نقلی

#### اشاره

دلایل نقلی فراگیری و غلبه دین اسلام به شرح زیر است:

### ۱-۲-۲-۱-۳. آیات قرآن کریم

خداوند در آیاتی از قرآن کریم، وعده غلبه دین اسلام بر سایر ادیان را داده است که مهم ترین آن ها آیه ۳۳ سوره توبه است:



- {هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ} ؛ (۱)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر تمامی ادیان پیروزش گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند.

«در ۳۴ تفسیر شیعی (۲) تحقق این آیه، موکول به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دانسته شده است و ۲۵ تن از مفسران اهل سنت (۳) نیز از این آیه، غلبه و حاکمیت اسلام بر سایر ادیان را استدلال کرده اند و زمان تحقق آن را در زمان نزول حضرت عیسی (علیه السلام) دانسته اند.» (۴)

در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است:

«برای فهم معنی این آیه، باید نخست به آیه پیش از آن باز گردیم، آن جا که می گوید:

{يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ} ؛ (۵)

دشمنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند، ولی خدا می خواهد نور خود را تکمیل کند، اگرچه کافران کراهت داشته باشند.

از این آیه به خوبی روشن می شود که اراده پروردگار بر تکامل نور اسلام تعلق گرفته، و تکامل واقعی آن هنگامی خواهد بود که بر سراسر پهنه جهان، سایه افکند.

ص: ۵۷

۱- این آیه، دقیقاً در سوره صف آیه ۹ تکرار شده و با اندکی تفاوت در سوره فتح، آیه ۲۷ نیز آمده است.  
۲- تفاسیر شیعی که از این آیه به غلبه اسلام با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اشاره کرده اند عبارتند از: ۱- العیاشی، ۲- تفسیر قمی، ۳- التبیان فی تفسیر القرآن، ۴- مجمع البیان، ۵- روض الجنان و روح الجنان، ۶- تفسیر گازر، ۷- مواهب علیه، ۸- منهج الصادقین، ۹- تفسیر لاهیجی، ۱۰- تفسیر صافی، ۱۱- البرهان، ۱۲- نور الثقلین، ۱۳- کنز الدقائق، ۱۴- الجوهر الثمین، ۱۵- تفسیر شبز، ۱۶- المقنیات الدرر، ۱۷- نفحات الرحمن، ۱۸- تفسیر جامع، ۱۹- اثنی عشری، ۲۰- تفسیر عاملی، ۲۱- احسن الحدیث، ۲۲- تفسیر المیزان ۲۳- محزن العرفان، ۲۴- تفسیر آسان، ۲۵- کاشف ۲۶- روان جاوید، ۲۷- الفرقان فی تفسیر القرآن، ۲۸- الجدید، ۲۹- تفسیر نمونه، ۳۰- أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ۳۱- تفسیر راهنما، ۳۲- تفسیر نور، ۳۳- پیام قرآن، ۳۴- تفسیر موضوعی قرآن کریم.

۳- مفسران اهل سنت که از این آیه غلبه و حاکمیت اسلام بر سایر ادیان در زمان نزول حضرت عیسی را برداشت کرده اند، عبارتند از: ۱- تفسیر کتاب الله العزیز، ۲- النکت و العیون، ۳- معالم التنزل، ۴- کشف الأسرار و عدة الأبرار، ۵- زاد المسیر، ۶- تفسیر کبیر، ۷- الجامع لأحكام القرآن، ۸- مدارک التنزیل، ۹- تفسیر خازن، ۱۰- التسهیل لعلوم التنزیل، ۱۱- البحر المحیط، ۱۲- غرائب القرآن، ۱۳- الدر المنثور، ۱۴- السراج المنیر، ۱۵- روح البیان، ۱۶- الفتوحات الإلهیه، ۱۷- المظهری، ۱۸- فتح

- البيان، ١٩- تيسير التفسير، ٢٠- محاسن التأويل، ٢١- الأكليل على مدارك التنزيل، ٢٢- التيسير في أحاديث التفسير، ٢٣- تفسير القرآن الحكيم، ٢٤- زهرة التفاسير، ٢٥- تفسير القرآن الكريم .
- ٤- سيد محسن طباطبائي و ديگران، معجم مهدويت در تفاسير شيعه و اهل سنت، چاپ اول قم: موسسه بوستان كتاب، ١٣٨٩ ش)، ص ١٧٤-١٧٧.
- ٥- سورة توبه، آيه ٣٢.

در این که اسلام چگونه بر همهٔ ادیان پیروز می‌گردد و این پیروزی به چه شکلی خواهد بود، در میان مفسران گفت و گو است.

بررسی موارد استعمال مادهٔ «اظهار» (لیظهِرواعلی الدّین کله) در آیات قرآن نشان می‌دهد که این ماده بیشتر به معنی غلبهٔ جسمانی و قدرت ظاهری آمده است. چنان که در داستان «اصحاب کهف» می‌خوانیم: {إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَیْکُمْ یَرْجُمُوکُمْ} (۱)؛ اگر آن‌ها (دقیانوس و اعوان و انصارش) بر شما غالب شوند، سنگ سارتان می‌کنند.

و نیز دربارهٔ مشرکان می‌خوانیم:

{کَیْفَ وَ إِنْ یَظْهَرُوا عَلَیْکُمْ لَا یَرْقَبُوا فِیْکُمْ إِلَّا وَ لَّا ذِمَّةَ} (۲)؛ هرگاه آن‌ها بر شما چیره شوند، نه ملاحظه خویشاوندی و قرابت را می‌کنند و نه عهد و پیمان را.

بدیهی است که غلبه در این گونه موارد، غلبهٔ منطقی نیست، بلکه غلبهٔ عملی و عینی است، و به هر حال، صحیح‌تر این است که پیروزی و غلبهٔ فوق را غلبهٔ همه‌جانبه بدانیم، زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می‌باشد؛ یعنی روزی فرا می‌رسد که اسلام هم از نظر منطق و استدلال، و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت، بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد... و با توجه به این که در آیه هیچ‌گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنی آن را محدود [به پیروزی منطقی] کنیم. مفهوم آیه، پیروزی همه‌جانبهٔ اسلام بر همهٔ ادیان جهان است، و معنی این سخن آن است که سرانجام اسلام همهٔ کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همهٔ جهان پیروز خواهد گشت. شک نیست که در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته، ولی می‌دانیم که این وعدهٔ حتمی خداوند در حال تحقق است... و طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده، تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند و به برنامهٔ جهانی شدن اسلام تحقق بخشد. (۳)

از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه چنین نقل شده:

ص: ۵۸

۱- سورهٔ کهف، آیهٔ ۲۰.

۲- سورهٔ توبه، آیهٔ ۸.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۷، ص ۳۷۴-۳۷۲.

«والله ما نزل تأويلها بعد ولا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم (عليه السلام) فإذا خرج القائم (عليه السلام) لم يبق كافر بالله العظيم»؛ (۱)

به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که «قائم» خروج کند و هنگامی که او قیام کند، کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند.

یکی دیگر از آیاتی که مفسران زیادی ذیل آن، درباره غلبه اسلام در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن گفته اند؛ آیه ۳۹ سوره انفال است:

– {وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ ابْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ}؛

و با آنان بجنگید، تا فتنه ای بر جای نماند و دین یک سره از آن خدا گردد. پس اگر [از کفر] باز ایستند، قطعاً خدا به آن چه انجام می دهند بیناست.

امام صادق (عليه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید:

«لم يجيء تأويل هذه الآية و لو قد قام قائمنا بعد سيري من يدركه ما يكون من تأويل هذه الآية و ليبلغن دين محمد (صلى الله عليه و آله) ما بلغ الليل حتى لا يكون شرك على ظهر الأرض»؛ (۲)

تأویل این آیه نیامده است و اگر قائم ما (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به پا خیزد، آن هنگام کسی که دورانش را درک کند، آن چه را از تأویل این آیه رخ می دهد خواهد دید و همانا دین حضرت محمد (صلى الله عليه و آله) به هر کجا که شب رسد خواهد رسید تا آن جا که [همان طور که خدا فرمود] هیچ شرکی بر پشت زمین بر جای نخواهد ماند.

۲۵ تن از مفسران، ذیل آیه مذکور این روایت را نقل کرده و تعدادی از مفسران اهل سنت نیز تحقق این آیه را موکول به زمان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نموده اند. (۳)

آیه دیگر، آیه ۸۳ سوره آل عمران است.

– {أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ}؛

ص: ۵۹

۱- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۰.

۲- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، (تصحیح: هاشم رسولی محلاتی)، چاپ اول، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق)، ج ۲، ص ۵۶.

۳- سید محسن طباطبایی و دیگران، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، ص ۱۶۸.

آیا غیر دین خدا را می طلبند؟ درحالی که هر که در آسمان ها و زمین است، خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند.

بسیاری از مفسران شیعه، در تفسیر این آیه به غلبه اسلام در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره کرده اند؛ به عنوان نمونه، در «تفسیر شریف لاهیجی» ذیل این آیه آمده است:

«چنان چه از حدیث حضرت صادق (علیه السلام) مستفاد می گردد و رفاعه بن موسی روایت می کند، چون حضرت صادق (علیه السلام) آیه را خواند فرمود:

"اذا قام القائم (علیه السلام) لا تبقى أرض إلا- نودی فیها شهادة أن لا اله إلا الله و أن محمداً رسول الله"؛ هر گاه قائم به پا خیزد، هیچ سرزمینی باقی نمی ماند، مگر این که گواهی به لا اله الا الله و محمداً رسول الله در آن ندا گردد»<sup>(۱)</sup>.

### ۲-۲-۱-۳. روایات

روایات زیادی از غلبه اسلام بر سایر ادیان در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکایت می کند که به عنوان نمونه، تنها تعدادی از آن ها در ذیل می آید:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اذا قام القائم لا يبقى أرض إلا نودی فیها شهادة أن لا اله إلا الله وحده لا شریک له، و أن محمداً رسول الله»؛<sup>(۲)</sup>

هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، در روی زمین نقطه ای نمی ماند، جز این که در آن ندا داده می شود: «أشهد أن لا اله إلا الله وحده لا شریک له، و أن محمداً رسول الله».

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «فوالله ليرفع عن الملل و الأديان الإختلاف، و يكون الدين كله واحداً كما قال جل ذكره: {إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ}»<sup>(۳)</sup>؛<sup>(۴)</sup>

ص: ۶۰

۱- محمد بن شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، چاپ اول (تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش)، ج ۱، ص ۳۴۸.

۲- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۴- حسن بن سلیمان حلی، مختصر البصائر، (تصحیح: مشتاق مظفر)، چاپ اول، (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ ق، ص ۴۳۶).

به خدا سوگند که ناهماهنگی ادیان و مذاهب از بین می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند، چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده: به راستی دین در نزد خدا عبارت از اسلام است و بس.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: « یظهر الله عزّ و جلّ به دینه علی الدین کله و لو کره المشرکون»؛ (۱)

خداوند عزّ و جلّ، به واسطه او (حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ) دینش را پیروز و غالب می گرداند، گرچه مشرکان نپسندند و نخواهند.

و در حدیث دیگری آمده است: «و لیبغنّ دین محمد (صلی الله علیه و آله) ما بلغ اللیل و النهار حتّی لا یکون شرک علی ظهر الأرض کما قال الله»؛ (۲)

همان طور که خداوند فرموده است، دین محمد (صلی الله علیه و آله) به آن چه شب و روز رسیده، خواهد رسید و دیگر شرکی روی زمین نباشد.

منظور از آن جا که شب و روز به آن رسیده، تمام کره زمین است. بنابراین، دین اسلام به سراسر جهان خواهد رسید و شرک نابود خواهد شد.

بنابر آن چه گذشت، می توان نتیجه گرفت که آیات و روایات، فراگیر شدن اسلام پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تأیید می کند.

### ۳-۱-۳. جایگاه اجبار و اکراه در فراگیری اسلام

#### اشاره

از مهم ترین سؤالاتی که در زمینه گسترش اسلام توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد، این است که: آیا در فراگیری اسلام، اجبار و اکراه هم دخیل است؟ آیا غیر مسلمانان بین پذیرش اسلام و مرگ مخیر می شوند؟ آیا اقلیت های دینی به ترک آیین خود و پذیرش اسلام ملزم خواهند شد، یا می توانند بر عقیده خود باقی بمانند؟

در پاسخ به این سؤال، با دو دسته از آیات و روایات، مواجه می شویم:

### ۱-۳-۱-۳. دسته اول روایات

ظاهر دسته ای از روایات، بیانگر این مطلب است که:

۱- محمد علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب  
الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۲۰۱.

با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، هر آیینی غیر از اسلام برچیده خواهد شد و اسلام به همگان عرضه می گردد و در همین راستا، کسانی که از پذیرش اسلام سرباز زنند، با شدت هرچه تمام تر به قتل خواهند رسید، تا آن جا که در سراسر گیتی احدی باقی نمی ماند، مگر این که مسلمان باشد.

روایاتی از این قسم:

«ابن بکیر می گوید: از ابوالحسن (علیه السلام) درباره این سخن پروردگار پرسیدم: {وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا}؛ (۱) و هر که در آسمان ها و زمین است، خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است. آن حضرت فرمود: این آیه درباره قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل شده است؛ هنگامی که علیه یهود، نصارا، صابئان (ستاره پرستان)، مادی گرایان، مرتدان و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید، هر کس از روی میل پذیرفت، به او دستور می دهد که نماز بخواند و زکات پردازد و آن چه را یک مسلمان بدان دستور دارد، انجام دهد. سپس امام فرمود:

«و من لم یسلم ضرب عنقه حتی لایبقی فی المشارق و المغرب أحدًا الا و ید الله»؛ و هر کس مسلمان نشود، گردنش را می زند تا آن که در شرق و غرب عالم کسی باقی نماند، جز آن که خدا را به یگانگی یاد کند.

ابن بکیر پرسید: فدایت شوم! مردم بیش از آن هستند که مهدی گردن همه آن ها را بزند!

امام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلَّ الْكَثِيرُ وَ كَثُرَ الْقَلِيلُ»؛

وقتی خداوند چیزی را اراده کند، اندک را بسیار و بسیار را اندک می گرداند». (۲)

امام باقر (علیه السلام) در حدیث دیگری می فرماید: «... و یفتح الله له شرق الأرض و غربها و یقتل الناس حتی لا یبقی الا دین محمد»؛ (۳)

ص: ۶۲

۱- سورة آل عمران، آیه ۸۳.

۲- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ محمد محسن فیض کاشانی، نوادر الأخبار، ص ۲۷۳.

۳- محمد بن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۴۷۴؛ فضل بن حسن طبرسی، تاج الموالید، ص ۱۱۶.



... آن گاه خداوند شرق و غرب زمین را برای او فتح می کند، و او مردم را می کشد تا آن که جز دین محمد (صلی الله علیه و آله) باقی نماند.

در روایت دیگری، محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می کند: «لا یأتون علی أهل دینٍ إلّا دعوهم إلی الله و إلی الإسلام و إلی الإقرار بمحمد (صلی الله علیه و آله) و من لم یسلم قتلوه حتی لا یبقی بین المشرق و المغرب و مادون الجبل أحدٌ إلّا أقر...»؛ (۱)

اصحاب مهدی بر پیروان هر دینی وارد می شوند، آنان را به خدا، اسلام و اقرار به رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) دعوت می کنند و کسانی را که اسلام نمی آورند به قتل می رسانند، به گونه ای که بین مشرق و مغرب و بین کوه ها کسی نمی ماند، مگر این که به اسلام اقرار کند.

ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) در ذیل آیه {هو الّذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدّین کلّه و لو کره المشرکون} (۲) روایت می کند که فرمود:

«والله ما نزل تأویلها بعد و لا- ينزل تأویلها حتی یخرج القائم (علیه السلام)، فاذا خرج القائم (علیه السلام)، لم یبق کافر بالله العظیم و لا- مشرک بالإمام إلّا کره خروجه، حتی أن لو کان کافراً أو مشرکاً فی بطن صخره لقاتل: یا مؤمن! فی بطنی کافرٌ فاکسرنی و اقتله»؛ (۳)

به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نازل نشده و نازل نخواهد شد تا آن که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قیام کند. هرگاه او قیام کند، هیچ کافری که کفر به خدای بزرگ بورزد و هیچ مشرکی که به امام شرک داشته باشد، باقی نمی ماند، مگر آن که از قیام آن حضرت ناخرسند است [و در برابر آن حضرت، موضع مخالف می گیرد]، تا آن جا که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی پنهان باشد، سنگ و صخره به صدا در می آید و می گوید: ای مؤمن! در بطن من کافری پنهان شده است؛ مرا بشکن و او را به قتل برسان.

عیاشی از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه اظهار (لیظهره علی الدین کلّه) چنین روایت می کند:

ص: ۶۳

---

۱- محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله)، (تصحیح: محسن کوچه باغی)، چاپ دوم، (قم: مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق)، ص ۴۹۲.

۲- سوره توبه، آیه ۳۳.

۳- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰.

«يكون أن لا يبقى أحدٌ إلّا أقرَّ بمحمّدٍ»؛ (۱)

[در عصر ظهور]، هیچ کس باقی نمی ماند، جز آن که به رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) اقرار می نماید.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

«...فإن الله تبارك و تعالی لن يذهب بالدنيا حتّى يقوم منّا القائم يقتل مبغضينا و لا يقبل الجزية، و يكسر الصليب و الأصنام، و يضع الحرب أوزارها، و يدعو إلى أخذ المال و يقسّمه بالسوية و يعدل في الرّعيّة»؛ (۲)

خدای عزیز و بلندمرتبه، دنیا را از میان نخواهد برد، تا آن که قائم از خاندان ما برپاخیزد؛ هم او که دشمنان ما را می کشد و جزیه [از کسی] نمی پذیرد و صلیب [مسیحیان] و بت های [بت پرستان] را می شکند، و [در آن هنگام] جنگ، بار سنگین خود را بر زمین می نهد. [سپس] آن حضرت مردمان را به دریافت اموال (درآمدهای عمومی و غنیمت های جنگی) فرا می خواند و آن را به مساوات تقسیم می نماید و عدالت می ورزد.

قبول نکردن جزیه که مالیات ویژه اهل کتاب بوده، حیات اجتماعی و مذهبی آنان را در سایه اقتدار حکومت اسلامی تجویز می کند، رسمیت نداشتن دین های توحیدی مثل مسیحیت و یهودیت را نشان می دهد.

عبارت «و يضع الحربُ أوزارها»، بر این نکته دلالت می کند که نبرد با غیرمسلمانان تا شکسته شدن تمامی صلیب ها و بت ها ادامه می یابد و تنها در آن هنگام، آتش نبرد با انگیزه دینی به سردی می گراید.

## ۲-۳-۱-۳. دسته دوم آیات و روایات

### اشاره

دسته ای دیگر از آیات و روایات وجود دارد که بر نبود اکراه و اجبار در پذیرش دین دلالت می کند و می توان از آن ها برای رد اکراه در عقیده و دین استفاده کرد.

### ۱-۲-۳-۱-۳. آیات

ص: ۶۴

۱- محمدبن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۸۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶.

۲- محمدبن علی ابن بابویه، الخصال، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ اول، (قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش)، ج ۲، ص ۵۷۹.

- {إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا} ؛ (۱)

ما راه را بدو نمودیم، یا سپاس گزار خواهد بود و یا ناسپاس گزار.

- {فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ، لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ} ؛ (۲)

پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای؛ بر آنان تسلطی نداری.

- {وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ} ؛ (۳)

و بگو: حق از پروردگارتان رسیده است. پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند.

- {نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مِنْ يَخَافُ وَعِيدٍ} ؛ (۴)

ما به آن چه می گویند، داناتریم و تو به زور وادارنده آنان نیستی، پس به [وسیله] قرآن هر که را از تهدید [من] می ترسد، پند ده.

- {رَسُولًا مَبْشُرِينَ وَمُنْذِرِينَ لئَلَّيْكُنَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حِجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ} ؛ (۵)

پیامبرانی که بشارت گرو هشدار دهنده بودند، تا برای مردم، پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهانه] و حجتی نباشد و خدا توانا و حکیم است.

این آیات، حوزه مسئولیت پیامبران را در جهت اثباتی ترسیم می کند. در این آیات، پیامبران شاهد، مبشر و منذر معرفی می شوند که بیش از ابلاغ پیام های الهی مسئولیتی ندارند و حتی تأکید می کند که در مورد ایمان آوردن یا نیاوردن مردم نباید نگران باشند.

علاوه بر این آیات، آیات دیگری وجود دارد که بر استمرار حیات اهل کتاب تا قیامت دلالت می کند؛ در صورتی که اگر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه اهل کتاب را طبق ظاهر برخی روایات مجبور کرده، در صورت پذیرفتن اسلام به قتل برساند، این خبر قرآن نمی تواند صادق باشد:

آیه اول: سوره مائده، آیه ۶۴:

ص: ۶۵

۱- سوره انسان، آیه ۳.

۲- سوره غاشیه، آیه ۲۲-۲۱.

۳- سوره کهف، آیه ۲۹.

٤- سورة ق، آية ٤٥.

٥- سورة نساء، آية ١٦٥.

﴿وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ ؛

و در میان آن ها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکنندیم.

آیه دوم: سوره مائده، آیه ۱۴:

﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ ؛

و از کسانی که ادعای نصرانیت [و یاری مسیح] داشتند [نیز] پیمان گرفتیم، ولی آن ها قسمت قابل ملاحظه ای از آن چه به آنان تذکر داده شده بود را به دست فراموشی سپردند، لذا در میان آن ها تا قیامت عداوت و دشمنی افکنندیم.

آیه سوم: سوره اعراف، آیه ۱۶۷:

﴿و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ﴾ ؛

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان (یهودیان) کسانی را خواهد گماشت که بدیشان عذاب سخت بپخشانند.

### ۲-۲-۳-۱-۳. روایات

۱- روایات گرفتن جزیه از اهل کتاب:

ممکن است این روایات بر بقای اهل کتاب بر آیین خود دلالت کند. به این روایت توجه کنید:

« عن أبي بصير عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال لي: يا أبا محمد، كَأَنِّي أَرَى نَزُولَ الْقَائِمِ (عليه السلام) فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ... قُلْتُ: فَمَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الدِّمَةِ عِنْدَهُ؟ قَالَ: يَسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ يُؤَدُّونَ الْجَزِيَّةَ عَنِ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ»؛ (۱)

ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) گزارش می کند که آن حضرت به من فرمود: ای ابامحمد، گویا می بینم که قائم (علیه السلام) با خانواده و عیال خود در مسجد سهله فرود آمده است.... گفتم: رفتار او با اهل ذمه چگونه خواهد بود؟ فرمود: با آن ها از در مسالمت وارد خواهد شد، هم چنان که رسول

ص: ۶۶

---

۱- محمد بن مشهد ابن جعفری، المزار الکبیر، (تصحیح: جواد قیومی اصفهانی)، چاپ اول، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق)، ص ۱۳۵؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

خدا (صلی الله علیه و آله) با آن ها سازش کرد. اهل ذمه به آن حضرت جزیه می پردازند و در هنگام پرداخت آن کوچک شمرده می شوند.

۲- روایات قضاوت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در میان اهل کتاب:

امام باقر (علیه السلام) به جابر بن عبدالله انصاری می فرماید:

«أَنَا سَمِّي الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ وَيَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارِ انْطَاكِيَه، وَ يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ، وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ...»؛ (۱)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از آن رو مهدی (هدایت شده) نامیده اند که به چیزی پنهان راه می یابد. او تورات و دیگر کتب آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و در میان اهل تورات با تورات، میان اهل انجیل با انجیل، بین پیروان زبور با زبور، و برای اهل قرآن با قرآن قضاوت می کند.

از این روایت می توان استفاده کرد که اولاً، بسیاری از یهودیان و مسیحیان با دیدن نشانه های حقانیت اسلام در کتب اصیل و دست نخورده خود به اسلام می گروند و ثانیاً، آن ها که هنوز در شک باقی مانده اند، مجبور به پذیرش اسلام نمی شوند و به آن ها فرصت داده می شود.

۳- روایات همانندی سیره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله):

تعدادی از روایات بر این مطلب دلالت دارند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، روش و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دنبال می کند، و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برخورد با اهل کتاب، دریافت جزیه از ایشان بوده است.

رسول گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) خود در این مورد می فرماید:

«الْمَهْدِيُّ يَقْفُو أَثْرِي، لَا يُخْطِئُ»؛ (۲)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روش مرا دنبال می کند و هرگز از روش من بیرون نمی رود.

ص: ۶۷

۱- محمد بن ابراهیم، ابن ابی زینب، الغیبیة (للنعمانی)، ص ۲۳۷.

۲- الشیخ علی الکوثرانی العاملی، معجم أحادیث الإمام المهدی، چاپ اول، (قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ ق)، ج ۱، ص ۲۲۴.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِذْ أذَنَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْقَائِمِ بِالْخُرُوجِ، صَعَدَ الْمَنْبِرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ، وَنَاشَدَهُم بِاللَّهِ، وَدَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ»؛ (۱)

چون خدای تبارک و تعالی به قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اذن ظهور دهد، برفراز منبر قرار گرفته، مردمان را به سوی خود دعوت می کند، آن ها را به خدا سوگند داده، به پذیرش حق خود فرا می خواند و تعهد می کند که در میان آن ها بر اساس سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و طبق شیوه او رفتار کند.

اما در مقابل این روایات، برخی روایات بر تفاوت سیره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با روش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دلالت دارد. بر این اساس، آیا امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اهل کتاب را به قتل می رساند و از آن ها جز اسلام نمی پذیرد؟

زراره از امام باقر (علیه السلام) پرسید: «أیسیر بسیره محمد (صلی الله علیه و آله)؟ قال: هیهات هیهات یا زراره، ما یسیر بسیره! - جعلت فداک لم؟»

قال: انَّ رسول الله سارفی أمته باللین، کان یتألّف الناس، و القائم (علیه السلام) یسیر بالقتل، بذلک أمر، فی الکتاب الذی معه أن یسیر بالقتل و لا یستتیب احداً. ویل لمن ناواه؛ (۲)

آیا قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سیره محمد (صلی الله علیه و آله) رفتار می کند؟ فرمود: هیهات ای زراره، او به سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عمل نمی کند! پرسیدم: چرا جانم به قربانت؟ فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره امت خود به نرمی رفتار می کرد و می خواست با مردم الفت بگیرد، ولی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با قتل به پیش می رود و بر این کار دستور دارد. در کتابی که همراه اوست، چنین فرمان داده شده که با قتل رفتار کند و توبه احدی را نپذیرد. وای بر آن که در مقابلش بایستد!

این تعارض و تقابل را از چند طریق می توان برطرف کرد:

۱. در سلسله روایان این حدیث «محمد بن علی کوفی» قرار دارد که به گفته برخی محققان، دروغ های بزرگی را در روایات، به معصومان نسبت داده است.

ص: ۶۸

---

۱- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۸۸.  
۲- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، ص ۲۳۱؛ محمد محسن فیض کاشانی، نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین، ص ۲۷۴.

۲. بر فرض صحت حدیث، تعداد احادیث طرف مقابل بسیار بیشتر است، به حدی که در مرز استفاضه قرار می گیرد. بنابراین، روایت نادر در برابر روایت مستفیض تاب مقاومت ندارد.

۳. امکان دارد مراد از سیاست قتل، قاطعیت در میدان های نبرد باشد که در آن بحثی نیست.

۴. متن روایت با اصول مسلم کلامی مخالف است، زیرا اولاً، امام مظهر عطوفت، رحمت و گذشت است؛ چگونه می توان گفت توبه کسی را نمی پذیرد؟ ثانیاً، اگر قاطعیت و خشونت هم لازم باشد، در برابر جبهه مخالف مورد نیاز است، نه درباره امت اسلامی؛ حال آن که به قرینه «فی ائمه» باید بگوییم امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با یاران خود و افراد امت اسلامی نیز بی رحمانه و خشونت بار رفتار می کند! (۱)

بر اساس آن چه گذشت، دو دسته از دلایل نقلی در باب اکراه یا عدم اکراه در پذیرش دین اسلام در عصر ظهور وجود دارد که به ظاهر مقابل هم قرار گرفته اند؛ اما هم سویی دلایل عقلی با دلایل دسته دوم، سبب رجحان آن ها بر دلایل دسته اول (اکراه) می شود، توضیح این که:

اولاً: انسان آزاد و مختار آفریده شده و دارای کرامت انسانی است و خداوند خود برای او حق انتخاب قائل شده است؛ {إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا} و اساساً برتری انسان نسبت به سایر موجودات، همین قدرت انتخاب اوست که با به کارگیری عقل و خردی که هدیه الهی است، راه درست را با اختیار خود برمیگزیند.

ثانیاً: اکراه در عقیده و ایمان، امری ناممکن است؛ آیه ۲۵۶ سوره بقره، بر اکراه ناپذیری ایمان به طور آشکارا دلالت می کند:

{لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفصامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ}؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است؛ پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دست آویزی استوار که آن را گسستنی نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.

علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان، ذیل این آیه چنین می گوید:

ص: ۶۹

---

۱- محمدرضا آقاجانی قناد، «حقوق اقلیت های دینی در عصر ظهور»، مجموعه آثار سومین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱ (۱۳۸۶ ش)، ج ۱، ص ۳۳۷.



«در جملهٔ {لا إكراه في الدين}، دین اجباری نفی شده است، چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارف عملی به دنبال دارد، و جامع همهٔ آن معارف یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات»، و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد، چون کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است که عبارت است از حرکاتی مادی و بدنی (مکانیکی)، و اما اعتقاد قلبی برای خود علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد و محال است که مثلاً جهل علم را نتیجه دهد، و یا مقدمات غیر علمی، تصدیقی علمی را بزاید» (۱).

با این همه، از آن جا که تعداد هر دو دسته آیات و روایات مبنی بر اکراه و عدم اکراه، قابل توجه است، نمی توان از هیچ کدام صرف نظر کرد، لیکن روایات مبنی بر اکراه، اگر مقید شده، یا تخصیص بخورد، با روایات دسته دوم قابل جمع است؛ بنابراین، توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱) منظور از فراگیری اسلام و گسترده شدن دامنهٔ آن تا شرق و غرب عالم، فراگیر شدن «حاکمیت اسلام» است؛ یعنی با جهانی شدن حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حاکمیت اسلام در همه جا برقرار می شود و غلبهٔ حاکمیت اسلام، الزاماً به معنای مسلمان بودن تک تک افراد و زنده نماندن غیرمسلمانان نیست، بلکه افرادی هرچند اندک و انگشت شمار که به هر دلیل از قبیل اشتباه یا تعصب، حاضر به قبول اسلام نشده اند- در صورتی که معاند نباشند- می توانند با قبول شرایط حکومت اسلامی (از قبیل پرداخت جزیه)، تحت حاکمیت اسلام قرار بگیرند. در این صورت، عبارت «من لم یسلم» (۲) در روایات دسته اول، می تواند به معنای کسی باشد که تسلیم حکومت نشده است.

ص: ۷۰

- 
- ۱- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، (ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی)، چاپ پنجم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۷۴ ش)، ج ۲، ص ۵۲۳.
  - ۲- «لا- یأتون علی أهل دین إلا دعوهم إلی الله و إلی الإسلام و إلی الإقرار بمحمد (صلی الله علیه و آله) و من لم یسلم قتلوه حتی لا یبقی بین المشرق و المغرب و مادون الجبل أحد إلا أقر».

بنابراین، روایات قتل اختصاصاً به معاندان، توطئه گران، و مخالفان سرسختی دارد که نه حاضرند اسلام را بپذیرند، و نه با پرداخت جزیه و قبول شرایط تحت حاکمیت اسلام در آیند، بلکه با سنگ اندازی و توطئه افکنی فقط به مخالفت با حاکمیت اسلامی پردازند.

در نتیجه، منظور روایاتی که اشاره به «شکسته شدن صلیب» (۱) و «کشته شدن خوک» (۲) و امثال این‌ها داشت، نابودی حاکمیت هر آیینی غیر از اسلام است؛ یعنی در عصر ظهور، هیچ جامعه‌ای یافت نمی‌شود که بر اساس قوانین یهودیت، مسیحیت، بودیسم و ... اداره گردد، بلکه حاکمیت تنها از آن اسلام است، هرچند که اقلیت‌های دینی در زیر پرچم اسلام حق حیات خواهند داشت.

۲) تعدادی از روایات دسته اول که مربوط به قتل کافران است، مختص عرصه جنگ است. این روایات در رابطه با جنگ حضرت با مخالفین و معاندین سرسختی چون سفیانی است و قتل در این روایات، به قتل در حین جنگ مقید می‌شود. عبارت «و یضع الحرب أوزارها» (۳) و [در آن هنگام] جنگ، بار سنگین خود را بر زمین می‌نهد در یکی از این روایات، قرینه‌ای برای این ادعاست و همین طور، حدیث «صخره» (۴) که پنهان شدن کافران و نابودی آن‌ها به دست مؤمنان و یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نشان می‌دهد نیز در این دسته جای می‌گیرد.

۳) در رابطه با «جزیه» در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دو رویکرد متفاوت در روایات مشاهده می‌شود؛ روایتی بیان می‌کند که اقلیت‌ها با پرداخت جزیه (۵) در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زندگی مسالمت آمیزی خواهند داشت، و در روایتی عبارت «یضع الجزیه» و یا «لا یقبل الجزیه» (۶) دیده می‌شود؛ یعنی قانون پرداخت جزیه در حکومت مهدوی ملغی می‌شود. این احادیث می‌تواند

ص: ۷۱

۱- فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَذْهَبْ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مَنَّا الْقَائِمُ، يَقْتُلُ مَبْغُضِينَا وَ لَا يَقْبَلُ الْجِزْيَةَ، وَ يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَ الْأَصْنَامَ، وَ يَضَعُ الْحَرْبَ أَوْزَارَهَا، وَ يَدْعُو إِلَى أَخْذِ الْمَالِ وَ يَقْسِمُهُ بِالسُّوْيَةِ وَ يَعْدِلُ فِي الرَّعِيَةِ.

۲- فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَذْهَبْ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مَنَّا الْقَائِمُ، يَقْتُلُ مَبْغُضِينَا وَ لَا يَقْبَلُ الْجِزْيَةَ، وَ يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَ الْأَصْنَامَ، وَ يَضَعُ الْحَرْبَ أَوْزَارَهَا، وَ يَدْعُو إِلَى أَخْذِ الْمَالِ وَ يَقْسِمُهُ بِالسُّوْيَةِ وَ يَعْدِلُ فِي الرَّعِيَةِ.

۳- فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَذْهَبْ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مَنَّا الْقَائِمُ، يَقْتُلُ مَبْغُضِينَا وَ لَا يَقْبَلُ الْجِزْيَةَ، وَ يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَ الْأَصْنَامَ، وَ يَضَعُ الْحَرْبَ أَوْزَارَهَا، وَ يَدْعُو إِلَى أَخْذِ الْمَالِ وَ يَقْسِمُهُ بِالسُّوْيَةِ وَ يَعْدِلُ فِي الرَّعِيَةِ.

۴- «فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّى أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ: يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَاسْكُرْنِي وَ اقْتُلِيهِ».

۵- ... قُلْتُ: فَمَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ عِنْدَهُ؟ قَالَ: يَسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ يُؤَدُّونَ الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ.

۶- «فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَذْهَبْ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مَنَّا الْقَائِمُ، يَقْتُلُ مَبْغُضِيَا وَ لَا يَقْبَلُ الْجِزْيَةَ».

ناظر به برهه های مختلف زمانی باشد؛ یعنی در ابتدای حکومت، اقلیت های دینی ملزم می شوند جزیه پرداخت کنند، اما با گذشت زمان که حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استقرار می یابد و رشد و پیشرفت های چشم گیری در همه زمینه ها اتفاق می افتد، حکومت اسلامی در سایه رشد اقتصادی و مالی، بی نیاز از گرفتن جزیه می شود و از طرف دیگر، با به کمال رسیدن درک و باور دینی انسان و فراگیر شدن عدل امام، زمینه پذیرش دین اسلام بیشتر شده، همان اقلیت ها به مرور به اسلام می گرایند.

بنابراین، وجود اقلیت ها در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امر ممکن است. در تفسیر نمونه آمده است:

«از آیه {و من الذین قالوا إنا نصاری أخذنا میثاقهم فنسوا حظاً مما ذکروا به فأغرینا بینهم العداوة و البغضاء إلی یوم القیامة و سوف ینبئهم الله بما کانوا یصنعون} (۱) چنین بر می آید که طائفه نصاری به عنوان پیروان یک مذهب (و یا یهود و نصاری هر دو)، تا پایان جهان در دنیا وجود خواهند داشت. در این جا این سؤال پیش می آید که از اخبار اسلامی چنین استفاده می شود که پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در سرتاسر جهان یک آیین بیشتر نخواهد بود و آن آیین اسلام است، و این دو را چگونه می توان با هم جمع کرد؟

ممکن است که مسیحیت (و یا مسیحیت و آیین یهود) به صورت یک اقلیت بسیار ضعیف در جهان، حتی در عصر مهدی باقی بماند، زیرا می دانیم در آن عصر نیز آزادی اراده انسان ها از بین نمی رود و دین جنبه اجباری پیدا نمی کند، اگرچه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را می یابند و به آن می گروند و مهم تر از همه این که، حکومت روی زمین یک حکومت اسلامی خواهد بود» (۲).

(۴) بنا بر آن چه گذشت، در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اقلیت های دینی در صورت وجود، با حفظ شرایط آن زمان «اهل ذمه» می توانند حق حیات داشته باشند، اما بدون شک جایی برای الحاد و شرک و بت پرستی و آتش پرستی و گاوپرستی و ... نخواهد بود.

ص: ۷۲

۱- سوره مائده، آیه ۱۴.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۱۹.

ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است:

«و لا تبقى في الأرض بقعة عبد فيها غير الله عزّ و جلّ الا عبدالله فيها»؛ (۱)

در زمین بقعه ای نماند که در آن غیر خدا عبادت شود، جز این که تبدیل به جایگاهی شود که در آن خداوند عبادت گردد.

در تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳۳ سوره توبه آمده است:

«آزادی دینی، مخصوص کسانی است که از یکی از ادیان آسمانی پیروی کنند، و در برابر آن ها اعمال فشار برای تغییر عقیده صحیح نیست، ولی بت پرستی نه دین است و نه مکتب، بلکه خرافه است و انحراف، و حکومت اسلامی باید نخست از طریق تبلیغ، و اگر ممکن نشد از طریق توسل به زور، بساط بت پرستی را از همه جا برچیند و بت خانه ها را ویران کند» (۲).

این که در عصر ظهور خبری از شرک و الحاد نخواهد بود، دلیل بر مجبور ساختن ملحدین و مشرکین به پذیرش اسلام نیست، بلکه در آن روزگار، عقل و خرد، اندیشه و علم، و اخلاق و معنویت، چنان جایگاه رفیعی می یابد که گرایش به باطل امری بی معنا تلقی می شود، و الحاد و شرک به سان خسی می ماند که در تلاطم دریای شعور و آگاهی و بینش توحیدی جامعه، نیستی را تجربه می کند.

۵) در فراگیر شدن اسلام عوامل متعددی زمینه سازی می کند و این عوامل سبب گرایش همگان به دین اسلام می شود، بدون این که اکراه و اجباری دخیل باشد؛ یعنی در عصر ظهور، آمادگی کافی برای پذیرش اسلام وجود دارد و همین امر فراگیری اسلام را سهل، و آن را گسترده می سازد؛ این عوامل در قسمت بعد ذکر شده است.

#### ۴-۱-۳. عوامل مؤثر بر جهانی شدن اسلام

طبیعی است این سؤال مطرح می شود که اسلام چگونه خواهد توانست در میان ملت های غیرمسلمان گسترش یابد، درحالی که آن ها در زندگی مادی غوطه ور، و از ایمان و ارزش های معنوی به دورند، و نسبت به اسلام و مسلمانان بدبین هستند. پاسخ به این سؤال مفصل

ص: ۷۳

---

۱- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۶؛ محمدبن الحسن حرّ عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۸۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶..

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۶۶.

است و عوامل فراوان اقتصادی، سیاسی، اعتقادی، اخلاقی و ... در این امر مؤثر است که در بخش های بعد به آن ها پرداخته می شود، ولی به طور خلاصه و کلی، عوامل مؤثر در فراگیر شدن اسلام از این قرار است:

(۱) ملت های جهان از حکومت های مادی حاکم تجربه خوشی نداشته و عدم توانایی آن ها را در پاسخ گویی به نیازهای معنوی و حتی مادی خود سنجیده و از ناتوانی آن ها اطمینان یافته اند.

(۲) اسلام دینی فطری است، مخصوصاً آن گاه که از تمام پیرایه ها و کاستی ها مبرا شده باشد؛ لذا، ارائه اسلام ناب و اصیل هماهنگ با فطرت منجر می شود مردمان گمشده خود را باز یافته، گروه گروه به اسلام بگردند.

علامه طباطبایی در مورد فطری بودن اسلام معتقد است:

«اسلام، هدف نهایی نوع بشر و کمالی است که بشر با غریزه خود رو به سویش می رود، چه این که به طور تفصیل توجه به این سیر خود داشته باشد، و یا نداشته باشد. تجربه های پی در پی که در سایر انواع موجودات شده نیز این معنا را به طور قطع ثابت کرده که هر نوع از انواع موجودات در سیر تکاملی خود، متوجه به سوی آن هدفی است که متناسب با خلقت و وجود اوست، و نظام خلقت او را به سوی آن هدف سوق می دهد. انسان هم یک نوع از انواع موجودات است و از این قانون کلی مستثنا نیست»<sup>(۱)</sup>.

(۳) در عصر ظهور که عصر درخشان تکامل انسان است، عقل ها کامل می شود و خردورزی و تفکر جایگاه شایسته خود را می یابد و قدرت تشخیص صواب از ناصواب چندین برابر می شود و اسلام انتخاب عاقلانه و شایسته انسان ها خواهد شد.

امام محمد باقر (علیه السلام) راجع به تکامل عقول در عصر ظهور می فرماید:

«إذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد، فجمع به عقولهم، و أكمل به أخلاقهم»؛<sup>(۲)</sup>

هر گاه قائم ما قیام نماید، دست خود را بر سر بندگان خدا می گذارد و به این وسیله، خردهای آنان را جمع و متمرکز می سازد و اخلاق آنان را تکمیل می نماید.

ص: ۷۴

۱- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۱۰.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۴) با گسترش فوق العاده علم، و رشد دوازده برابری دانش در عصر ظهور، رسانه های مدرن و مجهز و وسایل فوق پیشرفته تبلیغی، امکان معرفی و تبلیغ اسلام را به نحو احسن فراهم می کند.

امام صادق (علیه السلام) در مورد رشد دوازده برابری دانش در عصر ظهور فرمودند:

«العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس، و ضم إليها الحرفين، حتى يثبتها سبعة و عشرين حرفاً»؛ (۱)

علم بیست و هفت حرف است، پس همه آن چه هریک از پیامبران آوردند دو حرف است و تا امروز مردم غیر از آن دو حرف را نمی شناسند، و آن گاه که قائم ما قیام نماید، بیست و پنج حرف دیگر را خارج ساخته، در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را به آن ها می افزاید، تا تمام بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر نماید.

۵) تحوّل اقتصادی (۲) که امام در سرزمین های تحت حکومت خود ایجاد می کنند و فور نعمت ها و آسایش و رفاه مادی که زائیده نظام اقتصادی احسن در آن سرزمین هاست، کشورهای غیراسلامی را که هنوز تحت حاکمیت امام واقع نشده اند و از بحران های اقتصادی و سیاسی رنج می برند، متوجه و مجذوب خود می سازد.

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«... تنعم أمتی فی زمن المهدي نعمة لم ينعموا مثلها قط»؛ (۳)

... در عهد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امت من آن چنان از فراخی معیشت برخوردار می شود که هرگز نظیر چنین نعمت و آسایشی را ندیده باشد.

ص: ۷۵

۱- محمدبن جریر طبری آملی، نوادر المعجزات فی مناقب الائمة الهداة (علیهم السلام)، (تصحیح: باسم محمدی اسدی)، چاپ اول، (قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ ق)، ص ۱۰؛ سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، (تحقیق / تصحیح: مؤسسه الإمام المهدي (علیه السلام)، چاپ اول، (قم: مؤسسه الإمام المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۹ ق)، ج ۲، ص ۸۴۱.

۲- در این باره، در بخش اقتصاد بحث خواهد شد.

۳- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۴۹؛ محمدبن الحسن حرّ عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۲۳۰.

۶) احتجاج با کتاب های آسمانی: در روایات آمده است، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در میان اهل کتاب با کتاب های خودشان احتجاج می کنند و این امر سبب ایمان آوردن تعداد زیادی از آنان خواهد شد و طبیعی است که حکم کردن آن حضرت در میان اهل کتاب با کتاب های خودشان، به عنوان زمینه سازی برای هدایت آن هاست.

رسول گرامی اسلام، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در این زمینه می فرماید:

«يظهر على يديه تابوت السكينة من بحيرة طبرية، يُحمل فيوضع بين يديه بيت المقدس، فإذا نظرت إليه اليهود أسلمت إلا قليلاً منهم»؛ (۱)

تابوت سکینه به دست او از دریاچه طبریّه (در فلسطین) بیرون آورده می شود و همراه آن حضرت حمل شده، در بیت المقدس در برابرش گذاشته می شود. هنگامی که یهودیان آن را ببینند، همگی به شرف اسلام مشرف می شوند، به جز تعدادی اندک.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«يستخرج التوراة و سائر كتب الله عز و جلّ من غار أنطاكية و يحكم بين أهل التوراة بتوراة، و بين أهل الإنجيل بالإنجيل و بين أهل الزبور بالزبور و بين أهل القرآن بالقرآن...»؛ (۲)

تورات و سایر کتاب های الهی را از غار انطاکیه خارج می سازد و در میان یهود، با تورات و در میان مسیحیان، با انجیل و در میان اهل زبور، با زبور و میان مسلمانان، با قرآن حکم می کند.

۷) نزول حضرت عیسی (علیه السلام): عامل بسیار مهم دیگر در تسهیل فراگیری اسلام، فرود آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) از آسمان (۳) است؛ خداوند توسط او نشانه هایی برای ملت های دنیا آشکار می سازد، و طبعاً بسیاری به سبب وجود او مسرور شده، به او ایمان می آورند. آن بزرگوار به محضر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد رسید و به ایشان اقتدا خواهد کرد و حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ایشان را به فرماندهی

ص: ۷۶

۱- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۵۰.

۲- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۳- طبق آیات ۱۵۸-۱۵۷ سوره نساء، حضرت عیسی (علیه السلام) مصلوب و کشته نشد، بلکه به آسمان ها برده شد.

سپاه خویش می گمارد و بدین ترتیب، به واسطه ایشان خیل کثیری از اهل کتاب مسلمان می شوند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باب می فرماید:

«کیف أنتم إذا نزل ابن مریم فیکم و إمامکم منکم؟»؛ (۱)

چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما نازل شود و پیشوای شما از میان خود شما خواهد بود؟!؛

رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) خطاب به یک یهودی می فرماید:

«یا یهودی! و من ذریتي المهدی إذا خرج نزل عیسی بن مریم (علیهما السلام) لنصرته فقدّمه و یصلی خلفه» (۲)؛

ای یهودی! مهدی از ذریه من است. هنگامی که ظهور کند، عیسی بن مریم (علیهما السلام) برای یاری اش نزول می کند و او را مقدم می دارد و پشت سرش نماز می گزارد.

پیشوای پنجم شیعیان، در تفسیر آیه شریفه {و إن من أهل الكتاب إلّا لیؤمننّ به قبل موته و یوم القیامه یكون علیهم شهیداً} (۳) فرمود:

«انّ عیسی ینزل قبل یوم القیامه إلی الدنیا فلا یبقی أهل ملّۀ یهودی و لا غیره، إلّا آمن به قبل موته و یصلی خلف المهدی»؛ (۴)

به طور مسلم، عیسی پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد. پیرو هیچ آئینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی ماند، جز این که پیش از وفاتش به او ایمان می آورد و او در پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می گزارد.

ص: ۷۷

---

۱- یحیی بن حسن ابن بطریق، عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، چاپ اول، (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ ق)، ص ۱۶.

۲- احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، (تصحیح/ تحقیق: محمد باقر خراسان)، چاپ اول، (مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق)، ج ۱، ص ۴۸.

۳- سوره نساء، آیه ۱۵۹، یعنی «احدی از اهل کتاب نمی ماند، جز این که پیش از وفاتش (وفات حضرت عیسی (علیه السلام)) به او ایمان می آورد. سپس او (عیسی) در روز رستاخیز به آن ها گواهی می دهد».

۴- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، (تصحیح: طیب موسوی جزائری)، چاپ سوم، (قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق)، ج ۱، ص ۱۵۸.



لازم به ذکر است که نزول حضرت عیسی (علیه السلام) از جمله مشترکات روایات شیعه و اهل سنت در زمینه مهدویت است، و لذا به جرأت می توان گفت که تمام مسلمانان به بازگشت عیسی مسیح در آخرالزمان ایمان دارند و بسیاری از دانشمندان اسلامی بر این موضوع تصریح کرده اند<sup>(۱)</sup> و شمار زیادی از مفسران شیعه و سنی از تعدادی آیات قرآن برای اثبات این مطلب استمداد جسته اند. مهم ترین آیه ای که در این رابطه به آن استشهاد شده، آیه ۱۵۹ سوره نساء است:

﴿وإن من أهل الكتاب إلا ليؤمننَّ به قبل موته و يوم القيامة يكونُ عليهم شهيداً﴾؛

و از اهل کتاب کسی نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او (عیسی) ایمان می آورد، و روز قیامت (عیسی) بر آنان شاهد خواهد بود.

در ۴۲ تفسیر از تفاسیر شیعه و ۴۳ تفسیر از تفاسیر اهل سنت<sup>(۲)</sup>، ذیل این آیه به نزول حضرت عیسی (علیه السلام) در آخرالزمان پرداخته شده است.

در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است:

«منظور این است که تمام اهل کتاب به حضرت مسیح (علیه السلام) پیش از مرگ او ایمان می آورند؛ یهودیان او را به نبوت می پذیرند و مسیحیان دست از الوهیت او می کشند و این به هنگامی است که مسیح (علیه السلام)، طبق روایات اسلامی در موقع ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آسمان فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد و یهود و نصاری نیز او را می بینند و به او و مهدی (علیه السلام) ایمان می آورند، و روشن است که مسیح (علیه السلام) به حکم این که آئینش مربوط به گذشته بوده، وظیفه دارد در این زمان از آیین موجود، یعنی آیین اسلام که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مجری آن است پیروی کند (طبق این تفسیر، ضمیر موته به «مسیح» بر می گردد، نه به اهل کتاب)»<sup>(۳)</sup>.

در تفسیر قمی، در ذیل آیه شریفه ﴿وإن من أهل الكتاب إلا ليؤمننَّ به قبل موته...﴾، آمده است:

ص: ۷۸

- 
- ۱- مهدی اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۱۹۲.
  - ۲- سیدمحسن طباطبایی و دیگران، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، ص ۱۲۷ - ۱۲۳.
  - ۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج، ص .

«پدرم از قاسم بن محمد از سلیمان بن داود منقروی از ابی حمزه از شهرین حوشب روایت کرده که گفت: حجاج به من گفت: ای شهر! یک آیه از قرآن مرا گنج کرده، نمی فهمم معنایش چیست؟ پرسیدم: ای امیر! آن کدام آیه است؟ گفت: آیه ﴿وإن من أهل الكتاب إلا ليومننَّ به قبل موته و يوم القيامة یكون علیهم شهیداً﴾ است. با این که - به خدا سوگند - دستور می دهم گردن یک یهودی و یا مسیحی را بزنند و خودم تا آخرین رمقش می ایستم و به دقت نگاه می کنم، بینم لب ها را تکان می دهد و به حقانیت عیسای مسیح، شهادت می دهد یا نه، چیزی نمی بینم، بلکه لب ها هم چنان بسته است تا بدن سرد شود، با این حال، چطور آیه قرآن خبر می دهد که هر یهودی در دم مرگش به عیسی ایمان می آورد؟ من به او گفتم: خدا امیر را اصلاح کند، معنای آیه شریفه، آن طور که تو فهمیدی نیست. پرسید: پس به چه معنا است؟ گفتم: عیسی قبل از به پا شدن قیامت از آن جا که هست نازل می شود و هیچ اهل ملتی باقی نمی ماند، نه یهودی و نه غیریهودی، مگر آن که قبل از مرگ وی به او ایمان می آورند و او دنبال مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نماز می ایستد. حجاج چون این بشنید از در تعجب گفت: وای بر تو! این سخن از که آموختی و از چه کسی نقل می کنی؟ گفتم: محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب آن را برایم نقل کرد. در پاسخم گفت: به خدا سوگند که از سرچشمه ای زلال گرفته ای». (۱)

علامه طباطبایی نیز در تفسیرالمیزان پس از بیان این روایت و روایات دیگری از شیعه و اهل سنت، در این باره می گوید:

«روایات درباره نازل شدن عیسی (علیه السلام) در هنگام ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسیار زیاد است و به اصطلاح، مستفیض است؛ هم از طرق اهل سنت و هم از طرق شیعه، هم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و هم از ائمه اهل بیت (علیهم السلام)». (۲)

لازم به ذکر است، ایمان آوردن اهل کتاب به حضرت عیسی در آخر الزمان، علاوه بر مفسرین مذکور، مورد قبول ابن عباس، ابن مالک، قتاده، ابن زید، طبری، فخر رازی و قرطبی

ص: ۷۹

۱- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، (تصحیح: طیب موسوی جزائری)، چاپ سوم، (قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق)، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۳۳.

هم واقع شده است. (۱) علاوه بر آیه ای که گذشت، تعدادی از تفاسیر، ذیل آیه ۴۶ سوره آل عمران نیز به بیان نزول حضرت عیسی (علیه السلام) در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخته اند:

﴿و إذ قالت الملائكة يا مريم ان الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى بن مريم وجيهاً في الدنيا و الآخرة و من المقربين \* و يكلم الناس في المهود كهلاً و من الصالحين﴾؛

[یادکن] هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای از جانب خود، که نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می دهد، درحالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است و در گهواره و در حالت کهولت با مردم سخن می گوید و از شایستگان است.

در تفسیر شریف لاهیجی، در خصوص این آیه آمده است:

«طبق تواریخ، حضرت مسیح (علیه السلام) هرگز در این جهان و در میان مردم به سن پیری نرسید، بلکه در سن ۳۳ سالگی از میان مردم بیرون رفت، و خدا او را به آسمان برد و مطابق روایات متعددی، در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به میان مردم باز می گردد و با آن ها سخن می گوید. بنابراین، سخن گفتن حضرت عیسی (علیه السلام) در پیری، مربوط به بعد از نزول ایشان می شود». (۲)

تفسیرروان جاوید (۳) و تفسیرنمونه (۴) نیز همین مضمون را ذیل این آیه ذکر کرده اند.

بنابر آن چه گذشت، با نزول حضرت عیسی (علیه السلام) در آخرالزمان، یهودیان و مسیحیان که جمعیت فراوانی را تشکیل می دهند، به او ایمان می آورند و به دنبال اقتدای حضرت عیسی (علیه السلام) به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همه اسلام می آورند و جهان به آسانی فتح خواهد شد.

عیسی بن مریم (علیهما السلام) مسؤولیت بخش های مختلفی از دولت جهانی را به دوش می گیرد، و جایگاه او در صدر وزیران دولت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ شاید هم حکمروایی بر سرزمین های وسیعی از دولت جهانی بدو سپرده شود. (۵)

ص: ۸۰

۱- مهدی اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۱۹۲.

۲- محمدبن علی شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۳۲۶.

۳- نک: تفسیر روان جاوید، ج ۱، ص ۱۴۷.

۴- نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۵۰.

۵- سیدمحمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۵۲۱.

## اشاره

همان طور که در فصل دوم گذشت، وضعیت اخلاقی جامعه در آستانه ظهور، بسیار نامطلوب و نابه سامان است و لذا از اصلاحات عمده و اساسی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور، اصلاحات اخلاقی است. در روایات اسلامی آمده است که سیره و سنت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همان سیره و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. (۱) از این رو، تربیت و پرورش روح انسان و توجه به اخلاق و فضایل معنوی، از اساسی ترین برنامه های ظهور است و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همچون جد بزرگوارشان، به اصلاح اخلاق خواهند پرداخت و مکارم اخلاقی را گسترش خواهند داد.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای اصلاح اخلاق، ابتدا از اصلاحات بنیادین آغاز می کنند؛ یعنی اصلاح در بینش ها و گرایش های جامعه، و در مراحل بعد، به درمان یکایک آسیب های اخلاقی خواهند پرداخت.

بدین معنا که در عصر ایشان، غبارهای شهوانی و هواهای نفسانی که بر چراغ عقل نشسته اند زدوده می شود، تا تعقل و تفکر ارتقا یابد و خردورزی و عقلانیت جایگاه حقیقی اش را پیدا کند. از طرفی، از آن جا که بینش ناب توحیدی به جامعه عرضه می شود، عقلانیت در سایه دین داری منجر به جامعه ای خواهد شد که کنش هایش معطوف به ایمان به خدا و معاد است. در چنین جامعه ای، گرایش به مفاسد اخلاقی، به صفر میل می کند و با افزایش سطح خردورزی و دین داری، رذایل اخلاقی ریشه کن شده، جای خود را به مکارم اخلاقی می دهد و نفاق، دروغ، خیانت و دشمنی از جامعه رخت برمی بندد، و کینه ها به محبت و دوستی تبدیل گشته، روابط انسان ها بر اساس دوستی شکل می گیرد و در نتیجه، اخلاق نیکو در جامعه بشری گسترش می یابد.

## ۱-۲-۳. از بین رفتن مفاسد و انحرافات اخلاقی

انحرافات اخلاقی را از بعدمنشأ می توان به دو گروه تقسیم کرد؛ ریشه برخی از انحرافات، فقر و نداری است؛ آسیب هایی مثل دزدی، ربا و رشوه خواری و حتی در بعضی موارد،

ص: ۸۱

فحشا را می تواند در این دسته جای داد. ریشه برخی دیگر از انحرافات اخلاقی، بی تعهدی نسبت به بنیان های اخلاقی، هنجارها و ارزش های دینی جامعه، شهوت رانی و هواپرستی است؛ انحرافات جنسی، مانند بی بندوباری های جنسی و گرایش به هم جنس از این جمله اند.

بنابراین، از آن جایی که ریشه انحرافات متفاوت است، برخوردهای اصلاحی متفاوتی را هم می طلبد. در عصر ظهور، با فراهم آمدن زمینه کار و تلاش، یاری رسانی به قشرهای ضعیف و کم درآمد، و مبارزه با انحرافات مثل رانت خواری، ربا و رشوه خواری، ریشه فقر و ناداری می خشکد و آسیب های ناشی از آن درمان می شود، و در حوزه انحرافات جنسی و مفسد اخلاقی نیز امام دو نوع برخورد اصلاح گرایانه خواهند داشت:

۱- اصلاح اخلاق و گرایش های اخلاقی با استفاده از تحوّل اندیشه و ارزش شدن آموزه های دینی؛ یعنی با فربه شدن عقلانیت، و زدودن آسیب هایی که سبب ساز انحرافات رفتاری است از اندیشه و خرد، به مبارزه فرهنگی با عوامل و ریشه های کج روی های جنسی و مفسد اخلاقی خواهند پرداخت که عامل اخلال در روابط اجتماعی است.

۲- مبارزه با هنجارشکنی از طریق اجرای حدود و قوانین الهی: توجه ویژه به اقامه حدود الهی، موجب جلوگیری از انحرافات اخلاقی می شود و حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با اجرای این قوانین حیات بخش، به روابط اجتماعی سامان می دهند و آن ها را از گزند آسیب ها می رهانند؛ در دعایی چنین آمده است:

«و أقم به الحدود المعطله و الأحكام المهملة»؛ (۱)

[خدایا!] به واسطه مهدی، حدود ترک شده و احکام رها شده را برپا دار.

بنابراین، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با دو راهبرد فرهنگی و اجرای حدود الهی، مفسد اخلاقی را ریشه کن می کنند. امام صادق (علیه السلام) در این مورد می فرمایند:

«و يذهبُ الرِّبَاءُ وَ الزَّنا وَ شُرْبُ الخَمْرِ، وَ تقبلُ النَّاسُ على العبادَةِ وَ المشروعاتِ وَ الديانةِ وَ الصلاةِ في الجماعةِ وَ تطولُ الأعمارُ، وَ تؤدَّى الأماناتُ، وَ يهلكُ الأشرارُ وَ يَبْقَى الأَخيارُ»؛ (۲)

ص: ۸۲

---

۱- محمد بن الحسن طوسی، مصباح المتعبد، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق)، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲- علی یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۲۴۷.

[در آن دوران] رباخواری، زناکاری و مشروب خواری از بین می رود، و مردم به عبادات و مشروعات و دیانت و نماز جماعت روی می آورند، عمرها طولانی می شود، امانت ها را به خوبی رعایت می کنند، اشرار مردم نابود می شوند و افراد صالح باقی می مانند.

و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصف آن روزگاران می فرمایند:

«به یمحق الله الکذب و یدهب الزمان الکلب، و یدخرج ذل الرق من أعناقکم»؛ (۱)

خداوند به وسیله او دروغ و دروغ گو را نابود می سازد، روح درندگی و ستیزه جوئی را از بین می برد و ذلت بردگی را از گردن شما بر می دارد.

علاوه بر برخوردهای اصلاح گرایانه امام در ریشه کنی مفسد اخلاقی، در روایات به عامل مؤثر دیگری برمی خوریم که آن نیز در از بین رفتن مفسد و جایگزینی مکارم اخلاقی بسیار تأثیر گذار است؛ نابودی شیطان.

در قرآن کریم آمده است که شیطان پس از سجده نکردن بر آدم و تخطی از فرمان پروردگار، از خداوند مهلت خواست و خداوند با درخواست او موافقت کرد.

{قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ\* قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ\* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ}؛ (۲)

گفت: مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده\* فرمود: تو از مهلت یافتگانی\* تا به روز و هنگام معین و معلوم.

از امام صادق (علیه السلام) سوال شد: این که خداوند به شیطان فرمود: «فإنك من المنظرين. إلى يوم الوقت المعلوم» این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ ایشان فرمودند: آیا پنداشته ای این روز، روز قیامت است؟

«و ان الله عزو جل أنظره إلى يوم يبعث فيه قائمنا فاذا بعث الله قائمنا كان في مسجد الكوفة و جاء ابليس حتى يجثو بين يديه على ركبته فيقول: يا ويله من هذا اليوم فيأخذ بناصيته فيضرب عنقه - فذلك اليوم هو الوقت المعلوم»؛ (۳)

ص: ۸۳

۱- محمد بن الحسن طوسی، الغيبة، ص ۱۸۵؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۲۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۵.

۲- سورة حجر، آیات: ۳۸-۳۶.

۳- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

خداوند تا روزی که قائم ما را برانگیزد به شیطان مهلت داد. پس زمانی که خداوند قائم ما را برانگیزد، در مسجد کوفه باشد در حالی که شیطان وارد شود تا در برابرش زانو زده، پس بگویید: وای از این روز! پس امام موی جلوی سر او را می گیرد و گردش را می زند؛ آن روز، وقت معلوم است.

مفسران ذیل آیات، ۱۵ اعراف و ۳۸-۳۶ حجر، با ذکر همین روایت یا روایات مشابه، «وقت معلوم» را «وقت قیام قائم» دانسته اند.

در تعدادی از تفاسیر (۱)، مفسرین اتفاق نظر دارند که: «نفخه دوم، قیامت برپا می شود و شیطان تا نفخه اول فرصت دارد و نفخه اول، روز قیام قائم است».

دو نوع برداشت از روایات «کشته شدن ابلیس به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» می توان ارائه داد:

۱- برداشت ظاهری و غیر تأویلی از این رویداد شگفت انگیز؛ بدین معنی که شیطان که مظهر نافرمانی پروردگار و فرماندهی فساد، جنایت، غارت، خیانت، دزدی و همه زشتی ها و منکرات است و تا عصر پیش از ظهور، محکی برای آزمایش انسان ها بوده است، در روز ظهور که روز معین معلوم است، به دست حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کشته می شود و بشریت، جهانی بدون شیطان را تجربه خواهد کرد؛ در نتیجه، تربیت انسان ساده تر و تکاملش سریع تر خواهد شد و ریشه همه فسادهایی که با آتش وسوسه شیطان شعله ور می شود، از بن کنده خواهد شد.

۲- برداشت تأویلی و رمزی از احادیث؛ بدین معنی که کشته شدن ابلیس، یعنی کشته شدن او در وجود انسان ها، به طوری که هرچند خودش هم چنان وجود خارجی دارد، ولی به طور کلی، اثری از او در رفتار انسان ها باقی نخواهد ماند. این وقتی است که دولت عدل جهانی، عوامل زشتی و فساد را از زمین ریشه کن ساخته، فضایی از خیر و صلاح در دل ها و اندیشه های آدمیان پدید آورد. در این هنگام، ابلیس کاری از پیش نمی برد و مرده و زنده او دیگر هیچ اهمیتی نخواهد داشت، و از آن جا که وجود همه خیرات و نیکی ها در میان بشر همگی حاصل

ص: ۸۴

---

۱- نک: تفسیر لاهیجی، ج ۲، ص ۹؛ تفسیر روان جاوید، ج ۲، ص ۴۱۲ و تفسیر آسان، ج ۵، ص ۱۶۵.

کوشش‌ها و آموزه‌های امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، نسبت دادن قتل ابلیس به آن حضرت درست خواهد بود. (۱)

## ۲-۲-۳. روابط انسانی مبتنی بر اخلاق

جامعه‌ای که در آن دروغ، کینه، نفاق، حسد، افتراء، بهتان و بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی حاکم باشد، نمی‌تواند به لحاظ اخلاقی جامعه‌سالمی به شمار آید؛ این است که در مدینه فاضله‌ای که با ظهور منجی برپا می‌شود، در فضایی آکنده از عدالت، روابط میان افراد نیز بر اساس عدالت تنظیم شده، قلب‌ها به هم نزدیک می‌شود. با از بین رفتن فساد، تبعیض و بی‌عدالتی، جایی برای درگیری و تضاد نیست؛ کینه و دشمنی از دل‌ها رفته، بهانه‌ای برای خیانت، خودخواهی، انتقام‌و بدگمانی نخواهد بود، و اخلاق مردم، اخلاق محمدی و علوی و مهدوی خواهد شد.

در آرمان‌شهر مهدوی، از کینه‌توزی، دروغ‌گویی و بی‌حرمتی خبری نیست و آن چه هست، مهرورزی و مهربانی و انس، صفا و صمیمیت، و احیای ارزش‌های الهی و انسانی است، در تمام ساحت‌های حیات بشری. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که در زمان او:

«... وَ تَذَهَبُ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَ يَذْهَبُ الشَّرُّ وَ يَبْقَى الْخَيْرُ»؛ (۲)

کینه‌ها از دل مردم بیرون رود و شر از جهان رخت بربندد و تنها خیر باقی بماند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

« (المهدی) مَنَّا... وَ بِنَا يُؤَلَّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الْفِتْنَةِ كَمَا أَلَّفَ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ عِدَاوَةِ الشَّرْكِ»؛ (۳)

مهدی از ماست و خداوند به وسیله ما دل‌هایشان را پس از دشمنی، به هم نزدیک می‌کند؛ همان‌گونه که به وسیله ما دشمنی دوران شرکو [کفر] را از میان برداشت.

## ۳-۳. علم در عصر ظهور

### اشاره

ص: ۸۵

۱- سیدمحمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۴۹۶.

۲- حسن بن علی، ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۱۵.

۳- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، (تصحیح: هاشم رسولی محلاتی)، چاپ اول، (تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق)، ج ۲، ص ۴۸۴.



روایات، جهان را در روزگار امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می کند. در زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، علم و علم آموزی به حدّ اعلاّی خود خواهد رسید و هیچ چیز مبهم و یا ناشناخته نخواهد ماند که اسرار آن گشوده نشود. جهان شاهد یک جهش علمی در تمامی ابعاد خواهد بود (۱) و درهای همه شاخه های مفید و سازنده علم به روی انسان ها گشوده می شود و علم آموزی چنان فراگیر می شود که حتی زنان جوان- که هنوز سنی از آن ها نگذشته است- آن چنان به کتاب خدا و میانی مذهب آشنا می شوند که به آسانی حکم خدا را از قرآن کریم استخراج می کنند. (۲)

این جهش علمی، صنایع و تکنولوژی را نیز در مقیاسی وسیع شامل می شود و صنایع هوا-فضا، مخابرات، ارتباطات و ... فوق العاده پیشرفته می شود.

همراه با پیشرفت علم، عقلانیت و خردورزی نیز رشد می کند (۳) و اخلاق نقشی محوری می یابد. بدین ترتیب، تمام آسیب ها و معایب ناشی از پیشرفت علم، از قبیل آلودگی های اتمی، شیمیایی و زیست محیطی، که جهان پیش از ظهور آن ها را تجربه کرده، مرتفع می شود و جهانی مدرن و پیشرفته و پاک، برای انسان هایی پاک رقم می خورد.

در این میان، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که هیچ دانشی بر ایشان پوشیده نیست و هیچ علمی نیست، مگر این که ایشان گشاینده آن باشند (۴)، به سان استادی دلسوز راه را برای همگان هموار می سازند و بنابراین، در عصر ایشان نه تنها عقب گرد صنعتی وجود ندارد، بلکه صنایع و تکنولوژی به طرز بی سابقه ای گسترش می یابد و تنها در مسیر منافع انسان ها راه می پوید.

### ۱-۳-۳. میزان پیشرفت علم

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

ص: ۸۶

- 
- ۱- نک: سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱.
  - ۲- نک: محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۹.
  - ۳- نک: محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۱۱۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
  - ۴- نک: احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۶۴.

«العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة و العشرين حرفاً فبثها في الناس، و ضم إليها الحرفين، حتى يبثها سبعة و عشرين حرفاً»؛ (۱)

علم و دانش، بیست و هفت حرف [یا بیست و هفت شعبه و شاخه] است؛ تمام آن چه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود، و مردم تا امروز غیر از آن دو حرف را نشناخته اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف [یا بیست و پنج شاخه و شعبه] دیگر را خارج ساخته، در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را به آن ها می افزاید، تا تمام بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر نماید.

این حدیث، به روشنی جهش فوق العاده علمی در عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را مشخص می سازد که تحوّل به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمام علوم و دانش هایی حاصل می شود که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شده است. با تأمل در این روایت، نکته هایی قابل استخراج است:

۱- در کلام امام صادق (علیه السلام) آمده است: «فبثها في الناس» و این اشاره به یک نکته بسیار مهم دارد و آن فراگیر شدن، عمومی بودن و منتشر شدن علم در میان همه افراد جامعه است. (به دلیل الف و لام جنس در کلمه الناس). بنابراین، در آن زمان همه مردم به ارتقاء علمی و فرهنگی راه می یابند و علم و دانش مخصوص عده ای خاص و اندک از مردم جامعه نیست. پس در آن عصر درخشان، همه مردم جهان از نعمت علم و دانش بهره مند خواهند شد. (۲)

۲- علم و دانش در عصر تکامل، نه همچون علم و دانش در این زمان است؛ علم و دانش در آن روزگار، بسیار گسترده تر و توسعه یافته تر است و در آن هنگام، افراد جامعه از انواع علم و دانش برخوردار خواهند بود. کلمه «العلم» به دلیل «الف و لام» آن، یعنی جنس علم و مجموعه آن چه دانش شمرده می شود؛ مجموعه همه آن در گذشته و حال از قبل از قیام تا پس از ظهور،

ص: ۸۷

- 
- ۱- سعید بن هبة الله قطب الدين راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ حسن بن سلیمان حلی، مختصر البصائر، (تصحیح: مشتاق مظفر)، چاپ اول، (قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ ق، ص ۲۳۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
  - ۲- سیدمرتضی مجتهدی سیستانی، دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ پنجم، (قم: نشر الماس، ۱۴۳۲ ق)، ص ۱۹۹.

بیست و هفت حرف است. از عصر پیامبران تا پایان عصر غیبت، هرچه دانش بشر پیشرفت کند، به دو حرف از آن راه می یابد و در عصر ظهور، بیست و پنج حرف دیگر علوم به آن ضمیمه می شود و یک فرهنگ عظیم و تکامل یافته و بسیار درخشان در میان همه افراد جامعه به وجود می آید. (۱)

۳- در آن زمان، علم و دانش واقعی و صحیح در میان مردم منتشر می شود، نه علمی که بر اساس فرضیه و تئوری است.

۴- مجموعه همه علوم، تکامل یافته، در میان مردم منتشر می شود؛ یعنی هر رشته از رشته های علم، در مرحله عالی و نهایی آن، در جامعه رواج می یابد و مردم از آن بهره می برند. (۲)

### ۲-۳-۳. حوزه های پیشرفت علم

#### اشاره

همان طور که ذکر شد، توسعه علمی عصر ظهور، همه حوزه ها و ابعاد را در بر می گیرد و رشد و پیشرفت شامل همه علوم، اعم از مادی و معنوی می شود.

در زمینه علوم معنوی و معرفتی، امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان مترجم و مفسر وحی، روح تازه ای در پیکر بی جان دین می دمَد و گرد و غبار را از چهره آن می زداید و تحولات در این زمینه آن چنان زیاد است که بعضی گمان می کنند امام دین و کتاب جدیدی آورده است و این چنین، دین و علوم مربوط به آن که تا آن زمان دست خوش تغییر و تحریف شده بود، احیاء می گردد.

در زمینه علوم مادی، همه شاخه های علوم پیشرفت جدی می کنند؛ پیشرفت های علم پزشکی، منجر به کشف عوامل بیماری زا، و ریشه کن شدن بیماری ها خواهد شد، و در زمینه صنعت و تکنولوژی، صنایع هوا- فضا، مخابرات، ارتباطات و ... علوم جهش فوق العاده ای خواهد داشت.

### ۱-۲-۳-۳. صنایع هوا- فضا

#### اشاره

در عصر پیشرفته ظهور، مسأله راه یابی به آسمان ها مطرح است. برای پی بردن به اهمیت این موضوع، لازم است نگاهی به عظمت و گستردگی فضا و پهناوری آسمان ها داشته باشیم:

### ۱-۱-۲-۳-۳. عظمت فضا

۱- سید مرتضیٰ مجتهدی سیستانی، دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ پنجم، (قم: نشر الماس، ۱۴۳۲ ق)، ص ۱۹۹.

۲- سید مرتضیٰ مجتهدی سیستانی، دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ پنجم، (قم: نشر الماس، ۱۴۳۲ ق)، ص ۲۰۱.

کره زمین به همراه گروهی از سیارات دیگر- که همه به گرد خورشید می گردند- منظومه شمسی را تشکیل می دهند. منظومه شمسی ما، تنها بخش بسیار کوچکی از کهکشان راه شیری است که با سرعتی برابر هشت صد هزار کیلومتر در ساعت، هر ۲۳۰ میلیون سال یک بار به گرد مرکز این کهکشان می گردد. فاصله منظومه شمسی (از خورشید) تا مرکز کهکشان راه شیری، ۲۸ هزار سال نوری است. کهکشان راه شیری از صدها میلیارد ستاره تشکیل شده است و خورشید، تنها یکی از صدها میلیارد ستاره کهکشان ماست که ستاره ای زرد-نارنجی به شمار می رود. کهکشان راه شیری یکی از زیباترین و درخشان ترین کهکشان های جهان است. (۱) این کهکشان عظیم در برابر میلیاردها کهکشان دیگر تنها یک ابر کوچک پر ستاره است و مجموعه این کهکشان ها که در اصطلاح علمی، «متاگالاکسی» (۲) نام دارد، جهان ما را تشکیل می دهد. برای پی بردن به عظمت فضا، کافی است بدانیم که تعداد کهکشان ها در پهنه بی کران آفرینش، از مجموع شن های ساحلی همه سواحل روی زمین بیشتر است!!!... (۳)

در کهکشان ما ۲۵۰ بیلیون خورشید وجود دارد. مساحتی که این کهکشان در کیهان اشغال کرده به قدری گسترده است که اگر یک پرتو نور بخواهد طول آن را با سرعت یک بیلیون کیلومتر در ساعت بپیماید، صدهزار سال در راه خواهد بود. (۴) در سرتاسر جهان، تریلیون ها کهکشان پخش شده اند. یک کهکشان دارای قطری معادل صدهزار سال نوری، و در برگیرنده بیش از صد بیلیون ستاره است.

با این همه، فضای جهان به قدری وسیع و گسترده است که این همه مواد تشکیل دهنده ستارگان و منظومه ها و کهکشان ها، در مقایسه با وسعت بی کران فضایی که کهکشان ها را در برمی گیرد آن قدر ناچیز است که گویی می توان از آن ها صرف نظر کرد.

ص: ۸۹

- 
- ۱- جون میکنتاش، شگفتی های کاوش جهان، (ترجمه: نیاز یعقوبشاهی)، چاپ اول، (تهران، نشر زمانه، ۱۳۷۴ ش)، ص ۲۳۰.
  - ۲- metagalaxy.
  - ۳- رایموند روایه، دو هزار دانشمند در جست و جوی خدا، (ترجمه: فرامرز برزگر)، چاپ چهارم، (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۸ ش)، ص ۱۳.
  - ۴- آدریان بری، جهان در پانصد سال آینده، (ترجمه: کوشیار کریمی طاری)، چاپ اول، (تهران: نسل نو اندیش، ۱۳۷۸ ش)، ص ۵۲۰.

در برابر این وسعت باورنکردنی، کهکشان ما، منظومه ما، زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم، و خود ما و آن چه متعلق به ماست - که غالباً آن همه بر ایمان اهمیت می‌یابد و باعث دل‌مشغولی‌های فراوان و اضطرابات بسیار می‌گردد - آن قدر ناچیز و بی‌اهمیت جلوه می‌کند که گاه حالت طنز به خود می‌گیرد؛ قطره‌ای در برابر اقیانوسی عظیم که هیچ کرانه‌ای بر آن پیدا نیست. (۱)

## ۲-۱-۲-۳. سفرهای فضایی در عصر ما

سفرهای فضایی عصر ما از سه ویژگی برخوردار است:

۱- محدود است؛ سفرهایی که تاکنون به عنوان سفرهای فضایی صورت گرفته، در حد سفر به یک یا دو سیاره بوده است و واضح است که با توجه به گستردگی و عظمت فضا، سفر به ماه و مریخ را نمی‌توان تسخیر فضا (!) نامید؛ آن گونه که امروزه از آن یاد می‌شود.

۲- بسیار پرهزینه است؛ پرواز هر شاتل فضایی آمریکا چند صد میلیون دلار هزینه دربر دارد. در واقع، انتقال هر کیلوگرم بار به فضا، ده هزار میلیون دلار خرج بر می‌دارد. (۲)

۳- خطرناک است؛ در سال ۱۹۹۷، آخرین کاوشگر اتمی ناسا به نام کاسینی با ۳۲ کیلوگرم پلوتونیم بیشتر نسبت به سفینه‌های قبلی به فضا فرستاده شد. ناسا با اکراه خطرات احتمالی انتشار ناخواسته این ماده در جو را تصدیق کرده است. اگر کاسینی درون اتمسفر منفجر شده بود، بیش از پنج میلیارد نفر در سرتاسر زمین مقدار ناچیزی از پرتوهای رادیواکتیویته را دریافت می‌کردند. پلوتونیم به عنوان یک عامل افزایش‌دهنده خطر سرطان در دراز مدت شناخته شده است، آن چنان که درصد احتمال ابتلا به سرطان، حتی اگر انسان‌ها مقدار کمی از اتم‌های این ماده را استنشاق کنند، به طور چشم‌گیری افزایش می‌یابد. (۳)

## ۳-۱-۲-۳. سفرهای فضایی در عصر ظهور

روایاتی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها سفرهای پیشرفته فضایی در عصر ظهور را استنباط کرد. از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

ص: ۹۰

۱- محمد کریمی، نگاهی به سرنوشت جهان، انسان، تاریخ، چاپ اول، (مشهد: انتشارات موحد، ۱۳۷۴ ش)، ص ۲۷.

۲- آدریان بری، جهان در پانصد سال آینده، (ترجمه: کوشیار کریمی طاری)، چاپ اول، (تهران: نسل نو اندیش، ۱۳۷۸ ش)، ص ۲۷۹.

۳- سیدمرتضی مجتهدی سیستانی، دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ پنجم، (قم: نشر الماس، ۱۴۳۲ ق)، ص ۲۸۴.

«ذخر لصاحبكم الصَّيْب! قلت: و ما الصَّيْب؟ قال: ما كان من سحاب فيه رعد و صاعقه أو برق، فصاحبكم يركبه، أما أنه سيركب السَّحاب و يرقى في الأسباب؛ أسباب السَّمَاوَات السَّبْع و الأرضين»؛ (1)

برای صاحب و دوست شما (مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)) آن وسیله سرکش ذخیره شده است. (راوی این حدیث گوید:) گفتیم: منظور از وسیله سرکش چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: ابریاست که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است؛ او بر این وسیله سوار می شود؛ آگاه باشید! او به زودی برابرها سوار می گردد و در اسباب آسمان ها و زمین های هفت گانه صعود می کند.

از این روایت نکاتی به دست می آید:

۱- مسلماً آن وسیله سرکش که در روایت بیان شده امام بر آن سوار می شود و به آسمان ها می رود و نامش ابر است، ابر معمولی نیست؛ زیرا ابرهای معمولی امکان سفرهای فضایی ندارند، بلکه اشاره به وسیله فوق العاده سریع السیری است که غرشی همانند رعد، و قدرت و شدتی همچون صاعقه و برق دارد، و به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق العاده خود می شکافد و پیش می رود و می تواند به هر نقطه ای از آسمان حرکت کند و یک وسیله فوق مدرن است.

۲- در حدیث تأکید شده که این وسیله قابلیت صعود به آسمان ها (اسباب السَّمَاوَات) را دارد. سماوات جمع است؛ یعنی صعود به همه آسمان ها، نه فقط آسمان اول و یا کوچک ترین خانواده منظومه شمسی، و یک یا دو مورد از اعضای آن خانواده، مثل مریخ، ماه و یا زهره.

حدیث دیگری در این زمینه وجود دارد که در آن خداوند با رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در شب معراج سخن می گوید:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«... فقلت يا ربّ أهولاء أوصيائي من بعدى؟ فنوديت يا محمّد؛ هؤلاء أوليائي و أحبائي و أصفياي و حججى بعدك على بريتي، و هم أوصياءك و خلفاءك و خير خلقى بعدك و عزّتى و جلالى لأظهرنّ بهم دينى، و لأعلينّ بهم كلمتى، و لأظهرنّ الأرض بآخرهم من أعدائى، و لأملكنّه مشارق الأرض و مغاربها، و لأسخرنّ له الرّيح، و لأدللنّ له السحاب الصعاب، و لأرقينّه

ص: ۹۱

---

۱- محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله) ص ۴۰۹؛ محمد بن محمد مفید، الإختصاص، ص ۱۹۹.

فی الأسباب، و لأنصرنّه بجنّدی، و لأمدنّه بملائکتی، حتّی یعلن دعوتی، و یجمع الخلق علی توحیدی، ثمّ لأدیمنّ ملکه، و لأدولنّ الأيام بین أولیائی إلی یوم القیامه»؛ (۱)

«گفتم: ای پروردگارا! اینان اوصیای من بعد از من هستند؟ پس ندا داده شدم: ای محمّد! اینان اولیاء من و دوستان من و برگزیدگان من و حجت های من بعد از تو بر خلق من هستند و ایشان اوصیاء تو و جانشینان تو و بهترین خلق من بعد از تو می باشند. سوگند به عزّت و جلالم! حتماً دینم را به وسیله آنان ظاهر می سازم و کلمه خود را به وسیله آن ها برتر می نمایم، و حتماً زمین را به واسطه آخرین ایشان از دشمنانم پاک می سازم و قطعاً او را مالک بر مشرق های زمین و مغرب های آن می گردانم، حتماً بادهای را در تسخیر او در می آورم و به یقین، ابرهای سخت را برای او رام می سازم. حتماً او را با سپاه خود یاری می کنم و یقیناً او را به وسیله ملائکه خود مدد می کنم، تا دعوت مرا آشکار ساخته، همه خلق را بر اعتقاد به توحید و یکتایی من گرد آورد. سپس ملک او را پایدار ساخته، ایام را تا روز قیامت میان دوستانم می گردانم.

در این روایت، نکته های جالبی وجود دارد که با تأمل در آن می توان به برخی از آن ها دست یافت:

۱- جمله ای که خداوند می فرماید: «لأسخرنّ له الریاح، و لاذلنّ له السحاب و لأرقینّه فی الأسباب»، دلیل بر این نکته است که صعود آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به آسمان ها، با وجود جسمانی آن حضرت است، زیرا اگر صعود روحانی باشد، نیازی به سحاب صعب و اسباب نیست.

۲- لفظ «اسباب» در این روایت نشان می دهد، صعود به آسمان ها فقط با یک وسیله انحصاری نیست، بلکه با وسیله های مختلفی این امکان فراهم است که در روایت به سه نوع آن تصریح شده است:

الف) لاسخرنّ له الریاح؛ ریاح یا بادهای: قدرت بادهای شدیداً بسیار شگفت انگیز است و تسخیر آن ها، به معنای در اختیار داشتن و کنترل آن هاست. در قرآن کریم، از حضرت سلیمان (علیه السلام) به عنوان کسی یاد شده است که باد را در تسخیر خود داشت (۲).

ص: ۹۲

۱- محمدبن علی ابن بابویه، علل الشرائع، چاپ اول، (قم: داوری، ۱۳۸۵ ش)، ج ۱، ص ۷؛ محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۶.

۲- سوره انبیاء، آیه ۸۱.



ب) لاذللن له السحاب الصعاب؛ رام شدن ابرهای سرسخت: بدیهی است قدرت آن ها غیر از ریاح است؛ این که ماهیت این ابرهای سرسخت دقیقاً چیست را خدا می داند.

ج) ولأرقينه في الأسباب؛ و حتماً در وسیله های فضایی او را بالا می بریم. «فی» در این جمله، به معنای آن است که حضرت در میان وسیله فضایی قرار می گیرند.

۳- تأکیدی که در این روایت با «لام» و «نون» شده، نشان دهنده این مطلب است که این تحولات، از جمله تحولات فضایی، قطعاً و حتماً در عصر درخشان ظهور واقع خواهد شد و جای هیچ گونه شک و تردید نیست.

۴- شاید از تنوع باد و ابرهای سرسخت و اسباب و وسیله های مختلف، بتوان نتیجه گرفت که این ها تنها برای استفاده شخص آن حضرت نیست و این امکان برای دیگران هم فراهم است.

۵- نتیجه ای که یکی از نویسندگان از این روایت گرفته و به نظر جالب می رسد این است که:

«حکومت حضرت بقیه الله الأعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراتر از یک حکومت عدل جهانی در سراسر گیتی است، زیرا خداوند پس از بیان این نکته که تمامی شرق و غرب زمین در عصر شکوهمند ظهور تحت سیطره قدرت و ولایت آن حضرت خواهد بود، سفرهای فضایی و وسیله های گوناگون فضانوردی در آن زمان را بیان می کند. بنابراین، علاوه بر ملکوت آسمان ها، در عصر درخشان ظهور از نظر ملک نیز آسمان در آن روزگار فرخنده در اختیار حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود»<sup>(۱)</sup>.

## ۲-۲-۳. صنایع مخابراتی و ارتباطی

در عصر ظهور، به موازات پیشرفت همه جانبه علوم، صنایع و امکانات مخابراتی و ارتباطاتی نیز پیشرفت چشم گیری خواهند داشت. این مطلب به آسانی از روایاتی که در این قسمت ذکر می شود قابل استنباط است:

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده:

ص: ۹۳

---

۱- سید مرتضی مجتهدی سیستانی، دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ پنجم، (قم: نشر الماس، ۱۴۳۲ ق)، ص ۲۹۴.

«إِنَّه إذا تناهت الأمور إلى صاحب هذا الأمر، رفع الله تبارك و تعالی له كل منخفض من الأرض، و خفض له كل مرتفع حتى تكون الدنيا عنده بمنزلة راحته، فأیكم لو كانت فی راحته شعره لم يبصرها»؛ (۱)

هنگامی که کارها به صاحب این امر (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ) برسد، خداوند هر نقطه فرورفته ای از زمین را برای او مرتفع می سازد، و هر نقطه مرتفعی را پایین می برد، آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود! کدام یک از شما اگر در کف دستش موئی باشد آن را نمی بیند!؟

امروزه مسأله انتقال اطلاعات و از جمله انتقال تصاویر، بخش مهمی از علم مخابرات را تشکیل می دهد و هر روز شاهد پیشرفت وسایل و امکانات مخابراتی هستیم. تصاویر در دنیای امروز توسط فرستنده های قوی و ماهواره ها به تمام نقاط جهان ارسال می شود و همه کسانی که دستگاه های گیرنده در اختیار دارند، قادرند از یک نقطه زمین، تصاویری از نقطه دیگر آن دریافت کنند. بنابراین، تصاویر از یک نقطه به نقاط دیگر به راحتی ارسال می شود، ولی عکس آن هنوز عملی نشده است؛ یعنی نمی توان تصاویر را از همه نقاط جهان به یک نقطه انتقال داد، مگر این که در هر شهر و خانه، و در هر بیابان، کوه، صحرا، دریا، و گوشه گوشه دنیا دستگاه های مجهز فرستنده نصب گردد، تا بتوان از همه جهان آگاه شد.

اما از حدیث فوق چنین برمی آید که در عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یک سامانه نیرومند و مجهز برای انتقال تصاویر به وجود می آید که شاید تصوّر آن نیز امروز برای ما مشکل باشد، آن چنان که تمام جهان به منزله کف دست خواهد بود؛ نه موانع مرتفع و نه گودی زمین ها، مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد شد.

در خصوص این روایت و روایات مشابه، عده ای مسأله اعجاز را مطرح می کنند و معتقدند این امور از طریق معجزه و کرامت واقع می شود، اما عده ای دیگر نظر مخالف دارند؛ آیت الله مکارم شیرازی درباره همین مسأله می گوید:

ص: ۹۴

---

۱- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

«باز تکرار و تأکید می‌کنم که این گونه امور با زندگی روزمره مردم سر و کار دارد؛ بسیار بعید است که بر پایهٔ اعجاز صورت گیرد، بلکه باید از طرق اسباب عادی و طبعاً بر اساس پیشرفت علم و صنعت باشد... و زندگی روزمره - آن هم به طور مستمر- باید بر سنن طبیعی دور بزند، نه اعجاز؛ که اعجاز یک امر استثنائی و برای موارد ضروری و فوق العاده است، آن هم در مسیر اثبات حقانیت دعوت نبوت یا امامت» (۱).

روایت دیگری که بر پیشرفت علوم مخابراتی- ارتباطاتی در عصر ظهور دلالت می‌کند، روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که آن حضرت فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ»؛ (۲)

قطعاً شخص مؤمن در زمان قائم، در حالی که در مشرق است، برادر خودش را که در مغرب است می‌بیند و همین طور آن کس که در مغرب است، حتماً برادر خودش را که در مشرق می‌باشد رؤیت می‌کند.

از این روایت استفاده می‌شود که در عصر ظهور، تحوّل شگفت‌انگیز و فوق العاده برای بشریت به وجود می‌آید که بر اثر آن، انسان می‌تواند دوستان خود را در دورترین نقطه‌های گیتی ببیند و با وجود صدها کیلومتر فاصله، به خوبی آنان را مشاهده کرده، از حال ایشان آگاه شود و اطلاع پیدا کند.

این توانایی که برای انسان در عصر پیشرفتهٔ ظهور حاصل می‌شود، ممکن است به چند صورت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد:

۱- آن چنان قدرت فکر و اندیشهٔ انسان کامل شود و نیروی ارادهٔ او قوی گردد که با اراده و تمرکز فکر بتواند هر نقطه‌ای از عالم را ببیند. (۳)

۲- این توانایی به دنبال پیشرفت صنعت و تکنولوژی برای انسان ایجاد شود، به طوری که با استفاده از وسایل پیشرفته، یک دیگر را در شرق و غرب عالم ببینند.

ص: ۹۵

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ هفتم، (قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۸ ش)، ص ۲۴۸.

۲- محمد بن حسن حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۱۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۳- سید مرتضی مجتهدی سیستانی، دولت کریمهٔ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ پنجم، (قم: نشر الماس، ۱۴۳۲ ق)، ص ۲۳۱.

نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که امروزه این امکان وجود دارد که انسان ها تصویر یک دیگر را از طریق اینترنت، تلویزیون و ... ببینند و به دلیل وجود این گونه وسایل تصویری، ممکن است اختراعات پیشرفته آینده را نیز نوعی وسیله تصویری بدانیم، درحالی که ممکن است وسایلی که در آینده در اختیار انسان ها قرار می گیرد، نه تنها تصویر آن ها، بلکه به گونه ای نشان دهنده تجسم آنان باشد؛ یعنی وجود سه بعدی آن ها را نشان دهد.

لازم به ذکر است که از روایت مذکور چنین استفاده می شود که این توانایی برای عموم مردم وجود دارد و همه مردم از چنین امکانی برخوردارند.

۳- این توانایی در دید انسان رخ دهد، و با اراده، توانایی و قدرت رؤیت از راه دور برای او فراهم گردد. (۱)

درباره شگفت انگیز بودن قدرت دید انسان در روزگار ظهور، روایت دیگری هم وجود دارد؛ امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ، وَهُوَ فِي مَكَانِهِ»؛ (۲)

به راستی آن گاه که قائم ما قیام نماید، خداوند در گوش ها و چشمان شیعیان ما کشش ایجاد می کند (بر قدرت آن ها می افزاید)، تا آن جا که میان آن ها و حضرت نیازی به واسطه نیست. او با آنان سخن می گوید و آن ها می شنوند و به او نگاه می کنند، در حالی که او در مکان خود می باشد.

بر اساس این روایت، در عصر ظهور خداوند در قدرت دیدن و شنیدن انسان ها افزایشی ایجاد می کند که همه می توانند حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در هر کجای عالم که باشند ببینند و صدای آن حضرت را بشنوند.

ص: ۹۶

---

۱- سید مرتضی مجتهدی سیستانی، دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ پنجم، (قم: نشر الماس، ۱۴۳۲ ق)، ص ۲۳۳.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۲۴۱؛ سعید بن هبه الله قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱.

نکته ای که از این روایت به دست می آید این است که از عبارت «هرگاه قائم ما قیام نماید...»، استفاده می شود که قبل از قیام آن حضرت، دیدن و شنیدن مردم آن گونه نیست و تحوّل که در شنیدن و دیدن رخ می دهد، بعد از ظهور و قیام حضرت واقع می شود. از طرفی، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «مدّالله لشیعتنا فی أسمعهم و أبصارهم...»؛ یعنی تحوّل در گوش و چشم است، نه خارج از وجود آن ها؛ بر این اساس، می توان نتیجه گرفت هرگونه وسیله ای از قبیل تلویزیون، کامپیوتر، اینترنت، و یا هر وسیله دیگری که قبل از ظهور آن حضرت وجود داشته باشد، مورد نظر این روایت نیست.

### ۳-۲-۳. منابع تامین انرژی

از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده:

«انّ قائمنا إذا قام أشرق الأرض بنور ربّها و استغنی العباد من ضوء الشمس»؛<sup>(۱)</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی نیاز می شوند!

از این تعبیر چنین برمی آید که تکامل علوم و صنایع به حدّی خواهد رسید که مردم با رهبری آن امام، قادر به کشف منبع نور و انرژی فوق العاده ای که حتّی می تواند جانشین نور خورشید گردد، می شوند، و این چه بسا در پرتو یک سامانه تکامل یافته انرژی اتمی، با تصفیه کامل از تشعشعات زیان بار کنونی - که در حال حاضر بزرگ ترین مشکل استفاده از این انرژی را تشکیل می دهد - خواهد بود.<sup>(۲)</sup>

### ۳-۴. حکومت در عصر ظهور

#### اشاره

مردم جهان، در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، شاهد نابه سامانی ها، جنگ ها، فسادها، بی عدالتی ها، ناامنی ها و الحادگرایی ها بوده، دولت های بسیاری را نیز دیده اند که با وجود ادعای خدمت به جهانیان و با وعده ایجاد آرامش و صلح و امنیت و بهبود وضع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، هیچ ارمغانی جز ستم و تباهی و جنگ برای بشریت نداشته اند.

ص: ۹۷

۱- محمدبن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۵.

۲- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی، ص ۲۶۳.

با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، روزگاری فرا می رسد که به دست توانای او معنویت و عدالت محقق می شود و رفاه، امنیت، عدالت و یکتاپرستی در همه جای عالم گسترش می یابد؛ به دست منجی آخرالزمان، دولتی تشکیل می شود که بهترین و کامل ترین دولت هاست و پس از به سر رسیدن دوران دولت های دیگر خواهد آمد. در این زمینه در روایتی آمده است:

«انّ دولتنا آخر الدّول و لم یبق أهل بیتٍ لهم دولةٌ إلّا ملکوا قبلنا لئلا یقولوا - إذا رأوا سیرتنا- إذا ملکنا سرنا بمثل سیرة هولاء و هو قول الله تعالی: ﴿و العاقبة للمتّقین﴾»؛ (۱)

همانا دولت ما آخرین دولت ها است و برای هیچ خاندانی دولتی نیست، مگر این که قبل از ما حکومت کند، تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم - وقتی روش حکومتی ما را دیدند- کسی نگوید اگر ما نیز به قدرت می رسیدیم، این چنین رفتار می کردیم و این گفتار خداوند است که: عاقبت برای تقوایندگان است.

### ۱-۴-۳. سیمای کلی دولت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دولت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دولتی فضیلت گرا و دینی است و آموزه های بنیادین اسلام بر آن حاکم است؛ دولتی غیراستبدادی است، بلکه رضایت و کمال مادی و معنوی مردم را در اولویت قرار می دهد و به تربیت دینی و پرورش اخلاقی مردم اهمیت می دهد. این دولت جهانی و فراگیر است و ارزش ها و هنجارهای اخلاقی را جهانی می کند. دولت مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نمونه کامل دولت نبوی (صلی الله علیه و آله) و دولت علوی (علیه السلام) است؛ انسان ها را از قید و بندهای نفسانی و استثمار قدرت مندان آزاد می کند و دولت علم و اندیشه و خردورزی است؛ پایان بخش دولت های سکولار و لیبرالیستی و احیاگر دولت دینی است؛ همه کس و همه چیز را به کمال نهایی خود می رساند و تحقق آرمان های بشری و تشکیل مدینه فاضله اسلامی است.

این دولت سعادت واقعی بشر و خیرات عمومی را تأمین می کند، رابطه انسان را با خدا تصحیح، و بشر را به خودشناسی و خودسازی اخلاقی دعوت می کند. اقتدار و نفوذ فراوان و

ص: ۹۸

---

۱- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۵؛ محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۴۷۳.

فراگیری دارد و ریشهٔ ظلم و ستم و فساد را از بین می برد؛ مبتنی بر برهان و استدلال عقلی، دلایل و حجت های دینی، و حکمت و دانش است؛ حاکمان و زمامدارانش باید واجد صفات اخلاقی و فضایل انسانی باشند. کامل ترین خلافت الهی بر روی زمین بوده، رهبر و پیشوای آن منصوب از سوی خدا است. با مردم رابطهٔ دوستانه و ولایت مدارانه دارد و با آن ها بر اساس کرامت ذاتی و اخلاق انسانی برخورد می کند. دولتی فراملی و فرامرزی است و تمامی امکانات، منابع، و خدمات را در اختیار همگان قرار می دهد. دولتی ظلم ستیز، کفرستیز و ضد فساد و خشونت است. دولتی فرهنگی و ارزشی است و در آن، علم و هنر و دانش در راستای تعالی بشر به کمال می رسد. حامی محرومان، مستضعفان، تهی دستان و صالحان است و ثروت و قدرت و شهرت، در آن جایی ندارد. عدالت محور است و در همهٔ زمینه های قضایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، عدالت را برقرار می کند. ارشاد، هدایت و امر به معروف را در اولویت قرار می دهد. محصول اندیشهٔ بشری نیست، بلکه پاسخ گوی نیازها، مشکلات، کاستی ها و ناراستی های زندگی

است. دولتی کارآمد، کامل، اخلاق محور، و کمال گراست. (۱)

## ۲-۴-۳. عدالت، مهم ترین شاخصهٔ حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

### اشاره

مسألهٔ عدالت و پابرجایی آن در میان جامعهٔ بشریت، آن چنان مهم و ضروری است که خداوند بزرگ هدف از بعثت همهٔ پیامبران مرسل و نازل کردن کتاب های آسمانی را همراه با آنان، برپایی عدالت می داند. (۲)

علاوه بر پیامبران، در طول تاریخ انسان های بسیاری با اندیشهٔ عدالت و فریادخواهی انسان ها، به دنبال زنده کردن این حقیقت بوده اند، ولی تلاش عملی آنان کم ثمر و یا بی ثمر مانده، و عدالت در معنای حقیقی آن هیچ گاه محقق نشده است.

در خصوصیات قیام و حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، هیچ ویژگی ایبه اندازهٔ عدالت و قسط برجسته نشده است و آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت گستری آن حضرت تأکید شده، بر

ص: ۹۹

۱- رحیم کارگر، آیندهٔ جهان (دولت و سیاست در اندیشهٔ مهدویت)، ص ۲۴۶.

۲- سوره حدید، آیه ۲۵.

دیگر مسائل چنین ابرامی نرفته است، تا جائی که در برخی زیارات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود عدل نامیده شده اند؛ «السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر» (۱).

ده ها و بلکه صدها حدیث در منابع معتبر و اولیه اسلامی، در مورد عدالت گستری آن حضرت آمده و منابع معتبر شیعه و اهل سنت از آن ها لبریز شده است.

تمامی این روایات، بر آکنده شدن جهان از عدل و دادگری به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأکید می کند، به طوری که دیگر نشانی از ظلم و ستمگری نمی ماند و بشر از تمامی ظرفیت ها و نعمت های خداوندی، آزادانه و عادلانه بهره مند می شود و عدالتی همه جانبه و فراگیر مستقر شده، مردم در تمامی جنبه های زندگی شاهد عدالت و قسط بی نظیری می شوند. هم چنین، تعادل و ثبات در همه امور دیده شده، دامنه عدالت حضرت در همه جا، حتی زوایای ناپیدای جامعه گسترده می شود و همچون گرما و سرما به درون خانه های مردمان نفوذ می کند.

بنا بر روایات اسلامی، خداوند چنان بر این مهم تأکید دارد که اگر حتی یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، او آن را چنان طولانی خواهد کرد تا رؤیای موعود مردمان از راه برسد و در سایه عدالت موعود، هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نماند و حقوق به یغما رفته انسان ها به آن ها بازگردد، حتی اگر زیر دندان دیگری باشد. بندهای پیدای و پنهان بندگی از سر و گردن انسان ها باز گردد و زمینه استعمار آنان به کلی از بین برود و خلاصه این که، عدالت چنان فراگیر شود که مردم آرزو کنند کاش مردگانشان در بین زندگان می بودند و از عدالت بهره مند می شدند!

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) از تحقق عدالت در آخرالزمان چنین خبر داده است:

«لو لم یبق من الدنیا الا یومٌ واحدٌ لَطَوَّلَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَکَکَ حَتَّى یَخْرُجَ قَائِمًا فِیْمَلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا کَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»؛ (۲)

ص: ۱۰۰

۱- محمدباقر مجلسی، زادالمعاد- مفتاح الجنان، (تصحیح: علاء الدین اعلمی)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق)، ص ۵۴۱.

۲- محمدبن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، (تصحیح: علی اکبر غفاری)، چاپ دوم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق)، ج ۴، ص ۱۷۷؛ علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۶۵.



اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی می گرداند که در آن قائم ما را برمی انگیزد، پس زمین پر از عدل و داد می کند، آن چنان که پر از ظلم و ستم شده است.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

«ألا- و إنَّ من أدرکها منّا، یسری فیها بسراج منیر، و یحذو فیها علی مثال الصّالحین، لیحلّ ربّقا و یعتق ربّقا، و یصدع شعبا، و یشعب صدعاً...»؛ (۱)

آگاه باشید که هر کس او را درک کند، او را مشعل فروزانی می یابد که الگوی صالحان است؛ بندها را می گسلد، به بردگی و بهره کشی انسان از انسان خاتمه می دهد، جمعی را پراکنده ساخته، پراکندگانی را جمع می آورد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در رابطه با ریشه کن شدن ستم و برقراری عدالت در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) می فرماید:

«یطلع قرن الجور بعدی قریباً فلا یطلع من قرن الجور شیء إلا مات من العدل مثله... حتی یولدوا لا یعرفون إلا الجور و لا یعملون إلا به. ثم ان الله تبارک و تعالی یعطف علی خلقه فیأمر قرن العدل أن یطلع رأسه فلا یطلع من قرن العدل شیء إلا مات من الجور مثله... حتی یولد قوم لا یعرفون إلا العدل، و لا یعملون إلا به»؛ (۲)

بعد از من شاخ ستم سر بر می آورد. هرچه شاخ ستم بالا رود، به همان مقدار عدالت از بین می رود. کار به جایی می رسد که نوزادان چون دیده به جهان گشایند، جز ستم نمی شناسند و به جز ستم گامی نسپارند. آن گاه خدای تبارک و تعالی بر بندگانش رحم آورد و فرمان دهد که شاخ عدالت ظاهر شود. هرچه شاخ عدالت بالا رود، به همان مقدار از ظلم نابود شود، تا قومی متولد شوند که جز عدالت نشناسند و جز به عدالت گام برندارند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد رفع ستم از ستم دیدگان، توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید:

ص: ۱۰۱

۱- میرزا حبیب الله هاشمی خوئی، حسن حسن زاده آملی و محمد باقر کمره ای، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، (تصحیح: ابراهیم میانجی)، چاپ چهارم، (تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ ق) ص ۱۳۱.

۲- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۳۱۵.

«يبلغ رُدُّ المهدى المظالم حتى ولو كان تحت ضرس إنسان شيء انتزعه حتى يرُدَّه»؛ (۱)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن چنان از ستم دیدگان رفع ستم می کند که اگر حق کسی زبردندان دیگری باشد، آن را باز می ستاند و به صاحب حق برمی گرداند.

فضیل از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که درباره عدل گستری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

«والله ليدخلنَّ عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحرّ والقرّ»؛ (۲)

به خدا سوگند، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عدل خود را در دل خانه هایشان وارد می نماید، همان طور که گرما و سرما وارد می شود.

### ۱-۲-۳. عوامل مؤثر در تحقق سریع عدالت

عوامل متعددی زمینه ساز تحقق عدالت مهدوی است و بر اجرای سریع عدالت تأثیرگذاری موثری دارد؛ آن عوامل شامل موارد زیر می شود:

۱) وجود برنامه ای عادلانه و کامل که آمادۀ عملیاتی شدن در سطح وسیعی باشد؛ این برنامه عادلانه و کامل همان اسلام حقیقی با همه اصلاحات و نوآوری های منطبق با مقتضیات زمان است.

۲) افزایش قانون گرایی در جامعه، به دنبال تثبیت پایه های معرفتی، اخلاقی و فرهنگی، و نظارت سازمان یافته و کامل بر رفتار و اخلاق مردم، و نیز تصحیح لغزش ها یا اشتباهات افراد.

۳) ناامیدی افکار عمومی جهانیان از مکاتب و نظریاتی که ادعای حل مشکلات بشری را دارند، و عطش روزافزون برای رسیدن به راه حل عادلانه ای که آنان را از ورطه ای که در آن گرفتار آمده اند رهایی بخشد؛ این جو فکری و روانی، بهترین فرصت را برای دعوت مهدوی فراهم می کند تا به شکلی فراگیر عدالت را اجرا نماید. (۳)

۴) ویژگی های شخص امام که خود الگو و نمونه اعلاي عدالت، و ظهور و تجسم عملی عدل است، علاوه بر عصمت و فرزاندگی او در عرصه پیشوایی و رهبری.

ص: ۱۰۲

۱- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۴۳.

۲- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، ص ۲۹۷؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۶۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.



۵) ویژگی های یاران امام به عنوان فرماندهان سپاه، حاکمان و فرمانداران مناطق مختلف، از قبیل شجاعت، اخلاص، فقاقت و تدبیر.

۶) تکمیل شدن عقل ها(۱) در عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سبب می شود عدل - که از جنود عقل است- بر جور - که از لشکریان جهل است- غالب شود.

### ۳-۴-۳. عامل استقرار حکومت: تحوّل فرهنگی یا برخورد نظامی؟

#### اشاره

با بررسی روایات مربوط به سیره و روش امام (علیه السلام) دو دسته از روایات به ظاهر متعارض دیده می شود:

#### ۱-۳-۴-۳. روایات دسته ی اول

دسته ای از روایات، منطق شمشیر را راهکار امام در برقراری حکومت می دانند و قدرت نظامی را عامل موفقیت ایشان معرفی می کنند. در این روایات، امام برخلاف سنت و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) عمل کرده، بدون این که توبه کسی را بپذیرد، به شدت به کشتار روی می آورد. به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِاللَّيْنِ، كَانِ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ، وَ الْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ بِذَلِكَ أَمْرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا. وَيَلُّ لِمَنْ نَاوَاهُ»؛ (۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در میان امتش به نرمش و ملاطفت مأمور بود و با محبت و مودت در میان آن ها الفت ایجاد می کرد، ولی سیره قائم قتل است؛ او در کتابی که نزد اوست به چنین شیوه ای مأمور است. سیره اش کشتار است و از احدی مطالبه توبه نمی کند. بدا به حال کسی که با او سرستیز داشته باشد.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«إِذَا تَمَنَّى أَحَدُكُمْ الْقَائِمَ فَلْيَتَمَنَّهْ فِي عَافِيَةٍ . فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً، وَ يَبْعَثُ الْقَائِمَ نَقْمَةً»؛ (۳)

ص: ۱۰۳

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۱؛ محمد محسن فیض کاشانی، نوادر الأخبار، ص ۲۷۴.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب  
الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۸، ص ۲۳۳.

چون یکی از شما ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را آرزو کند، آن را همراه با عافیت آرزو کند، که خدای تبارک و تعالی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را رحمه للعالمین فرستاده، ولی او را برای انتقام خواهد فرستاد.

معلی بن خنیس از امام صادق (علیه السلام) پرسید: آیا مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هنگام ظهور، بر خلاف شیوه امیر مؤمنان (علیه السلام) رفتار می کند؟ فرمود:

«نعم، و ذاك أنَّ علياً سار باليمن والكفِّ، لأنَّه علم أنَّ شيعته سيظهر عليهم من بعده و إنَّ القائم إذا قام، سارفيهم بالسيف و السبى و ذلك أنَّه يعلم أنَّ شيعته لم يظهر عليهم من بعده أبداً»؛ (۱)

آری، زیرا علی (علیه السلام) با منت و کرامت با آن ها رفتار می کرد، چون او می دانست که شیعیان او بعد از او به دست ستمگران زبون خواهند شد، ولی هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، با زبان شمشیر با آنان سخن گوید، زیرا می داند که شیعیان او هرگز پس از او به دست دشمنان شکست نخواهند خورد.

بر اساس برداشتی ظاهری از این روایات و روایاتی مشابه،

«حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از پیروزی بر دولت های جائر، موفق به تشکیل دولتی فراگیر و مقتدر می شود. ویژگی چنین دولتی، تکیه بر قدرت فیزیکی (القائم بالسيف)، ایجاد رعب و ترس در دیگران، سلطه کامل و فراگیر بر جهان، و سرکوبی شدید مخالفان و ناراضیان است. آن حضرت با کمک نیروی نظامی بر دشمنان خود پیروز خواهد شد و برای این که ظلم و فساد در جامعه حاکم نشود و صاحبان زر و زور و تزویر نتوانند قدرت را در دست بگیرند، باید همیشه با آنان در نزاع و درگیری بود و آن ها را سرکوب کرد. این فرض با توجه به روایت های مختلف به دست می آید.

از طرفی، یکی از ویژگی های مهم آن حضرت، قاطعیت و سازش ناپذیری دانسته شده است؛ یعنی او در راه و کار خودش سازش ناپذیر است و در اجرای حدود و احکام الهی و مبارزه با ستمگران، قاطعیتی خدایی دارد؛ چشم پوشی و مسامحه ای در راه و روش او نیست. از هیچ مقام

ص: ۱۰۴

و قدرتی نمی ترسد و بدون هیچ گونه ملاحظه ای تبه کاران را کیفر می کند... عینیت یافتن عدالتی فراگیر و ریشه سوزی هر ظلم و ستم باید بدون کمترین ترحم و ارفاق و استثنایی صورت گیرد؛ به طوری که در هیچ جای جهان علت فساد و عامل بیدادی بر جای نماند تا بتواند به بتدریج به مناطق دیگر نفوذ کند و به توطئه و کارشکنی در کار سامان بخشیدن به جامعه بشری پردازد...

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با ایجاد بیم و دلهره و ترس های عمیق و راستین، بسیاری از گروه های مخالف و ستم پیشه را مجبور به ترک راه و روش خود می کند و به تسلیم وامی دارد؛ یعنی مهم ترین برنامه ایشان، سرکوبی دشمنان و تحقق اهدافی مانند صلح و امنیت و عدالت است که تنها با قدرت نظامی به دست می آید.<sup>(۱)</sup>

### ۲-۳-۴-۳. روایات دسته دوم

در دسته دوم از روایات، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دنباله رو سنت پیامبر معرفی می شود و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) الگوی ایشان در برقراری حکومت عنوان می شود و روشن است که سیره و روش آنان، هدایت، ملاحظت، مهربانی و مدارا، و در نهایت، قاطعیت بوده است. در این مورد امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

ص: ۱۰۵

---

۱- رحیم کارگر، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۷۵.

«إِذَا أذنَ اللهُ عزَّاسمه للقائم في الخروج، صعد المنبر فدعا الناس إلى نفسه وناشدهم الله ودعاهم إلى حقه و أن يسير فيهم بسنة رسول الله و يعمل فيهم بعمله» (۱)

چون خدای تبارک و تعالی به قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اذن ظهور دهد، برفراز منبر قرار گرفته، مردمان را به سوی خود دعوت می کند، آن ها را به خدا سوگند داده، به پذیرش حق خود فرا می خواند و تعهد می کند که در میان ایشان بر اساس سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و طبق شیوه او رفتار کند.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در این مورد می فرماید:

«المهدی یقفو أثری و لا یخطیء»؛ (۲)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روش مرا دنبال می کند و هرگز از روش من بیرون نمی رود.

روایاتی که بیان آن ها گذشت، تأکید می کند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی می کند. بر این اساس، روایاتی که سیره آن حضرت را مخالف سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) قلمداد می کند، ظاهراً این احادیث در تعارض است. اما به راستی چگونه ممکن است، سیره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مخالف سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، در حالی که بر اساس قرآن کریم، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان اسوه و الگو معرفی شده اند:

{لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة} . (۳)

با بررسی و دقت در روایات، روشن می شود که حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مبتنی بر قدرت نظامی نیست و اساس و بنیاد آن بر وفق و مدارا، منطق و حکمت، اخلاق و معنویت، و تعامل و تراضی با مردم است. اصولاً این دولت برای رستگاری و نجات انسان ها تشکیل شده و هدف آن به دست گرفتن قدرت نظامی و حکومت بر مردم نیست، بلکه دولت و قدرت، در جهت

ص: ۱۰۶

۱- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۳؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۲- الشیخ علی الکوثرانی، معجم احادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳- سورة احزاب، آیه ۲۱.



خدمت به مردم و هدایت آنان به کمال و تعالی است، و در مقابله با کثری ها و ناراستی ها، اقدامات بنیادین تربیتی و اخلاقی انجام داده، افکار و روحیات آنان را تغییر می دهد.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نخست از حربۀ منطق بهره گیری کافی می کند و آن جا که گفتار حق سود نبخشید- که در مورد بسیاری از زورگویان و جباران، سودی هم نخواهد داد- دست به شمشیر می برد؛ یعنی متوسل به قدرت می شود و ستمکاران را بر سر جای خود می نشاند.

بنابراین، تکیه بر برهان و بهره گیری از منطق گفت و گو و ارشاد، در مراحل اولیه، و جنگ و سخت گیری، در مراحل ثانویه قیام قرار دارد و پس از آن نیز نیازی به سخت گیری و فشار نخواهد بود، چون مردم به کمال عقلی و اخلاقی دست می یابند و از فتنه جویی و آشوب گری دوری می جویند.

از روایاتی چند برمی آید که آن حضرت محبوب و مورد علاقه همه مردم خواهد بود و ارتباط بسیار صمیمانه و دوستانه ای بین آنان برقرار خواهد شد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الأرض»؛ (۱)

ساکنان آسمان و زمین از او خشنود هستند.

و در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که:

«یرضی عنه ساکن السماء و الطیر فی الجوّ و الحیتان فی البحار»؛ (۲)

ساکنان آسمان و پرندگان در هوا و ماهی ها در دریا از او خشنود هستند.

آیا در چنین جامعه ای که عموم مردم از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، و زمینی و آسمانی به او عشق می ورزند و دوستش دارند و مطیع اوامر و دستورات او هستند، نیازی دائمی و گسترده به خشونت و قوای قهریۀ فیزیکی وجود دارد؟! پیشوایان معصوم (علیهم السلام) مایه رحمت و عطوفت، فریادرس نیازمندان و یاور ضعیفان بوده اند و بنابراین، بهترین، کامل ترین و انسانی ترین

ص: ۱۰۷

۱- محمدبن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸.

۲- احمدبن عبدالعزیز جوهری بصری، مقتضب الأثر فی النص علی الائمه الإثنی عشر، (تصحیح: مهدی هوشمند)، چاپ اول، (قم: انتشارات طباطبایی، [بی تا])، ص ۱۴.

رفتارها را با عموم مردم داشته اند. در صورتی هم که نیاز به شدت عمل بوده، از آن برای کمک به مردم استفاده کرده اند. پس قهر و مهر آنان، هر دو مایه خیر و برکت برای مردم است؛ اگرچه مهر و محبت آنان، بر قهر و غضب و خشونت غلبه داشته است. (۱)

با توجه به آن چه گذشت، به جرأت می توان اذعان کرد که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، هر چند برای استقرار و تثبیت حکومت، در برابر معاندینی که سد راه بوده، در برابر آن حضرت صف آرایی کنند، از برخورد نظامی استفاده می کنند، ولی به طور کلی، شیوه ایشان در استقرار و تثبیت حکومت استفاده از ابزار فرهنگی و ایجاد تحوّل فرهنگی است. در تأیید این مطلب می توان به این نمونه ها استناد جست:

۱) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تلاش فرهنگی، در تمام ابعاد و حوزه های زندگی اعراب جاهلی تحوّل ایجاد کرد و عرب جاهلی که زبانزد مردم هم عصرش در جهل و انحطاط بود را به انسان هایی مبدل کرد که تمدن و فرهنگشان الگوی جوامع دیگر آن روز شد. واضح است آن تحوّل عظیمی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با عرضه و ارائه اسلام ایجاد کرد، جز با تحوّل در بینش و افکار و فرهنگ آن مردمان ممکن نبود و قطعاً برخورد شدید و قاطعیت نظامی نمی توانست چنین تحوّلی ایجاد کند.

وضعیت جهان در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز دست کمی از وضعیت عربستان در آغاز بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ندارد؛ جاهلیت مدرن با استخدام تکنولوژی و امکانات پیشرفته ارتباطی، به عمق جان جامعه نفوذ کرده، بی دینی و بی اخلاقی و حاکمیت ظلم و ستم بیداد می کند؛ آموزه های اخلاقی و معنوی تضعیف شده، و فساد و بی بندوباری و فحشا تقویت یافته است، سرمایه سالاری گسترش یافته، شکاف طبقاتی بیش از پیش شده، و تجمل پرستی و مصرف گرایی رواج پیدا کرده است، فساد سیاسی منجر به گسترش ظلم و بی عدالتی در جهان شده و گسترش استثمار، گسترش فقر و بیکاری را به دنبال آورده است، جنگ ها، خشونت ها، ترورها و درگیری های فرقه ای و نژادی به اوج رسیده، و در یک کلام، وضعیت فرهنگی جهان آشفته گردیده است.

ص: ۱۰۸

بنابراین، بیشتر مشکلاتی که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور با آن مواجه است، مشکلات فرهنگی است و برای حل مشکلات فرهنگی، ابزار فرهنگی لازم است.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: روش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه است؟ ایشان فرمود:

«يصنع كما صنع رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله (صلى الله عليه وآله) أمر الجاهلية و يستأنف الإسلام جديداً»؛<sup>(۱)</sup>

مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتار می کند؛ آن چه را [از فرهنگ جاهلی] که پیش از اوست از بین می برد، همان طور که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) جاهلیت را از بین برد، و اسلام را از نو بنیان گذاری می کند.

بدین ترتیب، همان گونه که رمز موفقیت پیامبر تحوّل فرهنگی بود و نه ابزار جنگی و قدرت نظامی، رمز موفقیت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز تحوّل فرهنگی خواهد بود.

۲- روایات نشان می دهد که عمده ترین مخالفت هایی که با حضرت می شود، مخالفت های فرهنگی است و بیشتر مخالفان حضرت مخالفان فرهنگی هستند.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنَ جَهْلَةِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مِنَ جَهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ.

فقلت و كيف ذلك؟

قال: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصَّيِّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنْجُونَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلَّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ»؛<sup>(۲)</sup>

وقتی قائم ما قیام کند، مخالفت مردمان جاهل با او شدیدتر از مخالفت جهال جاهلیت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

راوی پرسید: چگونه؟

ص: ۱۰۹

۱- محمدبن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۱؛ محمدبن حسن شیخ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۶۱.

۲- محمدبن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۹۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

امام (علیه السلام) پاسخ داد: چون وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مبعوث شد، مردم سنگ و چوب و مجسمه های ساخته شده را عبادت می کردند، ولی وقتی قائم ما قیام کند، همه آن ها کتاب خدا را تأویل، و با تأویل کتاب با او احتجاج و مبارزه می کنند.

بنابراین، اگر بیشتر مخالفان آن حضرت مخالفان فرهنگی هستند و از کتاب خدا سوء استفاده می کنند، با تلاش فرهنگی می توان آنان را خلع سلاح کرد و در مردم تحوّل ایجاد نمود.

۳) از آن جا که هدف از قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برپایی قسط و مبارزه با ظلم و جور است، در اثر قیام ایشان بینش ها و نگرش ها اصلاح، و اخلاق بر روابط انسان ها حکم فرما می شود؛ عقلانیت رشد می کند و علم گسترشی چشم گیر می یابد. پس هم اهداف و هم نتایج قیام از جنس فرهنگ است، و بر این اساس، روش کار هم باید فرهنگی باشد؛ یعنی از اهداف و نتایج می توان به روش رسید.

۴) ویژگی های یاران امام - که هسته اولیه آن ها ۳۱۳ نفرند - حکایت از آن دارد که آنان عارفانی برجسته و عناصر فرهنگی قوی و ممتازی هستند، نه نیروهای نظامی صرف؛ برای نمونه، امام باقر (علیه السلام) آنان را چنین توصیف می کنند:

«مردانی هستند که شب زنده دارند؛ در نمازشان چنان مناجات می کنند که صدای آنان همانند صدای زنبور عسل در هم پیچد؛ شب را در حال قیام به سر می برند و صبحگاهان سوار بر اسب هاینند؛ راهبان شبند و شیران روز؛ مطیع محض مولای خود هستند؛ همانند چراغ های فروزانند؛ گویا دل هایشان منبع نور است و درحالی که از ترس خدا در اضطرابند، آرزوی شهادت دارند و امیدوارند در راه خدا به شهادت برسند» (۱).

بی گمان، این یاران با توجه به موقعیت اجتماعی عصر ظهور، به الگوهایی برای جامعه و جوانان تبدیل می شوند و خود سرآغاز تحوّل فرهنگی در عصر ظهور خواهند شد. (۲)

ص: ۱۱۰

- 
- ۱- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
  - ۲- سید محمد مرتضوی، «تحوّل فرهنگی، کلید موفقیت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)»، مجموعه آثار چهارمین همایش بین المللی دکتترین مهدویت، ۱ (۱۳۸۸)، ج ۴، ص ۱۸۳.

۵) برخوردار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در رویارویی با اهل کتاب و پیروان ادیان الهی نیز مؤید حرکت فرهنگی امام است. ایشان برای جذب آنان به اسلام، در میان اهل تورات با تورات، در میان اهل انجیل با انجیل، و در میان اهل زبور با زبور احتجاج و داوری می کنند. (۱)

با این اوصاف، مشخص می شود که قیام امام یک قیام فرهنگی است و کارآمدترین ابزار برای پیشبرد اهدافشان ابزار فرهنگی است و مهم ترین کارکردشان تحوّل فرهنگی خواهد بود. حتی کشتارهایی که طی فرآیند ظهور، قیام و برپایی حکومت ایشان انجام می شود، برای از میان برداشتن رهبران فکری منحرفی است که هم خود گمراهند و هم دیگران را گمراه می کنند، وبدون اثرپذیری از تحوّلات فرهنگی امام، عناد ورزیده، راه ایشان را سد می کنند؛ این کشتارها هیچ گاه قتل مردم کوچه و بازار و کسانی که دچار جهل و نادانی اند نخواهد بود. بنابراین، حتی برخورد فیزیکی - نظامی ایشان در جهت تقویت فرهنگ، و برای از میان برداشتن کسانی است که سدّ راه گسترش فرهنگ مهدوی می شوند، نه کشتارهای کور و بی رحمانه، آن گونه که عده ای تصور می کنند.

#### ۴-۴-۳. وسعت و گستره حکومت

#### اشاره

خداوند در قرآن کریم هدف از خلقت جنّ و انس را پرستش خویش معرفی می کند:

{و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون} (۲).

و جنّ و انس را نیافریدم، جز برای آن که مرا پرستند.

عبادت نیز به معنای کامل، دقیق و فراگیر آن، جز تحقق عدالت فردی و اجتماعی نیست. واضح و مبهرن است که خداوند این هدف والا را درون دایره ای تنگ محصور نساخته، و آن را ویژه یک جامعه، ملت یا گروه خاصی قرار نداده است.

از طرفی، اهداف قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان اهدافی است که خداوند بزرگ از آغاز آفرینش برای مخلوقاتش اراده فرموده است و آن، نتیجه تلاش های خستگی ناپذیر همه انبیا و اولیا و صالحان می باشد؛ یعنی تحقق عدالت کامل، و پرستش و عبادت خالصانه در همه جوامع

ص: ۱۱۱

۱- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۷.

۲- سوره ذاریات، آیه ۵۶.

بشری (۱). در این صورت، طبیعی است که حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شامل همه انسان ها و دربرگیرنده تمام جوامع بشری می شود و به عبارتی، حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک حکومت جهانی است.

از آیات و روایات زیادی، جهانی بودن حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استنباط می شود:

### ۱-۴-۴-۳. آیات

خداوند در آیه ۵۵ سوره نور می فرماید:

– {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ}؛

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

در ۳۴ تفسیر شیعی، ذیل این آیه با نقل روایاتی، به حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشارت داده شده، و آثار حکومت آن حضرت از جمله غلبه اسلام بیان شده است. (۲)

در تفسیرالمیزان ذیل این آیه آمده است:

«خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده، عمل صالح انجام می دهند، وعده می دهد که به زودی جامعه ای برایشان تکوین می کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و بر عقاید افراد آن و اعمالشان، جز دین حق چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند و ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند، و این مجتمع طیب و طاهر، با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا از روزی که

ص: ۱۱۲

۱- سیدمحمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۲۷۸.

۲- سیدمحسن طباطبایی و دیگران، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، ص ۲۷۶.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مبعوث به رسالت گشته تاکنون چنین جامعه ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) در خصوصیات آن جناب وارد شده، از انعقاد چنین جامعه ای خیر می دهد؛ البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) .... پس حق مطلب این است که اگر واقعاً بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم (و همه تعصبات را کنار بگذاریم)، آیه شریفه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زودی منعقد می شود، قابل انطباق با هیچ اجتماعی نیست» (۱).

در تفسیر نمونه، بیان شده است که:

«از مجموع آیه چنین برمی آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند، سه نوید داده است:

۱- استخلاف و حکومت روی زمین؛

۲- نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه دار در همه جا (که از کلمه «تمکین» استفاده می شود)؛

۳- از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی.

نتیجه این امور آن خواهد شد که با نهایت آزادی، خدا را پرستند و فرمان های او را گردن نهند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند و توحید خالص را در همه جا بگسترانند ...

باز هم تکرار می کنیم که محصول تمام زحمات پیامبران، و تبلیغات مستمر و پی گیر آن ها، و نمونه اتم حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت خالی از شرک، در زمانی تحقق می یابد که مهدی - آن سلاله انبیاء و فرزند پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) - ظاهر شود» (۲).

هم چنین، در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء آمده است:

- {وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ}؛

ص: ۱۱۳

۱- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۵ و ۲۱۷.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۲۸.

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد.

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه فوق آمده است: «هُم أصحاب المهدي في آخر الزمان»<sup>(۱)</sup>. در ۴۳ تفسیر از تفاسیر شیعه، با ذکر این روایت و روایاتی مشابه، تحقق این وعده الهی را مربوط به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش در آخر الزمان دانسته اند.<sup>(۲)</sup> در تفاسیر اهل سنت نیز ذیل این آیه، میراث داری بندگان صالح را به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل او نسبت داده اند.<sup>(۳)</sup>

در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است:

«روایات بسیار زیادی که بالغ به حد تواتر است، از طریق شیعه و اهل تسنن در مورد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و هم چنین از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده که همه آن ها دلالت بر این دارد که سرانجام، حکومت جهانی به دست صالحان خواهد افتاد، و مردی از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد، آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد؛ از جمله این حدیث معروف است که در اکثر منابع اسلامی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل شده:

" لو لم يبق من الدنيا إلا يومٌ لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً صالحاً (صالحاً) من أهل بيتي يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً "؛<sup>(۴)</sup>

اگر از عمر جهان جز یک روز نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد که صفحه زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

ص: ۱۱۴

---

۱- علی استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، (تصحیح: حسین استادولی)، چاپ اول، (ایران: قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ ق)، ص ۳۲۷.

۲- سید محسن طباطبایی و دیگران، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، ص ۲۵۸.

۳- سید محسن طباطبایی و دیگران، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، ص ۲۶۰.

۴- علی بن حسین ابن بابویه، الإمامة و التبصرة من الحيرة، (تصحیح: مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف))، چاپ اول، (قم: مدرسه الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۴ ق)، ص ۱۱؛ علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الأثر فی النص الاثمة الإثنی عشر، ص ۱۶۵؛ محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۷.



این حدیث با همین تعبیر یا مختصر تفاوتی، در بسیاری از کتب شیعه و اهل سنت آمده است»<sup>(۱)</sup>.

در ادامه این مطلب آمده است:

«حکومت صالحان یک قانون آفرینش است، گرچه برای آن‌ها که غالباً شاهد و ناظر حکومت طاغیان ظالم و یاغیان قدر بوده اند، مشکل است این حقیقت را به آسانی پذیرا شوند که تمام این حکومت‌ها برخلاف نوامیس آفرینش و قوانین جهان خلقت است و آن‌چه با آن هماهنگ می‌باشد همان حکومت صالحان با ایمان است، ولی تحلیل‌های فلسفی به این جا منتهی می‌شود که این یک واقعیت است و بنابراین، جمله «إن الأرض یرثها عبادی الصالحون»، پیش از آن که یک وعده الهی باشد یک قانون تکوینی محسوب می‌شود»<sup>(۲)</sup>.

آیه دیگری که مفسران از آن بشارت حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را استنباط نموده اند، آیه ششم سوره قصص است:

- {و نرید أن نمنَّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم أئمةً و نجعلهم الوارثین}؛

خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارثان [زمین] کنیم.

امام علی (علیه السلام) در تفسیر آیات فوق می‌فرماید:

«هم آل محمد صلوات الله علیهم بیعت الله مهدیهم بعد جهدهم فیعزهم و یذلّ أعداءهم»؛<sup>(۳)</sup>

ایشان آل محمدند- که صلوات خدا بر آن‌ها باد. خداوند مهدی ایشان را پس از تلاش و رنجشان برانگیزد؛ پس آنان را عزت دهد و دشمنشان را خوار گرداند.

در ۲۸ تفسیر از تفاسیر شیعی، با ذکر این روایت و روایات مشابه، بشارت حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داده شده است.<sup>(۴)</sup> در تفسیر این آیه آمده است:

ص: ۱۱۵

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۹.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۲۲.

۳- محمد بن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۱۸۴.

۴- سید محسن طباطبایی و دیگران، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، ص ۲۹۷.

«آیه بیانگر یک قانون کلی است برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیت ها. می گوید: ما اراده داریم بر مستضعفان منت بگذاریم و آن ها را پیشوایان و وارثان حکومت روی زمین قرار دهیم. این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر؛ این بشارتی است برای همه انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور... نمونه ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود، و نمونه کامل ترش حکومت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و یارانش بعد از ظهور اسلام بود... و نمونه گسترده تر آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. این آیات، از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می دهد؛ لذا، در روایات اسلامی می خوانیم که ائمه اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر این آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده اند.» (۱)

در نهج البلاغه از علی (علیه السلام) چنین نقل شده است:

« لتطعننَّ الدنيا علينا بعد شماسها عطف الصُّروس علی ولدها و تلا عقیب ذلك } و نريد أن نؤمن علی الذين استضعفوا فی الأرض {»؛ (۲)

دنیا پس از چموشی و سرکشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد- به ما روی می آورد. سپس آیه } و نريد أن نؤمن علی الذين استضعفوا فی الأرض { را تلاوت فرمود.

## ۲-۴-۴-۳. روایات

روایات زیادی بر جهانی بودن حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دلالت می کند. این روایات را می توان در چند گروه جای داد:

۱- در اخبار زیادی آمده است که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمین را از قسط و عدل پر می کند. این اخبار متواتر که راویان حدیث از امامیه و غیر امامیه بر درستی آن اتفاق نظر دارند، بارها و بارها تکرار

ص: ۱۱۶

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۹-۱۷.

۲- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۵۰۶.

شده است و ذکر کلمه «أرض» در این روایات، به جهانی بودن حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره می کند:

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در احادیثی فرمودند:

- «أبشركم بالمهدی! یبعث فی أمتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، یرضی عنه ساكن السماء و ساكن الأرض، یقسّم المال صحاحاً»؛ (۱)

شما را به مهدی بشارت می دهم! او در بین امت من پس از اختلاف زیاد و زلزله ها برانگیخته می شود. پس زمین را پر از قسط و عدل می کند، همان طور که از ستم و بیداد لبریز شده است و ساکنان آسمان و زمین از او راضی می شوند و مال و ثروت را به نحو صحیح تقسیم می کند.

- «لا یقوم الساعة حیث یملک رجل من أهل بیتی یواطیءُ إسمه اسمی، یملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ (۲)

قیامت به پا نمی شود، تا این که مردی از اهل بیت من مالک و حاکم گردد که نام او نام من است و زمین را پر از عدل و قسط می کند، همان طور که از ستم و بیداد لبریز شده است.

- «المهدی من ولدی وجهه کالقمر الدّری ... یملاً الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً یرضی بخلافته أهل السّماوات و أهل الأرض و الطّیر فی الجوّ»؛ (۳)

مهدی از فرزندان من، و سیمایش مثل ماه شب چهارده است ... زمین را پر از عدل می کند، همان طور که از ستم لبریز شده است. اهل آسمان ها و زمین و پرندگان در هوا از خلافت او راضی و خشنود هستند.

- «لا تذهب الدّنیاء حتّی یأمر أمتی رجل من ولد الحسین یملاًها عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ (۴)

ص: ۱۱۷

۱- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۳۲۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۹۲.

۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفه الأئمّه، ج ۲، ص ۴۷۱؛ محمد بن حسن حر عاملی، إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۲۲۴.

۳- علی بن موسی ابن طاووس، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (قم: خیام، ۱۴۰۰ ق)، ج ۱، ص ۱۷۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۹۱.

۴- محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، (تصحیح: مهدی لاجوردی)، چاپ اول، (تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق)، ج ۲، ص ۶۶.

دنیا به پایان نمی‌رسد، تا این که مردی از نسل حسین به سرپرستی امتم برمی‌خیزد و دنیا را لبریز از عدل می‌کند، همان طور که پر از ستم و بیداد شده باشد.

۲- تعبیر دیگری که بر جهانی بودن حکومت حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دلالت می‌کند، «گشوده شدن شرق و غرب» برای اوست؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«و تشرق الأرض بنور ربّها، و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب»؛ (۱)

زمین با نور پروردگارش منور می‌شود و سلطنت او همه شرق و غرب جهان را در بر می‌گیرد.

امام باقر (علیه السلام) در حدیثی فرمود:

«كأنّي بأصحاب القائم و قد أحاطوا بما بين الخافقين فليس من شيء إلّا و هو مطيع لهم حتّى سباع الأرض و سباع الطّير، يطلب رضاهم فى كلّ شيء حتّى تفخر الأرض على الأرض و تقول: مرّبي اليوم رجل من أصحاب القائم»؛ (۲)

گویی در بین اصحاب قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستم [و ایشان را با چشم خود می‌بینم] که میان مشرق و مغرب را تحت سیطره خود در آورده‌اند؛ دیگر چیزی نمانده جز این که تحت فرمان آن‌هاست و تلاش می‌کند که خشنودی آنان را جلب کند، حتی درندگان صحرا و پرندگان آسمان نیز تلاش می‌کنند که رضایت آن‌ها را جلب کنند! چون یکی از یاران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روی زمین گام نهد، آن زمین به سرزمین‌های دیگر مباحثات می‌کند که امروز مردی از یاوران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر من گام نهاد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در معرفی امامان فرمودند:

«آخرهم القائم الذى يفتح الله تعالى عزّ و جلّ على يديه مشارق الأرض و مغاربها»؛ (۳)

ص: ۱۱۸

---

۱- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۹۱.

۲- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳.

۳- علی بن حسین ابن بابویه، الإمامه و التبصره من الحیره، ص ۱؛ محمدبن علی ابن بابویه، الأمالی، ص ۱۱۱.

آخرین امام حضرت قائم است که خدای متعال با دستان او شرق و غرب جهان را فتح خواهد نمود.

امام علی (علیه السلام) درباره حدود حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند:

- «یملک ما بین الخافقین»؛ (۱)

بین شرق و غرب را مالک می گردد.

قرآن می فرماید:

{الذین إن مکناهم فی الأرض أقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الأمور}؛ (۲)

آنان که اگر در زمین به آنان فرمانروایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و فرجام کارها در اختیار خداست.

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این سخن خداوند فرمودند:

- «هذه الآية لآل محمد إلى آخر الآیه و المهدی و أصحابه (عليهم السلام) یملکهم الله مشارق الأرض و مغاربها و ینظر الدین و یمیت الله به و بأصحابه البدع الباطل... حتی لا یری أثر للظلم»؛ (۳)

این آیه تا آخر درباره آل محمد است و خداوند مهدی و اصحاب او را مالک شرق و غرب زمین می گرداند و با آنان دین را پیروز و حاکم می گرداند و بدعت های باطل را می میراند... تا اثری از ظلم دیده نشود.

ابوجارود و جابر بن یزید جعفی در این باره نقل کرده اند که امام باقر (علیه السلام) فرمود:

- «یفتح الله له شرق الأرض و غربها»؛ (۴)

خداوند برای او شرق و غرب زمین را فتح می نماید.

۳- شباهت حکومت امام- به لحاظ گستردگی- به حکومت ذوالقرنین و سلیمان در روایات:

ص: ۱۱۹

۱- احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۲۹۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۲- سوره اسراء، آیه ۸۱.

۳- سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، (تصحیح: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسه البعثة)، چاپ اول، (قم: مؤسسه البعثة، ۱۳۷۴ ش)، ج ۳، ص ۸۹۳.

٤- محمد بن الحسن طوسي، الغيبة، ص ٤٧٤؛ فضل بن حسن طبرسي، تاج المواليد، ص ١١٦.

جابرین عبدالله انصاری از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که فرمود:

« إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا جَعَلَهُ اللَّهُ حَجْرَةً عَلَىٰ عِبَادِهِ ... وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ سَيَجْرِي سُنَّتُهُ فِي الْقَائِمِ مِنْ وَلَدِي فَيَبْلُغُهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مِنْهَا وَلَا مَوْضِعًا مِنْ سَهْلٍ وَلَا جَبَلٍ وَطَنُهُ ذَوَالْقَرْنَيْنِ إِلَّا وَطَنَهُ ... فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ (۱)»

ذوالقرنین بنده صالحی بود که پروردگار او را بر بندگانش حجت قرار داد ... و همانا خداوند سنت او را در مورد قائمی که از نسل من است جاری خواهد فرمود و به شرق و غرب زمین می رساندش، تا آن جا که دشت و کوه و چشمه ساری که ذوالقرنین بر آن قدم نهاده باقی نمی ماند، جز آن که او نیز قدم در آن جا گذارد ... او زمین را از عدل و داد لبریز می سازد، همان طور که از بیداد و ستم پر شده باشد.

البته لازم به ذکر است که مقایسه بین گستره سلطنت ذوالقرنین و دامنه حکومت مهدوی تنها از آن روست که ذوالقرنین بزرگ ترین فرمانروایی است که تاریخ گذشته بشریت به خود دیده و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با عظمت ترین رهبر و پیشوایی است که تاریخ جدید می شناسد؛ و گرنه اختلاف در توانمندی های معنوی و مادی آن دو، از زمین تا آسمان است. (۲)

۴- روایاتی که از تسلط حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر مناطق مهم زمین حکایت می کند:

نعمانی به سند خود از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که حضرت باقر (علیه السلام) فرمود:

«لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ... يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ الرُّومَ وَالصِّينَ وَالتُّرْكَ وَالدِّيْلِمَ وَالسِّنْدَ وَالْهِنْدَ وَكَابِلَ شَاهِ وَ الْخَزْرَ...»؛ (۳)

وقتی قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند ... خداوند دروازه های روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل شاه و خزر را برای او خواهد گشود.

ص: ۱۲۰

---

۱- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۴؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۴۰.

۲- سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۲۷۹.

۳- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، صص ۲۴۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

البته چه بسا برشمردن این سرزمین‌ها، متناسب با سطح فکری و میزان دانش مردمان روزگار صدور این روایات بوده است و اگر آن‌ها بهره بیشتری از علم داشتند، بر این فهرست افزوده می‌شد؛ به عبارتی، نام بردن از این مناطق، صرفاً برای بیان گستردگی دامنه فتوحات آن حضرت می‌باشد و آن اسامی به عنوان مثال آورده شده است. به این ترتیب، می‌توان این روایات را به دیگر نقاط جهان نیز تعمیم داد. (۱)

## ۵-۴-۳. جهانی شدن

### اشاره

پس از پرداختن به موضوع «وسعت حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)»، طرح مسأله «جهانی شدن» در این جا خالی از فایده نیست.

درباره جهانی شدن، تعریف‌های گوناگونی عرضه شده است. واقعیت آن است که شاید نتوان برای این پدیده نوظهور به دلیل ابعاد گوناگون و ماهیت نوشونده و دگرگون شونده آن، تعریف واحد و جامعی ارائه کرد. از این رو، درباره جهانی شدن، میان دانشمندان توافق نظر وجود ندارد، زیرا این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است و هر روز چهره تازه‌ای از ابعاد آن نمایان می‌شود.

برخی از دانشمندان از تعابیری همچون «فشردگی جهان»، «وابسته تر شدن بخش‌های مختلف جهان»، «افزایش وابستگی و درهم تنیدگی جهانی»، «ادغام همه جنبه‌های اقتصادی در گستره‌ای جهانی»، «پهناتر شدن گستره تأثیرگذاری کنش‌های اجتماعی»، «آزادسازی دولت‌ها و کاهش محدودیت آن‌ها در فعالیت میان کشورهای مشابه دیگر» و ... برای تعریف‌های خود از «جهانی شدن» استفاده کرده‌اند. (۲)

به طور کلی، با مطالعه در حوزه جهانی شدن با سه وجه مهم، اساسی و حتی متمایز مواجه می‌شویم که به اشتباه یا تسامح، به هر سه، واژه «جهانی شدن» اطلاق شده است:

۱- فرآیند طبیعی و تدریجی جهانی شدن؛

۲- جهانی سازی اسلامی؛

ص: ۱۲۱

۱- سیدمحمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۲۸۰.

۲- حسین خنیفر و دیگران، "جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قران کریم و روایات اسلامی"، مشرق موعود، ۱۶ (۱۳۸۹ش): ۲۹۸.



### ۱-۵-۴-۳. فرآیند طبیعی و تدریجی جهانی شدن

ریشه های تاریخی جهانی شدن را می توان به عمق تاریخ بشر مربوط دانست. طبق نظر جامعه شناسان و باستان شناسان، زندگی بشر از زندگی های محدود خانوادگی و انفرادی در جنگل ها، غارها و پناه گاه ها شروع شده و به تدریج، به جمعیت های عشیره ای و قبیله ای و اجتماعات محدود در کنار چشمه ها و رودخانه ها مبدل گشته، و بعداً تبدیل به روستاها و واحدهای کوچک شده است. سپس شهرها تشکیل شده، و از شهرها رفته رفته، کشورها و دولت ها پدید آمده اند. بنابراین، در مجموع، زندگی بشر به سوی جهانی شدن در حرکت است؛ یعنی هرچه به پیش می رویم، تفرقه ها کم و تجمع ها زیاد می شود. البته این حرکت در قرون اخیر، سرعت بیشتری به خود گرفته است و با بهره گیری از وسایل جدید ارتباط جمعی، حرکت به سوی جهانی شدن شتاب بیشتری خواهد گرفت. (۱)

### ۲-۵-۴-۳. جهانی سازی اسلامی

منظور جهانی شدن اسلام و حکومت اسلامی توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در بخش قبل به آن پرداخته شد.

### ۳-۵-۴-۳. جهانی سازی غربی - آمریکائی

#### اشاره

در واقع، تلاش غرب و به خصوص آمریکا برای افزایش سلطه خویش بر تمام جهان، از طریق حاکمیت لیبرال-دموکراسی است که چهار نظریه به طور مستقیم و غیرمستقیم به این مسأله وجهه علمی می دهند:

### ۱-۳-۵-۴-۳. فوکویاما و نظریه پایان تاریخ

از دیدگاه فوکویاما، با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اردوگاه کمونیسم، عصر رقابت و حاکمیت ایدئولوژی ها به سر آمده است و جامعه بشری در آینده رو به دموکراسی لیبرال می رود. دموکراسی لیبرال، آخرین شکل حکومت و پایان تاریخ خواهد بود و انسان امروز هیچ راهی جز پذیرفتن این ایدئولوژی ندارد. در واقع در آینده، دولت ها و ملت ها با پذیرفتن این نظام، شکل یک سان و شبیه به هم پیدا خواهند کرد. تکامل ایدئولوژی (دموکراسی لیبرال) موجب



برتری تاریخی آن و پیروزی قدرت نظامی و اقتصادی آن است. این ایدئولوژی تکامل یافته ای است که جبر تاریخی، آن را مطلوب همه انسان ها ساخته است. آن چه ما شاهد آن هستیم، نه فقط پایان جنگ سرد، بلکه پایان تاریخ است. نقطه پایان، تحوّل ایدئولوژیکی بشریت و جهانی شدن دموکراسی غربی، به عنوان شکل نهایی حکومت است. میل دست یابی به جامعه مصرفی، در درازمدت منجر به لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی گردیده، تصور می شود سیستم غربی به طور پایان ناپذیری قابل گسترش است. (۱)

## ۲-۳-۵-۴-۳. مک لوهان و دیدگاه دهکده جهانی

پدیده انقلاب و انفجار اطلاعات، پایه اساسی این دیدگاه به شمار می رود. در نگاه مک لوهان، جهان به سوی یک سانی و یک نواختی فرهنگی پیش می رود و فرهنگ ها به تدریج، ساختار و محتوای واحدی می یابند. ارتباطات آن چنان گسترش می یابد که گویی جهان به این پهناوری، حکم یک دهکده را دارد. بی شک در چنین وضعیتی، وجود یک حاکمیت مقتدر برای جهان کافی است. (۲)

## ۳-۳-۵-۴-۳. تافلر و تئوری برترین ها

به عقیده تافلر، برخورداری از بالاترین سطح قدرت در مقیاس جهانی، معیار اساسی حق حاکمیت بر جهان را تضمین می کند. در عصر حاضر - که عصر ارتباطات و اطلاعات است - قدرت علمی را باید سرچشمه قدرت دانست. معیار قدرت در قرن نوزده و بیست، نخست بر محورهای نظامی و سیاسی، و سپس اقتصادی، و بعد از آن بر هر سه محور استوار بوده است. امروزه قدرت علمی، اطلاعاتی و اطلاع رسانی، بیش از همه قدرت برتر به شمار می آید و حرف اول را در عالم می زند. تافلر، صاحب این برترین قدرت را شایسته سروری و سرآمدی در جهان

ص: ۱۲۳

۱- رحیم کارگر، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۳۸.

۲- سید احمد راهنمایی، «حکومت جهانی واحد (رویاریابی جهان بینی سکولار با جهان بینی الهی)»، مجموعه آثار پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱ (۱۳۸۸ش)، ج ۱، ص ۱۴۴.

می شناسد و بر این نکته تأکید می ورزد که غرب و به ویژه آمریکا، در سده اخیر از این برترین قدرت برخوردار بوده، طبعاً حق غرب خواهد بود که مقام حاکمیت جهانی را تصاحب کند. (۱)

#### ۴-۳-۵-۴. ساموئل هانتینگتون و نظریه برخورد تمدن ها

به نظر هانتینگتون، در برتری بر جهان، فرهنگ ها و جوامع، هیچ عاملی به اندازه فرهنگ و تمدن کارآمد و تعیین کننده نیست. از آن جا که در اندیشه وی، فرهنگ غربی از نوع لیبرال-دموکراسی، در مقایسه با دیگر فرهنگ ها در اوج قدرت و تعالی خود قرار گرفته است، ارزش های برگرفته از این فرهنگ باید به منزله ارزش های سرآمد و فراتر، به کل جهان سرایت یابد تا نظام غربی، برتری خود را در رویارویی با دیگر نظام ها حفظ و تثبیت کند. در این میان، تمام تلاش هانتینگتون بر آن است که اسلام و فرهنگ اسلامی را تهدیدی جدی در برابر قدرت جهانی غرب معرفی کند و در نتیجه، غرب را برای حفظ و ثبات حیثیتش، به رویارویی با جهان اسلام فراخواند. (۲)

بنابراین، می توان گفت در هر چهار نظریه، صاحب نظران به نوعی غرب و به ویژه آمریکا را شایسته حاکمیت جهانی می دانند و در واقع، سرنوشت جهان را به سرنوشت غرب به فرماندهی آمریکا گره می زنند و ملاک این رهبری را شایستگی و توانایی آمریکا در ترویج دموکراسی و لیبرالیسم دانسته، تمام نارسایی های حاکمیت لیبرال-دموکراسی در غرب را نادیده می انگارند.

در تمام این دیدگاه ها، نقش دین و تأثیر شگرف آموزه های آن نادیده گرفته شده و برعکس، به نوعی به تخریب ذهنیت و تفکر نجات بشر با محوریت دین پرداخته شده است، و در حقیقت، سعی در مصادره ایده منجی جهانی می شود.

#### ۶-۴-۳. مقایسه جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

پس از روشن شدن مفهوم جهانی شدن و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اکنون به مقایسه و بررسی وجوه اشتراک و تمایز این دو دیدگاه می پردازیم:

ص: ۱۲۴

---

۱- سید احمد راهنمایی، «حکومت جهانی واحد (رویاریویی جهان بینی سکولار با جهان بینی الهی)»، مجموعه آثار پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱ (۱۳۸۸ش)، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- سید احمد راهنمایی، «حکومت جهانی واحد (رویاریویی جهان بینی سکولار با جهان بینی الهی)»، مجموعه آثار پنجمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱ (۱۳۸۸ش)، ج ۱، ص ۱۴۵.

۱- جهانی شدن از نظر فرهنگی و اجتماعی، ادعای نزدیکی و پیوند فرهنگ ها را دارد، اما روشن است که برخلاف نظر مدعیان، در جهان آینده یک پارچگی به وجود نخواهد آمد (جنگ تمدن ها)، زیرا غرب با تحمیل و اجبار مدل ها و الگوهای خود بر دیگر فرهنگ ها و جوامع، در صدد سلطه بر جهان است. این برخوردها و تضاد تمدن ها، جهان را آبدستن التهاب و تنش می کند، در حالی که در عصر ظهور مورد اشاره در روایات اسلامی، نشانی از اختلاف و کشمکش، و حتی سلطه جویی تمدن ها و فرهنگ ها نخواهد بود؛ جهانی شدن اسلامی، مبتنی بر گرایش های فکری و منطبق با عقلانیت و معیارها و ارزش های انسانی بوده، با آزادی و انتخاب صورت می گیرد. (۱)

۲- یکی از ویژگی های برجسته جامعه جهانی موعود، این است که همگان در آن یکتا پرستند و خدا را به یگانگی می پرستند و دین و آیین پذیرفته شده و برتر مردم، اسلام خواهد بود. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «هیچ آبادی نخواهد ماند، مگر آن که در آن جا هر صبح و شام به یکتایی خدا شهادت داده خواهد شد». (۲)

هم چنین، قرآن محور زندگی بشر قرار می گیرد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

«در آن هنگام که مردم قرآن را به رأی خود تفسیر می کنند، امام زمان آرا و نظر مردم را تابع قرآن قرار خواهد داد». (۳)

از این کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشخص می شود که در عصر حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، محور همه چیز و همه آراء و عقاید قرآن خواهد بود، در حالی که در وضعیت جهانی شدن، نه تنها قرآن در جامعه بشری محور نیست، بلکه کوشش می شود که قرآن از صحنه خارج شود.

۳- در عصر جهانی شدن، دانش پیشرفته در انحصار کشورهای خاصی است و این کشورها به مدد منابع نامحدود خود، از انتقال آن به کشورهای دیگر جلوگیری می کنند، در حالی که از ویژگی های بارز حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توسعه علمی است. در حدیثی شریف از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم:

ص: ۱۲۵

---

۱- حسین خنیفر و دیگران، "جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی"، ص ۳۱۷.

۲- «لا- یبقی قریه إلا- و نودی فیها بشاده أن لا- إله إلا- الله و أن محمداً رسول الله بکره و عشیاً»؛ (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۰).

۳- «بعطف الزای علی القرآن إذا عطفوا القرآن علی الزای»؛ (محمدبن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۱۹۵).

«علم و دانش بیست و هفت حرف است. تمام آن چه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می کند، تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد»<sup>(۱)</sup>.

۴- از دیگر معایب و نقص های بزرگ جهانی شدن، ظهور بلوک های قدرت و گسترش واحدهای سیاسی قدرت مند متنازع، و عدم مدیریت واحد در جهان است. این مشکل در حکومت جهانی به خوبی حل شده، جهان تحت فرمان آن حضرت خواهد بود. کشورهای جهان، تحت رهبری واحد اداره و مدیریت خواهند شد و کارگزاران و یاران نزدیک ایشان، حکومت بر واحدهای سیاسی را بر عهده خواهند گرفت<sup>(۲)</sup>.

۵- در نظریه جهانی شدن، قطب شدن یک یا چند کشور، سبب تشدید نابرابری ها در عرصه تولید و توزیع کالاها، خدمات و امتیازات می شود، درحالی که رکن اساسی حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، رفع نابرابری و تبعیض، و استفاده کامل از منابع طبیعی جهان خواهد بود.

۶- حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت های برجسته دینی که معصوم از خطا و تالی تلو معصومند اداره می شود، و قانون خدا در آن جامعه حاکم است، ولی حکومت واحد جهانی غربی، تحت نظر و اشراف زورمندان و ستمگران است<sup>(۳)</sup>.

۷- در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به خاطر توسعه ای که در دانش و عقل بشر پیدا می شود، تمامی ظرفیت های اقتصادی طبیعت کشف می شود و سرمایه به حد وفور در اختیار مردم قرار می گیرد و سیستم توزیع نیز درست عمل می کند<sup>(۴)</sup> درحالی که در نظام های اقتصادی حاکم بر جهان، شکاف های اقتصادی وحشتناکی وجود دارد.

ص: ۱۲۶

---

۱- «العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فاذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس، و ضم إليها الحرفين حتى بثها سبعة و عشرين حرفاً؛ (سعید بن هبة الله قطب الدين راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱).

۲- حسین خنیفر و دیگران، "جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی"، ص ۳۲۰.

۳- علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۴۶.

۴- «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ، وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا، وَ رَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يَظْهَرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرَفُوا بِالْإِيمَانِ»؛ (محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۴).

۸- پدیده جهانی شدن، هرچند به سرعت در حال گسترش و پیشروی در عرصه های مختلف جهانی است، در عین حال امری مبهم، نارسا و پیچیده است و تعاریف و نظریات در این حوزه بسیار متنوع، بلکه متفاوت است، درحالی که تصویر حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به روشنی در روایات و احادیث بیان شده و ویژگی ها و ساختار کارآمد و جامع نگری این حکومت، با دقت هرچه تمام تر ترسیم و تبیین گشته است و هیچ گونه ابهام و کاستی در آن وجود ندارد.

۹- جهانی سازی غربی، در حقیقت باعث تسلط غرب و آمریکا در عرصه های سیاسی و اقتصادی است و به دنبال خود ناامنی و رفتارهای خصمانه به همراه دارد؛ چیزی که هیچ ملتی حاضر به پذیرش آن نیست، درحالی که اساس و برنامه اصلی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، گسترش و برقراری صلح و امنیت و آسایش، و ریشه کنی ظلم و ستم و جنگ و خونریزی در جهان است؛ همان گونه که قرآن می فرماید: {وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا}؛ (۱) ترس مردم به امنیت و آسایش مبدل خواهد شد.

واضح است که تفاوت های میان جهانی شدن و جهانی سازی اسلامی در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بسیار بیشتر از موارد ذکر شده است و در این جا به عمده ترین وجوه تمایز بسنده شد.

### ۷-۴-۳. مدت حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

#### اشاره

پرسش از مدت حکومت امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از دو زاویه مطرح می گردد:

۱- مدت زمان حیات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعد از ظهور چقدر است؟ ایشان چند سال شخصاً رهبری دولت عدل جهانی را بر عهده خواهند گرفت؟ یابه عبارتی، از زمان تشکیل حکومت توسط امام تا وفات ایشان چند سال طول می کشد؟

۲- عمر حکومت عدل جهانی، به طور مطلق چقدر است؟ یعنی حکومت عدلی که آن حضرت بنیان می نهد تا کی ادامه می یابد؟ آیا پس از امام حکومت ایشان برقرار می ماند یا این که پس از دولت عدل، دولتی ستمگر و منحرف بر سرکار می آید؟

ص: ۱۲۷

پاسخ به سؤال دوم، یعنی عمر حکومت عدل جهانی به طور مطلق، به فصل بعد موکول می شود، اما در مورد سؤال اول و این که امام چند سال رهبری حکومت را به عهده دارند، روایات بسیار مختلف است و اعداد پنج، هفت، نه، ده، چهارده، هفده، نوزده، بیست، سی، چهل، هفتاد و سیصد و نه (۱) - که در روایات به عنوان مدت حکومت حضرت بیان شده است - حکایت از شدت اختلاف روایات در این زمینه دارد. چند نمونه از این روایات:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«مِن أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، فَإِنْ قَصُرَ عَمْرُهُ أَوْ طَالَ عَمْرُهُ عَاشَ سَبْعَ سِنِينَ، أَوْ ثَمَانَ سِنِينَ، أَوْ تِسْعَ سِنِينَ»؛ (۲)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از امت من خواهد بود. پس خواه عمرش کوتاه و یا دراز باشد، مدت هفت، هشت، یا نه سال در قید حیات خواهد بود.

امام صادق (علیه السلام) نیز در این مورد می فرماید:

«يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ يَطُولُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مَقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سَنِيكُمْ فَيَكُونُ سَنُو مَلِكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سَنِيكُمْ هَذِهِ»؛ (۳)

هفت سال حکومت می کند، درحالی که شب ها و روزهایش طولانی می شود، تا آن که هر سال آن با میزان ده سال از سال های شما برابری کند، و بدین گونه، مدت حکومت او با هفتاد سال از سال های شما برابر می باشد.

و در روایتی از امام باقر (علیه السلام) چنین نقل شده:

«إِنَّ الْقَائِمَ يَمْلِكُ ثَلَاثِمِائَةً وَتِسْعَ سِنِينَ، كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ»؛ (۴)

قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مدت سی صد و نه سال حکومت می کند، به تعداد سال هائی که اصحاب کهف در غار خود درنگ کردند.

### ۱-۷-۴-۳. علت اختلاف روایات

ص: ۱۲۸

۱- نک: محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۶، ص ۲۷۹.

۲- علی بن موسی بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۳۲۴.

۳- محمدبن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۱، محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۴- محمدبن الحسن طوسی، الغیبه، ص ۴۷۴، محمدبن حسن حر عاملی، إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۳۶.



صاحب نظران برای اختلاف روایات مدت حکومت، توجیهاات مختلفی آورده اند، از جمله این که:

آیت الله مکارم شیرازی در این رابطه معتقد است:

«روایات به مراحل و دوران های مختلف حکومت اشاره می کند؛ مثلاً پنج یا هفت سال، به شکل گیری حکومت، چهل سال، به دوران تکامل آن، و سی صد سال، به دوران نهائی حکومت اشاره می کند»<sup>(۱)</sup>.

علامه مجلسی معتقد است:

«بعضی از آن اخبار بر تمام مدت حکومت امام، بعضی بر زمان استحکام حکومت، و بعضی بر دوران اوج قدرت و شهرتش حمل می شود»<sup>(۲)</sup>.

ایشان در توجیه این اختلاف روایات، دلیل دیگری هم می آورد؛ ایشان معتقد است:

«ممکن است روایات مختلف در مورد مدت حکومت امام قائم با رجعت او و سلطنت مجدد امام جمع شود»<sup>(۳)</sup>.

به عبارت دیگر، ممکن است بعضی احادیث به حکومت امام پس از ظهور، و بعضی دیگر به حکومت امام پس از رجعت ایشان مربوط شود.

علاوه بر این دو مورد، احتمال نفوذ روایات ساختگی<sup>(۴)</sup> در روایات مربوط به مدت حکومت حضرت نیز به عنوان یکی از دلایل اختلاف روایات یاد شده است.

با توجه به آن چه گذشت، تعیین مدت قطعی حکومت امام از طریق روایات، امر ناممکنی می نماید و لذا باید گفت:

همان طور که در آیه ۵۶ سوره ذاریات آمده، هدف از خلقت، ایجاد عبودیت خالص در سطح کل جامعه است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾؛ جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز با برپایی حکومت عدل جهانی، در پیاده ساختن این هدف عظیمی دارد؛ بنابراین، مدت حکومت توحیدی و عدل جهانی امامزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید

ص: ۱۲۹

۱- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ص ۲۸۱.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸.

۴- نک: محمد امینی گلستانی، سیمای جهان در عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ دوم، (قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶ ش)، ص ۳۷۶.

وقت وسیعی باشد که اهداف عالی خلقت بشر در این دنیا بتواند در آن مدت زمان تحقق یابد. مدت حکومت ایشان باید به قدری باشد که علاوه بر اجرای عدالت همه جانبه در تمام زمین، تداوم آن را در روزگاران پس از خود نیز تضمین نماید و پر واضح است که تشکیل حکومت عدل جهانی، علاوه بر این که خود نیاز به وقت موسّعی دارد، مقدمه تربیت جوامع بشری است که نسبت به فتح جهان، به مراتب فرصت بیشتری می طلبد. بنابراین، صرف نظر از روایات، باید مدت زمان حضور ایشان برای به بار نشستن آن نتایج کافی باشد و با این اوصاف، یافتن مدت دقیق حکومت امام اهمیت چندانی نمی یابد؛ به خصوص این که در کنار همه این روایات، روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) وارد شده است که در پاسخ به سؤال مفضل در همین خصوص می فرماید:

«مدت آن [به اراده و مشیت خداست و کسی جز او نمی داند].» (۱)

### ۵-۳. قضاوت در عصر ظهور

#### اشاره

یکی از ارکان تشکیل دهنده هر حکومت و دولتی، قوه قضائیه و نهاد قضایی است که در برقراری امنیت و استقرار عدالت نقشی مهم و کلیدی دارد. در دولت مهدوی که آرمانی ترین و عالی ترین دولت در سراسر تاریخ بشری است، ظلم و جرم و جنایت به نحو چشم گیری کاهش می یابد و علت آن، اجرای همه جانبه عدالت، پرورش اخلاق و فضایل انسانی، پیشرفت علم، گسترش عقلانیت، و نهادینه شدن ارزش های اسلامی است. علاوه بر کاهش جرم و از بین رفتن زمینه های فساد، وجود یک نظام قضایی صحیح و نیرومند- که در آن قضاوت بر اساس حقایق و واقعیات صورت می گیرد و خطا و اشتباهات قضایی به صفر میل می کند و مجرمین با پیشرفته ترین وسایل ردیابی می شوند- منجر به پیدایش یک جامعه سالم و امن می گردد که همگان در انتظار تحققش لحظه شماری می کنند.

#### ۱-۵-۳. دلایل کاهش جرم در حکومت حضرت مهدی (علیه السلام)

#### اشاره

ص: ۱۳۰

---

۱- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۵..

برای مبارزه با فساد و تجاز و ستم، از یک سو لازم است پایه های ایمان و اخلاق مردم تقویت شود و از سوی دیگر، یک سیستم صحیح و نیرومند قضایی، با هوشیاری کامل و احاطه وسیع به وجود آید. حکومت مهدوی با یک سیاست کیفری مناسب و منسجم، در مقابل تجاوز به اموال و حقوق مردم و واکنش نشان می دهد و برای این امر از راهکارهای پیش گیرانه و تدافعی استفاده می کند:

### ۱-۱-۵-۳. راهکارهای پیش گیرانه

(۱) اجرای عدالت اجتماعی: با توزیع عادلانه ثروت، (۱) ریشه کن شدن فقر، (۲) و گشایش و رفاه برای مردم، (۳) زمینه ارتکاب بسیاری از جرائم ناشی از فشارهای اقتصادی از بین می رود. علاوه بر این، با از بین رفتن فاصله طبقاتی و نابرابری اجتماعی، غنا و ثروت مندی عمومی فراگیر شده، در نتیجه، علل و انگیزه ارتکاب جرائم مالی تا حد زیادی از بین می رود.

(۲) گرایش به علم آموزی و از بین رفتن جهل و نادانی: یکی از عوامل جرم، نادانی و جهل است و سطح علم و دانش و تحصیلات با میزان ارتکاب جرم نسبت معکوس دارد. دولت مهدوی، دولت دانش و عقلانیت است که در آن علم و دانش بشری به بالاترین حد تکاملی خود می رسد (۴) و به طور طبیعی، جرم کاهش می یابد.

ص: ۱۳۱

۱- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «یقسم المال صحاحاً فیملاء الله قلوب أمه محمد غنی، و یسعمهم عدله»؛ مال را علی السویه تقسیم می کند و دل های امت محمدی (صلی الله علیه و آله) را با بی نیازی پر می کند و عدالتش همه آن ها را فرامی گیرد و دیگر کسی خود را ناگزیر از ستم نمی بیند. (علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۳۲۳)

۲- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «یطلب الرجل منکم من یصله بماله و یاخذ منه زکاته فلا یجد أحدا یقبل منه ذلك لاستغناء الناس بما رزقهم الله من فضله»؛ مردم دنبال کسی می گردند که از آن ها هدیه ای بپذیرد، زکات مالشان را جدا می کنند و کسی را نمی یابند که آن را بپذیرد، زیرا همه مردم از فضل خدا بی نیازی شوند. (فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴).

۳- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «تنعم أمتی فی دنیاہ نعیماً لم تنعم مثله قط... و المال کدوس، یأتیه الرجل فیحثوا له»؛ در دولت او مردم آن چنان در رفاه و آسایش به سر می برند که هرگز نظیر آن دیده نشده، مال به قدری فراوان می شود که هر کس نزد او بیاید، اموال فراوانی زیر پایش می ریزد. (علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۷۹).

۴- امام صادق (علیه السلام): «العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جاءت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتی الیوم غیر الحرفین، فاذا قام قائمنا أخرج الخمسه و العشرين حرفاً فبثها فی الناس، و ضمّ إليها الحرفین حتی بثها سبعة و عشرين حرفاً»؛ علم بیست و هفت حرف است، پس همه آن چه را که هر یک از پیامبران آوردند، دو حرف است و تا امروز مردم غیر از دو حرف را نمی شناسند و آن گاه که قائم ما قیام نماید، بیست و پنج حرف دیگر را خارج ساخته، در میان مردم منتشر می سازد و

دو حرف دیگر را به آن ها می افزاید تا تمام بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر نماید. (حسن بن سلیمان حلی، مختصر البصائر، ص ۳۲۰).

(۳) پرورش اخلاق و فضایل انسانی: اخلاق و تربیت، نقش مؤثری در پیش گیری از جرم و ناهنجاری اجتماعی دارد. در هر جامعه ای که میزان پابندی به اخلاق بالا باشد، میزان جرائم پایین خواهد آمد. اخلاق فردی به مثابه نظام نظارت کننده درونی، در مقابل قانون و محتسب که نظارت کننده های بیرونی هستند عمل می کند. این نظارت درونی و اخلاقی، در دولت مهدوی به مدارج عالی خود می رسد.

معیار مشترک این دولت در سرتاسر جهان، اخلاق و معنویت مبتنی بر دین و تکامل انسانی است. در واقع، اخلاق متعالی و تصحیح رابطه انسان با عالم پیرامون، باعث تغییر و تکامل طرز تلقی و باورهای او، و استفاده درست و بهینه از همه امکانات می شود که برآیند آن، یک جامعه اخلاقی است. (۱)

## ۲-۱-۵-۳. راهکارهای تدافعی

با وجود این که زمینه های ارتکاب جرم از بین می رود، از آن جایی که انسان آزاد و مختار آفریده شده، خواه ناخواه، افرادی- هرچند اندک- از آزادی خود سوء استفاده می کنند. بنابراین، باید یک دستگاه قضایی سالم و کاملاً آگاه باشد که حقوق مردم را به آن ها برساند. دستگاه قضایی در عصر ظهور، برای مقابله حداکثری با جرم، دارای ویژگی های ذیل است:

۱- نظام قضایی صحیح، دقیق و نیرومند: سلسله طولی نظام قضایی دولت مهدوی به این صورت است که در رأس سیستم قضایی، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار دارند که بر اساس روایات، قضاوت او از امتیاز خاصی نسبت به اجداد طاهربینش برخوردار است و آن این که: ایشان با علم

ص: ۱۳۲

---

۱- ضامن علی حبیبی، «شیوه قضایی دولت مهدی»، مجموعه آثار چهارمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت، ۴ (۱۳۸۷ش)، ج ۴، ص ۲۱۰.

خود نسبت به حقیقت وقایع قضاوت می کند و منتظر شاهد و بینه نمی ماند. (۱) بعد از ایشان، حضرت عیسی (علیه السلام) (۲) قرار دارد، و بعد از حضرت عیسی (علیه السلام)، صالحان و عالمانی مسؤولیت قضاوت را به عهده می گیرند که هم از دانش ممتازی (۳) برخوردارند و هم از امدادهای غیبی (۴) بهره مند.

۲- امکان بسیار زیاد کشف جرم: علاوه بر سلسله طولی نظام قضایی که متشکل از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حضرت عیسی (علیه السلام)، و صالحان و علماست، احتمال زیاد کشف جرم، به قدرت نظام قضایی کمک می کند؛ در عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به موازات پیشرفت علم و دانش، آن قدر وسایل کشف جرم تکامل می یابد که هیچ مجرمی نمی تواند با ردپایی که از خود به جا می گذارد، از دست قانون گریخته، رهایی یابد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «إِنَّمَا سَمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ حَتَّىٰ أَنَّهُ يَبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا يَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ حَتَّىٰ إِنَّ أَحَدَهُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ» (۵)؛

آن حضرت بدین سبب مهدی نامیده شده است که به امور مخفی هدایت می شود، تاجایی که افراد را اعزام می دارد تا شخصی را که مردم او را مجرم نمی دانند، به قتل برساند. [میزان آگاهی

ص: ۱۳۳

۱- امام صادق (علیه السلام): «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ، لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ...»؛ چون قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) فرمانروا شود، در میان مردم به حکم حضرت داوود (علیه السلام) داوری می کند و نیاز به شاهد و گواه نخواهد داشت. (محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶)

۲- پیامبر (صلی الله علیه و آله): «يَنْزِلُ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ حَكَمًا مَقْسُطًا»؛ عیسی بن مریم در میان امت شما داور (قاضی و دادگری) خواهد بود. (الشیخ علی الکورانی، معجم احادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۵۳۲).

۳- امام صادق (علیه السلام): «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ [بَعَثَ] فِي أَقْلِيمِ الْأَرْضِ عَيْنٍ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ [فِي] كَفْكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفْكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا»؛ هنگامی که قائم قیام نمود، به مناطق زمین و به هر منطقه ای مردی را اعزام می دارد و می فرماید: عهد و دستور العمل تو در کف دستت است، هر گاه جریانی پیش آمد که حکم قضایی آنرا نداشتی، به کف دستت نگاه کن و به آن عمل نما. (محمد بن ابراهیم ابی زینب، الغيبة (للنعمانی)، ص ۱۷۲).

۴- امام باقر (علیه السلام) «ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَبْعَثُ الثَّلَاثَ مِائَةَ وَالبُضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَى الْآفَاقِ كُلِّهَا فَيَمْسَحُ بَيْنَ أَكْتَافِهِمْ وَ عَلَى صُدُورِهِمْ فَلَا يَتَعَايُونَ فِي قَضَاءٍ»؛ سپس به کوفه بر گردد، پس سی صد و چند نفر به همه آفاق اعزام می نماید، پس میان شان و سینه هایشان را مسح می کند تا در هیچ قضاوتی عاجز نمانند. (محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار ج ۵۳، ص ۳۴۵).

۵- محمد بن حسن حر عاملی، إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۱۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

حضرت از مردم به اندازه ای است که [اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید، بیم آن دارد که مبادا دیوارهای خانه اش گزارش دهند.

## ۲-۵-۳. قضاوت مهدوی

### اشاره

در رابطه با قضاوت های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آن چه به عنوان مبنای ایشان در قضاوت قرار می گیرد، با دو دسته از روایات مواجهیم:

### ۱-۲-۵-۳. روایات دسته اول

آن چه تاکنون در دستگاه های قضایی به عنوان ادله اثبات جرم محسوب شده و مبنای قضاوت قرار گرفته است، عبارت است از: شهود، بینه، اقرار، تحقیق و قسم.

اما پاره ای از روایات بیان می کنند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بدون نیاز به شاهد و بینه، و بر اساس علم به واقعیت و حقیقت قضاوت می کنند، و این روشی است که مورد استفاده حضرت داود و حضرت سلیمان (علیهما السلام) نیز بوده است.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ، لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ، يَلْهَمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيُحْكِمُ بَعْلَمَهُ، وَ يَخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ، وَيَعْرِفُ وِثْيَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ. قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا لَبَسِيلٌ مَّقِيمٌ﴾ (۱)؛ (۲)

زمانی که قائم آل محمد (علیه السلام) قیام کند، در میان مردم با حکم داود قضاوت می نماید و نیازی به شاهد نخواهد داشت؛ خداوند به او الهام می نماید، پس او بر طبق الهام الهی حکم می کند و به تمامی گروه ها به آن چه مخفی کرده اند (از دل می گذرانند)، خبر می دهد. دوست خود را از دشمن خود با [نگاه و] نشان بشناسد. خدای سبحان فرموده است: «همانا در این [سرگذشت

ص: ۱۳۴

۱- سوره حجر، آیه ۷۵.

۲- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

عبرت انگیز] نشانه هایی است برای هوشیاران و این (ویرانه های سرزمین آن ها) بر سر راه همیشگی [کاروان ها] است».

امام صادق (علیه السلام) در روایتی به ابو عبیده فرمودند:

«إذا قام قائم آل محمد، حكم بحكم داود و سليمان؛ لا يسأل الناس بينة»؛ (۱)

هرگاه قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) قیام کند، به حکم داود و سلیمان حکم می نماید؛ از مردم طلب شاهد نمی کند.

ابان می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

«لن تذهب الدنيا حتى يخرج رجل مني يحكم بحكومة آل داود، لا يسأل عن بينة، يعطى كل نفس حكمها»؛ (۲)

دنیا تمام نخواهد شد، تا مردی از من به نوع حکومت آل داود حکومت نماید، از بینة سوال ننماید و بر هر فردی حکم [واقعی] او را جاری نماید.

حال، این سؤال مطرح است که قضاوت های حضرت داود و حضرت سلیمان (علیهما السلام) چگونه بوده است؟ از میان پیامبران الهی، حضرت داود و حضرت سلیمان (علیهما السلام) مقام ممتازی دارند. قرآن کریم بیان می دارد:

﴿و لقد آتينا داود و سليمان علماً و قالوا الحمد لله الذي فضلنا على كثير من المؤمنين﴾؛ (۳)

و به راستی به داود و سلیمان دانشی عطا کردیم، و آن دو گفتند: ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است.

و در سوره انبیاء می فرماید:

ص: ۱۳۵

۱- محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله)، ج ۱، ص ۲۵۹؛ حسن بن سلیمان حلّی، مختصر البصائر، ص ۱۹۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۷۷.

۲- نعمان بن محمد ابن حیون، شرح الأخبار فی فضائل الائمة الاطهار (علیهم السلام)، ص ۵۶۱؛ حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، ص ۳۶۴.

۳- سوره نمل، آیه ۱۵



{فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا}؛ (۱)

پس آن [داوری] را به سلیمان فهماندیم و به هر کدام حکم و علم دادیم.

خداوند به داود و سلیمان علم و دانشی بخشید که بر اساس آن، بدون نیازمندی به شاهد، به قضاوت می پرداختند. احادیثی نیز درباره قضاوت حضرت داود از معصومین (علیهم السلام) رسیده است که مفاد آن روایات این است که حضرت داود (علیه السلام) بر اساس علم خود داوری می کرد. در روایتی آمده است که فردی دادخواستی را علیه دیگری به محضر حضرت داود (علیه السلام) تقدیم می کند و مدعی می شود که جوانی بدون اجازه وارد باغ او شده و درخت انگورش را تخریب کرده است. جوان نیز این شکایت را می پذیرد و در حقیقت اعتراف می کند، ولی حضرت داود (علیه السلام) بر اساس علم خود، به نفع جوان حکم می کند؛ باغ را به او تحویل می دهد و به وی امر می کند تا پیرمرد را گردن بزند، زیرا او قاتل پدر آن جوان است و باغ نیز متعلق به پدر جوان بوده است. (۲)

در روایتی دیگر، نزاع درباره مالکیت گاوی است که حضرت در این مورد نیز قطع نظر از شهود، بر مبنای علم خود داوری می کند. (۳)

این روایات بیان می کند که دادرسی در حکومت حضرت داود، بدون شهود، بلکه بر اساس علم قاضی و دادرس بوده است و بنابراین، قضاوت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم بدون نیاز به شاهد و بینة و بر مبنای علم خودشان است.

### ۲-۲-۵-۳. روایات دسته ی دوم

روایات دیگری وجود دارد که بیان می کند سنت و روش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همان سنت و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در واقع سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را احیا می کند و امر قضاوت نیز مستثنی نیست.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) در این مورد می فرماید:

«المهدی یقفو أثری، لایخطئ»؛ (۴)

ص: ۱۳۶

۱- سورة انبیاء، آیه ۷۹

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۷، ص ۴۲۱.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب

الإسلاميه، ١٤٠٧ ق)، ج ٧، ص ٤٢١.

٤- الشيخ على الكوراني، معجم أحاديث الإمام المهدي، ج ١، ص ٢٢٤.

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روش مرا دنبال می کند و هرگز از روش من بیرون نمی رود.

و در حدیث دیگر می فرماید:

«إِنَّهُ مَتَّبِعٌ لَا مَبْتَدِعٌ وَإِنَّهُ مَعْصُومٌ فِي حَكْمِهِ»؛ (۱)

او تابع سنت من است و هرگز بدعت گذار نیست. او در داوری های خود از لغزش و اشتباه مصون است.

در سیره قضایی رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بینه و قسم، مبنای قضاوت و دادرسی ایشان گزارش شده است و بر حسب روایاتی که از ائمه معصومین (علیهم السلام) رسیده است، قضاوت های پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبتنی بر حسب ظاهر، شهود، و قسم بوده است. امام حسن عسگری (علیه السلام) از امام علی (علیه السلام) چنین روایت می کنند که فرمود:

«رسول الله (صلی الله علیه و آله) همیشه بر اساس بینه و قسم بین مردم به داوری می پرداختند. در نتیجه، مطالبات و دعاوی حقوقی زیاد شد. آن حضرت فرمودند: من بشر هستم و شما دعاوی حقوقی زیادی رامطرح می کنید. شاید برخی از شما قدرت استدلال بیشتری نسبت به دیگران داشته باشید و من بر اساس شنیدار خود از شما قضاوت می کنم. اگر من چیزی را به نفع کسی قضاوت نمودم که در واقع حق ندارد، نباید پی گیرد، زیرا در حقیقت، من قطعه ای از آتش را برای او بریده و داده ام.» (۲)

بر اساس این حدیث، مبنای قضاوت پیامبر، شهود و قسم بوده است و ایشان بر اساس مستندات پرونده و قدرت استدلال و دفاع دو طرف قضاوت می کنند؛ اگر یکی از دو طرف، به ناحق و با استفاده از قدرت استدلال و آگاهی از موازین حقوقی و قضایی نتیجه دعوی را به نفع خود ختم کند، بر اساس فرموده پیامبر، در حقیقت به قطعه ای از آتش دست یافته است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در داوری، ادله اثبات را در نظر می گرفت و از آن جا که الگوی قضاوت محسوب می شد، از علم غیب استفاده نمی کرد.

### ۳-۲-۵-۳. جمع بین روایات

ص: ۱۳۷

۱- السید محمدسعید الموسوی، الإمام الثانی عشر، (تصحیح: علی الحسینی المیلانی)، [بی نا]، (کربلا: مطبعة القضاء، ۱۳۹۳ ق)، ص ۴۵.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۷، ص ۴۱۴.

حال، این سوال ایجاد می شود که بالأخره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مانند حضرت داود حکم می کنند یا براساس سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)؟ حالت های مختلفی برای این مطلب قابل تصور است:

۱- قضاوت بر اساس بیّنه و یمین، همیشه نمی تواند مطابق با واقع و حقیقت باشد و چه بسا با شاهد دروغین و قسم کذب و بیّنه ساختگی بتوان حکمی را تغییر داد. اما واضح است که حکومت عدل مطلقاً امکان تحقق ندارد، مگر پس از آن که هر رویداد و حادثه ای به طور حقیقی معلوم گردد و هر پدیده و حرکتی به روشنی مشاهده گردد. لذا هرگونه ضعف در تشخیص، یا جهل در مشاهده واقعتاً منجر به خطا در داوری رویدادها می شود، و هر قدر که این ضعف و عدم تشخیص زیاد شود، این داوری های نادرست نیز افزون می گردد، تا آن جا که عدالت در آن حکومت به طور کلی به فراموشی سپرده می شود. بنابراین، اجرای کامل عدالت بستگی به آن دارد که بتوان در همه زمین ها به «واقعت» دست یافت. (۱)

بنابراین، زمانی که امام دریاورد قوانین قضایی و شهود و بیّنه و قسم، حکم واقعی را کشف می کند، آن قوانین را به کار می گیرد و وقتی که بداند آن قوانین قاضی را به حکم واقعی رهنمون نمی کند، مستقیماً حکم واقعی را مانند حضرت داوود (علیه السلام) اعلام می کند و بنابراین، می توان دریافت که:

امام عصر (علیه السلام) بین قضاوت داود و قضاوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جمع می نماید و از آن رو که می دانیم شیوه قضایی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) (صدور حکم باینه و سوگند)، در بیشتر موارد مطابق با واقع است و کمتر پیش می آید که مخالف با آن باشد، درمی یابیم که امام (علیه السلام) در بیشتر موارد از شیوه قضایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بهره می گیرد، تا روش قضایی داود نبی (علیه السلام)، ولی به هر روی، آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکم واقعی را بیان خواهد فرمود. (۲)

بر این اساس، هر دو دسته از روایات قابل جمعند و روایت زیر نیز مؤید همین مطلب است:

« و حکم بین الناس بحکم داود و حکم محمد (صلی الله علیه و آله) ... »؛ (۳)

ص: ۱۳۸

۱- سیدمحمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۴۹۴.

۲- سیدمحمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۴۹۴.

۳- محمدبن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ فضل بن حسن طبرسی، تاج الموالید، ص ۱۱۶

و بین مردم حکم می کند با حکم داود و حکم محمد (صلی الله علیه و آله) .

۲- در دولت مهدوی، به موازات پیشرفت علم، ابزار و وسایل اطلاعاتی و از جمله ابزار کشف جرم، آن چنان توسعه می یابند که هیچ مجرمی نمی ماند، مگر این که ردپایی از خود به جای می گذارد. ابوبصیر گوید که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّه إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورَ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مَنْخَفُضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَّضَ لَهُ كُلَّ مَرْتَفَعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرْهَا؟»؛ (۱)

هنگامی که کارها به صاحب این امر (مهدی) منتهی شود، خداوند هر نقطه فرورفته ای از زمین را برای او مرتفع ساخته، هر نقطه مرتفعی را پایین می آورد، آن چنان که تمام دنیا نزد او مانند کف دستش خواهد بود. کدام یک از شما اگر در کف دستش مویی باشد آن را نمی بیند؟!

امام حسین (علیه السلام) فرمود:

«ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ لِيَهَبُ شِيعَتَنَا كِرَامَةً لَا يَخْفَى عَلَيْهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانَ فِيهَا حَتَّى أَنْ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يَرِيْدُ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَيُخْبِرُهُمْ بِعِلْمِ مَا يَعْمَلُونَ»؛ (۲)

سپس خداوند به شیعیان ما کرامتی عطا می کند که بر آن ها چیزی در زمین و هرچه در آن است مخفی نمی ماند، تا آن جا که اگر مردی از آن ها بخواهد از [جریان های درون] خانواده خود خبردار شود، از کرده های آنان مطلع می شود.

این روایات به نظام پیچیده و پیشرفته اطلاعاتی در حکومت مهدوی اشاره دارد که بر اساس آن، هیچ مجرمی در امنیت نبوده، به راحتی کشف می شود. با چنین امکاناتی، نیاز به شاهد و بیینه و قسم، ضروری به نظر نمی رسد. بنابراین، بر اساس این تحلیل نیز روایات قابل جمعند؛ یعنی آن جا که جرم به راحتی و با استفاده از امکانات پیشرفته کشف می شود، نیاز به شاهد و بیینه نیست، و آن جا که جرم توسط وسایل به طور کامل کشف نمی شود، شاهد و بیینه دخالت داده می شود.

ص: ۱۳۹

۱- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۴.

۲- حسن بن سلیمان حلی، مختصر البصائر، ص ۱۷۰؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

۳- آزمایش و امتحان امت، دلیلی کلی برای پیروی امام (علیه السلام) از روش های قضایی پیامبران گذشته است. گمان می رود امام مهدی (علیه السلام) وقتی در دعوایی به روش داود نبی (علیه السلام) داوری می کنند، هرگز از او و روش قضایی اش سخنی به میان نمی آورند و نیز نخواهند گفت که به مدد علم خویش حکم کرده است و همین موجب اعتراض هایی می شود که محک مناسبی برای آزمون امت است. گفتنی است طبق روایات، امام (علیه السلام) در بسیاری از دعواها با بهره گیری از این شیوه داوری خواهند کرد و طبیعتاً، نخستین داوری به این شیوه می تواند محکی برای امتحان باشد. اما وقتی این روش در داوری دعاوی تکرار شد و راز آن برملا گشت، فایده های عمیق دیگری غیر از آزمایش و امتحان بر این قضاوت مترتب خواهد شد. (۱)

۴- با وجود موارد بالا، برخی از روایات بر وجهه غیبی قضاوت های حضرت، تأکید دارد؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ، لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ، يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيُحْكِمُ بَعْلَمَهُ، وَ يَخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ، وَيَعْرِفُ وَاثِيَهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ. قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا لَبَسِيلٌ مَّقِيمٌ﴾ (۲)؛ (۳)

زمانی که قائم آل محمد (علیه السلام) قیام کند، در میان مردم با حکم داود قضاوت می نماید و نیازی به شاهد نخواهد داشت؛ خداوند به او الهام می نماید، پس او بر طبق الهام الهی حکم می کند و به تمامی گروه ها به آن چه مخفی کرده اند (از دل می گذرانند)، خبر می دهد. دوست خود را از دشمن خود با [نگاه و] نشان بشناسد. خدای سبحان فرموده است: «همانا در این [سرگذشت عبرت انگیز] نشانه هایی است برای هوشیاران و این (ویرانه های سرزمین آن ها) بر سر راه همیشگی [کاروان ها] است».

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

ص: ۱۴۰

۱- سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۴۹۳.

۲- سوره حجر، آیه ۷۵

۳- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

«إذ أقام القائم عليه السلام لم يقم بين يديه أحد من خلق الرحمن إلا عرفه صالح هو أم طالح لأنَّ فيه آيات للمتوسِّمين و هي بسبيلٍ مقيم»؛ (۱)

هرگاه قائم قیام کند، احدی از خلق خدا در پیش او نایستد، مگر این که بشناسد او را که صالح است یا طالح، چرا که در شأن اوست: {إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا لِسَبِيلٍ مُّقِيمٍ} .

یکی از نویسندگان در خصوص قضاوت بدون نیاز به بینه معتقد است:

«طبیعی است که هنگامی که حاکم به چیزی یقین پیدا کند، بر طبق آن حکم صادر می کند و جای انتقادی باقی نمی ماند، زیرا اگر از او پرسند که چرا چنین حکمی صادر کردی، در پاسخ می گوید: گواهان گواهی دادند، قرائن صدق موجود بود، و شاهد دیگری بر خلاف نبود. بر من یقین آمد و من طبق یقین خود داوری کردم، و همگی او را معذور می دانند. اگر قاضی بگوید که من با چشم خود دیدم و داوری کردم، دیگر کسی اعتراض نمی کند، چون فرق بسیار است بین دیدن و شنیدن، که از قدیم گفته اند: فاصله حق و باطل چهار انگشت است؛ یعنی به مقدار فاصله چشم و گوش؛ اگر با چشم خود دیدی پذیر، اگر با گوش خود شنیدی توقّف کن تا دلیل قطعی بر نفی یا اثبات آن پیدا کنی. در مورد «دیدن» دیگر فرق نمی کند که با دو چشم مادی باشد (نظیر ما) یا با بصیرت باطن باشد مانند امام، که خداوند حقایق جهان را در معرض دید باطنی امام (علیه السلام) قرار می دهد، که هیچ یقینی بالاتر از آن نخواهد بود و حتی خطای باصره نیز آن جا راه ندارد»؛ (۲)

### ۳-۵-۳. نوآوری در قضاوت

در منابع روایی، احادیثی آمده است که بیان می کند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور، احکام جدیدی می آورند و از آن ها تعبیر به «قضاء جدید» شده است. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«لو قد خرج قائم آل محمّد... (علیه السلام) يقوم بأمر جدید و سنه جدیدة و قضاء جدید...»؛ (۳)

قائم آل محمد (علیه السلام) که ظهور نماید... امری جدید، سنتی جدید و قضاوتی جدید برپا خواهد نمود.

ص: ۱۴۱

۱- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵.

۲- کامل سلیمان، يوم الخلاص، (ترجمه: علی اکبر مهدی پور)، چاپ سوم، (تهران: نشر آفاق، ۱۳۷۶)، ص ۶۴۵.

۳- محمدبن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۵.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«دمان فی الإسلام حلال من الله عزّ و جلّ، لایقضی فیهما أحد بحکم الله عزّ و جلّ حتّی یبعث الله القائم من أهل البیت فیحکم فیهما بحکم الله عزّ و جلّ لایرید علی ذلك بینة: الزّانی المحصن یرجمه، و مانع الزّکاة یضرب رقبتة»؛ (۱)

دو خون در اسلام از طرف خدای تبارک و تعالی حلال شده، که در خصوص آن‌ها [پیش از قیام قائم اهل بیت (علیه السلام) کسی به حکم خدا قضاوت نمی‌کند. هنگامی که قائم اهل بیت را برانگیزد حکم خدا را اجرا می‌کند و آن را [با علم امامت] بدون این که شاهد مطالبه کند انجام دهد؛ زانی محصن (کسی که با داشتن همسر مرتکب فحشاء شده) را سنگسار می‌کند و گردن مانع زکات را می‌زند.

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید:

«لوقد قام القائم لحکم بثلاث لم یحکم بها أحد قبله: یقتل الشّیخ الزّانی، و یقتل مانع الزّکاة، و یورث الأخ أخاه فی الأظلة»؛ (۲)

هنگامی که قائم ما (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، به سه چیز داوری کند که احدی پیش از او داوری نکرده است:-  
پیرمرد زانی را می‌کشد، مانع الزکات را می‌کشد، برادر عالم ذر (عالم ارواح) را ارث می‌دهد.

با تأمل در روایات به نکات زیر، دست می‌یابیم؛

۱- بر اساس قانون مجازات اسلامی، حدّ زانی محصن رجم (سنگسار) است (۳)، اما لازمه اجرای این حکم، اثبات آن با اقرار یا شهادت، با شرایط خاص خودش است. اما در روایت، رجم زانی محصن بدون بیینه آمده است که به نظر می‌رسد نوآوری حضرت در همین رابطه است.

ص: ۱۴۲

۱- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲.

۲- محمدبن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۱۶۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۳- حد زناى مرد محصن، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او درحالی که عاقل بوده، جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می‌تواند با او جماع کند، رجم است. (شیرزاد گرجی نژاد، قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات طلایه، چاپ اول، ۱۳۷۵ش)، ماده ۸۳، ص ۲۹).



۲- حد زانی پیر، اگر محصن باشد جلد و رجم (۱) و اگر دارای شرایط احصان نباشد، صد تازیانه (۲) است.

۳- در مورد ارث بردن برادران عالم ذر، روایت بیان می کند که: اگر کسی بمیرد، ارث او به کسی تعلق می گیرد که با او در عالم ذر برادر بوده است، خواه برادر صلبی او باشد یا نه. پس اگر برادر صلبی او باشد، ولی در عالم ذر برادر او نبوده، به او تعلق نمی گیرد و در واقع، ارث برای کسی است که در آن جا با او برادر بوده است.

اما این مورد با قوانین ارث که برگرفته از نص صریح قرآن (۳) است در تضاد بوده، طبق فرموده خود ائمه (علیهم السلام) چنان چه خبری از آن ها با قرآن مغایرت داشت، باید به کناری نهاده شود. البته بیشتر اخباری که در مورد نوآوری های حضرت در امر قضاوت رسیده است، خبر واحد است و چنان چه مغایرت آن ها با قرآن و اصول اساسی اسلام ثابت شود، قرآن و اصول اساسی اسلام و سنت بر آن ها ترجیح داده می شود.

۴- کشتن مانع الزکات هم که کاملاً حکم جدیدی است.

به طور کلی، در عصر غیبت که عصر دور افتادگی از سرچشمه زلال تشریح در صدر اسلام است، ممکن است احکام اسلام دچار نقص ها یا کاستی هایی شود که امام پس از ظهور، به اصلاح یا تکمیل آن ها خواهند پرداخت و یا بر اساس مقتضیات زمانی عصر ظهور، احکام جدیدی برای مردم بیان می کنند. مجموع این تغییرات در احکام، ممکن است قابل توجه باشد و از این رو، بسیاری به غلط پنداشته اند که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردم را به دین جدیدی دعوت می کنند، در حالی که در حقیقت، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سنت محمدی را احیا می کنند.

اصلاحات حضرت مهدی (علیه السلام) در زمینه احکام به قرار زیر است:

۱. برخی از احکام الهی، هرچند از سوی خداوند پایه ریزی شده است، ولی شرایط اعلام و اجرای آن، در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراهم می شود و اوست که آن احکام را اعلام و اجرا می

ص: ۱۴۳

۱- بر پیرمرد یا پیرزن زانی که دارای شرایط احصان باشند، قبل از رجم، حد جلد جاری می شود. (شیرزاد گرجی نژاد، قانون مجازات اسلامی، (تهران: انتشارات طلایه، چاپ اول، ۱۳۷۵ش)، ماده ۸۴، ص ۳۰).

۲- حد زنا، برای زن یا مردی که دارای شرایط احصان نباشد، صد تازیانه است (شیرزاد گرجی نژاد، قانون مجازات اسلامی، (تهران: انتشارات طلایه، چاپ اول، ۱۳۷۵ش)، ماده ۸۸، صفحه ۳۰).

۳- سوره نساء، آیه ۱۲.

کند. بدیهی است بیان این احکام تا زمان آشنایی جامعه بشری با موضوعات آن به تأخیر افتاده است.

۲. از آن جایی که فقها در استنباط حکم شرعی، از یک سلسله قواعد و اصول بهره می جویند، گاهی حکمی را استنباط کرده اند که با واقع مطابقت ندارد؛ در این موارد، هرچند نتیجه آن استنباط برای مجتهد و مقلدینش حجت شرعی است، ولی در حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آن حضرت احکام واقعی را بیان می فرماید.

۳. دسته ای دیگر از احکام، با گذشت زمان به وسیله زورمندان و تحریف گران، دچار دگرگونی ها و تحریفاتی شده است و حضرت قائم پس از ظهور آن ها را تصحیح و تعدیل می کند.

۴. برخی از احکام شرعی، در شرایطی خاص و اضطراری و به خاطر تقیه، به صورت غیر واقعی اعلام شده است که در روزگار آن حضرت با برداشته شدن تقیه، حکم واقعی بیان می گردد. (۱)

۵. دسته ای دیگر از احکام، در طول زمان، در پی بی توجهی و قدرناشناسی مسلمین نسبت به منابع اصیل اسلامی، و یا در نتیجه حوادث هولناکی از قبیل یورش مغول و جنگ های صلیبی از بین رفته است و حضرت قائم آن ها را آشکار می سازد.

۶. احکامی که به رغم ثبوت آن در اسلام، در جامعه مسلمانان پیاده نشده است؛ در این باره تفاوتی نمی کند که آن احکام فردی باشد و یا اجتماعی و حکومتی، و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور، اقدام به پیاده ساختن آن احکام خواهند کرد. (۲)

با این اصلاحات، همه کاستی هایی که مسلمانان در طول دوره غیبت، در حوزه احکام اسلامی از آن در رنج بودند، برطرف می شود.

#### ۴-۵-۳. قضاوت زنان

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که:

«و تؤتون الحکمة فی زمانه حتی أن المراة لتقضى فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله (صلی الله علیه و آله)»؛ (۳)

ص: ۱۴۴

۱- مجتبی تونه ای، موعود نامه، ص ۷۸.

۲- سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۳۸۵.

۳- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۳۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

و در زمان او به شما حکمت (علم) داده می شود، به طوری که زن ها در خانه هایشان، با کتاب خدا و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، قضاوت می نمایند.

آن چه مشهور فقهای امامیه از گذشته دور تا کنون بر آن اعتقاد داشته اند، این است که «زن نمی تواند متصدی امر قضاوت شود، گرچه دارای شرایط قضاوت باشد». اما گویا پس از ظهور، شرایط به گونه ای دیگر رقم می خورد. با تأمل در روایت، دو برداشت متفاوت از آن ممکن می شود:

(۱) قضاوت زن در خانه: این تعبیر، کنایه از بالارفتن سطح علمی در جامعه است، تا حدی که زنان در خانه هم می توانند از کتاب و سنت برداشت علمی داشته باشند و آن را الگوی عمل خود قرار دهند.

(۲) کرسی قضاوت برای زنان در جامعه؛ یعنی در دولت مهدوی، زنان بر کرسی قضاوت قرار می گیرند و این یکی دیگر از توسعه های قضایی عصر ظهور است.

توضیح این که: قضاوت و داوری، انشاء حکم است و در عصر ظهور، این صلاحیت انشاء حکم به زنان نیز داده خواهد شد، تا بر اساس دانش و آگاهی که از کتاب خدا و سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) دارند، قضاوت کنند.

در ایام قبل از ظهور، اگر زنان دارای شرایط قضاوت هم باشند، بنا به دلایلی نمی توانند متصدی امر قضاوت شوند، زیرا نیروی عاطفه در زنان بیشتر است و نیروی عقلانی کمتری دارند و در قضاوت ممکن است عقلانیت، اسیر عواطف و احساسات شده، او نتواند تصمیم درستی بگیرد. بنابراین، اسلام زنان را از این مسؤولیت سنگین معاف دانسته است؛ همان گونه که از جهاد مسلحانه، معاف کرده است. (۱)

ولی در عصر ظهور که از یک طرف، عقلانیت به اوج می رسد و از طرف دیگر، قانون شکنی کم بوده، مردم نوعاً تسلیم حکم و دادرسی می شوند، قضاوت به سختی عصر غیبت نیست و زنان می توانند از عهده این امر بر آیند.

ص: ۱۴۵

در حدیثی از امام محمد باقر (علیه السلام) آمده است:

«یحکم بین أهل التوراة بالتوراة و بین أهل الإنجیل بالإنجیل، و بین أهل الزبور بالزبور و بین أهل القرآن بالقرآن»؛ (۱)

او در میان اهل تورات با تورات، در میان اهل انجیل با انجیل، در میان اهل زبور با زبور، و در میان اهل قرآن با قرآن داوری می کند.

این همان شیوه داوری امیر مؤمنان (علیه السلام) است که خود می فرماید:

«لو ثبت لی وسادۀ لحکمت بین أهل القرآن بالقرآن حتّی یزهر إلی الله، و لحکمت بین أهل التوراة بالتوراة حتّی یزهر إلی الله، و لحکمت بین أهل الإنجیل بالإنجیل حتّی یزهر إلی الله، و لحکمت بین أهل الزبور بالزبور حتّی یزهر إلی الله»؛ (۲)

گر برای من مسند قضاوت فراهم شود، در میان اهل قرآن با قرآن داوری می کنم، تا با نور قرآن به سوی خدا راه یابند، و در میان اهل تورات با تورات داوری می کنم، تا با نور تورات به سوی خدا راه یابند، و در میان اهل انجیل با انجیل داوری می کنم، تا با نور انجیل به سوی خدا راه یابند، و در میان اهل زبور با زبور داوری می کنم، تا با نور زبور به سوی خدا راه یابند.

حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با پیروان همه ادیان، با کتاب های آسمانی خودشان بحث و مجامعه می کنند، تا هم اتمام حجت باشد و رفع عذر، و هم یادآوری نویدهای موجود در آن کتاب ها، که از آمدن مصلح جهانی خبر داده اند، و این امر قطعاً گرایش آنان به سوی حق و حقیقت را مضاعف خواهد ساخت.

### ۶-۳. اقتصاد عصر ظهور

#### اشاره

در آستانه ظهور منجی، جهان از نظر وضعیت اقتصادی، شرایط نابه سامانی را تجربه می کند؛ نابرابری های کلان و جهانی ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت، نظام اقتصادی معیوب، و تکاثر

ص: ۱۴۶

۱- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، ص ۲۳۷.

۲- محمد بن علی کراجکی، الرسالة العلویة فی فضل أمیرالمومنین علیه السلام علی سائر البریة، (تصحیح: عبدالعزیز کریمی)، چاپ اول، (قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ ق)، ص ۱۰؛ محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیه و آله)، ج ۱، ص ۱۳۲.

و افزون طلبی عده ای، منجر به گسترش فقر و تبعیض و فسادهای اقتصادی می شود. اما با ظهور منجی، اوضاع به یک باره دیگرگون شده، انقلاب اقتصادی عظیمی ایجاد می شود.

### ۱-۶-۳. اصلاح انحرافات اقتصادی

اولین و محوری ترین هدف منجی از قیام، برپایی عدالت است و برای برپایی عدالت اقتصادی، باید ثروت ها به صورتی برابر و عادلانه تقسیم شود و امکانات درآمدزا در اختیار همگان قرار گیرد. برای توزیع نوین ثروت ها، ابتدا باید اموال حرام ضبط شوند. بر این اساس، در عصر موعود، فراخوان مالی گسترده ای صورت خواهد گرفت که لازم است همگان در آن حساب مال خویش را پس دهند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

{وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ}؛ (۱)

و آنان را که طلا و نقره می اندوزند و در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذاب دردناکی بشارت ده.

حضرت امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمود:

«موسّع علی شیعتنا أن ینفقوا ممّا فی أیدیهم بالمعروف، فإذا قام قائمنا حرم علی کلّ ذی کتزّ کتزّه حتّٰی یأتیه به فیستعین به علی عدّوه، و هو قول الله: {والذین یکتزون الذّهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم}» (۲).

بر شیعیانمان این توسعه داده شده است که از آن چه در اختیار دارند به نیکی انفاق کنند. پس هرگاه قائم ما به پا خیزد، انباشتن ثروت را بر هر گنجینه داری تحریم خواهد کرد، تا این که آن را بیاورد و حضرتش به وسیله آن، علیه دشمن خویش یاری جوید و این است [معنی] فرموده خداوند که: «آنان را که طلا و نقره می اندوزند و در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذاب دردناکی بشارت ده».

اما در پاسخ به این سؤال که «کتز» چیست؟ دو نظر وجود دارد:

۱- مالی که زکاتش پرداخته نشده باشد؛

۲- هرچه بیشتر از مصارف سالانه باشد.

ص: ۱۴۷

۱- سوره توبه، آیه ۳۵.

۲- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۸۷؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، (تصحیح؛ علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، چاپ چهارم، (تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق)، ج ۴، ص ۶۱.

به طور کلی در شرایط عادی، مالی که زکات آن داده شده، کنز محسوب نمی شود، ولی در شرایط اضطراری، مال متراکم می تواند کنز باشد، هر چند زکاتش پرداخته شده باشد» (۱).

بنابراین، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اموالی که زکات آن ها داده نشده، یا اموال متراکم مازاد بر نیاز را جمع آوری کرده، از همین جا راه بر حرام خواری و جمع آوری حرام بسته می شود.

هم چنین، روایت شده که ایشان با «مانع الزکاة» نیز برخورد می کنند و او را از سر راه برمی دارند. امام رضا (علیه السلام) می فرماید:

«لَوْ قَد قَامَ الْقَائِمُ لِحَكْمِ بَثَلَاتٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدًا قَبْلَهُ: يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ، وَ يَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ، وَ يُوَرِّثُ الْأَخَ فِي الْأُظْلَةِ»؛ (۲)

هنگامی که قائم ما (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، به سه چیز داوری می کند که احدی پیش از او نکرده است: پیرمرد زانی را می کشد، مانع الزکات را می کشد، برادر را از برادر اظله ارث می دهد.

امام علاوه بر ضبط اموال حرام، دست سوداگران فرصت طلب را نیز کوتاه، و با باندبازی، قاچاق، کم فروشی، ربا و رشوه مبارزه خواهند کرد.

امام صادق (علیه السلام) نیز در این باب می فرماید:

«أَتَاكَ اللَّهُ لِأُمَّةٍ مُحَمَّدٌ بَرَجِلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، يَشِيرُ بِالتَّقَى وَيَعْمَلُ بِالْهَدَى، وَ لَا يَأْخُذُ فِي حَكْمِهِ الرُّشَا»؛ (۳)

خداوند با مردی از ما اهل بیت بر امت محمد (صلی الله علیه و آله) منت می نهد، که تقوی را پیشه خود می سازد، از روی بصیرت و هدایت گام برمی دارد، و در دستگاه او رشوه راه نمی یابد.

علاوه بر این، هر سازوکاری که اساس آن کم فروشی، دستمزد کم درازای کار زیاد، نابرابری در پرداخت و نابرابری در تسهیم و تقسیم ثروت و امکانات و از این قبیل باشد، از میان خواهد رفت، و هر عنصری که بر سر راه توزیع درست ثروت های اجتماعی و گردش ثروت در

ص: ۱۴۸

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۹۵.

۲- محمدبن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۱۶۹؛ محمدبن حسن حر عاملی، إثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۱۱۳.

۳- علی بن موسی ابن طاووس، اقبال الأعمال، چاپ دوم، (تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۹ ق)، ج ۲، ص ۶۰۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹.

جامعه - که زکات سمبل اخص آن است - اشکال تراشی کند، از گردونه اقتصادی جامعه حذف، و از سر راه برداشته می شود.

اما برای توزیع عادلانه ثروت، گام اساسی، تشکیل حکومت واحد جهانی است، تا با تشکیل حکومت واحد، مرزبندی ها حذف شود و همه انسان های روی زمین، تحت لوای یک حاکمیت دینی واحد، به دور از هرگونه تبعیض نژادی و اختلاف طبقاتی، از ثروت های جهان بهره مساوی برند. امام صادق (علیه السلام) در باب تقسیم مساوی ثروت توسط حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، می فرماید:

«یقسم المال صحاحاً... و یملأ قلوب أمة محمد غنی، و یسعهم عدله»؛ (۱)

مال را علی السویه تقسیم می کند و دل های امت محمدی (صلی الله علیه و آله) را با بی نیازی پر می کند و عدالتش همه آن ها را فرا می گیرد.

البته منظور از تقسیم عادلانه ثروت به شکل تقسیم مساوی، یا بدین معناست که در برابر کار بیشتر و تلاش و لیاقت فزون تر، سرمایه بیشتری پرداخته می شود، و یا اشاره به اموال بیت المال و اموال عمومی، به طور کلی است که همگان در حکومت اسلامی در مقابل آن برابرند (چنان که در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) چنین بوده است، به عکس آن چه در دوران بسیاری از خلفا همانند عثمان وجود داشته که انواع تبعیض ها را روا می داشتند)، و یا اشاره به این است که در شرایط مساوی، امتیازات، پاداش ها و اجرت های مساوی به افراد داده می شود؛ به عکس آن چه در دنیای کنونی دیده می شود که به طور مثال، ممکن است یک کارگر در نقطه ای از جهان در مقابل کاری دستمزدی بگیرد، اما به کارگر دیگر با همان شرایط و کیفیت کار، شاید حتی یک دهم او هم تعلق نگیرد، و این نهایت ظلم است که مزد افراد در شرایط برابر، کاملاً متفاوت باشد. (۲)

## ۲-۶-۳. گشوده شدن برکات آسمانی و زمینی

ص: ۱۴۹

۱- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف فی الفتن، ص ۳۲۳.

۲- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ص ۲۷۰

هم زمان با اقدامات اصلاحی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر ظهور، و به دنبال بالارفتن سطح دین داری و اخلاق در جامعه و نهادینه شدن ایمان و تقوا در بین مردم، پروردگار وعده اش را عملی می سازد و از زمین و آسمان برکت نازل می شود؛

{ولو أنّ أهل القرى آمنوا و اتّقوا لفتحنا عليهم برکات...}؛ (۱)

و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند، برکات آسمان و زمین را بر آن ها می گشودیم.

و بنابراین در عصر ظهور:

«فتستبشر الأرض بالعدل، و تعطى السماء قطرها، و الشجر ثمرها، و الأرض نباتها و تتزین لأهلها»؛ (۲)

جهان با پیاده شدن عدالت خرم شود، آسمان باران هایش را فرو ریزد، درختان میوه های خود را آشکار سازند، زمین گیاهان خود را بیرون فرستد و برای ساکنان خود آرایش کند.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) درباره نزول برکات زمین و آسمان در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید:

«و تخرج الأرض نباتها و تنزل السماء برکتها، و تظهر له الكنوز، یملک ما بین الخافقین فطوبی لمن أدرك أيامه و سمع کلامه»؛ (۳)

[در دولت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] زمین نباتات خود را خارج می کند، آسمان برکاتش را فرو می فرستد، گنج های نهفته در دل زمین برای او آشکار می شود و بین مشرق و مغرب را مالک می گردد. خوشا به حال کسی که روزگار او را درک کند و دستوراتش را بشنود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در همین رابطه می فرماید:

«فحينئذٍ تظهر الأرض له كنوزها، و تبدئ برکاتها، فلا يجد الرجل منكم يومئذ موضعاً لصدقته و لا لبرّه، لشمول الغنى جميع المؤمنین»؛ (۴)

ص: ۱۵۰

۱- سورة اعراف، آیه ۶.

۲- حسن بن سلیمان حلّی، مختصر البصائر، ص ۴۷۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۸۵.

۳- احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۲۹۱؛ محمد بن حسن حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۱۴۵؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۱.



٤- محمد بن محمد مفيد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ٢، ص ٣٨٤؛ فضل بن حسن طبرسي، إعلام الوري بأعلام الهدى، ص ٤٦٢.

در آن هنگام، زمین گنجینه های خود را آشکار می سازد و برکت هایش را بیرون می فرستد؛ دیگر کسی از شمادر آن روز برای صدقه و بخشش خود محلی پیدا نمی کند، زیرا بی نیازی همه مؤمنان را زیر پر می گیرد.

### ۳-۶-۳. ایجاد توازن اقتصادی و ریشه کن شدن فقر

فراوانی بارش در عصر ظهور، منجر به رشد کشاورزی و دامپروری می شود. رشد کشاورزی و دامپروری از یک طرف، و استخراج گنج های زمین از معادن از طرف دیگر، سبب رونق تجارت و بازرگانی می شود و ثروت های در اختیار حکومت مرتب افزایش می یابد. امام با توزیع این ثروت ها در جامعه توازن اقتصادی برقرار می کند.

در روایات آمده که ایشان همه وام ها و قرض های مردم را پرداخت کند و در ماه، دوبار حقوق می پردازد و کلان کلان به مردم می بخشد و این بخشش ها تا جایی ادامه می یابد که فقر ریشه کن می شود و هیچ مستحق زکاتی در جامعه یافت نمی شود.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«لا یتروک عبداً مسلماً الاً اشتراه و أعتقه، و لا غارماً إلاً قضی دینه»؛ (۱)

در روی زمین برده مسلمان نمی گذارد، جز این که می خرد و آزاد می سازد، و بدهکاری نمی ماند، جز آن که بدهی اش را پرداخت می نماید.

امام باقر (علیه السلام) در مورد پرداخت دوبار حقوق در ماه توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید:

«فیعطیکم فی السنه عطاءین، و یرزقکم فی الشهر رزقین» . (۲)

او هر سال دوبار به شما بخشش می کند و هر ماه دوبار به شما روزی می دهد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد بخشش های امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید:

«یحثو المال حثواً، و لا یعدّه عدداً»؛ (۳)

ص: ۱۵۱

---

۱- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۴؛ علی یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۹۷.

۲- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبه (للنعمانی)، ص ۲۳۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

٣- محمد محسن فيض كاشاني؛ نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين، ص ١٦٠.

ثروت را کلان کلان می بخشد و آن را نمی شمارد.

و در حدیث دیگری می فرماید:

«تَنَعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ تَنَعَمْ مِثْلَهُ قَطُّ... وَالْمَالُ كَدُوسٌ، يَأْتِيهِ الرَّجُلُ فَيَسْأَلُهُ فَيُحِثِي لَهُ»؛ (۱)

در زمان او، مردم آن چنان در رفاه و آسایش به سر می برند که هرگز نظیر آن دیده نشده... مال به قدری فراوان می شود که هر کس نزد او بیاید و درخواست کند، اموال فراوانی زیرپایش می ریزد.

آن گاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بی نیازی همگانی را در عصر حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین توصیف می کند:

«يَأْمُرُ مُنَادِيًا يَنَادِي فَيَقُولُ مَنْ كَانَ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ! فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ، فَيَقُولُ: أَنَا. فَيَقُولُ الْقَائِمُ: ائْتَالِ سِدَانٍ - يَعْنِي الْخَازِنَ - فَقَالَ لَهُ: إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تَعْطِيَنِي مَالًا. فَيَقُولُ لَهُ: أَحْثُ، حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَ أْبْرَزَهُ نَدَمَ فَيَقُولُ: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةً مُحَمَّدٌ نَفْسًا! أَعْجَزَ عَمَّا وَسَعَهُمْ؟! فَيُرَدُّهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ، فَيَقَالُ لَهُ إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ»؛ (۲)

به منادی دستور می دهد که در میان مردم اعلام کند که هر کس نیازی به مال دنیا دارد برخیزد. از میان همه مردم فقط یک نفر برمی خیزد و می گوید: من! حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به او می فرماید: برو پیش خزانه دار و بگو مهدی به تو دستور می دهد که مالی به من بدهی. خزانه دار می گوید: فراوان بگیر. هنگامی که آن را بر دوش گیرد، پشیمان می شود که چرا در میان امت محمدی (صلی الله علیه و آله) من از همه آزمندتر باشم؟ چرا آن عفت نفس عمومی را من دارا نباشم؟! آن گاه مال را به خزانه دار پس می دهد، اما پذیرفته نمی شود و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید: ما آن چه را عطا کردیم، هرگز بازپس نمی گیریم.

با ریشه کن شدن فقر، دغدغه های مالی همگان مرتفع می شود و انسان هایی که قبل از ظهور عبارت «نسیه نمی دهیم حتی به شما!» جزء فرهنگ اقتصادی شان شده بود، در عصر

ص: ۱۵۲

۱- محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ص ۴۸۵؛ علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۴۹.

۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۴۸۳؛ محمد بن حسین حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۲۷۰.

ظهور از جیب یک دیگر پول برمی دارند، بدون این که کسی مانعشان شود؛ چنان که در حدیثی از قول امام باقر (علیه السلام) آمده است:

«يأتي الرجل إلى كيس أخيه فيأخذ حاجته لا يمنعه». (۱)

علاوه بر معنای ظاهری روایت، شاید دست در جیب دیگری کردن برای تأمین نیاز مالی، استعاره و تمثیلی است برای این که ثروت هر فردی در خدمت دیگر اعضای جامعه است؛ یعنی در حکومت موعود، جمع کردن و انباشتن ثروت دیگر ارزش به شمار نمی آید؛ دیگر میزان درآمد و حدود رفاه، ملاک ارزش و کمال نیست، بلکه ملاک خدمت به مردم است و این همان مرحله اخلاقی است که وقتی روح انسان پرورده شد، مالکیت برایش بال پرواز می شود. (۲)

در چنین جامعه ای، به جای این که انسان ها در خدمت مال و ثروت و زراندوزی باشند، ثروت ها و امکانات مالی در خدمت تعالی و رشد روزافزون آن ها قرار می گیرد و فقط وسیله ای می شود برای این که آن ها راحت تر و بهتر پلکان ترقی را طی کنند.

### ۷-۳. امنیت در عصر ظهور

#### اشاره

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جهان با ناامنی شدیدی دست به گریبان است، یکی از بنیادی ترین کارهای آن حضرت، بازگرداندن امنیت به جامعه است. در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، با فراهم آمدن مقدمات، امنیت در مدت کوتاهی به جامعه برمی گردد و مردم در محیطی امن و سالم به زندگی خود ادامه می دهند؛ امنیتی که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است.

در قرآن کریم، سوره نوره، آیه ۵۵ خداوند متعال می فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَيْسَ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي وَلَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ .

ص: ۱۵۳

۱- محمد بن محمد مفید، الإختصاص، ص ۲۴؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ص ۱۲۱.

۲- علی حاج محمدی، «نظام توزیع ثروت در حکومت موعود»، مجموعه آثار چهارمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۴ (۱۳۸۷ ش)، ج ۴، ص ۱۰۵.

این آیه، بعد از بیان وعده های الهی مبنی بر حتمیت پیروزی نهایی و حاکمیت مؤمنان صالح در جهان، مهم ترین نمود این پیروزی و دگرگونی در حکومت صالحان را برقراری امنیت فراگیر و همه جانبه ذکر می کند: «وَلْيَدْلْتَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا». آن گاه هدف از ایجاد امنیت فراگیر را در فراهم سازی فضای مناسب برای عبودیت و بندگی برمی شمرد و این امنیت را زمینه ساز شکل گیری جامعه توحیدی معرفی می کند: «يَعْبُدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛ یعنی امنیتی که در پرتو آن مردم به عبودیت و بندگی خدا می پردازند تا از این رهگذر به کمال واقعی خود دست یابند و از هرگونه انحراف و شرکی که مایه تنزل و سقوط انسان است، اجتناب ورزند.

در چنان جامعه ای، فضا برای اطاعت و بندگی خداوند به گونه ای فراهم است که هیچ عذر و بهانه ای برای کسی نمی ماند. لذا در ادامه آیه می فرماید: «وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ». امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه می فرماید:

«نزلت في القائم و أصحابه»؛ (۱)

این آیه درباره قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران او نازل شده است.

امام زین العابدین (علیه السلام) نیز می فرماید:

«هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل الله ذلك بهم على يدي رجل منا و هو مهدي هذه الأمة»؛ (۲)

آن ها به خدا قسم، شیعیان ما هستند که خداوند به وسیله مردی از خاندان ما این موضوع را تحقق می بخشد، و او مهدی این امت است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل این آیه بیان می کند:

«این آیه جز با اجتماعی که به وسیله ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زودی منعقد می شود، قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست»؛ (۳)

هم چنین، در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است:

«حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مصداق کامل این آیه است»؛ (۴)

ص: ۱۵۴

۱- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۴۰؛ سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۹.

۲- علی استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العتره الطاهرة، ص ۳۶۵.

۳- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۷.

۴- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۰.

در دولت مهدوی، توحید بر همه چیز و همه کس سایه می افکند و زمین و زمان به امنیت می رسد و بارور می شود. هدف نهایی حکومت، در چنین فضای امن و سرشار از عدالتی، تشکیل جامعه توحیدی به معنای واقعی کلمه است که تاکنون نظیر نداشته است و همه مردم در فضای عطر آگین آن، به رشد و شکوفایی و بلوغ آرمانی خود دست می یابند.<sup>(۱)</sup>

### ۱-۷-۳. چگونگی ایجاد امنیت

امنیت گسترده عصر ظهور چگونه به دست می آید؟ در پاسخ به این پرسش، لازم است نخست به عوامل امنیت زدا توجه شود و در پی آن، به چگونگی تحقق امنیت در عصر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نگریسته شود. عوامل امنیت زدا را می توان در چند مورد خلاصه کرد:

۱- فقر و محرومیت: فقر و نیاز گاهی باعث می شود افراد دست به اقدامات مخل امنیت- همانند دزدی و قتل- بزنند و عرصه را هم بر خود و هم بر دیگران تنگ نمایند، تا شاید از لحاظ اقتصادی به حالت مطلوب و مناسبی دست یازند.

۲- سستی و یا نبود ایمان به خداوند: ایمان به خداوند به عنوان یک عامل بازدارنده، انسان را از ارتکاب آن چه موجب ناامنی می شود منع می کند و نبود آن می تواند زمینه ارتکاب آن اعمال را فراهم آورد.

۳- ضعیف بودن حاکمیت، و ناتوانی آن از تعقیب مجرمان: این هم از دیگر عوامل بروز ناهنجاری های اجتماعی و به دنبال آن، تشدید زمینه های ناامنی است. اگر حاکمیتی از اقتدار و توان مندی لازم برخوردار نباشد، در این میان، تبه کاران عرصه دار میدان شده، باعث هرج و مرج و ناامنی در اجتماع می شوند.<sup>(۲)</sup>

در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این عوامل و زمینه ها از بین می رود و امنیت بر جامعه حکم فرما می شود و با از بین رفتن فقر و نیازمندی، فراگیر شدن تقوا و خداپرستی در جامعه، و قدرت حاکمیت در مجازات تبه کاران، جایی برای بروز ناامنی در جامعه نمی ماند.

ص: ۱۵۵

---

۱- قنبرعلی صمدی، «امنیت مهدوی، الگوی جامعه امن»، مجموعه آثار چهارمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱ (۱۳۸۷ ش)، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲- مهدی اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۱۸۹.

**اشاره**

یکی از مشخصه های اصلی استقرار امنیت در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فراگیر بودن آن است؛ این که امنیتی پایدار تمام جهان را فرا گیرد. ویژگی دیگر، همه جانبه بودن آن است؛ یعنی امنیتی فراگیر و پایدار، در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی- نظامی، قضایی-حقوقی و فرهنگی-علمی بر جهان حاکم می شود.

**۱-۲-۷-۳. امنیت اقتصادی**

وجود منابع و ثروت های خدادادی از یک طرف، و توزیع عادلانه ثروت از طرف دیگر، دو مؤلفه تعیین کننده امنیت اقتصادی است. با تحقق این دو مؤلفه، علاوه بر ریشه کن شدن مفسد اقتصادی مثل رانت، ربا و رشوه، در عصر طلایی ظهور همگان از نظر اقتصادی به امنیت می رسند.

**۲-۲-۷-۳. امنیت سیاسی - نظامی**

با نابودی ظالمان، ستمگران و مستکبران لجوج و معاند، تجارت اسلحه و مسابقه تسلیحاتی آنان هم نابود می شود و خطر تخریب های ناشی از سلاح های هسته ای و شیمیایی، و ناامنی های هسته ای منتفی خواهد شد.

**۳-۲-۷-۳. امنیت اجتماعی**

با خاتمه یافتن نژادپرستی و قومیت گرایی، احیاء کرامت انسانی بر اساس ایمان، تقوا و عمل صالح، و از بین رفتن دزدی، غارت، تجاوز و هرگونه ظلم و ستم، امنیت اجتماعی برقرار خواهد گشت.

**۴-۲-۷-۳. امنیت فرهنگی و معنوی**

با تجدید حیات اسلام، در جامعه مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حاکمیت ارزش ها و اخلاق گرایی محقق خواهد شد.

**۵-۲-۷-۳. امنیت علمی**

با کامل شدن عقول و گسترش علوم از دو حرف به ۲۷ حرف و راهنمایی های ولی خدا که مجهز به علم الهی است، علم به



قطعیت و ثبات می رسد و با خاتمه یافتن شکاکیت و نسبیّت، آرامش فکری بر جوامع علمی احاطه می یابد.

ص: ۱۵۶

قوانین به بهترین نحو اعمال می شود و دست هر صاحب نفوذ منفعت طلبی کوتاه خواهد شد. امنیت کامل قضایی برقرار می شود، به گونه ای که دیگر کسی از این که ممکن است حشش پایمال شود، کوچک ترین بیمی نخواهد داشت.

بنابراین، با برقراری امنیت در همه ابعاد، بشر شاهد بهترین دوران عمر خود خواهد بود. روایات زیادی در منابع حدیثی وجود دارد که همگی مؤید این مطلب است:

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«إِذَا قَامَ حَكَمٌ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ، وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أُخْرِجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَ رَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ»؛ (۱)

چون قیام کند، به عدالت داوری می کند و در زمان او ستم ریشه کن می شود و راه ها امن می گردد و زمین برکت های خود را ظاهر می کند و هر حقی به صاحب حق باز می گردد.

امیرمؤمنان (علیه السلام) در همین زمینه می فرماید:

«وَاصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ وَ الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى نَبَاتٍ، وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا، لَا يُهَيِّجُهَا سِعٌ وَ لَا تَخَافُهُ»؛ (۲)

و درندگان و چهارپایان سازش کنند، چنان که زن از عراق تا شام پیاده برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد، درحالی که زینت بر سر دارد، و از درندگان خوف و هراسی نداشته باشد.

امام صادق (علیه السلام) نیز در این زمینه می فرماید:

«وَ حَتَّى تَخْرُجَ الْعَجُوزُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تَرِيدُ الْمَغْرِبَ لَا يَهْجُمُهَا أَحَدٌ»؛ (۳)

ص: ۱۵۷

- 
- ۱- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۲.
  - ۲- حسین بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۱۵؛ علی بن عبدالکریم بهاء الدین نیلی نجفی، منتخب الأنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجّة علیه السلام، ص ۲۰۳.
  - ۳- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵؛ علی بن عبدالکریم بهاء الدین، سرور أهل ایمان فی علامات ظهور صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ص ۱۰۶.

پیرزن ناتوانی از مشرق به قصد مغرب بیرون می رود و از کسی آسیبی به او نمی رسد.

و در حدیثی دیگر آمده است:

«يُطْفِئُ اللَّهُ بِهِ الْفِتْنَةَ الْعَمِيَاءَ، وَ تَأْمَنُ الْأَرْضُ، حَتَّى إِنَّ الْمَرَأَةَ لَتَحْجُجُ فِي خَمْسِ نِسْوَةٍ وَمَا مَعَهُنَّ رَجُلٌ، لَا تَتَّقِي شَيْئًا إِلَّا اللَّهَ»؛ (۱)

خداوند به وسیله او فتنه های جانکاه را آرام و ساکن سازد، و زمین امن گردد، تا جایی که یک زن در میان پنج زن، بدون این که مردی آن ها را همراهی کند به حج خانه خدا رود و جز خدا از کسی باکی نداشته باشد.

اما این امنیتچنان فراگیر است که نه تنها انسان ها و جوامع انسانی را دربر می گیرد، بلکه گویی دامنه آن به حیوانات هم می رسد. امیرمؤمنان (علیه السلام) در این مورد می فرماید:

«و يَرَعَى الشَّاهُ مَوَ الذَّبُّ بِمَكَانٍ وَاحِدٍ، وَ يَلْعَبُ الصَّبِيَانُ بِالْحَيَاتِ وَ الْعِقَارِبُ وَ لَا يَضُرُّهُمْ شَيْءٌ، وَ يَذْهَبُ الشَّرُّ وَ يَبْقَى الْخَيْرُ»؛ (۲)

گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی کنند، کودکان خردسال با مارها و عقرب ها بازی کنند و آسیبی به آن ها نرسد. شر از جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی بماند.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید:

«تَصْطَلِحُ فِي مَلِكَةِ السَّبَاعِ، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضَ نَبْتَهَا وَ...»؛ (۳)

در دولت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، درندگان سازش می کنند و زمین نباتات خود را خارج می کند و ....

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«... وَ تَنْزِعُ حَمَةً كُلَّ دَائِيَةٍ حَتَّى يَدْخُلَ الْوَلِيدُ يَدَهُ فِي فَمِ الْحَنْشِ فَلَا يَضُرُّهُ، وَ تَلْقَى الْوَلِيدَةَ الْأَسَدُ فَلَا يَضُرُّهَا، وَ يَكُونُ فِي الْإِبِلِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا، وَ الذَّبُّ فِي الْغَنَمِ كَأَنَّهُ كَلْبُهَا،...»؛ (۴)

ص: ۱۵۸

۱- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۴۵.

۲- علی یزدی حایری، إلیزام الناصب فی إثبات الحجّة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (تصحیح: علی عاشور)، چاپ اول، (بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق)، ج ۲، ص ۲۴۷.

۳- احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۲۹۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۱.

۴- علی بن موسی ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۷۳.

گزند هر جنبنده ای گرفته می شود؛ به طوری که طفل کوچک دست خود را در دهان افعی می برد و به او ضرر نمی رساند و بچه خردسال با شیر روبرو می شود و به او آسیبی نمی رساند و شیر در میان شتران است، چنان که گویی سگ آن هاست و گرگ در میان گوسفندان است، گویی سگ آن هاست.

اولین سوالی که با تأمل در این روایات به ذهن می رسد، این است که آیا واقعاً درندگان و حیوانات وحشی رام می شوند؟ آیا حیوانات مودی قدرت آسیب رسانی خود را از دست می دهند؟ و به عبارتی، آیا طبیعت درندگی حیوانات از آن ها سلب می شود؟ یا این که این تعابیر و الفاظ، کنایه ها و مثل هایی هستند برای نشان دادن شدت امنیت در آن روزگاران؟ در پاسخ به این سوال عده ای از نویسندگان و پژوهشگران به تصریح یا تلویح، به رام شدن حیوانات و تغییر ماهیت آن ها در عصر ظهور معتقدند. به عنوان نمونه، یکی از نویسندگان در کتابش عنوان کرده است که:

«لازمه عدل جهانی که در عصر درخشان حکومت الهی حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جهان گسترده می شود، امنیت جهان و در امان بودن جهانیان از هرگونه شر و طغیان و ستمگری است. امنیت جهان در آن روزگار فرخنده- که در روایات بسیار بر آن تأکید شده است- در صورتی امکان پذیر است که خوی درندگی درندگان از آن ها گرفته شود و حیوانات مودی به گونه ای دیگر زندگی نموده، در آن ها تحولی اساسی و دگرگون کننده ایجاد شود، و گرنه با این همه درندگی که در حیوانات غیراهلی- در سراسر گیتی از اعماق دریاها گرفته تا فراز کوه های بلند- وجود دارد، چگونه انسان ها و هم چنین حیوانات ضعیف از شر آنان در امان خواهند بود؟! ... رام شدن حیوانات وحشی و در امان بودن از درندگان، از نعمت هایی است که در عصر رهایی واقع می شود. این دگرگونی و تحول در حیوانات، بر اثر ظهور قدرت ولایت حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تصرف آن بزرگوار در موجودات آن زمان است ... زیرا همان گونه که می دانیم مقصود از مسأله ظهور، تنها ظهور شخص آن بزرگوار از نظر مادی و جسمانی نیست، بلکه مقصود ظهور آن حضرت با به کار گرفتن قدرت ولایت و تصرف در عالم می باشد. به همین دلیل، با ظهور آن بزرگوار تصرفات آن حضرت در عالم تکوین ظاهر می شود و بر اثر آن، همه مردمان شاهد تحولات

عجیب در سراسر جهان خواهند شد... بر اساس روایات، در دستگاه گوارش حیوانات درنده تحولاتی ایجاد می شود که از گوشت خواری روی گردان می شوند و گیاه خوار می گردند. با این بیان، روشن می شود که خوی درندگی و خونریزی از درندگان گرفته می شود و آن ها با خوردن گیاهان احتیاجات غذایی خود را برطرف می سازند» (۱).

بنابراین، این نویسنده قائل به تصرف امام در عالم تکوین، و تغییر ماهیت موجودات از جمله درندگان بوده، معتقد است درندگان گیاه خوار شده، بنابراین، حیوانات دیگر را شکار نمی کنند.

مهم ترین اشکالی که در این رابطه به نظر می رسد، این است که گوشت خوارانی که تغییر ماهیت داده و گیاه خوار شده اند، به علامه گیاه خواران قبلی دیگر، جمعیت فوق العاده زیادی از حیوانات با منبع غذایی مشترک - یعنی گیاه - را به وجود می آورند. از طرفی، چون گوشت خواران تغییر ماهیت داده و گیاه خوار شده اند، حیوانات دیگر را شکار نمی کنند و بنابراین، جمعیت آن ها بی رویه رشد می کند؛ این دو از عواملی است که به شدت مخل چرخه طبیعت است و این امر با نظام حاکم بر طبیعت هم خوانی ندارد و اساساً چنین چیزی نشدنی است، مگر این که، نظام حاکم بر طبیعت به کلی تغییر کند و قوانین جدیدی در عالم طبیعت ایجاد شود که در حال حاضر کاملاً با آن ها بیگانه ایم (والله اعلم).

اما عده ای دیگر از نویسندگان، ظاهر این روایات را تأویل کرده، آن ها را کنایه از «شدت امنیت و صلح» می دانند. نویسنده کتاب یوم الخلاص معتقد است:

«سازش درندگان و تعبیراتی نظیر آن، از سطح عالی امنیت جهانی و صلح و صفای حاکم بر جهان در عصر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکایت می کند» (۲).

آیت الله مکارم شیرازی نیز در این باره بیان داشته است که:

«مسلماً گرگان بیابان تغییر ماهیت نمی دهند، لزومی هم ندارد که چنین شود، و نه میش ها از حالت کنونی در می آیند؛ این، اشاره به برقراری عدالت در جهان، و تغییر روش گرگ

ص: ۱۶۰

---

۱- سیدمرتضی مجتهدی سیستانی، دولت کریمه امام زمان، ص ۴۴-۴۲.

۲- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۶۲۰.

صفتان خون خوار که با سازش با حکومت جبار، قرن ها به خوردن خون قشرهای مستضعف جامعه انسانی ادامه می دادند می باشد. آن ها در پناه نظام جدیدیا به کلی تغییر روحیه می دهند، چرا که گرگ صفتی هرگز جزء سرشت بشر نبوده و نیست و از نهادهای عرضی و قابل تغییر است، و یا حداقل بر سر جای خود می نشینند و به جای خوردن منافع دیگران، در کنار آن ها از مواهب الهی به طور عادلانه بهره می گیرند، همان گونه که «گرگ» در کنار «میش» و بر سر «چشمه»! در غیر این دو صورت، مشمول تصفیه شده، وجودشان از میان برداشته خواهد شد»<sup>(۱)</sup>.

### ۸-۳. بهداشت در عصر ظهور

در دوران حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، علم پیشرفت چشم گیری می کند که علم پزشکی یا بهداشت و درمان از جمله آن است. پیشرفت علم پزشکی، منجر به کشف بیماری ها و علل ناشناخته آن ها و در نتیجه، مقابله با آن ها و ریشه کن شدنشان خواهد شد.

از طرف دیگر، رشد اقتصادی و توسعه کشاورزی و دامپروری، امکان تغذیه مطلوب را فراهم آورده، رفاه و امنیت اجتماعی، و آسایش روانی را سبب می شود و این گونه، جامعه از نظر بهداشت جسمی و روانی به سطح ایده آلی می رسد.

ائمه بزرگوار ما، در توصیف آن دوران بشارت هایی داده اند؛ از جمله، حضرت امام باقر (علیه السلام) فرموده اند:

«من أدرك قائم أهل بيتي من ذی عاهة برئ، و من ذی ضعف قوی»؛<sup>(۲)</sup>

هرکس قائم اهل بیت مرا درک کند و مریض باشد سالم می شود، و کسی که دارای ضعف و ناتوانی است، قوی می گردد.

امام سجاد (علیه السلام) نیز در این مورد فرموده اند:

«إذا قام القائم، أذهب الله عن كل مؤمن العاهة، و ردّ اليه قوّته»؛<sup>(۳)</sup>

ص: ۱۶۱

۱- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، صص ۲۷۸-۲۷۷.

۲- سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۳۹؛ حسن بن سلیمان حلی، مختصر البصائر، ص ۳۱۹؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

۳- محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغيبة (للنعمانی)، ص ۳۱۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، خداوند از هر مؤمنی بیماری را می برد و توانایی وی را به او باز می گرداند.

با تأمل در این احادیث، دو نکته روشن می شود:

۱- مسأله بهبود بیماری ها مطلق است و اختصاص به بیماری های جسمی ندارد، و لذا در عصر ظهور، علاوه بر بیماری های جسمی، بیماری های روحی- روانی نیز بهبود می یابد.

۲- در آن دوران، نه تنها بهبودی حاصل می شود، بلکه قوت و توانایی جایگزین ضعف و ناتوانی خواهد شد (و من ذی ضعف قوی).

این بهبودی تا آن جا پیش می رود که هیچ انسان مبتلایی باقی نماند و بنابراین، نه تنها از مرگ های زودرس و ناگهانی خبری نیست، بلکه عمرها طولانی خواهد شد.

امام حسین (علیه السلام) می فرماید:

« لا یبقی علی وجه الأرض أعمی و لا مقعد و لا مبتلی الا کشف الله عنه بلاؤه بنا أهل البیت»؛ (۱)

[سرانجام در عصر ظهور] هیچ فرد نابینا، زمین گیر، و مبتلایی باقی نمی ماند، مگر آن که خداوند به وسیله ما اهل بیت بلا را از او برطرف نماید.

### ۹-۳. جمع بندی

با توجه به مطالبی که در این فصل گذشت، می توان اذعان کرد که پس از ظهور منجی، تحولات گسترده و عمیقی در همه مؤلفه های فرهنگی ایجاد می شود که مجموع این تحولات، منجر به یک جهش فرهنگی شده، جهان را در یک موقعیت فرهنگی بسیار مطلوب، بلکه ایده آل قرار می دهد.

در واقع با ظهور منجی:

- دین احیا می شود، مردم به گونه بی سابقه ای به اسلام روی می آورند و به تدریج دین اسلام فراگیر شده، بر سایر ادیان غلبه می کند و در نهایت، تنها دین اسلام بر جهان حاکمیت می یابد. در فراگیری و غلبه اسلام، اجبار و اکراه جایگاهی نداشته، حاکمیت جهانی اسلام حیات اقلیت های دینی را نفی نمی کند.

ص: ۱۶۲

۱- سعید بن هبه الله قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۹؛ حسن بن سلیمان حلی، مختصر البصائر، ص ۱۴۰.

- در حوزه اخلاق، با از بین رفتن مفاسد و انحرافات اخلاقی - از طریق اصلاح در بینش ها و گرایش های جامعه و همین طور اجرای حدود و احکام الهی - اخلاق جایگاه شایسته خود را می یابد و با افزایش اخلاق گرایی در جامعه، روابط انسان ها بر مبنای اخلاق شکل گرفته، فساد، دروغ، خیانت، کینه و دشمنی، از جامعه رخت برمی بندد و جای خود را به پاکی، صداقت، گذشت، صفا و صمیمیت می دهد و ارزش های انسانی و الهی در تمام ساحت های بشری احیا می شود.

- در روزگار پس از ظهور، با رشد دوازه برابری دانش، جهان شاهد یک جهش علمی در تمامی ابعاد خواهد بود و در اوج قدرت و پیشرفت علمی قرار می گیرد.

- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور، دولتی فضیلت گرا و دینی، بر پایه آموزه های اسلام بنا می نهند که برپایی عدالت در رأس اهداف آن قرار دارد. بر اساس تعداد زیادی از آیات و روایات، دولت و حکومت مهدوی گستره ای جهانی داشته، تمام جوامع بشری را در برمی گیرد.

- قضاوت در دولت مهدوی بر اساس یک نظام قضایی صحیح و نیرومند صورت می گیرد که در آن، حقایق و واقعیات مبنای قضاوت قرار می گیرد و اشتباهات قضایی به صفر میل می کند و مجرمین با پیشرفته ترین وسایل ردیابی می شوند.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در رأس نظام قضایی قرار دارند، گاه از روش حضرت داود و حضرت سلیمان (علیهما السلام) در داوری های خود استفاده می کنند، و آن داوری، بدون نیاز به شاهد و بینة، و با علم به واقعیت و حقیقت است.

مسأله قضاوت زنان و همین طور، قضاوت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در میان اهل کتاب با استفاده از کتب آسمانی خودشان، از دیگر مطالبی است که در بخش قضاوت به آن ها پرداخته شد.

از دیگر تحولات عصر ظهور، تحول اقتصادی است. در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از طرفی، با آفات اقتصادی، مثل ربا، رشوه، رانت و عدم پرداخت زکات مبارزه می شود، و



- از سوی دیگر، با اجرای عدالت اقتصادی، ثروت و امکانات درآمدها، به نحو عادلانه بین همگان توزیع می شود.

بر اساس روایات، در عصر ظهور آسمان و زمین برکاتشان را نازل کرده، توسعه کشاورزی، دامپروری و تجارت، سبب تولید روزافزون ثروت می شود. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این ثروت ها را آن چنان به همگان می بخشند که فقر ریشه کن شده، هیچ مستحق زکاتی یافت نمی شود.

- امنیت عصر ظهور، امنیتی است که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است. امنیتی فراگیر، و در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، معنوی، علمی و فرهنگی، قضایی و حقوقی در تمام جهان حکم فرما شده، راه ها امن می شوند، درندگان سازش می کنند و بر جهان، صلح و صفا و آرامش استقرار می یابد.

- در عصر ظهور، جامعه از نظر بهداشت جسمی و روانی به سطحی ایده آل می رسد. بیماری ها از بین می روند و هیچ مبتلایی باقی نمی ماند. توانایی، جایگزین ضعف و ناتوانی شده، عمرها طولانی می شود.

و در نهایت، برآیند این تحولات، جهان را به لحاظ فرهنگی در سطح آرمانی، مطلوب و بی نظیری قرار می دهد که حتی تصورش هم موجب وجد و سرور می شود.

## فصل چهارم: موقعیت جهان پس از پایان زندگی امام از منظر روایات

اشاره

ص: ۱۶۵

در فصل پیشین بیان شد که قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان، منجر به تشکیل حکومت عدل جهانی می شود و به دنبال آن، وضعیت فرهنگی جهان به سطح مطلوب، بلکه ایده آلی می رسد و همه مؤلفه های فرهنگی از جمله دین، اخلاق، علم، حکومت، اقتصاد، قضا، امنیت، بهداشت و ... علاوه بر تحول های چشمگیر، در مسیر تکاملی خود قرار می گیرد که نتیجه آن، تحقق مدینه فاضله و آرمان شهر موعود خواهد بود.

از جمله سئوالاتی که به ذهن متبادر می شود این است که پس از این که جهانیان برکت حضور امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از دست دادند، چه روی خواهد داد؟ آیا حکومت سراسر عدلی که در عصر حضور امام تشکیل شد، پس از ایشان پایدار می ماند؟ آیا بشریت سیر تکاملی خویش را پس از امام و بدون حضور او، ادامه خواهد داد یا با رفتن امام، مدینه فاضله او هم دست خوش دگرگونی و تغییر خواهد شد؟ آیا وضعیت فرهنگی جهان بعد از امام، همان وضعیت مطلوب عصر حضور خواهد بود؟ آیا موقعیت اعلای فرهنگی دوران حکومت حضرت مهدی تا پایان جهان ادامه می یابد و تا برپایی قیامت برقرار می ماند یا نه؛ با فقدان امام، موقعیت فرهنگی جهان متزلزل شده، دچار آسیب می شود و سرانجام در اثر روند قهقرائی، قیامت در زمان بدترین مردم برپا می شود؟

در این فصل، به بررسی وضعیت جهان پس از امام پرداخته می شود.

پس از این که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، با برپایی قسط و عدل، سعادت را برای بشر به ارمغان آورد و جهانیان از عطر عدالت مهدوی سرمست شدند، زندگی این جهانی آن حضرت به پایان می رسد. در این که آیا آن بزرگوار با مرگ طبیعی از این جهان خواهند رفت یا با شهادت، اختلاف وجود دارد.

برخی با استناد به روایت امام صادق (علیه السلام) که می فرماید: «ما منّا الا مسموم أو مقتول»؛ (۱) هیچ یک از ما (اهل بیت) نیست مگر آن که مسموم یا کشته می شود، بیان می دارند که اهل بیت (علیهم السلام) همگی با مقام رفیع شهادت از دنیا می روند، نه با مرگ طبیعی و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز از این امر مستثنی نیست، و برای تقویت قول خود روایت زیر را شاهد می آورند:

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«فإذا تمت سبعون السنة أتى الحجّة الموت فقتلته امرأه من بنی تمیم إسمها سعیدة و لها لحيه كالحية الرجل بهاون صخر من فوق سطح و هو متجاوز في الطريق»؛ (۲)

هنگامی که هفتاد سال گذشت، مرگ حجت خدا فرا می رسد، پس زنی از بنی تمیم به نام سعیده که مانند مردان ریش دارد، سنگ بزرگ هاون را هنگام عبور امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از پشت بام به سوی آن حضرت پرتاب می کند و ایشان را به قتل می رساند.

در ردّ این نظر، شهید صدر روایت اول را به دلیل مرسل بودن شایسته اثبات تاریخی نمی داند (۳)، و در مورد روایت دوم معتقد است: «استفاده از هاون در عصر مهدوی که با تمدن و مدنیته پیشرفته شکل گرفته، غیر محتمل می باشد. شاید کسی مقصود از هاون را ابزاری

ص: ۱۶۷

۱- علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الأثر فی النص علی الائمة الإثنی عشر، ص ۲۲۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

۲- علی یزدی حایری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۹.

۳- نک: سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۵۳۱.

پیشرفته بداند، همان طور که ما شمشیر را بر هر گونه ابزار جنگی اطلاق نموده ایم، ولی سیاق کلی خبر، کشته شدن امام به این وسیله را نفی می کند» (۱).

با این اوصاف، نمی توان شهادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قطعی و یقینی دانست، زیرا:

اولاً: روایت اول که دلالت بر مرگ غیرطبیعی عموم اهل بیت (علیهم السلام) دارد را می توان به مورد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تخصیص زد. علاوه بر این، گفته شد که این روایت مرسل است.

ثانیاً: نقل إلزام الناصب در مورد کشته شدن حضرت توسط زنی به نام سعیده، اساساً شایستگی اثبات تاریخی ندارد، زیرا نه از معصوم، بلکه از شخص ناشناسی (۲) نقل شده و علاوه بر مضامین غریبی که دارد، روایتی مرسل و بدون سند می باشد که گوینده فرضاً معصوم آن شناخته شده نیست.

در هر صورت، زندگی زمینی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پایان می یابد و این که موقعیت فرهنگی جهان پس از ایشان چه خواهد شد، به نوع حاکمیت جهان پس از ایشان، و به عبارتی به تداوم یا عدم تداوم حکومت جهانی آن حضرت بستگی خواهد داشت، زیرا تداوم حکومت مهدوی به معنای تداوم همه ارزش ها، تثبیت حاکمیت دین، استمرار اخلاق محوری در روابط، ادامه گسترش و رشد علم، دوام رفاه اقتصادی و امنیت اجتماعی، و در نتیجه، تداوم و تثبیت موقعیت فرهنگی دوران حاکمیت حضرت بر جهان خواهد بود.

در رابطه با دوران پس از امام و وضعیت جهان پس از ایشان، تصویر چندان واضح و روشنی از روایات به دست نمی آید و لذا دست یابی به موقعیت فرهنگی جهان پس از امام، از طریق بررسی مؤلفه ها و اجزای فرهنگی - آن گونه که در فصل دوم، انجام شد - امر ناممکنی است و تنها با توجه به گزارشات مختلف روایات از وضعیت حاکمیت پس از امام، می توان موقعیت جهان را پیش بینی کرد.

## ۲-۴. حاکمیت جهان پس از امام

اشاره

ص: ۱۶۸

۱- سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۵۳۲

۲- نک، إلزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۸

به طور کلی، برای حاکمیت جهان پس از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سه وضعیت مختلف از روایات قابل استنباط است.

(۱) رجعت یا بازگشت معصومین (علیهم السلام) به دنیا برای به عهده گرفتن رهبری جهان، پس از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛

(۲) به حاکمیت رسیدن اولیای صالح پس از پایان زندگی امام؛

(۳) برپایی قیامت، چهل روز پس از پایان زندگی امام.

### ۱-۲-۴. نظریه اول: رجعت معصومان

#### اشاره

نظریه اول راجع به وضعیت حاکمیت پس از امام، بیانگر رجعت معصومین است.

### ۱-۱-۲-۴. معنای رجعتاً

رجعت در لغت به معنای بازگشتن (۱) و در اصطلاح به معنای بازگشتن به دنیا پس از انتقال به جهان دیگر است. در اصول کافی در تعریف رجعت آمده است:

«رجعت یعنی برگشت جمعی از مؤمنان به دنیا پیش از قیامت در زمان قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یا پیش از آن، یا بعد از آن برای دیدار دولت حقه و شادی از آن، و برای انتقام از دشمنان خود، و هم رجوع جمعی از کافران و منافقان برای انتقام از آنان، و این از عقاید مخصوص به امامیه است که بر آن اتفاق دارند و اخبار آن متواتر است و برخی آیات قرآن هم بر آن دلالت دارد» (۲).

به طور کلی، رجعت در گستره خود، شامل معانی زیر می شود:

۱- بازگشت برخی اموات به دنیا (هرچند غیر از امامان معصوم باشند)؛ به ویژه مؤمنان خالص و ناب، و کافران ستیزه جو و کینه ورز.

۲- بازگشت عده ای از معصومین؛ مانند امیرالمؤمنین (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) و چه بسا خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله). ترتیب این بازگشت، به سان ترتیب قبلی امامت ایشان در دنیا نخواهد بود.

۳- بازگشت همه امامان معصوم (علیهم السلام)، به ترتیب از آخر (۳).

- 
- ۱- فواد افرام بستانی و رضا مهیار، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش)، ص ۴۲۴.
  - ۲- ۲. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، (ترجمه: محمدباقر کمره ای)، چاپ سوم، (قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش)، ج ۲، ص ۸۲۹.
  - ۳- سید محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۵۴۱.

به طور عام، از مهم ترین مصادیق رجعت، بازگشت همه یا تعدادی از معصومین (علیهم السلام) به دنیا، و به دست گرفتن رهبری جهان پس از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

## ۲-۱-۲-۴. رجعت در قرآن کریم

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که از آن ها امکان رجعت، به خوبی برداشت می شود. این آیات از گروه هایی سخن می گویند که پس از مرگ زنده شده و مجدداً به حیات خود ادامه داده اند. آیاتی نیز به صراحت از رجعت سخن می گوید که به مواردی اشاره می کنیم:

۱- خداوند متعال می فرماید:

{ألم تر إلى الذين خرجوا من ديارهم وهم ألوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم أحياهم}؛ (۱)

آیا ندیدید کسانی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزاران تن بودند؟ خداوند فرمود: بمیرید! همه مردند، سپس آنان را زنده کرد.

این آیه اشاره به زنده شدن هفتاد هزار خانوار دارد که بر اثر طاعون از دنیا رفته بودند. (۲)

۲- خداوند می فرماید:

{فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى ويريكم آياته لعلكم تعقلون}؛ (۳)

پس دستور دادیم که پاره ای از اعضای آن گاو را بر بدن کشته بزنید، [تا ببینید که] خداوند این گونه مردگان را زنده خواهد کرد و قدرت کامل خویش را آشکار خواهد ساخت، شاید شما تعقل کنید.

آیه مربوط به کشته بنی اسرائیل است که به قدرت خداوند زنده شد. (۴)

۳- خداوند می فرماید:

{و إذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهراً فأخذتكم الصاعقة و أنتم تنظرون} \* ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون}؛ (۵)

ص: ۱۷۰

۱- سوره بقره، آیه ۲۴۳.

۲- محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، (بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق)، ج ۲، ص ۷۹۷.



٣- سورة بقره، آية ٧٣.

٤- محمد بن جرير طبرى، تفسير جامع البيان فى تفسير القرآن، ج ١، ص ٥٠٩.

٥- سورة بقره، آيات ٥٦ و ٥٥.

و به یاد آرید وقتی را که گفتید: ای موسی! ما به تو ایمان نمی آوریم، مگر این که خدا را آشکارا ببینیم، پس صاعقه سوزان بر شما فرود آمد و آن را به چشم خود مشاهده کردید. سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم، باشد که خدا را شکر گزارید.

این آیات مربوط به قوم حضرت موسی (علیه السلام) است که تقاضای به چشم دیدن خداوند را کردند، و این خواسته سبب نزول عذاب و مرگ آنان شد، ولی خداوند بار دیگر آن ها را زنده کرد. (۱)

۴- خداوند متعال می فرماید:

{أَوَكَلِّدِي مَرْءَ عَلِيٍّ قَرِيْبَةً وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلٰى عُرُوشِهَا قَالَ اَنْتِيْ يٰحَبِيْبِيْ هٰذِهِ اِلٰهُهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَاَمَاتَهُ اِلٰهُهُ مَائَةً عَامًا ثُمَّ بَعَثَهُ } ؛ (۲)

یا به مانند آن کسی که به دهکده ای گذر کرد که خراب و ویران شده بود. گفت: به حیرتم که خداوند چگونه این مردگان را دوباره زنده خواهد کرد؟! پس خداوند او را صد سال میراند و سپس زنده اش کرد.

آیه مربوط به یکی از انبیای الهی است که پس از صدسال دوباره زنده شد. (۳)

۵- خداوند از حضرت عیسی (علیه السلام) حکایت کرده که فرمود:

{وَ اٰحِبِّي الْمَوْتِيْ يٰاِذْنَ اِلٰهُهُ } ؛ (۴)

من مرده را به اذن خدا زنده می کنم.

آیه مربوط به زنده شدن مردگان، به دعای حضرت عیسی (علیه السلام) است. (۵)

۶- خداوند در قرآن کریم می فرماید:

{وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يَكْذِبُ بِاٰيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ } ؛ (۶)

ص: ۱۷۱

---

۱- محمود زمخشری، کشاف عن حقایق غوامض التنزیل، چاپ سوم، (بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۷ ق)، ج ۱، ص ۲۷.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۹.

۳- محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۰.

۴- سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۵- محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۵.

۶- سوره نمل، آیه ۸۳.

روزی که از هر ملتی گروهی را - از آنان که آیات ما را تکذیب می کردند- گرد می آوریم و آن ها را نگه می داریم تا به یک دیگر ملحق شوند.

در این آیه تصریح می شود که گروه هایی از ستمگران برانگیخته می شوند، و نه همه آن ها با هم؛ حال آن که، توصیف قیامت چنین است:

{و یوم نسیر الجبال و تری الأرض بارزۃ و حشرناهم فلم نغادر منهم أحدا\* و عرضوا علی ربیک صفاً لقد جثتمونا کما خلقناکم أول مرة بل زعمتم أن لن نجعل لکم موعداً؛ (۱)}

روزی که کوه ها را به راه می اندازیم و زمین را بینی که هرچه در درون دارد بیرون افکنده است و همه را برای حساب گرد می آوریم و یک تن از ایشان را رها نمی کنیم. همه در یک صف به پروردگار عرضه می شوند. اکنون نزد ما آمدید هم چنان که نخستین بار شما را بیافریدیم. آیا می پنداشتید که هرگز برایتان وعده گاهی قرار نخواهیم داد؟

علامه طبرسی در ذیل آیه {و یوم نحشر من کل أمة فوجاً ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون} می گوید:

«من» در این جا افاده تبعیض می کند و بنابراین، دلالت بر این دارد که در روز مورد اشاره آیه، تنها برخی از مردم محشور می شوند و این با صفت روز قیامت که خداوند در مورد آن می گوید: «آن ها را محشور می کنیم و هیچ کس از آن ها را رها نمی کنیم»، سازگاری ندارد. روایات فراوانی از امامان اهل بیت (علیهم السلام) دلالت بر این دارد که خداوند تعالی به هنگام ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گروهی از دوستان و شیعیان آن حضرت را که پیش از این از دنیا رفته بودند به دنیا بر می گرداند تا به پاداش یاری و کمک به او برسند و با ظهور دولتش شادمان شوند. هم چنین، گروهی از دشمنان او را به دنیا برمی گرداند تا از آن ها انتقام گیرد و به عذابی که مستحق آن هستند (کشته شدن به دست شیعیان و خواری و سرافکنده گی به سبب مشاهده قدرت و شوکت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) برسند. (۲)

۷- خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

ص: ۱۷۲

۱- سوره کهف، آیه ۴۷.

۲- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، (تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش)، ج ۷، ص ۲۳۴.

{قالوا ربنا أمتنا اثنتين و أحييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل إلى خروج من سبيل}؛ (۱)

می گویند: ای پروردگار ما! ما را دوبار میرانیدی و دوبار زنده ساختی و ما به گناهانمان اعتراف کرده ایم. آیا بیرون شدن را راهی هست؟

در این آیه از دو میراندن و دو زنده ساختن سخن رفته است، که هر میراندن حیات سابقی را می رساند؛ همان گونه که دوبار زنده کردن مرگ پیشین را حکایت دارد. به اعتقاد امامیه، میراندن نخست، پس از حیات دنیوی و مرگ دوم، پس از حیات در رجعت است؛ چنان که زنده ساختن نخست، در رجعت و زنده ساختن دوم، در روز واپسین است. (۲)

### ۳-۱-۲-۴. رجعت در روایات

روایات عدیده ای در باب رجعت از معصومین (علیهم السلام) وارد شده است. علامه مجلسی در جلد ۵۳ بحار الأنوار، بیش از دویست حدیث راجع به رجعت آورده است و شیخ حرّ عاملی در کتاب پراج «ایقاظ» پانصد و بیست حدیث پیرامون رجعت نقل کرده است. تعدادی از آن ها به عنوان نمونه در زیر آمده است:

۱- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«ایام الله ثلاثة؛ یوم یقوم القائم و یوم الکره و یوم القيامة»؛ (۳)

ایام الله سه روز است؛ روز قیام قائم، روز رجعت و روز رستاخیز.

۲- حسن بن الجهم گوید که مأمون به امام رضا (علیه السلام) گفت:

«یا أبا الحسن ما تقول فی الرجعة فقال (علیه السلام): إنها الحق قد كانت فی الأمم السالفة و نطق بها القرآن و قد قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): یكون فی هذه الأمة کلّ ما كان فی الأمم السالفة حذو النعل بالنعل و القذة بالقذة...»؛ (۴)

ص: ۱۷۳

۱- سوره مؤمن، آیه ۱۱.

۲- محمد هادی معرفت، «رجعت»، موعود، ۴۶ (۱۳۸۲)، ص ۲۵.

۳- محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیره المتعظین، ج ۲، ص ۳۹۲؛ حسن بن سلیمان حلّی، مختصر البصائر، ص ۸۹؛ محمد محسن فیض کاشانی، نوادر الأخبار، ص ۲۸۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

۴- محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۰۱.

ای ابالحسن درباره رجعت چه می گویی؟ فرمود: همانا آن حق است؛ در امت های گذشته هم بوده و بر صحت آن قرآن گویا است. به تحقیق، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است که در این امت هرچه در امت های سابق بوده، خواهد بود، نعل به نعل و مو به مو.

۳- امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«أول من تنشق الأرض عنه و يرجع إلى الدنيا الحسين بن علي (عليه السلام) و إن الرجعة ليست بعامة بل هي خاصة لا يرجع إلا من محض الإيمان محضاً أو محض الشرك محضاً»؛ (۱)

اولین کسی که زمین برایش شکافته می شود و به دنیا باز می گردد، حسین بن علی (علیه السلام) است و رجعت همگانی نیست، بلکه خاص است؛ رجوع نمی کند مگر کسی که مؤمن محض یا مشرک محض باشد.

۴- ابو بصیر گوید که امام باقر (علیه السلام) به من فرمود:

«ينكر أهل العراق الرجعة؟ قلت: نعم. قال: أما يقرؤون القرآن (و يوم نحشر من كل أمة فوجاً)»؛ (۲)

اهل عراق رجعت را انكار می کنند؟ گفتم: بلی. فرمود: آیا قرآن نمی خوانند «و روزی که از هر امتی دسته ای را محشور می کنیم؟»

(یعنی در قیامت همه زنده می شوند، حال آن که آیه مورد نظر از حشر دسته ای از هر امت خبر می دهد).

۵- معلی بن خنیس و زید الشحام گویند: شنیدیم امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«إن أول من يكر في الرجعة الحسين بن علي (عليه السلام) و يمكث في الأرض أربعين سنة حتى يسقط حاجباه على عينيه»؛ (۳)

همانا نخستین کسی که در رجعت برمی گردد، حسین بن علی (علیه السلام) است و چهل سال در زمین می ماند تا ابروهایش به چشمانش بریزد.

ص: ۱۷۴

۱- حسن بن سلیمان حلّی، مختصر البصائر، ص ۱۰۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۲- حسن بن سلیمان حلّی، مختصر البصائر، ص ۱۱۰؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۴، ص ۲۳۱.

۳- حسن بن سلیمان حلّی، مختصر البصائر، ص ۹۱؛ محمدمحسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۲۶۷.

موضوع رجعت، علاوه بر روایات، در بسیاری از ادعیه و زیارات مأثوره هم آمده است. به عنوان مثال در زیارت «جامعه کبیره» که از معتبرترین زیارات موجود می باشد، آمده است:

«و جعلنی مّمن ... یحشر فی زمرتکم و یگر فی رجعتکم و یملک فی دولتکم و یشرف فی عافیتکم و یمکن فی ایامکم و تقرّ عینه غداً برویتکم»؛ (۱)

[خداوند] مرا از کسانی قرار دهد که ... در گروه شما محشور می شود و با شما رجعت می کند و در دولت شما به سامان می رسد و در سلامت و عافیت شما مشرف می گردد و فردا چشمانش به دیدن شما روشن می شود.

یا در زیارت امام حسین (علیه السلام) می خوانیم:

«فقلبی لکم مسلّم ... انّی من المؤمنین برجعتکم»؛ (۲)

قلب من تسلیم فرمان شماست ... من به رجعت شما باور دارم.

و در زیارت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می خوانیم:

«انّی لَمِنَ القائلین بفضلكم، مقرّ برجعتکم»؛ (۳)

من به مقام والای شما معتقدم، به رجعت شما باور دارم.

#### ۴-۱-۲-۴. دیدگاه ها درباره رجعت

دیدگاه ها در باب رجعت متفاوت است؛ در حالی که اکثر علما با متواتر دانستن روایات رجعت، آن را از ضروریات تشیع می دانند، عده دیگری اعتقاد به رجعت را لازمه مذهب شیعه ندانسته، انکار آن را بلا مانع تلقی می کنند. در ذیل نظرات هر دو دسته آورده می شود:

علامه مجلسی: علامه مجلسی پس از این که دیدگاه اندیشمندان و علمای شیعه را درباره مسأله رجعت توضیح می دهد، می نویسد:

«ای برادر! گمان نمی کنم که بعد از نقل آن همه آیات و روایاتی که درباره اثبات رجعت برای تو نقل کردم، هنوز در عقیده به رجعت شک داشته باشی. باید بدانی که رجعت

ص: ۱۷۵

- ۲- جعفر بن محمد ابن قولويه، كامل الزيارات، (تصحیح: عبدالحسين امينی)، چاپ اول، (نجف اشرف: دار المرتضويه: ۱۳۵۶ ش) ص ۲۱۸.
- ۳- محمد بن حسن طوسی، المصباح المتهدد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۲۸۹.

مسأله ای است که شیعیان در تمام اعصار بالاتفاق معتقد به آن بوده اند و میان آن ها همچون آفتاب نیم روز مشهور و معلوم بوده است؛ چنان که آن را به شعر در آورده، در تمام شهرهای خود، در مقام مناظره با مخالفین بدان استناد می جستند... .

کسی که ایمان به ائمه اطهار (علیهم السلام) دارد، چگونه در مطلبی که قریب دو بیست روایت به طور متواتر از چهل و چند نفر از محدثین بزرگ و موثق و علمای اعلام در بیش از پنجاه کتاب آن ها نقل شده است، تردید می کند؟

اگر چنین مطلبی متواتر نباشد، در چه چیز می توان دعوی تواتر کرد؟» (۱)

علامه طباطبایی: علامه در مورد روایات رجعت قائل به تواتر معنوی است:

«روایات اهل بیت (علیهم السلام) در رابطه با رجعت، به تواتر معنوی به ما رسیده است.» (۲)

شیخ مفید: نظر شیخ مفید درباره رجعت این گونه است:

«ایمان به رجعت، اختصاص به آل محمد (صلی الله علیه و آله) دارد؛ به این معنی که خداوند مردمی از امت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را بعد از مردن و پیش از روز قیامت زنده می گرداند، و این عقیده خاندان پیغمبر و از معتقدات شیعیان آن هاست و قرآن مجید هم بر آن گواه است.» (۳)

سید مرتضی علم الهدی: سید مرتضی هم درباره حقیقت رجعت چنین می گوید:

«[رجعت] امری ممتنع و محال نیست، هر چند گروهی از مخالفان آن را غیر ممکن دانسته اند. وقتی رجعت را مسأله ممکن بدانیم، با اجماع شیعه امامیه و اتفاق نظر علمای ایشان بر این موضوع، آن را ثابت می کنیم... اثبات رجعت، تنها متکی به روایاتی که جنبه اخبار آحاد دارد نیست، بلکه به پشتوانه اجماع طایفه این موضوع ثابت می شود...» (۴)

شیخ محمدحسین کاشف الغطاء: ایشان درباره رجعت معتقد است:

«اعتقاد به رجعت، لازمه مذهب تشیع نیست و انکار آن زیانی ندارد؛ هر چند که این مسأله نزد ایشان کاملاً روشن و بدیهی است... ولی ملازمه ای میان تشیع و اعتقاد به رجعت

ص: ۱۷۶

۱- علی دوانی، مهدی موعود، (ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار)، چاپ بیست و هشتم، (تهران: اسلامیه، ۱۳۷۸ ش)، ص ۱۲۲۸.

۲- سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۷.

۳- محمد بن محمد مفید، المسائل السرویه، (تصحیح: کنگره شیخ مفید)، چاپ اول، (قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق)، ص ۳۲.

۴- الشریف المرتضی، رسائل الشریف المرتضی، [بی نا]، (قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق)، ج ۱، ص ۱۲۵.



وجود ندارد... و این همانند برخی از اخبار غیبی (پیش گویی ها) است که وقوع آن ها پیش از قیام قیامت صورت می گیرد و امر مشهوری است، مانند نزول حضرت مسیح، ظهور دجال، شورش سفیانی و دیگر مطالبی که راجع به نشانه های قیامت مطرح شده است. چنین مطالبی ربطی به اساس دین داری ندارد و از اصول دین نمی باشد؛ نه انکار آن موجب خروج از دین و ارتداد است، و نه اعتراف صرف به آن موجب ورود به جمع دین داران و مسلمانان می شود»<sup>(۱)</sup>.

شهید سید محمد صدر: شهید صدر، اعتقادی به تواتر روایات رجعت نداشته، معتقد است:

«اجماع شیعه در موضوع رجعت برای عالمان اسلامی به طور کلی ثابت نشده است، بلکه مورد اختلاف می باشد. کسانی که در میان آن ها اهل احتیاطند می گویند: رجعت نه از اصول دین است و نه از فروع آن و اعتقاد به آن نیز واجب نیست، بلکه باید دانش آن را به خداوند سپرد، ولی عده ای به استناد روایاتی که علامه مجلسی ادعای تواتر آن ها را دارد، معتقد به رجعت شده و آن را به عنوان یک اصل پذیرفته اند؛ در واقع نوعی باور عمومی - و نه اجماع - در نتیجه این روایات پدید آمده است که نباید در حد یک «اصل مسلم» به آن بها داد»<sup>(۲)</sup>.

## ۲-۲-۴. نظریه دوم؛ حکومت و رهبری اولیای صالح (دوازده مهدی)

### اشاره

در دسته ای از روایات این گونه بیان شده است که بعد از قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دوازده مهدی پشت سرهم در دنیا حکومت خواهند کرد و این دوازده مهدی از اولیای صالح الهی اند.

### ۱-۲-۲-۴. روایات

امام صادق (علیه السلام) از پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین (علیه السلام) چنین روایت کرده است:

«قال رسول الله في الليلة التي كانت فيها وفاته لعليّ يا اباالحسن أحضر صحيفة و دواء؛ فأملی رسول الله (صلى الله عليه و آله) وصيته حتى إنتهى إلى هذا الموضع فقال: يا عليّ! إنّه سيكون بعدى إثنا عشر أماماً و من بعدهم اثنا عشر مهدياً فأنت يا عليّ أوّل الإثنا عشر أماماً و ذكر النص (عليه السلام) فقال: فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه «محمّد» المستحفظ من آل محمد فذلك إثنا عشر أماماً ثمّ يكون من بعده اثنا عشر مهدياً فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أوّل المقربين له ثلاثة

ص: ۱۷۷

۱- محمدحسین کاشف الغطاء، أصل الشيعة و أصولها، صص ۹۹-۱۰۱.

۲- سیدمحمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۵۴۵.

آسامی: اسم کاسمی و اسم کاسم اُبی و هو عبدالله و أحمد و الثالث المهدی و هو أوّل المؤمنین»؛ (۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در شب آخر عمرش، به علی (علیه السلام) فرمود: ای ابالحسن! کاغذ و دوات حاضر کن! پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وصیتش را املا کرد تا به این جا رسید که فرمود: یا علی! بعد از من دوازده امامند و بعد از آن ها دوازده مهدی خواهد بود. پس تو ای علی اوّل دوازده امامی ... تا فرمود: و [حسن (عسگری) هم امامت را] هنگام وفاتش به پسرش «محمد» که در آل محمد مقام نگهبانی و محافظت دارد تسلیم می کند؛ این است دوازده امام. سپس بعد از آن ها دوازده «مهدی» می باشد. وقتی که مرگ او فرا رسید (ولایت را) به فرزندش —اول مقربان— واگذار کرد که سه نام دارد: احمد، عبدالله و مهدی.

ابوبصیر گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم:

«یا بن رسول الله سمعت من أییک أنه یقول: یكون بعد القائم اثنا عشر مهدیًا؟ فقال إنما قال اثني عشر مهدیًا و لم یقل اثني عشر إمامًا و لكنهم قوم من شیعتنا یدعون الناس إلی مولاتنا و معرفة حقنا»؛ (۲)

ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از پدرت شنیدم که می فرمود: بعد از قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دوازده مهدی خواهد بود؟ پدرم فرمود: دوازده مهدی و نفرموده دوازده امام، و لکن آن ها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستی و معرفت ما دعوت می کنند.

در دعاهای موجود در مصادر شیعه امامیه، بعد از دعا بر مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای این اولیاء صالحین نیز دعا شده است. در آخر دعایی که برای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خوانده می شود، آمده است:

«وصلّ علی و لیک و ولاء عهد و الائمه من ولده و مدّ فی أعمارهم و زد فی آجالهم و بلّغهم أقصى آمالهم دیناً و دنیا و آخره إنک علی کلّ شیء قدير»؛ (۳)

ص: ۱۷۸

۱- محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۱۵۱.

۲- محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۷.

۳- محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۴۰۹.

و به او - ولی خود، امام زمان- و سایر اولیا و امامانی که از نسل اویند درود بفرست و عمر آن ها را طولانی کن و آن ها را به بالاترین آرزوهای دنیا و آخرتشان برسان که تو بر هر چیز توانایی.

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است:

«إن معنا بعد القائم اثني عشر مهدياً من ولد الحسين (عليه السلام)». (۱)

بعد از حضرت قائم (علیه السلام) دوازده مهدی از فرزندان حسین (علیه السلام) می باشند.

## ۲-۲-۲-۴. دیدگاه ها و نظرات

برخورد علما در برابر این روایات به دو گونه است؛ در حالی که عده ای صراحتاً آن ها را ضعیف دانسته اند، عده ای دیگر تمام تلاش خود را کرده اند تا به هر صورت ممکن آن ها را تأویل و توجیه کنند. در ادامه، نظرات تعدادی از اندیشمندان راجع به روایات اولیای صالح می آید.

علامه مجلسی: علامه مجلسی این روایات را مخالف روایات مشهور - یعنی رجعت - دانسته و کوشیده است تا تعارض بین این اخبار و قول به رجعت را - که حاکمیت اسلامی پس از حضرت مهدی (علیه السلام) را ویژه امامان معصوم (علیهم السلام) می داند برطرف سازد. علامه بیان می کند:

«این اخبار، با آن چه میان ما شیعه مشهور است، مخالفت دارد و راه تأویل آن ها به دو گونه است:

۱- مقصود از دوازده مهدی، پیغمبر و سایر ائمه - غیر قائم - باشد؛ به این معنی که آن ها بعد از قائم به دنیا رجعت نموده و به نوبت سلطنت می نمایند.

۲- این مهدی ها جانشینان قائم باشند که در زمان سایر ائمه که به دنیا رجعت می کنند، مردم را به دین خدا دعوت می نمایند». (۲)

به نظر می رسد به تأویل های علامه، اشکالاتی وارد است.

شهید صدر سخن علامه مجلسی را این چنین نقد کرده است:

ص: ۱۷۹

۱- علی بن عبدالکریم بهاء الدین نیلی، منتخب أنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجّة (علیه السلام)، ص ۲۰۱.

۲- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸.

«وی (علامه) برای توجیه [این] روایات، دست به تأویل زده، درحالی که می دانیم تأویل همواره برخلاف ظاهر است و تنها در هنگام ضرورت می توان به آن دست زد و مجرد امکان و یا احتمال نمی تواند آن را ثابت کند.

به هرروی، علامه مجلسی می کوشد در صورت اول بگوید: اولیای دوازده گانه ای که پس از مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند آمد، همان امامان دوازده گانه اند. بدین ترتیب، تعارض بین روایات اولیا و روایات رجعت برطرف می شود و مراد از امامان دوازده گانه بعد و قبل از مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم اینان خواهد بود. ولی این سخن دو اشکال مهم در پی دارد:

۲- در شماری از روایات، تصریح شده است که اولیای دوازده گانه، همگی از فرزندان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشند؛ در یکی از این اخبار آمده است: «آن گاه پس از او، دوازده مهدی خواهند آمد. وقتی رحلت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرا برسد، خلافت را تحویل فرزندش که اولین از مهدی هاست خواهد سپرد»<sup>(۱)</sup> و در دعا آمده است «و الائمه من ولده (۲)»، در صورتی که امامان معصوم، پدران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشند.

۳- در دومین تأویلی که [علامه] از آن یاد کرده است، وی به طور خلاصه، به وجود هم زمان امامان معصوم و اولیای صالح در جامعه پس از مهدی اعتراف کرده، اما حاکمیت اصلی را از آن معصومان (علیهم السلام) دانسته و آن اولیای صالح را به عنوان کارگزاران معصومین در امر هدایت انسان ها معرفی نموده و بدین ترتیب، سعی کرده است تعارض بین این روایات را برطرف سازد.

روشن ترین اشکال به این مطلب آن است که روایات صراحت دارند اولیاء در بالاترین سطح حاکمیت پس از رحلت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار دارند، مانند این سخن که: «وفات [مهدی] که فرا رسد، خلافت را به فرزندش که نخستین از مهدی هاست تسلیم خواهد کرد»<sup>(۳)</sup> کوتاه آمدن از این سخن صریح نیز تأویلی باطل است<sup>(۴)</sup>.

مرحوم طبرسی در «أعلام الوری» و شیخ مفید در «الإرشاد» بیان می کنند که:

ص: ۱۸۰

۱- محمدبن حسن طوسی، الغیبه، ص ۱۵۱.

۲- محمدبن حسن طوسی، مصباح المتعجد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۴۰۹.

۳- محمدبن حسن طوسی، الغیبه، ص ۱۵۱.

۴- سید محمدصدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۵۵۲.

«روایات دوازده مهدی، با قطعیت و ثبوت وارد نشده اند.»<sup>(۱)</sup>

علی بن یونس عاملی در «صراط المستقیم» می گوید:

«قیام (جانشینی) فرزندان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جای او، در روایت شاذی آمده است.»<sup>(۲)</sup>

شیخ حر عاملی در «الإیقاظ» بیان می کند:

«راجع به حدیث هایی که می فرماید بعد از مهدی دوازده نفر امام دیگرند، روایاتی که در این زمینه وارد شده، دلالت قطعی ندارد. در روایات بسیاری هم وارد شده که ائمه دوازده نفرند و دولتشان تا قیامت ادامه دارد، و دوازدهمین آخر اوصیا و امام ها و جانشینان است، و ائمه تا قیامت از اولاد حسین (علیه السلام) اند و اگر بر ما لازم بود که به امامت دوازده نفر بعد از آن ها (که در روایت دیگری وارد شده) اقرار کنیم، باید حدیث های متواتری هم در این باره باشد که در برابر حدیث های معارض بتواند مقاومت کند و ملاحظه جمع بین آن ها بشود.»<sup>(۳)</sup>

شیخ حر عاملی در ادامه بیان می کند:

«حدیث اول - که در رابطه با وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب آخر عمرشان است - از طریق عامه به ما رسیده و بنابراین برای ما حجت نیست و فقط در تعیین عدد دوازده امام که با ما موافقت دارد حجت است.»<sup>(۴)</sup>

او راجع به احادیث دیگر احتمالاتی مطرح می کند، از جمله این که:

«مراد از بعد [امام زمان] در این احادیث بعد زمانی نیست بلکه بعد رتبه ای است، نظیر این که در قرآن می فرماید: «بعد از خدا که او را هدایت می کند؟»؛ یعنی فرزندان او تحت نظر او حکومت می کنند و نایب او هستند، و در رتبه بعدند.»

ص: ۱۸۱

- 
- ۱- فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۴۶۶ و محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۷.
  - ۲- علی بن یونس عاملی نباطی، الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، (تصحیح: میخائیل رمضان)، چاپ اول، (نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۴ ق)، ج ۲، ص ۲۵۴.
  - ۳- محمد بن حسن حر عاملی، الإیقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، (تصحیح: هاشم رسولی و احمد جنتی)، چاپ اول، (تهران: نوید، ۱۳۶۲ ش)، ص ۴۰۱.
  - ۴- محمد بن حسن حر عاملی، الإیقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، (تصحیح: هاشم رسولی و احمد جنتی)، چاپ اول، (تهران: نوید، ۱۳۶۲ ش)، ص ۴۰۲.

دوم این که مراد بعد از تولد یا غیبتش باشد و اشاره به وکلاء و نمایندگان یا علمای شیعه باشد که در زمان غیبت نایب امامند یا بعد از خروج که ممکن است آن موقع نیز نیابت داشته باشند.

سوم آن که مربوط به رجعت باشد؛ [یعنی] امام هادی بعد از او همان ائمه سابقند... .

اما این که در حدیث آمده: دوازده نفر از فرزندان او... - بر فرض که حدیث صحیح باشد- با این مطلب منافات ندارد، چون ممکن است کلمه «ابنه» (یعنی ولایت را به پسرش وا می گذارد) غلط باشد، و اصلش «اییه» باشد (یعنی به پدرشوا می گذارد) که مراد حضرت امام حسین (علیه السلام) باشد، چون روایات بسیاری سابقاً نقل کردیم که می فرماید حضرت امام حسین (علیه السلام) برمی گردد و پس از وفات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وی را غسل می دهد...»<sup>(۱)</sup>

پس از طرح دیدگاه علما، ذکر چند نکته لازم به نظر می رسد:

۱- روایات «دوازده مهدی» یا «اولیای صالح» تعدادشان از انگشتان دست تجاوز نمی کند و از نظر صحت سند و متن هم مورد اشکال و خدشه شماری از علما قرار گرفته اند. در مقابل، روایات «رجعت» هم به لحاظ تعداد فراوانند و هم به لحاظ صحت، مورد تأیید. بنابراین، بین این دو دسته از روایات، موازنه ای برقرار نیست. با این همه، برخی از علما تلاش کرده اند به هر نحو ممکن روایات «مهدیون» را توجیه یا تأویل کنند.

۲- از رجحان روایات رجعت نسبت به روایات «دوازده مهدی» هم که بگذریم، بین روایات «دوازده مهدی» تعارض وجود دارد. در روایتی آمده: آن ها از فرزندان امام حسین (علیه السلام) هستند و روایاتی دیگر آن ها را فرزندان حضرت مهدی (علیه السلام) معرفی می کند.

۳- همان طور که ذکر شد، در روایتی امام صادق (علیه السلام) در خصوص دوازده مهدی می فرماید: «آن ها دوازده مهدی هستند و نه دوازده امام؛ آن ها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستی و معرفت ما دعوت می کنند».<sup>(۲)</sup> طبق این روایت، امام تأکید می کنند اولاً، آن ها امام نیستند، و ثانیاً، گروهی از شیعیانند که گویی واسطه بین مردم و ائمه در معرفت و دوستی اند. بنابراین، در

ص: ۱۸۲

---

۱- محمدبن حسن حر عاملی، الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، (تصحیح: هاشم رسولی و احمد جنتی)، چاپ اول، (تهران: نوید، ۱۳۶۲ ش)، ص ۴۰۲ و ۴۰۴.

۲- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۷.

این روایت، ایفای هرگونه نقش حاکمیتی و رهبری توسط دوازده مهدی منتفی است و لذا، شاید بتوان نقش اولیای صالح را با نقش ائمه معصومین (علیهم السلام) رجعت یافته، در جامعه پس از امام مهدی (علیه السلام) جمع کرد.

### ۳-۲-۴. نظریه سوم؛ پایان جهان با پایان یافتن حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

#### اشاره

در دسته سوم از روایات، وضعیت جهان بعد از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به گونه دیگری رقم می خورد و با پایان یافتن زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دنیا نیز به پایان می رسد و در فاصله چهل روز پس از رحلت آن حضرت، قیامت برپا می شود. در این صورت، مسأله حاکمیت بعد از ایشان منتفی است.

#### ۱-۳-۲-۴. روایات

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در خطبه غدیر، ضمن معرفی همه ائمه، درباره حضرت مهدی (علیه السلام) می فرماید:

«ألا- إن خاتم الأئمة منا القائم بالمهدى ألا إنّه الظاهر على الدّين ألا إنّه المنتقم من الظالمين..... ألا إنّه الباقي حجّة و لا حجّة بعده»؛ (۱)

آگاه باشید خاتم امامان، مهدی قائم از ماست، آگاه باشید که او آشکار کننده دین و انتقام گیرنده از ظالمین است.... آگاه باشید مهدی حجت باقی و پایدار است و هیچ حجتی پس از او نیست.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این خطبه حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را آخرین امام برای بشر، و حجت باقی و جاودان که حجتی دیگر در پی او نیست، معرفی کرده اند.

در حدیث دیگری، سلمان فارسی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده است که:

« قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): ألا- أبشركم أيها الناس بالمهدى ؟ قالوا بلى. قال: فاعلمو أنّ الله تعالى يبعث فى أمتى سلطاناً عادلاً و اماماً قاسطاً يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، و

ص: ۱۸۳

هو التاسح من ولد ولدى الحسين اسمه اسمى و كنيته كنيته. ألا و لا خير فى الحياه بعده و لا يكون انتهاء دولته إلا قبل القيامة بأربعين يوماً»؛ (۱)

ای مردم! آیا شما را به مهدی بشارت بدهم؟ گفتند: آری. فرمود: بدانید همانا خداوند پادشاهی عادل و امامی دادگر در اتم بر می انگیزد که زمین را از داد و عدل پر می کند آن گاه که از ظلم و جور پر شده، و او نهمین فرزند فرزندانم حسین است، هم نام و هم کنیه من است. آگاه باشید که خیری در زندگی پس از او نیست و دولتش پایان نمی پذیرد، مگر چهل روز قبل از قیامت.

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است:

«یملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً... وقت وفاته يكون قبل القيامة بأربعين يوماً...»؛ (۲)

زمین را از عدل و داد آکنده می سازد، آن گاه که از ظلم و جور پر شده است.... زمان وفاتش چهل روز قبل از قیامت است....

شیخ کلینی در باب اسامی اشخاصی که خدمت امام زمان (علیه السلام) رسیده اند، از حمیری نقل می کند که به عمری - وکیل امام زمان (علیه السلام) - گفت:

«يا أبا عمرو إني أريد أن أسالك عن شيء و ما أنا بشاكك فيما أريد أن أسالك عنه فإن اعتقادي و ديني أن الأرض لا تخلوا من حجة إلا إذا كان قبل يوم القيامة بأربعين يوماً فإذا كان ذلك رفعت الحجة و أغلق باب التوبة فلم يك ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً فأولئك أشرار من خلق الله عزّ وجلّ و هم الذين تقوم عليهم القيامة و لكنني أحببت أن أزداد يقيناً...»؛ (۳)

می خواهم چیزی از تو بپرسم با این که در آن چه می پرسم شک ندارم. من معتقدم که زمین از حجت خالی نمی ماند، مگر چهل روز پیش از قیامت که در آن وقت حجت از روی زمین برداشته شود و در توبه بسته گردد و هر کس تا آن وقت ایمان نیاورده باشد یا در ایمانش خیری کسب

ص: ۱۸۴

۱- سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، (تصحیح: محمدانصاری)، چاپ اول، (قم: الهادی، ۱۴۰۵ق)، ج ۲، ص ۹۵۹.

۲- فضل بن حسن طبرسی، تاج الموالید، ص ۱۱۶.

۳- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، (ترجمه: محمدباقر کمره ای)، چاپ سوم، (قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش)، ج ۱، ص ۳۲۹؛ محمدبن حسن طوسی، الغیبه، ص ۲۴۳.



نکرده باشد، دیگر ایمانش سود ندهد، و اینان بدترین خلق خدایند و این ها هستند که قیامت بر آن ها واقع می شود؛ عقیده من چنین است، ولی می خواستم یقینم زیادتر شود.

عبدالله سلیمان عامری از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که:

«ما زالت الأرض إلا والله تعالى ذكره فيها حجة يعرف الحلال والحرام ويدعو إلى سبيل الله جلّ وعزّ ولا ينقطع الحجّة من الأرض إلا أربعين يوماً قبل يوم القيامة فإذا رفعت الحجّة أغلق باب التوبة ولن ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أن ترفع الحجّة أولئك شرار من خلق الله و هم الذين تقوم عليهم القيامة» (۱).

همیشه از طرف خدا حجتی روی زمین هست که حلال و حرام را بشناسد و به راه خدا دعوت کند، زمین هرگز از حجت خالی نماند، مگر چهل روز پیش از قیامت، و هنگامی که زمین از حجت خالی ماند در توبه بسته شود و هرکس تا آن وقت ایمان نیاورده باشد یا در ایمانش خیری کسب نکرده باشد، دیگر ایمانش سود ندهد. اینان بدترین خلق خدایند و این هایند که قیامت بر آن ها قیام می کند.

#### ۲-۳-۲-۴. نظرات و دیدگاه ها

طبرسی در کتاب «أعلام الوری» بیان می کند:

«روایت صحیحی وارد شده که بعد از دولت حضرت مهدی (علیه السلام) دولتی نیست، مگر آن چه در بعض احادیث وارد شده که فرزندان او به جایش می نشینند، اما به طور قطع و یقین نفرموده اند. در بیشتر روایات هم نقل شده که آن جناب چهل روز به آخر دنیا وفات کند، سپس هرج و مرج شود و نشانه های زنده شدن مردگان و قیام قیامت پدید آید» (۲).

مرحوم مفید در «الإرشاد» نیز نظیر سخنان طبرسی را تکرار می کند (۳).

علی بن یونس عاملی در کتاب «صراط المستقیم» می نویسد:

ص: ۱۸۵

۱- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۲۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ۵۳، ص ۱۴۶

۲- فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۶.

۳- نک: محمدبن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۷.

«در بیشتر روایات آمده که حضرت مهدی (علیه السلام) تا چهل روز پیش از قیامت نمیرد، و آن موقعی است که هرج و مرج و نشانه های قیامت پیدا شود».<sup>(۱)</sup>

نظریه شیخ مفید و علامه طبرسی، نظریه «رجعت» و «دوازده مهدی» را رد می کند و لذا اشکالات و انتقاداتی که متوجه قائلین به این دو نظریه است، به کلی مرتفع خواهد شد. اما به نظر می رسد اشکالاتی متوجه نظریه شیخ مفید و علامه طبرسی است، از جمله این که در بیان این بزرگان آمده، «اکثر روایات بر وفات حضرت مهدی (علیه السلام)، در چهل روز مانده به قیامت» دلالت می کنند، حال آن که حقیقتاً این گونه نیست و روایات رجعت به لحاظ کثرت، نه قابل قیاس با روایات مهدیون هستند، و نه با روایات دسته سوم. علاوه بر این، اکثر روایات دسته سوم بیان می کنند: «زمین از حجت خالی نمی ماند، مگر چهل روز مانده به قیامت» و هر کدام از ائمه می توانند مصداق حجت باشند، از این رو، شاید بتوان روایات رجعت را با روایات دسته سوم جمع کرد. به این معنا که پس از پایان زندگی حضرت مهدی (علیه السلام) همه یا تعدادی از معصومین (علیهم السلام) رجعت کرده، حاکمیت بر جهان را به عهده می گیرند و پس از وفات آخرین حجت، بعد از چهل روز قیامت واقع می شود. همین طور است روایاتی که بیان می کند دولت حضرت مهدی (علیه السلام) آخرین دولت است.

شیخ حرّ عاملی در ایقاز بیان می کند:

«شاید مراد از احادیثی که می فرماید بعد از دولت مهدی دولتی نیست، دولت ابتدایی باشد، اما رجعت دولت دوباره گذشتگان است، پس منافاتی با هم ندارند».<sup>(۲)</sup>

به عبارت دیگر، در واقع معصومین پس از امام مهدی (علیه السلام) دولتی که ایشان پایه گذاری کرده اند را تحویل گرفته، حاکمیت بر آن را ادامه می دهند. والله اعلم

سؤالی که در رابطه با روایات دسته سوم ایجاد می شود، این که:

در کتاب های کلیدی و اعتقادی شیعیان روایات فراوان وارد شده است که اشاره دارد سنت ثابت و لایتغیر خداوند متعال ایجاب می کند، زمین حتی یک لحظه بدون حجت الهی

ص: ۱۸۶

۱- علی بن یونس عاملی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲- محمد بن حسن حرّ عاملی، الإیقاظ، ص ۴۰۰.

باقی نماند و اساساً بقای زمین به وجود حجت خداوند بستگی داشته باشد و اگر حجت نباشد، زمین از بین رفته، یک سره نابود شود (۱)؛ یا آن که، اگر مردم دو نفر باشند، یکی از آن ها بر دیگری امام است و آخرین کسی که می میرد امام است، تا احدی به خدا احتجاج نکند که چرا او را بدون امام رها کرده است. (۲)

با این اوصاف، چگونه ممکن است زمین چهل روز بدون حجت باقی بماند؟ شیخ حر عاملی به این سؤال این گونه پاسخ می دهد:

«روایاتی که می فرماید: زمین از حجت خالی نمی ماند اختصاص به زمان تکلیف دارد؛ یعنی تا مکلف در عالم هست، حجت هم هست.» (۳)

به عبارتی، روایات بیان می کند وقتی آخرین حجت از دنیا می رود، در توبه بسته می شود و دیگر ایمان آوردن سودی ندارد و قیامت برپا می شود؛ گویی با رحلت آخرین حجت، جهان وارد نشئه دیگری می شود و آن شروع قیامت است.

### ۳-۳-۲-۴. آیا قیامت در زمان بدترین مردمان، برپا می شود؟

#### اشاره

یکی از سؤالاتی که با دقت در روایات دسته سوم ایجاد می شود این است که: در این احادیث منظور از «شرار من خلق الله و هم الذین تقوم علیهم القیامه» چیست؟ بدترین خلق خدا که قیامت بر آن ها واقع می شود کیستند؟

شیخ حر عاملی راجع به این مسأله معتقد است:

«مراد کسانی اند که ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان خیری کسب نکرده اند؛ یعنی قیامت به ضرر این هاست، بر خلاف دیگران که قیامت مطلقاً به نفع آن هاست، یا نفع و ضررشان با هم است، زیرا از حرف جرّ «علی» گاهی برای افاده ضرر استعمال می شود، مثل این آیه: ﴿لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت﴾؛ یعنی اگر خوبی کرده به نفع اوست، و اگر بدی کرده به ضررش (۴)».

ص: ۱۸۷

۱- نک: أصول الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸، و بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱ (باب الإضطرار إلى الحجّة).

۲- نک: الکافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- محمد بن حسن شیخ حر عاملی، الإیقاظ، ص ۳۹۹.

۴- محمد بن حسن شیخ حر عاملی، الإیقاظ، ص ۳۹۹.

در واقع می توان گفت: وقتی که حجت آخر از دنیا رفت و بساط تکلیف برچیده شد، فرصت ها به انتها رسیده، دیگر زمانی برای ایمان آوردن و کسب خیر باقی نیست و قیامت در حال ظهور است. لذا کسانی که تا آن لحظه ایمان نیاورده، یا ایمانشان واقعی نبوده، تمام فرصت ها را از دست داده اند- به ویژه آن که امکان دست یابی به سعادت در عصر حاکمیت حجت الهی به اوج خود می رسد - بنابراین، چنین افرادی بدترین خلقند و برپایی قیامت برای آن ها زیان محض است.

با وجود این که پاسخ شیخ حرّ عاملی به این سؤال منطقی و قابل قبول به نظر می رسد، اما وجود آیات و روایات دیگری در این زمینه، طرح مبسوطی از مسأله را ضروری می نماید. توضیح این که، علاوه بر روایات مذکور، روایات دیگری وجود دارد، که بیان می کند: «لا تقوم الساعة إلا على شرار الناس»؛<sup>(۱)</sup> قیامت برپا نمی شود مگر بر بدترین مردمان. این روایات وقتی در کنار آیاتی مثل «وإن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيامة أو معذبوها عذاباً شديداً»<sup>(۲)</sup> و یا «ثلثة من الأولين و قليل من الآخرين»<sup>(۳)</sup> قرار می گیرد این مطلب را به ذهن متبادر می سازد که گویی در آستانه قیامت وضعیت مردم به کلی دگرگون شده و خبری از آن جامعه ایده ال عصر حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) نیست و بنابراین، مهم ترین سئوالی که ایجاد می شود این است که آیا پس از استقرار حکومت عدل مهدوی در جهان و دست یابی به وضعیت مطلوب فرهنگی، اوضاع دوباره تغییر می کند؟ آیا دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا قیامت برقرار نخواهد ماند؟ در این جا پس از نقل آیات و روایات مربوط، به بررسی آن ها خواهیم پرداخت.

#### ۱-۳-۳-۲-۴. آیات

۱- خداوند متعال می فرماید: «وإن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيامة أو معذبوها عذاباً شديداً»<sup>(۴)</sup>؛ و هیچ قریه ای نیست، مگر این که ما هلاک کننده آن قبل از قیامت و یا عذاب کننده آنیم به عذابی شدید.

ص: ۱۸۸

۱- ابوالقاسم پابنده، نهج الفصاحة، ص ۶۷۳.

۲- سوره اسراء، آیه ۵۸.

۳- سوره واقعه، آیات ۱۳ و ۱۴.

۴- سوره اسراء، آیه ۵۸.

با مطالعه این آیه به نظر می رسد خداوند در آستانه قیامت (قبل یوم القیامة)، عذابی هلاک کننده فرستاده، همه را نابود می کند؛ درحالی که بر اساس نظر مفسرین، «قبل یوم القیامة» به معنای «زمان نزدیک قیامت» نیست، و آیه درصدد بیان سنت های الهی است.

علامه طباطبایی ذیل این آیه، بیان می کند:

«عذاب شدید، همیشه به معنای آن عذابی است که قومی را مستأصل و منقرض کند، آن وقت در این آیه که در مقابل عذاب شدید، مسأله هلاکت را قرار داده، لابد معنا و مراد از هلاکت، مرگ های طبیعی و تدریجی افراد است و در نتیجه، معنای آیه چنین می شود: هیچ قومی نیست مگر این که ما مردمش را قبل از قیامت یا می میرانیم و یا به عذاب استیصال و مرگ دسته جمعی مبتلا می کنیم، تا بعد از آن قیامت را به پا کنیم... سنت الهی در اقوام گذشته، دعوت به حق، به سعادت رساندن مؤمنان، و هلاکت یا عذاب شدید منکران و طاغیان بوده است... و غرض عمومی از سرپای این سوره، بیان سنتی است که خدای تعالی در اقوام و ملل داشته که نخست، ایشان را به سوی حق دعوت می کرده، آن گاه یک عده را که پذیرای دعوتش گشته و اطاعت کرده اند سعادت مند، و دیگران را که از در استکبار مخالفت و طغیان نموده اند، عقوبت می نموده است»<sup>(۱)</sup>.

تفسیر نمونه نیز ذیل این آیه آورده است:

«به دنبال بحث هایی که با مشرکان در آیات قبل بوده، [این آیه] آن ها را با گفتار بیدارکننده ای اندرز می دهد و پایان و فناء این دنیا را در مقابل دیدگان عقلشان مجسم می سازد تا بدانند این سرا، سرای فانی است و سرای بقا، جایی دیگر است، و خود را برای مقابله با نتایج اعمالشان آماده سازند؛ می گوید: هیچ آبادی در روی زمین نیست، مگر این که ما آن را قبل از روز قیامت هلاک می کنیم، یا به عذاب شدیدی گرفتار می سازیم؛ بدکاران ستمگر و طاغیان گردن کش را به وسیله عذاب نابود می کنیم و دیگران را با مرگ طبیعی و یا حوادث معمولی. بالأخره این جهان پایان می گیرد و همه راه فنا را می پیمایند»<sup>(۲)</sup>.

ص: ۱۸۹

۱- سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۱۳، ص ۱۸۱.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۰۷.

در تفسیر جامع البیان، ذیل این آیه آمده است.

«هلاکت با مرگ (طبیعی) یا با عذاب مستأصل، در صورت ترک امر خداوند و تکذیب رسولانش، قضا و سنت الهی است»<sup>(۱)</sup>.

صاحب تفسیر مجمع البیان، راجع به این آیه معتقد است:

«بدیهی است که مردم صالح قریه می میرند و مردم ناصالح در همین دنیا گرفتار عذاب، سپس هلاک خواهند شد، زیرا پیش از فرارسیدن قیامت مردم می میرند و شهرها و آبادی ها ویران می شوند. آن گاه، قیامت فرا می رسد. این معنی از جبائی و مقاتل است و ابو مسلم می گوید: مقصود، قریه هایی است که در کفر و گمراهی به سر می برند، نه قریه های ایمان، و منظور از هلاک کردن، درهم کوبیدن است»<sup>(۲)</sup>.

و نویسنده تفسیر شریف لاهیجی آورده است:

«مهلکوها» برای صالحان است و «معدبوها» برای ظالمان؛ بنابر آن که قریه شامل قریه مؤمن و قریه کافر باشد.

و بعضی گفته اند که مراد از «قریه»، قریه کافر است - نه مؤمنان - و اهلاک و عذاب برای آن هاست. این حکم در لوح محفوظ نوشته شده و تخلف از آن ممکن نیست<sup>(۳)</sup>.

و تفسیر جامع، برای این آیه شأن نزولی را بیان کرده است:

«سبب نزول این آیه، آن بود که اهل مکه به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گفتند اگر تو پیغمبری، کوه صفا و مروه را برای ما طلا کن. خدای تعالی فرمود: این عمل مانعی ندارد، پیشینیان شما هم از این قبیل درخواست ها نمودند، چون بدادیم تکذیب کردند. اگر تقاضای شما را هم انجام دهیم، تکذیب خواهید نمود و حکمت اقتضا کند که بعد از آن شما را مهلت ندهیم و هلاک گردانیم،

چنان چه پیشینیان شما را هلاک و عقوبت نمودیم و این امر در کتاب علم ازلی پروردگار نوشته شده است که چنان چه آیه ای بفرستد و مردم تکذیب کنند آن را، پس از آن

ص: ۱۹۰

۱- محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان، ج ۱۵، ص ۷۳.

۲- فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۴، ص ۱۶۰.

۳- محمد بن علی شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۸۱۴.

هلاک و نابود گردند، و قرار و حکم ما این است که برای شرافت و عظمت پیغمبر خاتم (صلی الله علیه و آله)، در این امت عذاب نفرستیم و هیچ مانعی نیست که معجزات و خوارق عادت به دست رسولان خود آشکار کنیم، جز تکذیب پیشینان» (۱).

بنابراین، بر اساس تفاسیر، روشن شد که آیه هیچ دلالت صریحی مبنی بر فراگیر شدن بدی در آستانه قیامت و به دنبال آن، نزول عذاب الهی ندارد و بیشتر در صدد بیان سنت و قانون الهی است.

۲- خداوند در سوره واقعه می فرماید:

{وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، اولئك المقربون، فی جنّات نعیم، ثلّة من الأولین و قلیل من الآخرین}؛ (۲)

و پیشگامان پیشگام؛ آنان مقربانند؛ در بهشت ها متنعمند، گروه بسیاری از امت های نخستین و اندکی از امت آخرین می باشند.

بر اساس این آیه، آیا مردم آخرین، تنها اقلیتی از مقربان در گاه الهی را تشکیل می دهند، درحالی که ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان، امکان تقرب را برای همگان فراهم خواهد ساخت؟

تفسیر المیزان پاسخ می دهد:

«این که بعضی از مفسرین گفته اند مراد از اولین، مسلمانان صدر اسلام، و مراد از آخرین، مسلمانان آخر این امت است، تفسیر صحیح نیست و ... مراد از کلمه «اولین»، امت های گذشته انبیای سلف است، و مراد از کلمه «آخرین»، امت اسلام است، چون معهود از کلام خدا همین است... بنابراین، معنای آیه این می شود: مقرّبین از امت های گذشته، جمعیت بسیاری بودند، و از این امت، جمعیت کمتری» (۳).

تفسیر نمونه هم در تفسیر این آیات آورده است:

ص: ۱۹۱

---

۱- سید محمد ابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، چاپ ششم، (تهران: انتشارات صدر، ۱۳۶۶ش)، ج ۴، ص ۱۳۲.

۲- سوره واقعه، آیات ۱۴-۱۰.

۳- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۰۸.

«منظور از مقربان، همان سابقون و پیشگامان در ایمانند؛ مسلم است که در امت اسلامی، پیشگامان در پذیرش اسلام، در صدر اول گروه اندکی بودند... درحالی که کثرت پیامبران پیشین (علیهم السلام) و تعداد امت های آن ها و وجود پیشگامان در هر امت، سبب می شود که آن ها از نظر تعداد فزونی یابند»<sup>(۱)</sup>.

در تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه آمده است:

«کسانی که سبقت و پیشی گرفتند به اجابت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نسبت به کسانی که سبقت به اجابت و دعوت پیامبران قبل از آن حضرت گرفتند، اندک و کم بودند و برخی گفته اند: یعنی جماعتی از اوائل این امت و قلیلی از آخرین این امت»<sup>(۲)</sup>.

نویسنده تفسیر جوامع الجامع، معتقد است:

«گروه بسیاری از سابقین، از امت هایی از زمان حضرت آدم (علیه السلام) تا زمان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می باشند و «قلیل من الآخِرین» در مورد سابقین امت محمد (صلی الله علیه و آله) [است]»<sup>(۳)</sup>.

در تفسیر جامع البیان نیز همین معنا آمده است:

«جماعتی از امت های گذشته و تعداد کمی از امت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و به اینان آخرین گفته می شود، چون آخرین امت ها هستند»<sup>(۴)</sup>.

بنابراین، طبق نظر قریب به اتفاق مفسران، این آیه دلالتی بر این مطلب که در آخرالزمان، از تعداد مقربان الهی کاسته می شود، ندارد.

## ۲-۳-۳-۲-۴. روایات

۱- حاکم از انس بن مالک، روایت کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

ص: ۱۹۲

---

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۲۰۷.

۲- فضل بن حسن طبرسی، تفسیر مجمع البیان، (ترجمه مترجمان)، چاپ اول، (تهران: انتشارت فراهانی، ۱۳۶۰ ش)، جلد ۲۴، ص ۱۳۹.

۳- فضل بن حسن طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، (ترجمه ی مترجمان)، چاپ دوم، (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش)، ج ۷، ص ۲۱۵.

۴- محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان، جلد ۲۷، ص ۹۹



«لايزداد الأمر إلا شدة و لا الدين إلا إدباراً و لا الناس إلا شحاً و لا تقوم الساعة إلا على شرار الناس»؛ (۱)

کارها هرچه پیش تر رود، دشوارتر می شود و همه به دین پشت می کنند و مردم دچار حرص و بخل می گردند و قیامت جز بر مردمان شرور و تبه کار برپا نمی شود.

و در روایات دیگری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است:

۲- «لا تقوم الساعة الا على شرار الناس»؛ (۲)

قیامت به پا نشود، مگر بر بدترین مردمان.

۳- «لا تقوم الساعة حتى تكون الولد غيظاً و تفيض اللئام فيضاً و تغيض الكرام غيضاً و يجترئ الصيغير على الكبير و اللئيم على الكريم»؛ (۳)

قیامت به پا نشود تا وقتی فرزند مایه خشم شود و لئیمان فراوان شوند و کریمان کمیاب گردند و کوچک بر بزرگ جسارت ورزد و لئیم بر کریم جری شود.

۴- «لا تقوم الساعة حتى يكون الزهد و الورع تصنعاً»؛ (۴)

قیامت به پا نشود تا وقتی که زهد و تقوی ساختگی باشد.

۵. «لا تقوم الساعة حتى يكون أسعد الناس في الدنيا لكع ابن لكع»؛ (۵)

قیامت به پا نشود تا خوشبخت ترین مردم جهان، فرومایه پسر فرومایه باشد.

۶. «لا تقوم الساعة حتى يَم الرجل بقبر الرجل فيقول يا ليتني مكانه»؛ (۶)

قیامت به پا نشود تا مرد به قبر دیگری بگذرد و گوید کاش به جای او بودم.

با برداشتی ظاهری از این روایات، به دست می آید که در آستانه وقوع قیامت، زهد و تقوی کم می شود، مردم به دین پشت می کنند، اخلاق و اخلاق گرایی جایگاه خود را از دست

ص: ۱۹۳

۱- ابی عبدالله الحاکم النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، [بی نا]، (بیروت: دارالمعرفه، [بی تا])، ج ۴، ص ۴۴۰.

۲- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۷۳.

۳- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۷۳.

- ٤- ابوالقاسم پاينده، نهج الفصاحة، ص ٦٧٣.
- ٥- ابوالقاسم پاينده، نهج الفصاحة، ص ٦٧٣.
- ٦- ابوالقاسم پاينده، نهج الفصاحة، ص ٦٧٣.

می دهد، و خلاصه، ارزش ها جای خود را به ضد ارزش ها می دهد و لذا، مهم ترین سؤالی که به ذهن می رسد، این است که آیا قیامت در حالی رخ می دهد که جامعه به فساد می رسد، حال آن که، با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، جامعه با حاکمیت ارزش ها به صلاح رسیده، آرمان شهر موعود تحقق یافته، و مدینه فاضله بنیان نهاده شده است؟

در پاسخ به این سوال باید اذعان کرد که وجود روایات فراوان و قطعی مبنی بر استمرار حکومت عدل مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا قیام قیامت (که در ادامه خواهد آمد)، غیر قابل انکار و در تعارض با روایات بالاست. بنابراین، باید به دنبال وجه جمع یا توجیه قابل قبولی بود که به رفع این تعارض بینجامد. در این راستا، وجوه مختلفی قابل تصور است:

۱- با دقت در روایات مذکور، مشخص می شود نوع بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، یک بیان تأکیدی است؛ به این معنا که پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: قیامت برپا نمی شود تا وقتی که زهد و تقوی کم شود، کریمان کمیاب شوند، مردم دچار حرص و بخل گردند و ... یعنی این اتفاقات حتماً در آینده واقع خواهد شد. به عبارتی، بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناظر به تأکیدی است بر وقوع فتنه ها و ابتلائات و نابه سامانی ها در آینده پیش روی امت، نه الزاماً در آستانه وقوع قیامت. نظیر این مطلب در روایات دیگری هم آمده است؛ مثلاً آن جا که می فرماید:

«و الذی بعثنی بالحق نبیاً لو لم یبق من الدنیا إلا- یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یرج رجلاً من أهل بیتی یملاً الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»؛ (۱)

سوگند به خدایی که مرا به حق پیامبر برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی کند تا مردی از اهل بیت من در آن ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.

واضح است که در این حدیث مشهور، منظور پیامبر (صلی الله علیه و آله) این نیست که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یک روز مانده به پایان دنیا ظهور می کند، بلکه مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله) از این بیان، تأکید بر حتمیت و قطعیت وقوع ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

ص: ۱۹۴

۲- در عبارت «لا تقوم الساعة إلا على شرار الناس»، چنان که «علی» برای افاده ضرر استعمال شده باشد، معنای روایت چنین می شود: «قیامت برپا نمی شود، جز به ضرر (علیه) بدترین مردم»؛ یعنی با برپا شدن قیامت، بساط تکلیف هم برچیده شده، فرصت تقرب و کسب خیر از انسان گرفته می شود و مشخص است در چنین شرایطی، هرچه عمل انسان سبک تر باشد، از وقوع قیامت بیشتر متضرر می شود، تا جایی که برای شرار ناس و بدترین مردمان، قیامت ضرر محض است.

۳- یکی از نویسندگان در مورد اخباری که بیان می کند «قیامت جز در زمان انسان های شرور و تبه کار برپا نمی شود» می نویسد:

«برپا شدن قیامت در زمان انسان های شرور» از اصول اعتقادی دینی است و بدیهی است که اصول اعتقادی، با خبر واحد- اگرچه سندی درست و مضمونی روشن نیز داشته باشد- ثابت نمی گردد و تنها راه اثبات آن، خبر متواتر و قطعی است و این اخبار، گذشته از نقدهای دیگر، متواتر نیز نمی باشد. (۱)

۴- گذشته از این توجیحات، به نظر می رسد وجود انسان هایی تبه کار و شرور هنگام وقوع قیامت، منافاتی با حاکمیت صالحان و استمرار دولت عدل تا برپا شدن قیامت نداشته باشد، زیرا انسان ذاتاً مختار آفریده شده و همان گونه که در فصل دوم به آن پرداخته شد، در دولت مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هیچ اجبار و اکراهی جز با معارضان و غرض ورزان- برای واداشتن آن افراد به تسلیم شدن در برابر حق- وجود ندارد.

بنابراین، طبیعی است افرادی- به هر دلیل- از حق و حقیقت روی گردان شده، به شرارت و بدی بگروند و به همه فرصت های طلایی که خداوند با ظهور دولت حق برایشان فراهم کرده، پشت پا بزنند و البته وجود آنان هیچ گاه به هدایت قاطبه انسان ها- که در صراط مستقیم قرار گرفته، از نعمت های بی شمار الهی نهایت بهره برداری را می کنند- خللی وارد نخواهد ساخت.

ص: ۱۹۵

---

۱- سیدمحمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۵۶۷.

بر اساس آن چه بیان شد، وضعیت حاکمیت جهان پس از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قالب سه نظریه مطرح شد:

۱- رجعت یا بازگشت ائمه (علیهم السلام) به دنیا برای جانشینی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛

۲- حاکمیت دوازده مهدی از اولیای صالح؛

۳- پایان دنیا با پایان یافتن زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

گرچه به نظر می رسد - مطابق نظر علما- روایات رجعت از لحاظ تعداد و صحت سند و متن و اتفاق نظر اکثر علما، بر دیگر روایات ترجیح دارد، اما اگر در مقام انتخاب قطعی و یقینی یکی از این نظریات نباشیم، باید اذعان کرد که تحقق هر کدام از این حالت های سه گانه، به طور کلی و اجمالی، بر استمرار حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا پایان جهان دلالت می کند و روایات عدیده ای را نیز می توان شاهد بر این ادعا گرفت.

در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است که ایشان در شب معراج فرمودند:

«... فقلت: یا ربّ هولاء أوصیایی بعدی؟ فنودیت یا محمّد؛ هولاء أولیائی و أحبّائی و أصفیائی و حججی بعدک علی بزّیتی، و هم أوصیائک و خلفاؤک و خیر خلقی بعدک.»

و عزّتی و جلالی لأظهرنّ بهم دینی، و لأعلینّ بهم کلمتی، و لأطهرنّ الأرض بآخرهم من أعدائی، و لامکّنه مشارق الأرض و مغاربها... حتّی یعلن دعوتی، و یجمع الخلق علی توحیدی، ثمّ لأدیمنّ ملکه، و لأداولنّ الأیام بین أولیائی إلی یوم القیامه». (۱)

گفتم: ای پروردگارا! اینان اوصیای من بعد از من هستند؟ پس ندا شدم: ای محمّد؛ اینان اولیاء من و دوستان من و برگزیدگان من و حجّت های من بعد از تو بر خلق من هستند و آنان اوصیاء تو و جانشینان تو و بهترین خلق من بعد از تو می باشند.

سوگند به عزت و جلال! حتماً دینم را به وسیله آنان ظاهر می سازم و کلمه خود را به واسطه آنان برتر می نمایم و قطعاً زمین را به دست آخرین ایشان از دشمنانم پاک می سازم و

ص: ۱۹۶

۱- محمدبن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۶؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲.

مطمئناً او رامالک بر مشرق‌های زمین و مغرب‌های آن می‌گردانم... تا دعوت مرا آشکار ساخته، همه خلق را بر اعتقاد به توحید و یکتایی من گرد آورد. سپس حکومتش را تداوم می‌بخشم و تا روز قیامت، اولیائش را پی‌درپی رهبر و حاکم می‌گردانم.

این عبارت از حدیث که «تاروز قیامت اولیائش را پی‌درپی حاکم می‌گردانم»، به روشنی مانند‌گاری جامعه مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تا پایان زندگی بشر ثابت می‌کند، و به صراحت و وضوح با اندیشه «جامعه فاسق پیش از برپایی قیامت» منافات دارد.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«دولتنا آخر الدول و لن یبق أهل بیتٍ لهم دولةٌ إلا ملکوا قبلنا، لئلا یقولوا إذا رأوا سیرتنا: إذا ملکنا سرنا بسیرة هؤلاء، و هو قول الله عزّ و جلّ: {... و العاقبة للمتّین}»؛ (۱)

دولت ما آخرین دولت هاست؛ هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن مقدر باشد، جز این که پیش از ما به حکومت می‌رسد، تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم، کسی نگوید که اگر ما نیز به قدرت می‌رسیدیم، این چنین رفتار می‌کردیم، و این است معنای کلام خدا که فرموده: «و عاقبت از آن پرهیزکاران است».

هم چنین، این سخن که «دولت ما آخرین دولت هاست»، آشکارا گویای این مطلب است که پس از دولت حق، تا پایان عمر بشریت دولت دیگری نخواهد آمد.

و در روایت دیگری از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود:

«أیها الناس این تذهبون و این یراد بکم بنا هدی الله أولکم و بنا یختم آخرکم فإن یکن لکم ملک معجل فإن لنا ملکا معجلاً و لیس بعد ملکنا ملک لأننا أهل العاقبة {... و العاقبة للمتّین}»؛ (۲)؛ (۳)

ای مردم! به کجا می‌روید؟ مرادتان کجاست؟ خداوند هدایت اولین شما و پایان کار آخرینتان را به واسطه ما قرار داد. پس اگر برای شما دولت مستعجلی باشد، همانا برای ماست ریاست مهلت

ص: ۱۹۷

۱- محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۵؛ محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۴۷۲.

۲- سورة اعراف، آیه ۱۲۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، (ترجمه: محمد باقر کمره ای)، چاپ سوم، (قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش)، ج ۱، ص ۴۷۱.

داده شده، چنان که بعد از مُلک ما سلطنتی نخواهد بود، زیرا ما اهل عاقبتیم «و عاقبت برای پرهیزکاران است».

واپسین نکته ای که لازم است به آن توجه شود، این است که حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آغاز حرکت اصلی انسان است، نه پایان کار، و این حسن مهم آرمان های اسلامی است؛ به تعبیر شهید مطهری:

«در هر مکتبی وقتی آرمانش محقق شود، دیگر کار آن مکتب تمام می شود و می میرد، اما انسانی که نبردهای باطل را به اتمام رسانده، هنوز اصل {فاستبقوا الخیرات} جلوی چشمش خودنمایی می کند؛ او که نقص ها را برطرف کرده، تازه در ابتدای سیر صعودی خود است که باید بالا رود، و این سیر منتها و نهایت ندارد و هرچه بالاتر رود، در دستگاه هستی برای او امکان بالارفتن هست».<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۹۸

---

۱- مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان، چاپ ششم، (تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۰ ش)، صص ۵۸ و ۵۷.

## فصل پنجم: وضعیت جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر عهد جدید

اشاره

ص: ۱۹۹



## ۵. وضعیت جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت از منظر عهد جدید

### اشاره

سیحیت و اسلام دو دین الهی و از ادیان ابراهیمی هستند که در عین تمایز در بعضی جهات، دارای اشتراکات فراوانی می باشند. از جمله این اشتراکات، ظهور نجات بخشی در آخرالزمان است که همه تبعیض ها، ظلم ها و تاریکی ها را تبدیل به عدالت، امید و مهر می کند و نجات و سعادت را برای انسان ها به ارمغان می آورد.

در ارتباط با منجی در اسلام و تحولات و دگرگونی هایی که با ظهور او در عالم بشریت ایجاد می شود، در فصول گذشته مطالبی بیان شد. در این فصل برآنیم تا این مسأله را از زاویه نگاه مسیحیت بررسی کنیم.

### ۱-۵. موعود در مسیحیت

دین مسیحیت، نگاهی خوش بینانه، امیدوارانه و منتظرانه به آینده تاریخ دارد و چشم انتظار روز موعودی است که برای نجات و رستگاری مسیحیان به دست «مسیح» یا «پسر انسان» تعیین شده است.

ص: ۲۰۰

از نگاه مسیحیت، حضرت عیسی (ع) همان مسیحا و موعود بنی اسرائیل است که ارمیا(۱)، اشعیا(۲) و بسیاری از انبیاء بنی اسرائیل مژده آمدنش را داده بودند، و همین اعتقاد به مسیحا بودن عیسی، تنها تمایز مسیحیان اولیه از یهودیان به شمار می رفت.

موعود یهودیان با عیسی هیچ انطباقی نداشت؛ موعود آنان شخصیت پرجذبه ای داشت که ردای پادشاهی می پوشد و با اقتدار پادشاهی خدا را در جهان استوار می کند، اما عیسی روستایی زاده ای بود که بیشتر به زبان صیادان و کشاورزان سخن می گفت تا شهریاران، و هیچ ادعایی در زمینه پادشاهی بنی اسرائیل نداشت. لذا از همان ابتدا از در مخالفت با مسیحیان و موعود آنان درآمدند و پس از آزار و اذیتهای فراوان به عیسی و پیروانش، با تحریک فرمانده ی روم و به فرمان او، عیسی را مصلوب کردند.(۳) و «تنها جرم عیسی هنگامی که در اورشلیم محاکمه می شد، ادعای او بود که می گفت مسیح است».(۴)

سه روز پس از سردرگمی و بهت پیروان عیسی، زنانی که برای زیارت قبر او رفته بودند، قبر را خالی یافتند و فرشته ای به آنان گفت: «ترسان مباشید! می دانم که عیسای مصلوب را می طلبید؛ در این جا نیست، زیرا چنان که گفته بود برخاسته است».(۵)

رستاخیز عیسی، مفهوم موعودگرائی یهودیان را تبیینی تازه کرد و معنایی دوباره داد. بر اساس این تبیین، عیسی نمرده است؛ او برخاسته و پس از مدت کوتاهی از چشم ها غایب شده، و هنوز جامعه مسیحی در انتظار بازگشت اوست.(۶)

ص: ۲۰۱

۱- ارمیا ۲۳: ۵-۶

۲- اشعیا ۱۱: ۱-۷

۳- مصلوب شدن عیسی از عقاید مسیحیان است و این عقیده از نظر قرآن مردود شمرده شده است.

۴- مرقس ۱۴: ۶۱-۶۲

۵- متی، ۲۸: ۵-۱۰.

۶- مهرباب صادق نیا، "درآمدی بر آموزه نجات بخش در مسیحیت"، مشرق موعود، ۴ (۱۳۸۶ ش): ۱۷۷.

این اعتقاد، گذشته از آن چه پیرامون آن می توان گفت، برای حواریان بسیار سرمست کننده و خوشایند بوده و توانسته ناامیدی را از آن ها دور کند. از همین روی، این آموزه به کلیدی ترین آموزه مسیحیت بدل شد؛ آموزه ای که تمام ماهیت و معنای کلیسا بر آن استوار است.<sup>(۱)</sup>

کتاب مقدس به کرات به موضوع بازگشت مسیح پرداخته و چندین باب کامل را به تبیین این آموزه اختصاص داده است.<sup>(۲)</sup> فراتر از آن، مکاشفه یوحنا، به بیان و توصیف کامل این موضوع پرداخته است. با توجه به همین حقیقت، می توان رجعت مسیح را از مهم ترین تعالیم کتاب مقدس دانست. بر اساس این اعتقاد، عیسی خود بارها اعلام کرده است که شخص او به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی<sup>(۳)</sup>، در جلال و هیبت پدر<sup>(۴)</sup>، و به همراه فرشتگان با پیروزی و فتح خواهد آمد.

## ۲-۵. جهان در آستانه بازگشت منجی

### اشاره

از منظر عهد جدید، جهان در آستانه بازگشت منجی، وضعیت متزلزل و پراشوبی را تجربه می کند. در این دوران- که در عهد جدید از آن به عنوان «زمان های آخر» یا «روزهای آخر» یاد می شود- تعداد انبیای کاذب افزایش یافته، خطر بدعت در کلیسا زیاد می شود<sup>(۵)</sup>؛ تعالیم غلط مذهبی انتشار می یابد<sup>(۶)</sup> و به امور دینی و قوانین الهی بی توجهی می شود<sup>(۷)</sup>. ایمان داران مسیح نیز مورد جفا قرار می گیرند<sup>(۸)</sup> و بدین ترتیب، دین با چالش و تهدید مواجه می شود.

ص: ۲۰۲

---

۱- مهرباب صادق نیا، "تصویر انتظار در عهد جدید"، مشرق موعود، ۱ (۱۳۸۵ ش): ۱۸۰.

۲- نک: متی ۲۴ و ۲۵؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱.

۳- نک: متی ۲۵: ۱۳؛ و مرقس ۱۳: ۳۳-۳۷

۴- نک: متی ۱۶: ۲۷

۵- نک: متی ۲۴: ۴-۵ و ۱۱؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۳؛ اول تیموتائوس ۴: ۱؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۳ و ۴: ۳-۴؛ دوم پطرس ۲: ۱-۳.

۶- نک: مرقس ۱۳: ۲۱-۲۲.

۷- نک: لوقا ۱۷: ۲۶-۳۰ و ۱۸: ۸.

۸- نک: متی ۱۰: ۲۲-۲۳ و ۹: ۲۴-۱۰؛ مرقس ۱۳: ۱۳.

روابط انسانی به سردی می‌گراید، محبت و عواطف خانوادگی کاهش می‌یابد(۱)، و بر روابط انسانی، بی‌اخلاقی حاکم می‌شود.(۲)

جنگ‌های بزرگ و وحشتناک کشته‌های بسیار می‌گیرد و امنیت انسان‌ها به مخاطره می‌افتد.(۳)

در روزهای آخر، شخص بی‌دین و شریر، فرمانروای جهان می‌شود و حکومت در دست شریران قرار می‌گیرد.(۴)

عذاب‌های الهی به منظور تنبه و بیداری انسان‌ها نازل می‌شود، اما مؤثر واقع نمی‌گردد(۵) و به این ترتیب، وضعیت فرهنگی جهان در آستانه‌ی بازگشت مسیح، به هم ریخته و نامطلوب است.

## ۱-۲-۵. دین در زمان‌های آخر

### اشاره

وضعیت دین در زمان‌های آخر در سه حوزه قابل بررسی است:

#### ۱-۱-۲-۵. بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به امور دینی

در انجیل لوقا از قول حضرت مسیح آمده است:

«در زمان بازگشت من، مردم دنیا مانند زمان نوح، نسبت به امور الهی بی‌توجه خواهند بود. در زمان نوح، مردم همه سرگرم خوردن و نوشیدن و ازدواج و خوش‌گذرانی بودند و همه چیز به صورت عادی جریان داشت، تا روزی که نوح داخل کشتی شد و طوفان آمد و همه را از بین برد.»

در آن زمان، دنیا مانند زمان لوط خواهد بود که مردم غرق کارهای روزانه‌شان بودند؛ می‌خوردند و می‌نوشیدند، خرید و فروش می‌کردند، می‌کاشتند و می‌ساختند، تا صبح روزی که

ص: ۲۰۳

۱- نک: متی ۱۰:۲۱؛ ۲۴:۱۲؛ مرقس ۱۳:۱۲.

۲- نک: دوم تیموتائوس ۳: ۱-۶.

۳- نک: متی ۲۴:۲۱-۲۲؛ مرقس ۱۳:۱۵-۱۹؛ مکاشفه ۹:۱۱-۱۴ و ۲۰:۱۶ و ۱۲:۲۱ و ۱۷:۱۹-۱۸.

۴- نک: مکاشفه ۱:۱۳-۱۸ و ۱۷:۱۱-۱۷؛ دوم تسالونیکیان ۲:۳.

۵- نک: مکاشفه ۹:۵-۶.

لوط از شهر سدوم بیرون آمد و آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه چیز را از بین برد. بلی، به هنگام بازگشت من، اوضاع دنیا به همین صورت خواهد بود»<sup>(۱)</sup>.

عیسی (ع) در ادامه سوالی مطرح می کند:

«سؤال این جاست که وقتی من، مسیح به این دنیا بازگردم، چند نفر را خواهم یافت که ایمان دارند و سرگرم دعا هستند؟»<sup>(۲)</sup>.

## ۲-۱-۲-۵. افزایش تعداد انبیای کاذب و خطر بدعت در کلیسا

عیسی خطر انبیای کاذب در زمان های آخر را اینچنین گوشزد می کند:

«عیسی به ایشان [شاگردانش] گفت: مواظب باشید کسی شما را فریب ندهد، چون بسیاری آمده، خواهند گفت که مسیح هستند وعده زیادی را گمراه خواهند کرد»<sup>(۳)</sup>.

«بسیاری از ایمان خود برخواهند گشت و یک دیگر را تسلیم کرده، از هم متنفر خواهند شد و بسیار بیرخاسته، خود را نبی معرفی خواهند کرد وعده زیادی را گمراه خواهند نمود»<sup>(۴)</sup>.

پولس در نامه ی اولش به تیموتائوس - رهبر کلیسای افسس - نوشته:

«اما روح القدس صریحاً می فرماید که در زمان های آخر، بعضی در کلیسا از پیروی مسیح روی گردان شده، به دنبال معلمینی خواهند رفت که از شیطان الهام می گیرند. این معلم نماها با بی پروایی دروغ خواهند گفت و آن قدر آن ها را تکرار خواهند کرد که دیگر وجدانشان آن ها را معذب نخواهد ساخت»<sup>(۵)</sup>.

پولس در نامه ی دومش به تیموتائوس نیز، سفارش های مشابهی راجع به معلمین دروغ گو دارد:

ص: ۲۰۴

---

۱- لوقا ۱۷: ۲۶-۳۰.

۲- لوقا ۱۸: ۸.

۳- متی ۲۴: ۴-۵.

۴- متی ۲۴: ۱۰-۱۱.

۵- اول تیموتائوس ۴: ۱-۲.

«زمانی خواهد رسید که مردم دیگر به حقیقت گوش فرا نخواهند داد، بلکه به سراغ معلمینی خواهند رفت که مطابق میلشان سخن می گویند. ایشان توجهی به پیغام راستین کلام خدا نخواهند نمود، بلکه کورکورانه به دنبال عقاید گمراه کننده خواهند رفت.» (۱)

در انجیل متی، از مسیح نقل شده:

«از این مسیح ها و پیغمبران دروغنیز یاد خواهند آمد و حتی معجزه نیز خواهند کرد؛ به طوری که اگر ممکن بود، حتی برگزیدگان خدا را هم گمراه می کردند.» (۲)

### ۳-۱-۲-۵. جفا به ایمان داران مسیح

عیسی خطاب به ایمان داران بیان می کند در روزهای آخر:

« شما را شکنجه داده، خواهند کشت و تمام دنیا از شما متنفر خواهند شد، زیرا شما پیرو من می باشید.» (۳)

«همه به خاطر من از شما متنفر خواهند شد، ولی از میان شما کسانی نجات خواهند یافت که تا به آخر زحمات را تحمل کنند. هرگاه شما را در شهری اذیت کنند، به شهر دیگر فرار کنید؛ قبل از این که بتوانید به تمام شهرهای اسرائیل بروید، من خواهم آمد.» (۴)

### ۴-۱-۲-۵. تکذیب مسیح در روزهای آخر

پطرس در نامه ی دومش بیان می کند:

«پیش از هرچیز می خواهم این مطلب را یادآوری کنم که در زمان های آخر، اشخاصی پیدا خواهند شد که به هر کار نادرستی که به فکرشان می رسد دست زده، حقیقت را به باد تمسخر خواهند گرفت، و خواهند گفت: "مگر مسیح وعده نداده که باز خواهد گشت؟ پس او

ص: ۲۰۵

---

۱- دوم تیموتائوس ۴: ۳-۴.

۲- متی ۲۴: ۲۴.

۳- متی ۲۴: ۹؛

۴- متی ۱۰: ۲۲-۲۳.

کجاست؟ اجداد ما نیز به همین امید بودند، اما مردند و خبری نشد." دنیا از ابتدای پیدایش تا به حال هیچ فرقی نکرده است» (۱).

## ۲-۲-۵. اخلاق و روابط انسانی در روزهای آخر

### اشاره

بر اساس عهد جدید، در روزهای آخر، اخلاق از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست، محبت و عواطف خانوادگی کاهش می یابد و رذایل اخلاقی افزایش.

### ۱-۲-۲-۵. کاهش محبت و عواطف خانوادگی

حضرت عیسی (ع) وضعیت اخلاقی روزهای آخر را چنین ترسیم می کند:

«برادر، برادر خود را و پدر، فرزندش را تسلیم مرگ خواهد کرد. فرزندان بر ضد والدین برخاسته، ایشان را خواهند کشت» (۲).

«گناه آن قدر گسترش پیدا خواهد کرد که محبت بسیاری سرد خواهد شد» (۳).

«برادر به برادر خود خیانت خواهد کرد و پدر به فرزند خود؛ فرزندان نیز پدر و مادر خود را به کشتن خواهند داد» (۴).

### ۲-۲-۲-۵. افزایش رذایل اخلاقی

پولس در نامه ی دوم خود به تیموتائوس بیان می کند:

«این را نیز باید بدانی که در زمان های آخر، مسیحی بودن بسیار دشوار خواهد بود، زیرا مردم خودپرست، پول دوست، مغرور و متکبر خواهند بود، و خدا را مسخره کرده، نسبت به والدین نامطیع و ناسپاس خواهند شد و دست به هر عمل زشتی خواهند زد. مردم سنگدل و بی رحم، تهمت زن و ناپرهیزگار، خشن و متنفر از خوبی خواهند بود، و کسانی را که می خواهند زندگی پاک داشته باشند، به باد تمسخر خواهند گرفت. در آن زمان، خیانت در دوستی امری

ص: ۲۰۶

۱- دوم پطرس ۳: ۳-۴.

۲- متی ۲۱: ۱۰.

۳- متی ۱۲:۲۴.

۴- مرقس ۱۲:۱۳.



عادی به نظر خواهد آمد، و عیش و عشرت را بیشتر از خدا دوست خواهند داشت؛ به ظاهر، افرادی مؤمن، اما در باطن بی ایمان خواهند بود. فریب این گونه افراد خوش ظاهر را مخور» (۱).

### ۳-۲-۵. امنیت در روزهای آخر

#### اشاره

در روزهای آخر با افزایش وقوع جنگ ها و بلاهای مختلف، جهان ناامنی را تجربه می کند.

#### ۱-۳-۲-۵. افزایش وقوع جنگ، قحطی و زلزله

عیسی (ع) راجع به ناامنی روزهای آخر می گوید:

«قوم ها و ممالک جهان با یک دیگر به ستیز برخوانند خاست. در جا های مختلف، قحطی و زمین لرزه روی خواهد داد، ولی این ها پیش در آمد بلاهای بعدی است» (۲).

در مکاشفه یوحنا آمده است:

«این بار اسبی سرخ پدیدار شد. به سوار آن شمشیری داده شده بود تا قادر باشد صلح و سلامتی را از زمین بردارد و به جای آن هرج و مرج ایجاد کند. در نتیجه، جنگ و خون ریزی در همه جا آغاز شد» (۳).

#### ۲-۳-۲-۵. مصیبت های شدید جهانی

عیسی (ع)، دشواری روزهای مصیبت بار پایانی را این گونه توصیف می کند:

«وقت را تلف نکنید. اگر روی بام باشید به خانه برنگردید، و اگر در صحرا باشید، حتی برای برداشتن پول یا لباس برنگردید. بیچاره زنانی که در آن روزها آبستن باشند و بیچاره مادرانی که بچه های شیرخوار داشته باشند. فقط دعا کنید که فرارتان به زمستان نیفتد، چون آن روزها به قدری وحشتناک خواهد بود که از وقتی خدا جهان را آفرید تاکنون، نظیر آن پیش نیامده و دیگر هرگز پیش نخواهد آمد. و اگر خداوند آن روزهای مصیبت بار را کوتاه نمی کرد،

ص: ۲۰۷

۱- دوم تیموتائوس ۳: ۱-۵.

۲- متی ۲۴: ۷-۸؛ مرقس ۱۳: ۸.



حتی یک انسان نیز بر روی زمین باقی نمی ماند، ولی به خاطر برگزیدگانش آن روزها را کوتاه خواهد کرد».<sup>(۱)</sup>

#### ۴-۲-۵. فرمانروایی و حکومت «شریر» و «بی دین» در روزهای آخر

##### اشاره

در روزهای آخر فردی شریر و بی دین ظهور کرده و بر جهان فرمان روایی می کند:

#### ۱-۴-۲-۵. ظهور ضد مسیح (مرد بی دین)

پولس در نامه ی دومش به مسیحیان تسالونیک می نویسد:

«اما بدانید که تا این دو رویداد واقع نشود، آن روز (بازگشت خداوند) نخواهد آمد؛ نخست، شورش بر ضد خدا برپا خواهد شد؛ دوم، آن مرد جهنمی که عامل این شورش است ظهور خواهد کرد. او با هرچه مربوط به دین و خدا است مخالفت خواهد نمود، حتی وقتی وارد خانه خدا خواهد شد، در آن جا نشسته، ادعا خواهد کرد که خداست».<sup>(۲)</sup>

«آن گاه آن مرد خبیث ظهور خواهد کرد، اما خداوند ما - عیسی - به هنگام بازگشت خود، او را با نفس دهان خویش هلاک کرده، با حضور خود نابود خواهد ساخت. این مرد خبیث به وسیله قدرت شیطان ظهور خواهد کرد و آلت دست او خواهد بود؛ او با کارهای عجیب و حیرت انگیز خود همه را فریب داده، معجزات بزرگ انجام خواهد داد».<sup>(۳)</sup>

#### ۲-۴-۲-۵. فرمانروای جهان در دوران مصیبت جهانی

در مکاشفه یوحنا آمده است:

«اژدها [شیطان] به او [مرد بی دین] قدرت داد تا با خلق خدا جنگیده، ایشان را شکست دهد و بر تمام قوم ها و قبیله ها از هر زبان و نژاد دنیا، حکومت کند».<sup>(۴)</sup>

ص: ۲۰۸

۱- مرقس ۱۳: ۱۵-۲۰؛ متی ۲۴: ۲۱-۲۲.

۲- دوم تسالونیکیان ۲: ۳-۴.

۳- دوم تسالونیکیان ۲: ۸-۹.

۴- مکاشفه ۷: ۱۳

## اشاره

«بازگشت مسیح» که از مهم ترین آموزه های «عهد جدید» است، پس از طی شدن دوران مصیبت عظیم محقق می شود. بازگشت عیسی مسیح، به منظور برقراری ملکوت الهی، اتفاق می افتد که جز خداوند کسی از زمان آن آگاه نیست. این روز، ناگهانی و غیرمنتظره است و «عهد جدید» لزوم آمادگی برای این روز را گوشزد می کند و بازگشت مسیح را یگانه راه حل برای ادامه حیات و زندگانی برمی شمرد.

حضرت عیسی (ع)، اهمیت آمادگی برای بازگشت خود را این چنین بیان می کند:

«همواره لباس برتن، برای خدمت آماده باشید! مانند خدمتکارانی که منتظرند اربابشان از جشن عروسی بازگردد و حاضرند هر وقت که برسد و در بزند، در را به رویش باز کنند. خوشا به حال آن خدمتکارانی که وقتی اربابشان می آید بیدار باشند. یقین بدانید که او خود لباس کار بر تن کرده، آنان را بر سر سفره خواهد نشاند و به پذیرایی از ایشان خواهد پرداخت. بلی، خوشا به حال آن غلامانی که وقتی اربابشان می آید بیدار باشند؛ خواه نیمه شب باشد، خواه سپیده دم ... زمان دقیق بازگشت ارباب معلوم نیست. بنابراین، شما نیز آماده باشید، زیرا من، مسیح موعود، هنگامی باز خواهم گشت که کمتر انتظارش را دارید».<sup>(۱)</sup>

در نامه اول پولس به مسیحیان تسالونیکي آمده است:

«شاید پرسید که مسیح در چه زمان باز خواهد گشت. برادران عزیز! لازم نیست در این باره چیزی بنویسم، زیرا شما به خوبی می دانید که هیچ کس زمان بازگشت او را نمی داند؛ «روز خداوند» همچون دزد شب بی خبر سر می رسد؛ همان وقت که مردم می گویند: «همه جا امن و

ص: ۲۰۹

امان است»، ناگهان مصیبت دامن گیرشان خواهد شد، همان طور که درد به سراغ زن آبستن می آید؛ آن گاه راه فراری برای آنان وجود نخواهد داشت».(۱)

عیسی مسیح(ع) شکوه بازگشت خویش را این چنین ترسیم می کند:

«هنگامی که من، مسیح موعود، باشکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آن گاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست. سپس تمام قوم های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد...».(۲)

«چشم به راه باشید؛ من به زودی می آیم و برای هر کس مطابق اعمالش پاداش با خود خواهم آورد. من الف و یاء، آغاز و پایان، اول و آخر هستم...».(۳)

بر اساس روایت انجیل های هم نوا (متی، مرقس، و لوقا) و مکاشفه یوحنا، درست بعد از پایان اعصار، هنگامی که خداوند تصمیم می گیرد جریان زمان و تاریخ را متوقف سازد، رویدادی کیهانی به نام بازگشت ثانوی مسیح اتفاق می افتد. در این رویداد، مسیح از نوحیات می یابد و با شکوه تمام بازمی گردد، تا زنده ها و مرده ها را داوری نماید. عیسی (ع) با صراحت تمام چنین اعلام می دارد:

«پس از این مصیبت ها، خورشید تیره و تار خواهد شد و ماه دیگر نخواهد درخشید؛ ستاره ها خواهند افتاد و آسمان دگرگون خواهد شد. آن گاه تمام مردم مرا خواهند دید که در ابرها با قدرت و شکوه عظیم می آیم. من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا برگزیدگانم را از سراسر دنیا، یعنی از گوشه و کنار زمین و آسمان جمع کنند».(۴)

در مکاشفه یوحنا آمده است:

ص: ۲۱۰

---

۱- اول تسالونیکیان ۵: ۱-۳.

۲- متی ۲۵: ۳۱-۳۲.

۳- مکاشفه ۱۲: ۲۲-۱۳.

۴- مرقس ۱۴: ۲۴-۲۷؛ متی ۲۹: ۲۵-۳۱.

«بنگرید! او سوار برابرها می آید. هر چشمی او را خواهد دید، حتی آنانی که به پهلوی او نیزه زدند او را خواهند دید؛ و تمام قوم های جهان از شدت وحشت و اندوه خواهند گریست. بلی، آمین! بگذار چنین باشد».<sup>(۱)</sup>

### ۱-۳-۵. معنا و چگونگی بازگشت عیسی

#### اشاره

بازگشت عیسی مسیح که از اصول مهم ایمان مسیحی است و مفهوم پراهمیتی در متون مقدس این دین به شمار می رود؛ با تفسیرهای متفاوتی روبه رو می شود؛ گاهی با استناد به آیاتی چون «تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم»<sup>(۲)</sup>، بازگشت عیسی، حضور او در آسمان معنی شده و گاه نیز با تمسک به آیاتی چون «عیسی به آسمان رفت و همان گونه که رفت، یک روز نیز باز خواهد گشت»<sup>(۳)</sup> بازگشت عیسی به حضوری زمینی تفسیر شده است. با بررسی بیشتر مشخص می شود که هر کدام از این حضورها، به مرحله ای از مراحل بازگشت اشاره می کند؛ برای مثال، با استناد به آیه «باز می آیم و شما را برداشته، با خود خواهیم برد»<sup>(۴)</sup> ملاقات با ایمان داران و دادن پاداش به آن ها از اهداف بازگشت عیسی به آسمان شمرده شده، داوری میان امت ها، برقراری ملکوت خدا، و حکومت الهی، از اهداف بازگشت زمینی عیسی مسیح به شمار می رود.

با این همه، از نگاه الهی دانان مسیحی، عیسی به هنگام بازگشت خود، دارای دو نوع ظهور خواهد بود: بازگشت آسمانی و بازگشت زمینی، که هر کدام دارای هدف و غایتی هستند.<sup>(۵)</sup>

ص: ۲۱۱

۱- مکاشفه ۱: ۷.

۲- اول تسالونیکیان ۴: ۱۷.

۳- اعمال رسولان ۱: ۱۱.

۴- یوحنا ۱۴: ۳.

۵- مهرباب صادق نیا، "درآمدی بر آموزه نجات بخش در مسیحیت"، مشرق موعود، ۴(۱۳۸۶): ۱۸۰.

## ۱-۱-۳-۵. بازگشت اولیه مسیح یا آمدن مسیح به آسمان

این مرحله شامل ربودن مؤمنان (توسط کلیسا) و بردن آنان به آسمان است. در یک چشم بر هم زدن، به صورت ناگهانی و بدون آگاهی قبلی، عیسی مسیح، آن‌هایی را که آماده بازگشت او هستند، می‌رباید و به آسمان می‌برد. پولس رسول می‌گوید:

«این را من از جانب خداوند می‌گویم: ما که هنگام بازگشت مسیح خداوند زنده باشیم، زودتر از مردگان به آسمان نخواهیم رفت... پیش از همه مسیحیانی که مرده‌اند زنده خواهند شد تا خداوند را ملاقات کنند. سپس، ما که هنوز زنده ایم و روی زمین باقی هستیم، همراه ایشان در ابرها رفته خواهیم شد، تا همگی خداوند را در هوا ملاقات کنیم»<sup>(۱)</sup>.

هدف از این ملاقات در آسمان، دادرسی مؤمنان و دادن پاداش به آن‌ها و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها، اموال و فرصت‌هایی است که به آن‌ها داده شده بود.<sup>(۲)</sup>

هدف مهم دیگر، آماده کردن اوضاع و از میان بردن موانع ظهور است. موانع ظهور ممکن است دولت‌های بشری یا شیطان باشند که از آن به عنوان بی‌دین، دجال، ضد مسیح و قانون شکن یاد شده است.<sup>(۳)</sup>

## ۱-۲-۳-۵. دوران مصیبت عظیم

پس از مرحله اول ظهور مسیح و پیش از مرحله دوم آن، دوران مصیبت بسیار شدیدی پیش‌گویی شده است. در این دوره که بنا بر برخی اشاره‌ها، هفت سال طول خواهد کشید، چنان زمان سخت و تنگی خواهد شد که از هنگام پیدایش امت‌ها تا بدین روز همانندی نداشته است؛<sup>(۴)</sup>

ص: ۲۱۲

۱- اول تسالونیکیان ۴: ۱۵-۱۸.

۲- نک: دوم تیموتائوس ۴: ۸؛ متی ۵: ۱۱-۱۲.

۳- جواد قاسمی قمی، "مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس"، مشرق موعود، ۹ (۱۳۸۸ش)، ص ۱۴۰.

۴- نک: متی ۲۴: ۲۱.

در آن روزها بلایای مختلف از قبیل جنگ، قحطی و زلزله نازل خواهد شد (۱) و جنگ های وحشتناک، کشتارهای فراوان به جا خواهد گذاشت، و با ظهور ضد مسیح (مرد بی دین)، فعالیت های شیطانی به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت (۲) و خدا خشم خود را بر بی دینی خواهد ریخت (۳) و بدترین و شدیدترین دوران مصیبت جهانی به وقوع خواهد پیوست. (۴)

### ۳-۱-۳-۵. بازگشت ثانویه مسیح و سلطنت هزار ساله او بر زمین

هنگامی که سال های مصیبت بی سابقه به پایان خود نزدیک شود، روح هایی از دهان اژدها، از دهان وحش، و از دهان تبی کاذب بیرون می آیند و بر پادشاهان خروج می کنند، تا ایشان را برای جنگ عظیم در «هرمجدون» فراهم آورند. (۵)

آنان جمع می شوند تا «اورشلیم» را تصرف کنند و یهودیان و فلسطین را به اسارت در آورند (۶)، ولی وقتی به پیروزی نزدیک شده اند، مسیح با لشکریان خود از آسمان نزول خواهد کرد و در جنگ نهایی، پس از غلبه مسیح بر آنان، پیشوایانشان گرفتار و به دریاچه آتش افکنده خواهند شد؛ (۷)

سپاهیان آنان نیز با شمشیری که از دهان مسیح خارج می شود کشته خواهند شد و راه برای استقرار حکومت مسیح هموار خواهد گردید. (۸)

ص: ۲۱۳

۱- نک: متی ۲۴: ۶-۸؛ مرقس ۱۳: ۷-۸.

۲- نک: دوم تسالونیکیان ۲: ۳-۱۰؛ مکاشفه ۱۳: ۱-۱۸.

۳- مکاشفه ۶: ۱۷؛ ۹: ۱-۶.

۴- مرقس ۱۳: ۱۵-۱۹.

۵- مکاشفه ۱۶: ۱۳-۱۷.

۶- نک: زکریا ۱: ۱۲؛ ۱: ۱۳؛ ۱۴: ۲.

۷- نک: مکاشفه ۱۹: ۱-۲۱.

۸- نک: مکاشفه ۱۹: ۱۵.



این دوره، هزار سال به طول می انجامد و مسیح - فرمانروای جهانی - پرستش خواهد شد و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت، زیرا شیطان و روح های شریر بسته می شوند و به مدت هزار سال در «هاویه» افکنده خواهند شد. (۱)

#### ۴-۱-۳-۵. پایان سلطنت هزارساله، برپایی قیامت و داوری نهایی

بعد از سلطنت هزارساله مسیح، شیطان برای مدت کوتاهی رهایی خواهد یافت (۲) و پس از آزاد شدن، بسیاری را بر روی زمین علیه مسیح خواهد شورانید (۳) و طی جنگی که صورت می گیرد، آتش از آسمان نازل شده، لشکر شیطان را نابود می کند، و خود شیطان به دریاچه آتش افکنده می شود. (۴) تمامی مردگان از قبر می خیزند (۵) و با وقوع قیامت، داوری نهایی صورت می گیرد (۶) و در نهایت، زمین و آسمان جدیدی خلق خواهد شد (۷) و زمین و آسمان جدید یا اورشلیم آسمانی، مرکز فرمانروایی خدا می شود. (۸)

#### ۲-۳-۵. بازگشت مسیح از دیدگاه مسیحیت صهیونیستی

#### اشاره

مسیحیت صهیونیستی، یک جریان فرهنگی - سیاسی است که ظهور حضرت عیسی (ع) را مشروط به تشکیل اسرائیل بزرگ، انهدام بیت المقدس، بنای هیکل سلیمان، و بالأخره واقعه «آرماگدون» کرده، معتقد است مادامی که این شروط محقق نشده، ظهور مسیح به تأخیر خواهد افتاد. برای آشنایی بیشتر با این موضوع، لازم است ابتدا به تعریف صهیونیسم و مسیحیت صهیونیستی بپردازیم.

ص: ۲۱۴

۱- نک: مکاشفه ۱:۲۰-۳ و ۲۰:۴-۶.

۲- نک: مکاشفه ۷:۲۰.

۳- نک: مکاشفه ۷:۲۰-۹.

۴- نک: مکاشفه ۱۰:۲۰.

۵- نک: یوحنا ۵:۲۸-۲۹؛ مکاشفه ۱۲:۲۰-۱۵.

۶- نک: مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵.

۷- نک: مکاشفه ۱:۲۱-۵.

۸- نک: مکاشفه ۱:۲۱-۳.

«صهیون» چهار معنای لغوی، جغرافیایی، دینی و سیاسی دارد:

صهیون در عبری، به معنای پرآفتاب، و هم چنین، نام کوهی در جنوب غربی بیت المقدس است که زادگاه داوود نبیو جایگاه سلیمان پیامبرعلیهما السلام بود. البته گاه این واژه نزد یهودیان به معنای شهر قدس، شهر برگزیده خداوند و شهر مقدس آسمانی به کار می رود، و به طور اعم، به سرزمین مقدس، صهیون گفته می شود، ولی در متون دینی یهود، صهیون، به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داوود و سلیمان علیهما السلامو تجدید دولت یهود اشاره دارد. به عبارت دیگر، صهیون برای یهود، سمبل رهایی از ظلم، تشکیل حکومت مستقل و فرمانروایی بر جهان به شمار می رود.<sup>(۱)</sup>

## ۲-۲-۳-۵. مسیحیت صهیونیستی

در واقع، ترکیبی از مسیحیت و صهیونیست است. مسیحیانیهودیان و هر آن چه را که به ایجاد دولت یهودی بینجامد طرد می کنند، و در مقابل، پیروان تأسیس دولت یهودی (صهیونیست ها)، دشمن چنین مسیحیانی هستند که با تأسیس دولت یهودی مخالفت می کنند؛ در حالی که مهم ترین مشخصه مسیحیت صهیونیستی، حمایت از بازگشت یهودیان به ارض موعود (فلسطین) و تأسیس دولتی یهودی در آن جاست. مسیحیان صهیونیست، این اندیشه را با اعتقادات مسیحی و یهودی، با متون عهد عتیق (تورات) و جدید (انجیل) گره زده اند؛ یعنی مسیحیت صهیونیستی از یک سو، با الهیات مسیحی درگیر است و از طرف دیگر، چشم به لاهوت توراتی دارد و مراجعه به منابع توراتی، خواسته تأسیس دولت یهودی صهیونیست ها را تأیید می کند.

ص: ۲۱۵

۱- مرتضی شیرودی، "مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشریت"، مشرق موعود، ۱ (۱۳۸۵ ش): ص ۱۰۲.

بنابراین، برپایه شالوده های فکری مسیحیت صهیونیستی، تأسیس دولت یهودی خواست مسیح است؛ از این رو، در حقیقت دولت اسرائیل به خواست مسیح عمل خواهد کرد و هر عملی که دولت اسرائیل انجام دهد، از سوی مسیح طراحی شده است. مسیح ظهور نمی کند، مگر آن که اسرائیل تأسیس شود؛ بنابراین، بر بنیان نهادن آن دولت تأکید می کنند. البته حدود اسرائیلی که متون دینی بدان وعده داده اند، از نیل تا فرات است، لذا مسیحیت صهیونیستی با هرگونه مذاکره صلح، یا اعطای هر نوع امتیازی به فلسطینیان که به عدم تحقق اسرائیل بزرگ انجامدمخالفت می کند. پس مسیحیت صهیونیستی، جریانی فکری-سیاسی است که با رویکردی خاص به عالم و آدم، از آموزه های توراتی و انجیلی برای آینده بشر و ظهور مسیح پیروی می کند. (۱)

پیروان مکتب مسیحیت صهیونیستی، خود را از تبلیغ کنندگان انجیل می دانند و معتقدند پیروان این مکتب، مسیحیان دوباره متولد شده اند و فقط اینان اهل نجات خواهند بود و دیگران هلاک خواهند شد. اعتقاد راسخ و تعصب خاص به صهیونیسم، از ویژگی های ممتاز پیروان این مکتب است. این مسیحیان، بیش از صهیونیست های یهودی ساکن اسرائیل و آمریکا به صهیونیسم تعصب دارند. (۲)

مسیحیان صهیونیست، معتقد به هفت مرحله یا هفت مشیت الهی اند که به ترتیب زیر در آخرالزمان به وقوع می پیوندد:

۱- بازگشت یهودیان به فلسطین،

۲- ایجاد دولت یهود در آن جا،

۳- موعظه شدن بنی اسرائیل و دیگر مردم دنیا به وسیله انجیل،

ص: ۲۱۶

---

۱- مرتضی شیرودی، "مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشریت"، مشرق موعود، ۱ (۱۳۸۵ ش): ص ۱۰۳.

۲- محسن قنبری آلانق، "اسطوره صهیونیسم مسیحی و انگاره منجی گرایی"، مشرق موعود، ۱ (۱۳۸۶ ش): ص ۹۷.

۱- دوره وجد یا سرخوشی؛ به بهشت رفتن کسانی که به کلیسا ایمان آورده اند،

۲- دوره هفت ساله حکومت دجال یا آنتی کراست (ضدمسیح) و بدبختی یهودیان و دیگران،

۳- وقوع جنگ آرماگدون یا جنگ هم درگیر در آن و نابودی همه زمین، و

۴- شکست لشکریان دجال و ایجاد حکومت مسیح به پایتختی قدس (اورشلیم).

### ۳-۲-۳-۵. جنگ آرماگدون

بر اساس اعتقادات مسیحیان صهیونیست، باید حوادث زیر صورت گیرد تا مسیح دوباره ظهور کند. البته پیروان اندیشه مسیحیت صهیونیستی وظیفه دارند تا برای تسریع در عملی شدن این حوادث کوشش کنند:

۱- باید یهودیان از سراسر جهان به فلسطین آورده شوند و کشور اسرائیل در گستره ای از رودخانه نیل تا فرات به وجود آید؛ یهودیان مهاجر، اهل نجات خواهند بود؛

۲- یهودیان باید مسجد الأقصى و صخره را در بیت المقدس منهدم کنند، و به جای آن، معبد بزرگ یهودیان را بنا نهند؛

۳- روزی که یهودیان مسجد الأقصى و صخره را منهدم نمایند، جنگ نهایی مقدس (آرماگدون) به رهبری آمریکا و انگلیس آغاز می شود. در این جنگ، تمام جهان نابود خواهد شد؛

۴- در روز آغاز جنگ آرماگدون، تمامی مسیحیان توسط سفینه ای از دنیا به بهشت منتقل می شوند و از آن جا همراه با مسیح، نظاره گر نابودی جهان و عذاب سخت خواهند بود؛

۵- زمانی که در جنگ آرماگدون ضد مسیح یا دجال در حال پیروزی است، مسیح به همراه مسیحیان به بهشت می رود و ظهور می کند، ضدمسیح را شکست می دهد، و حکومت جهانی خود را که مرکز آن بیت المقدس است، برپا خواهد کرد. (۱)

ص: ۲۱۷

---

۱- مرتضی شیرودی، "مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشریت"، مشرق موعود، ۱ (۱۳۸۵): ۱۰۹.

آرماگدون از دو کلمه یونانی «هار» و «مجدو» تشکیل شده که هار به معنای کوه، و مجدو به معنای سرزمین حاصلخیز است. آرماگدون از لحاظ جغرافیایی، نام منطقه ای باستانی در نزدیکی بیت المقدس است که در قدیم شهری استراتژیک و طبیعتاً پرزراع بوده است، ولی هم اینک به جز خرابه ای از آن بر جای نمانده است. این واژه در معنای اصطلاحی، به نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان تعبیر شده است. (۱)

از واژه آرماگدون تنها یک بار در عهد جدید (مکاشفه یوحنا) نام برده شده و در عهد قدیم، سخنی از آن به میان نیامده است.

«آن گاه تمام لشکرهای جهان را در محلی گردآوردند که به زبان عبری آن را «حار مجدون» (یعنی کوه مجدو) می نامند». (۲)

مسیحیان صهیونیست در توضیح واقعه آرماگدون بیان می کنند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن را میلیون ها نظامی تشکیل داده اند از عراق حرکت می کند و پس از گذشت از رود فرات - که در آن زمان خشکیده است - به سوی قدس رهسپار خواهد شد؛ اما در ناحیه آرماگدون، نیروهای طرفدار مسیح، راه لشکر ضد مسیح را سد خواهند کرد و درگیری خونین و نهایی در این منطقه شکل خواهد گرفت. از نگاه مسیحیان صهیونیست، نبرد نهایی، نبرد هسته ای است. سپس مسیح برای بار دوم از جایگاه خود در آسمان به زمین فرود می آید و پس از نبرد با نیروهای ضد مسیح، پیروز خواهد شد و آن گاه صلح واقعی و جهانی تحقق خواهد یافت؛ مسیح به پایتختی بیت المقدس و از مرکز فرماندهی خود در معبد سلیمان

ص: ۲۱۸

---

۱- Webster's New world (صلی الله علیه و آله) prentice Hall press (صلی الله علیه و آله) ۱۹۸۶ (صلی الله

علیه و آله) P۷۵.

۲- مکاشفه ۱۶:۱۶.

(که از پیش توسط طرفداران مسیح بر روی خرابه های مسجدالأقصى ساخته شده است)، صلح را در سراسر جهان محقق خواهد کرد. (۱)

#### ۴-۵. جهان پس از بازگشت مسیح

##### اشاره

هدف عیسی مسیح از بازگشت چیست و ظهور او چه نتایجی را در پی خواهد داشت و با بازگشت او چه تحولاتی در جهان بوجود خواهد آمد؟

در پاسخ به این سوال باید اذعان نمود با مطالعه ی عهد جدید، اهداف متعددی برای بازگشت مسیح به دست می آید اما از دو هدف به عنوان مهم ترین و اساسی ترین اهدافی که عهد جدید تاکید ویژه ای بر آن ها دارد، می توان یاد کرد:

۱. بازگشت مسیح برای قضاوت و داوری

۲. بازگشت مسیح برای برقرار ساختن ملکوت خداوند.

#### ۱-۴-۵. قضاوت و داوری

##### اشاره

مهم ترین آموزه در عهد جدید در خصوص بازگشت مسیح، مسأله قضاوت و داوری اوست. در عهد جدید واژه «داوری» سه معنای متفاوت دارد؛ یعنی به سه طریق متفاوت به کار می رود:

(۱) قضاوت کردن در مورد دیگران؛

(۲) داوری هنگام بازگشت مسیح و در ابتدای سلطنت هزارساله (داوری اول)؛ و

(۳) داوری نهایی هنگام برپاشدن قیامت و در پایان جهان.

#### ۱-۱-۴-۵. قضاوت کردن در مورد دیگران

در نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس آمده است:

«پس شما هم با عجله در این باره داوری نکنید که چه کسی خدمتگزار خوبی است و چه کسی بد؛ وقتی خداوند باز گردد، همه چیز را روشن خواهد ساخت و همه به وضوح خواهند

---

۱- شجاع احمد وند و احمد عزیزخانی، "آخرالزمان در نگاه مکتب صهیونیسم مسیحی"، مشرق موعود، ۱۴(۱۳۸۹ ش): ۱۱۴.

دید که هریک از ما در عمق وجودمان چگونه شخصی بوده ایم، و با چه نیتی خدا را خدمت کرده ایم. در آن زمان، خدا هرکس را همان قدر که سزاوار است، تحسین خواهد نمود»<sup>(۱)</sup>.

## ۲-۱-۴-۵. داوری هنگام بازگشت مسیح

مسئله ای که در عهد جدید مکرراً به آن پرداخته شده و بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، «داوری مسیح پس از بازگشت» است. در این داوری، مسیح بر تخت باشکوه خود می نشیند و میان مردمان و امت ها داوری می کند و برای خوبان، حیات ابدی و ملکوت، و برای بدان، مجازات ابدی در نظر می گیرد. مشخصه های این داوری در عهد جدید، به قرار زیر است:

۱- «داوری»، هدف از بازگشت مسیح است؛ در انجیل لوقا از قول حضرت مسیح بیان شده است که:

«من آمده ام تا بر روی زمین آتش داوری بیفروزم، و کاش هرچه زودتر این کار انجام شود»<sup>(۲)</sup>.

۲- همه امت ها مشمول این داوری می شوند:

«هنگامی که من، مسیح موعود، با شکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آن گاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست. سپس تمام قوم های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد، همان طور که چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می کند»<sup>(۳)</sup>.

۳- داوری بر اساس اعمال صورت می گیرد؛ خوبان جاودانه و بدان هلاک می شوند:

«من با فرشتگان خود، در شکوه و جلال پدرم خواهم آمد و هرکس را از روی اعمالش داوری خواهم کرد»<sup>(۴)</sup>.

ص: ۲۲۰

۱- اول قرنتیان ۴: ۵.

۲- لوقا ۱۲: ۴۹.

۳- متی ۲۵: ۳۱-۳۲.

۴- متی ۱۶: ۲۷.



«سپس تمام قوم های زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد، همان طور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می کند؛ گوسفندها را در طرف راستم قرار می دهم و بزها را در طرف چپم.

آن گاه به عنوان پادشاه، به کسانی که در طرف راست منند خواهم گفت: بیایید ای عزیزان پدرم! بیایید تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم؛ برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما آماده شده بود ... سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند، خواهم گفت: ای لعنت شده ها از این جا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای شیطان و ارواح شیطانی آماده شده است».<sup>(۱)</sup>

«او (خداوند) به من اختیار داده است تا گناهان مردم را داوی کنم، چون من پسر انسان نیز هستم. از این گفته من تعجب نکنید، چون وقت آن رسیده است که تمام مرده ها در قبر صدای مرا بشنوند و از قبر بیرون بیایند، تا کسانی که خوبی کرده اند، به زندگی جاوید برسند و کسانی که بدی کرده اند، محکوم گردند».<sup>(۲)</sup>

۴- داوری مسیح زیر نظر خداوند صورت می پذیرد:

«و اما من پیش از آن که کسی را محاکمه نمایم، نخست با پدرم مشورت می کنم. هرچه خدا به من دستور دهد، همان را انجام می دهم؛ از این جهت، محاکماتی که من می کنم کاملاً عادلانه است، زیرا مطابق میل و اراده خدایی است که مرا فرستاده، نه مطابق میل خودم».<sup>(۳)</sup>

«پدرم خدا، داوری تمام گناهان مردم را به من واگذار کرده است».<sup>(۴)</sup>

«او (خداوند) به من اختیار داده است تا گناهان مردم را داوری کنم».<sup>(۵)</sup>

ص: ۲۲۱

---

۱- متی ۲۵:۳۲-۳۴ و ۴۱.

۲- یوحنا ۵:۲۷-۲۹.

۳- یوحنا ۵:۳۰.

۴- یوحنا ۵:۲۲.

۵- یوحنا ۵:۲۷.

پس از پایان حکومت هزارساله حضرت مسیح (ع) بر روی زمین، شیطان که در اسارت هزارساله بود، آزاد می شود و به فریب قوم های مختلف می پردازد و آن ها را علیه مسیح می شوراند. آن ها شهر مقدس را محاصره کرده، می کوشند آن را با توسل به زور تسخیر نمایند. ولی از آسمان آتش نازل شده و آن ها را هلاک می کند و علائم برپایی قیامت ظاهر می شود. مردگان قیام داده می شوند و مقابل تخت بزرگ و سفید داوری قرار می گیرند و «داوری نهایی» اتفاق می افتد. هرکسی که نامش در دفتر حیات یافت نشود، به دریاچه آتش افکنده می شود. یوحنا در مکاشفه خود درباره روز داوری آخر بیان کرده است که:

«آن گاه، تخت بزرگ سفیدی را دیدم. بر آن تخت کسی نشسته بود که زمین و آسمان از روی او گریختند و ناپدید شدند. سپس مرده ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر زندگان رسید. مردگان همگی بر طبق نوشته های این دفترها محاکمه شدند. بنابراین، دریا و زمین و قبرها، مرده هایی را که در خود داشتند تحویل دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند. آن گاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد. این است مرگ دوم؛ یعنی همان دریاچه آتش. هر که نامش در دفتر زندگان نبود، به دریاچه آتش افکنده شد.»<sup>(۱)</sup>

## ۲-۴-۵. برقرار ساختن ملکوت خداوند

### اشاره

بر اساس عهد جدید، از مهم ترین کارکردهای ظهور و بازگشت مسیح، تحقق و برقراری ملکوت خداوند است.

«ملکوت» از واژه های پرتکرار در عهد جدید است که معانی مختلفی را در بر می گیرد؛ گاهی برقراری ملکوت امری است تدریجی و تکاملی، همچون افتادن دانه در خاک و رشد و نمو

ص: ۲۲۲

گیاه و به ثمر رسیدن آن در پایان این سیر و جریان؛ که طلیعه این جریان تکاملی، ظهور عیسی و انتشار بشارت اوست و سرانجام با او به غایت خواهد رسید. گاهی نیز در بخش های دیگری از کتاب عهد جدید، ملکوت الهی امری است باطنی و ایمانی که همه کس بالقوه در آن سهیم است، و اینتها زمانی تحقق و فعلیت می یابد که ایمان درست و استوار در دل حاصل شود و حیات روحی و اخلاقی مؤمن را دگرگون گرداند.<sup>(۱)</sup> گاهی هم ملکوت معنای برقراری حکومت و سلطنت زمینی پیدا می کند.

تفسیر عهد جدید، "ملکوت" را این گونه شرح داده است:

«ملکوت خدا یا ملکوت آسمان، اشاره به مکانی خاص نیست و مانند حکومت های دنیوی نمی باشد؛ ملکوت خدا، ملکوتی روحانی است که خدا با اقتدار بر آن حکمرانی می کند. به یک معنی، ملکوت خدا در همه جا هست. اما در عهد جدید، ملکوت خدا معمولاً به معنی «حکومتی روحانی» است که در آن، فرشتگان و انسان ها خدا را پرستیده، از او اطاعت می کنند. بنابراین، به این معنا، دنیا هنوز ملکوت خدا محسوب نمی شود، بلکه ملکوت شیطان است. با وجود این، به معنایی دیگر، عیسی ملکوت خدا را بر زمین آورد؛ تمام کسانی که به عیسی ایمان دارند، بلافاصله از حکومت شیطان - یعنی قلمرو ظلمت - آزاد شده، وارد ملکوت خدا می شوند».<sup>(۲)</sup>

یکی از پژوهشگران راجع به ملکوت می نویسد:

«ملکوت خدا در حقیقت، تحقق همان وعده خداوند به داود است که فرمود: "سلطنت او را تا ابد پایدار خواهد ساخت" و بارها آن را با سوگند تأیید نمود. حال این وعده و سوگند با آمدن مسیح محقق خواهد شد».<sup>(۳)</sup>

ص: ۲۲۳

---

۱- کاظم موسوی بجنوردی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۴۲.

۲- توماس هیل و استیفان تورسون، تفسیر کاربردی عهد جدید، (ترجمه آرمان رشدی و فریبرز خندان)، چاپ اول، ([بی جا]، [بی نا]، ۲۰۰۱ م)، ص ۲۵.

۳- مهرب صادق نیا، "تصویر انتظار در عهد جدید"، مشرق موعود، ۱ (۱۳۸۵): ۱۸۳.

در انجیل لوقا آمده است:

«روزی بعضی از فریسیان از عیسی پرسیدند: ملکوت خدا کی آغاز خواهد شد؟ عیسی جواب داد: ملکوت خدا با علائم قابل دیدن آغاز نخواهد شد! و نخواهند گفت که در این گوشه یا آن گوشه زمین آغاز شده است، زیرا ملکوت خدا در میان شماست».<sup>(۱)</sup>

و انجیل مرقس از زبان حضرت عیسی -ع- بیان می کند:

«زمان موعود فرا رسیده است. به زودی خداوند ملکوت خود را برقرار خواهد ساخت. پس، از گناهان خود دست بکشید و به این خبر خوش ایمان بیاورید».<sup>(۲)</sup>

در انجیل متی، حضرت عیسی -ع- پس از بیان حکایتی، درباره جایگاه انسان های نیکوکار و بدکار در ملکوت خدا می فرماید:

«همان طور که در این حکایت، علف های هرز را دسته کردند و سوزاندند، در آخرالزمان نیز همین طور خواهد شد؛ من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا هر چیزی که باعث لغزش می شود، و هر انسان بدکاری را از ملکوت خداوند جدا کنند، و آن ها را در کوره آتش بریزند و بسوزانند؛ جایی که گریه و فشار دندان بر دندان است. در آن زمان انسان های نیک در ملکوت پدرم خدا، همچون خورشید خواهند درخشید. اگر گوش شنوا دارید، خوب گوش دهید».<sup>(۳)</sup>

بررسی آن چه مسیح درباره ملکوت بر زبان آورد، روشن می سازد که سخنان او در بعضی موارد به اقتدار و حاکمیت کلی خدا و فرمانروایی او بر جهان هستی، و یا حکومت او بر قلب ها مربوط می شود و به حکومت روحانی خداوند اشاره دارد و در مواردی دیگر، سخنان او مربوط به حکومت داودی و زمینی می شود. بنابراین، اشتباه است که «ملکوت» را فقط به «حکومت روحانی»، یا فقط به «حکومت داودی» محدود سازیم.

ص: ۲۲۴

---

۱- لوقا ۱۷: ۲۰-۲۱.

۲- مرقس ۱: ۱۵.

۳- متی ۱۳: ۴۰-۴۳.

اما نکته ای که نباید از نظر دور داشت این است که، علاوه بر واژه «ملکوت خدا»، واژه های دیگری نیز بر وجود حکومتی الهی و خدایی بر روی زمین پس از بازگشت عیسی دلالت می کند.

عموم مسیحیان بر این عقیده اند که در آینده روزی فرا خواهد رسید که حکومت اخلاقی خداوند بر سرتاسر زمین جاری گردد. عبارات «حکومت و سلطنت الهی»، «سلطنت آسمان ها» و «ملکوت الهی»، به طور مکرر در انجیل ها به چشم می خورد و واقعیت حکومت نهایی خدا (سلطنت یا ملکوت الهی)، بدون شک مهم ترین اعتقاد مسیحیان است. (۱)

## ۱-۲-۴-۵. مشخصه های حکومت خداوند

### اشاره

از منظر عهد جدید، حکومت و سلطنت الهی که با بازگشت مسیح برقرار می گردد، دارای ویژگی هایی است. از جمله:

### ۱-۱-۲-۴-۵. سلطنت هزارساله

سلطنت هزارساله که شش بار در عهد جدید و در کتاب مکاشفه به کار گرفته شده است، به معنای حکومت یک هزار ساله است و اشاره به طول نمادین ملکوت خدا دارد.

در مکاشفه یوحنا آمده است: «خوشبخت و مقدس اند، آنانی که در این قیامت اول سهمی دارند. اینان از مرگ دوم هیچ هراسی ندارند، بلکه کاهنان خدا و مسیح بوده، با او هزار سال سلطنت خواهند کرد». (۲)

از این روی، «هزاره باوری» و «هزاره گرایی»، به عنوان یک اصل دینی، در محافل مسیحی مجال ظهور یافته است.

هزاره گرایی را می توان به سه شاخه تقسیم کرد: پیشاهزاره گرایی، نفی هزاره گرایی و پساهزاره گرایی.

ص: ۲۲۵

---

۱- رحیم کارگر، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۱۰۰.

۲- مکاشفه ۶:۲۰.

پیشاهزاره گرایی بر این باور است که حکومت هزارساله مسیح، در پایان جهان بر روی زمین تشکیل خواهد شد. اما نفی کنندگان هزاره گرایی معتقدند که "هزارسال"، بیشتر یک استعاره است و به معنای همیشگی است و بنابراین، معنایی سمبلیک دارد. این گروه برخلاف پیشاهزاره گرایان، قلمرو خداوند را کاملاً زمینی تصور نمی کنند، بلکه آن را بیشتر آسمانی می پندارند؛ به این معنا که شهر زمینی و شهر آسمانی همیشه از یک دیگر جدا هستند شاخه سوم یا همان پساهزاره گرایان، تلفیقی از شاخه های اول و دوم است. وجه مشترک این گروه با نفی هزاره باوری در این است که هر دو گروه معتقدند بسیاری از پیش گویی های عهد عتیق در روی زمین به وقوع می پیوندد. پساهزاره گراها معتقدند مباحثی که در انجیل آمده است، نه صرفاً سمبلیک و غیر واقعی اند و نه کاملاً واقعی و عینی، بلکه در مواردی سمبلیک، و در مواردی عین واقع اند. (۱)

## ۲-۱-۲-۴-۵. برپا شدن عدالت

از ویژگی های برجسته سلطنت یا ملکوت الهی، برپا شدن عدالت و رعایت عدل و انصاف می باشد.

عیسی خطاب به شاگردانش «در موعظه سرکوه» می گوید:

«خوشا به حال ماتم زدگان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت،

خوشا به حال فروتنان، زیرا ایشان مالک تمام جهان خواهند گشت،

خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا سیر خواهند شد.» (۲)

انجیل متی، پیش گویی اشعیای نبی را بر حضرت عیسی (ع) تطبیق می کند که می فرماید:

«این است بنده من که او را برگزیده ام؛ او محبوب من است و مایه شادی من. من او را از روح خود پرمی سازم تا قوم ها را داوری کند. نه می جنگد و نه فریاد می کشد، و نه صدایش را کسی می شنود. شخص ضعیف را از پای در نمی آورد و امید مردم را - هر قدر نیز که کوچک

ص: ۲۲۶

---

۱- شجاع احمدوند و احمدعزیزخانی، "آخرالزمان در نگاه مکتب صهیونیسم مسیحی"، ص ۱۱۹.

۲- متی ۵: ۴-۶.

باشد- از بین نمی برد. با پیروزی خود، به تمام بی عدالتی ها خاتمه خواهد داد و مایه امید تمام قوم ها خواهد بود»<sup>(۱)</sup>.

### ۳-۱-۲-۴-۵. از بین رفتن شرارت و گناه

در باب بیستم از مکاشفه یوحنا آمده است که پس از بازگشت مسیح، شیطان (اژدها) به مدت هزارسال در بند می شود:

«سپس فرشته ای را دیدم که از آسمان پایین آمد. او کلید چاه بی انتها را همراه می آورد و زنجیری محکم نیز در دست داشت. او اژدها را گرفت و به زنجیر کشید و برای مدت هزارسال به چاه بی انتها افکند. سپس در چاه را بست و قفل کرد، تا در آن هزار سال نتواند هیچ قومی را فریب دهد. پس از گذشت این مدت، اژدها برای مدت چند لحظه آزاد گذاشته خواهد شد. اژدها همان مار قدیم است که اهریمن و شیطان نیز نامیده می شود»<sup>(۲)</sup>.

بنابراین، با دربندشدن شیطان در ابتدای سلطنت هزارساله، همه فعالیت های ارواح شریر نیز قطع می شود و دیگر شیطان یا ارواح شریر، انسان ها را به گناه و شرارت تحریک نخواهند کرد و هر گناهی که از انسان ها سرزنند، ناشی از دل و درون آن هاست. این وضع، دنیایی را ممکن می سازد که در آن همه از شرارت و گناه فاصله می گیرند و جامعه انسانی به حد بالایی از اخلاق و معنویت دست خواهد یافت.

درنامه اول پولس به مسیحیان قرن تس آمده است:

«مگر نمی دانید که مردم نادرست از برکات سلطنت خدا بی نصیب خواهند ماند؟ خود را فریب ندهید! شهوت رانان، بت پرستان، زانیان و آنانی که به دنبال زنان و مردان بدکاره می

ص: ۲۲۷

---

۱- متی ۱۲: ۱۸-۲۱.

۲- مکاشفه یوحنا ۲۰: ۱-۳.

افتند، و همین طور دزدان، طمع کاران، مشروب خواران و کسانی که به دیگران تهمت می زنند و یا مال مردم را می خورند، در دنیای جدیدی که خدا سلطنت می کند، جایی نخواهند داشت»<sup>(۱)</sup>.

#### ۴-۱-۲-۴-۵. برقراری امنیت و آرامش

با آمدن مسیح، جهان آکنده از صلح و داد و آبادی و عمران می شود، جنگ و ستیزه جویی از بین می رود، و همه در آسایش و آرامش زندگی می کنند.

پولس در نامه دوم خود به مسیحیان تسالونیک می نویسد:

«بنابراین، به شما که رنج و آزار می بینید، اعلام می دارم که وقتی عیسی - خداوند- به ناگاه در میان شعله های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود، خدا به ما و به شما آسودگی خواهد بخشید»<sup>(۲)</sup>.

عهد قدیم نیز مژده دوران آرامش را این گونه بیان می کند:

«در آن زمان، گریه و بره در کنار هم به سر خواهند برد، پلنگ و بزغاله با هم خواهند خوابید، گوساله با شیر راه خواهد رفت و یک کودک آنها را به هر جا که بخواهد، خواهد راند»<sup>(۳)</sup>.

«جنگ و خون ریزی از جهان رخت برمی بندد و امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهد آموخت»<sup>(۴)</sup>.

ص: ۲۲۸

---

۱- اول قرن تیان ۶: ۹-۱۰.

۲- دوم تسالونیکیان ۱: ۷.

۳- اشعیا ۱۱: ۶.

۴- اشعیا ۲: ۴.



وقتی مسیح به زمین بازگردد، تغییر چشم گیری نیز در کل خلقت ایجاد می شود؛ در نتیجه برکت حضور مسیح، زمین های خشک سرسبز می شود و بیابان ها مسکونی خواهد شد و زمین ثمردهی فوق العاده پیدا می کند و در نتیجه، نعمت ها و برکات وافر می شود.

«در بیابان چشمه ها و در صحرا، نهراها جای خواهند شد، شوره ار به برکه و زمین خشک و تشنه به چشمه تبدیل خواهند گردید».<sup>(۱)</sup>

بیان شد که مهم ترین عملکرد مسیح پس از بازگشت، «داوری امت ها» است. در عهد جدید، آمده است که مسیح در زمان ظهور ثانوی خود، امت ها را مورد داوری قرار می دهد و آن هایی که به مسیح ایمان آورده اند، به برکات سلطنت هزارساله داخل خواهند گردید، و دیگران (یعنی غیر ایمان داران) همه کشته خواهند شد.

در مکاشفه یوحنا آمده است که عیسی مسیح پس از بازگشت، مخالفان را مجازات کرده، با عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد.

در نامه دوم پولس به مسیحیان تسالونیکي آمده است:

«بنابراین، به شما که رنج و آزار می بینید، اعلام می دارم که وقتی عیسی - خداوند- به ناگاه در میان شعله های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود، خدا به ما و به شما آسودگی خواهد بخشید؛ اما آنانی را که از شناختن خدا و پذیرش خدا و پذیرش نقشه نجات او توسط عیسی مسیح سرباز می زنند، به کیفر خواهد رسانید؛ ایشان به مجازات جاودانی

ص: ۲۲۹

خواهند رسید و تا ابد از حضور خداوند دور خواهند ماند و هرگز شکوه و عظمت قدرت او را نخواهند دید»<sup>(۱)</sup>.

در مکاشفه یوحنا بیان شده است:

«از دهان او شمشیر تیزی بیرون می آید تا با آن قوم های بی ایمان را سرکوب کند. او با عصای آهنین بر آنان حکمرانی خواهد نمود و با پای های خود شراب خشم خدای توانا را در چرخشت خواهد فشرد»<sup>(۲)</sup>.

#### ۷-۱-۲-۴-۵. حکومت صالحان

از مفاهیم کلیدی و پراهمیت عهد جدید که در رسایل پولس، دامنه بیشتری یافته است، اجتماع ایمان داران با مسیح است. مسیح پس از بازگشت، تمام مقدسین جفادیده را به دور هم جمع خواهد نمود و آنان در جلال و پادشاهی مسیح شریک شده، همراه با او سلطنت خواهند کرد.

در مکاشفه یوحنا آمده است:

«و ایشان (رهبران ایمان داران) را برای خدای ما (مسیح) کاهن ساختی و به سلطنت رساندی از این رو، بر زمین سلطنت خواهند کرد»<sup>(۳)</sup>.

پولس در نامه اش به مسیحیان روم می نویسد:

«پس هنگامی که ما (ایمان داران) را برگزید، ما را به نزد خود فراخواند؛ و چون به حضور او آمدیم، ما را در «بی گناه» به حساب آورد و وعده داد که ما را در شکوه و جلال خود شریک سازد»<sup>(۴)</sup>.

در مکاشفه یوحنا آمده است:

ص: ۲۳۰

---

۱- دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۹.

۲- مکاشفه ۱۹: ۱۵.

۳- مکاشفه ۵: ۱۰.

۴- رومیان ۸: ۳۰.

«آن گاه تخت هایی دیدم و کسانی بر آن ها نشستند و به ایشان اختیار و قدرت دادرسی دادند. سپس جان های کسانی را دیدم که به سبب اعلام پیغام عیسی و کلام خدا سربریده شدند. هم چنین، جان های آنانی را دیدم که جاندار خبیث و مجسمه اش را نپرستیده بودند و علامتش را برپیشانی و دست های خود نداشتند. اینان همگی، زندگی را از سر نو آغاز کردند و با مسیح هزار سال سلطنت نمودند.

این «قیامت اول» است. قیامت بعدی در پایان آن هزار سال رخ خواهد داد؛ در آن زمان، بقیه مردگان زنده خواهند شد.

خوشبخت و مقدساتانی که در این قیامت اول سهمی دارند؛ اینان از مرگ دوم هیچ هراسی ندارند، بلکه کاهنان خدا و مسیح بوده، با او هزار سال سلطنت خواهند کرد» (۱).

## ۵-۵. جهان در آستانه برپایی قیامت

حکومت هزارساله ای که با بازگشت مسیح به وجود آمد، طبق مکاشفه ۷:۲۰-۹، با قیامی که علیه مسیح برپا خواهد شد، به پایان خواهد رسید. این قیام در نتیجه آزاد شدن شیطان واقع خواهد گردید. او که در سرتاسر ایام حکومت هزارساله در بند شده بود، بلافاصله پس از آزاد شدن، بسیاری را بر روی زمین علیه مسیح خواهد شورانید.

آنانی که تحت رهبری شیطان بر ضد مسیح قیام می کنند، شهر مقدس را محاصره کرده، می کوشند آن را با توسل به زور تسخیر نمایند، ولی از آسمان آتش نازل شده، آن ها را هلاک می کند. با نابود شدن لشکر مذکور، خود شیطان نیز به دریاچه آتش افکنده می شود؛ یعنی همان جایی که وحش و نبی کاذب، هزارسال قبل از این بدان افکنده شدند.

«پس از پایان آن هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد. او بیرون خواهد رفت تا قوم های گوناگون، یعنی جوج و مأجوج را فریب داده، برای جنگ متحد سازد. آنان سپاه

ص: ۲۳۱

عظیمی را تشکیل خواهند داد که تعدادشان همچون ماسه های ساحل دریا بی شمار خواهد بود. ایشان در دشتی وسیع خلق خدا و شهر محبوب اورشلیم را از هر سو محاصره خواهند کرد. اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد بارید و همه را خواهد سوزاند.

سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش، همان جایی است که با گوگرد می سوزد، و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او، شبانه روز تا به ابد، در آن جا عذاب می کشند» (۱).

پس از آن، روز داوریِ آخر می رسد. توصیف بسیار روشنی از داوری نهایی مردگان در مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵ آمده است؛ تخت بزرگ سفید، مستقر در فضا تصویر شده و آسمان و زمین، هر دو از آن می گریزند و ظاهراً نیست و نابود می گردند. مردگان پس از این که قیام داده شدند، در مقابل این تخت حاضر می شوند و سپس بر اساس اعمالشان مورد داوری قرار می گیرند. هرکسی که نامش در دفتر حیات یافت نشود، به دریاچه آتش افکنده می شود. در عین حال که مجادلاتی درباره ماهیت دقیق دفتر حیات وجود دارد، شکی نمی توان داشت که در این مورد عدم وجود اسامی اشخاص در دفتر حیات، به روشنی حکایت از آن دارد که آن ها نجات نیافته اند. ایشان بر این اساس به دریاچه آتش افکنده می شوند تا به شیطان، وحش و نبی کاذب بپیوندند.

«آن گاه تخت بزرگ سفیدی را دیدم. بر آن تخت کسی نشسته بود که زمین و آسمان از روی او گریختند و ناپدید شدند. سپس مرده ها را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده اند. دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر زندگان رسید. مردگان همگی بر طبق نوشته های این دفترها محاکمه شدند. بنابراین، دریا، زمین و قبرها، مرده هایی را که در خود داشتند، تحویل دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند. آن گاه مرگ و دنیای مردگان به

ص: ۲۳۲

دریاچه آتش افکنده شد. این است مرگ دوم، یعنی همان دریاچه آتش. هر که نامش در دفتر زندگان نبود، به دریاچه آتش افکنده شد» (۱).

پس از آن، همه چیز تازه شده، زمین و آسمان جدید خلق می شود. باب های ۲۱ و ۲۲ مکاشفه، تصویر وضعیت ابدی را که پس از سلطنت هزارساله فرا می رسد، ترسیم می نماید.

آسمان و زمین کهنه نابود گردیده، آسمان و زمین جدیدی ساخته خواهد شد که وضع آن کاملاً با زمین کنونی فرق دارد. آسمان و زمین جدید، اورشلیم آسمانی یا سماوی را در خود جای می دهد. این شهر همچون عروسی توصیف شده که خود را برای داماد خود آراسته است. در این وضعیت مبارک جدید، خدا با قوم خود مشارکت و هم نشینی خواهد داشت و در صحنه جهان حاضر خواهد بود. غم و اندوه، دیگر وجود نخواهد داشت و شرارت و بی ایمانی امکان ظهور پیدا نخواهد کرد و همه خواهند توانست از برکاتی که خدا بر آن ها افاضه می نماید بهره مند گردند.

«سپس زمین و آسمان تازه ای را دیدم، چون آن زمین و آسمان اول ناپدید شده بود. از دریا هم دیگر خبری نبود. و من، یوحنا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می آمد. چه منظره باشکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات با داماد آماده کرده باشد!

از تحت، صدایی بلند شنیدم که می گفت: خوب نگاه کن! خانه خدا از این پس در میان انسان ها خواهد بود. از این پس خدا با ایشان زندگی خواهد کرد و ایشان خلق های خدا خواهند شد. بلی، خود خدا با ایشان خواهد بود. خدا تمام اشک ها را از چشمان آن ها پاک خواهد

ص: ۲۳۳

ساخت. دیگر نه مرگی خواهد بود و نه غمی، نه ناله ای و نه دردی، زیرا تمام این ها متعلق به دنیای پیشین بود که از بین رفت.»<sup>(۱)</sup>

در این وضعیت ابدی است که وعده اول قرنیتان ۲۴:۱۵ تحقق پیدا می کند و یک جهان فتح شده توسط مسیح، تسلیم خدا می گردد.

«پس از آن، آخرت فرا خواهد رسید. در آن زمان، مسیح تمام دشمنان خود را نابود خواهد ساخت و سلطنت را به خدای پدر واگذار خواهد کرد، زیرا سلطنت مسیح تا زمانی خواهد بود که همه دشمنان خود را نابود سازد ... سرانجام، وقتی مسیح بر تمام دشمنان خود پیروزی یافت، آن گاه خود او نیز که فرزند خداست، خود را تحت فرمان پدرش خدا قرار خواهد داد، تا خدا که او را بر همه چیز مسلط ساخته بود، بر کل عالم هستی حاکم شود.»<sup>(۲)</sup>

## ۶-۵. جمع بندی

با توجه به مطالبی که گذشت و با مطالعه دقیق عهد جدید، نکات زیر به دست می آید:

۱- برجسته ترین موضوع در عهد جدید، مسأله «بازگشت مسیح» است، اما تحولات پس از بازگشت مسیح موضوع پررنگی در عهد جدید نیست. به جز مسأله «داوری»، «مجازات بدکاران و پاداش ایمان داران»، و «سلطنت هزارساله» که در مکاشفه یوحنا به آن اشاره شده، تحولات دیگری مورد تأکید عهد جدید قرار نگرفته و لذا موقعیت فرهنگی جهان پس از بازگشت مسیح، تصویر شفاف و روشنی در عهد جدید ندارد و تنها از طریق اشاراتی می توان جایگاه برخی از مؤلفه های فرهنگی را در آن زمان مشخص نمود. این ابهام و کلی گویی در عهد جدید، در حالی است که در متون اسلامی، جامعه پس از ظهور منجی به وضوح ترسیم شده و به تمام زوایا و ویژگی های آن پرداخته شده است؛ به عنوان نمونه، «علم» به منزله یکی از اصلی ترین مؤلفه های

ص: ۲۳۴

---

۱- مکاشفه ۲۱: ۱-۴.

۲- اول قرنیتان ۱۵: ۲۴-۲۸.

فرهنگ در جامعه پس از ظهور حضرت مهدی (عج) اهمیت ویژه ای داشته، احادیث و روایات زیادی پیرامون جایگاه آن در حکومت حضرت مهدی (عج) بیان شده است، در حالی که به جرأت می توان گفت که در عهد جدید هیچ سخنی از آن به میان نیامده است. در خصوص دیگر مؤلفه های فرهنگی، می توان به این نتایج دست یافت:

با توجه به این مطلب که پس از بازگشت مسیح، تنها ایمان آورندگان به او زنده می مانند<sup>(۱)</sup> و مسیح، بی دینی را داوری و نابود خواهد کرد<sup>(۲)</sup>، می توان به حاکمیت دین واحد در جامعه پس از بازگشت منجی پی برد. در مورد وضعیت اخلاق، می توان بیان کرد که با توجه به اسارت هزارساله ی شیطان<sup>(۳)</sup>، شرارت و گناه برچیده شده، زمین از فاسدان پاک می شود و در حکومت جدید، جایی برای مفسدان نمی ماند.<sup>(۴)</sup>

راجع به امنیت، تنها در نامه دوم پولس به مسیحیان تسالونیک<sup>(۵)</sup>، به آسودگی یافتن ایمان داران پس از بازگشت مسیح اشاره شده است.

موضوع «برکت و رفاه اقتصادی» و همین طور «بهداشت»، هرچند در عهد قدیم به خوبی مورد توجه قرار گرفته و راجع به فراوانی نعمت ها<sup>(۶)</sup> و از بین رفتن بیماری ها، به عنوان ثمرات ظهور مسیح سخن به میان آمده است، اما در عهد جدید مطلبی در این باره نمی توان یافت.

۲- علاوه بر این که عهد جدید پرداخت صریح و روشنی از وضعیت فرهنگی پس از بازگشت مسیح ندارد، مطلب مهم تر این است که اساساً در ارتباط با «تشکیل حکومت» توسط حضرت

ص: ۲۳۵

۱- نک: متی ۲۵: ۳۱-۴۶.

۲- نک: دوم تسالونیکیان ۲: ۷-۹؛ مکاشفه ۶: ۱۶-۱۷ و ۱۱: ۱۸ و ۱۷: ۱۴ و ۱۹: ۲۰ و ۲۰: ۳.

۳- نک: مکاشفه ۲۰: ۲-۳.

۴- نک: اول قرنتیان ۶: ۹-۱۰.

۵- نک: دوم تسالونیکیان ۱: ۷.

۶- نک: اشعیا ۳۵: ۷-۱۰.

مسیح، و یا به عبارتی، «پادشاهی و سلطنت هزارساله» ابهام جدی وجود دارد و آن قدر که بر رسالت «داوری» او پس از بازگشت تأکید و اصرار شده، بر حکومت و پادشاهی وی چنین ابرامی نرفته است و مسأله سلطنت و حکومت مسیح، بیشتر در آموزه های یهودی مطرح است تا مسیحیت. در مزامیر داود آمده است:

«سلطنت پادشاه ما، همچون بارانی که بر گیاهان می بارد و مانند بارش هایی که زمین را سیراب می کند، پربرکت خواهد بود. در زمان حکومت او، مردم خداشناس کامیاب خواهند شد و تا وقتی که ماه باقی باشد، صلح و سلامتی برقرار خواهد بود...» (۱).

کلیسا نیز در آغاز همان سلطنت مسیح و پادشاهی خداوندگار را مطرح می ساخت، همان گونه که در مکاشفه یوحنا به سلطنت هزارساله مسیح اشاره شده است. پس چون قرن های متمادی گذشت و از سلطنت مسیح خبری نشد و هنوز هم پس از دوهزار سال اثری ظاهر نشده است، با استفاده از تذکر انجیل لوقا، حکومت خدا را یک دولت روحانی تعبیر کرد که مقید به زمان و مکان نیست و در دل مؤمنان برپا خواهد شد. (۲)

در انجیل لوقا آمده است:

«روزی بعضی از فریسیان از عیسی پرسیدند: ملکوت خدا کی آغاز خواهد شد؟ عیسی جواب داد: ملکوت خدا با علایم قابل دیدن آغاز نخواهد شد! و نخواهند گفت که در این گوشه یا آن گوشه زمین آغاز شده

است، زیرا ملکوت خدا در میان شماست.» (۳)

ص: ۲۳۶

---

۱- نک: مزامیر ۷۲: ۶-۷.

۲- رحیم کارگر، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، ص ۱۰۹.

۳- لوقا ۱۷: ۲۰-۲۱.



گفتنی است کلیسا هیچ گاه امید آمدن مجدد عیسی را از دست نداد- و هنوز هم به آن اعتقاد دارد- اما رفته رفته تأکید تعالیم خود را از این امیدواری برگرفت و به آینده افکند و بیشتر و بیشتر به سوی این باور رفت که عیسی قادر است اکنون مؤمنان را رستگاری دهد. (۱)

خود عیسی نیز به صراحت اشاره می کند که برای پادشاهی نیامده است:

«من یک پادشاه دنیوی نیستم؛ اگر بودم، پیروانم می جنگیدند تا در چنگ سران قوم یهود گرفتار نشوم؛ پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست.» (۲)

مخالفت یهودیان با عیسی نیز به این دلیل بود که او نشانه های مسیح و منجی مورد انتظار آن ها را نداشت، زیرا او جنگ نکرد و پادشاهی تشکیل نداد.

به طور کلی، مطلبی که از آموزه های عهد جدید قابل استنتاج است، این که: هرچند میان بازگشت مسیح و تحقق سلطنت خدا رابطه برقرار است، اما چگونگی تحقق ملکوت خدا یا سلطنت الهی از نظر مسیحیان مبهم است. اما مسأله جالب توجه این است که از سخنان عیسی راجع به ملکوت خدا می توان فهمید خود عیسی نیز منتظر ظهور قریب الوقوع حکومت خدا بوده است و عباراتی که در این زمینه بیان می نموده، برای شخص غایب بوده است و نه خودش؛ ویژگی ها و صفات برشمرده شده در مورد منجی موعود، با شخص دیگری- به غیر از مسیح- تطبیق می یابد. مسترهاکس، در قاموس کتاب مقدس بیان می کند:

کلمه پسر انسان، هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق است. (۳)

به نظر می رسد آن شخص، حضرت مهدی (عج) است که عیسی -ع- نیز به یاری او خواهد شتافت و در بازگشت نهایی خود، به عنوان وزیر و مشاور او عمل خواهد کرد، و این موضوعی

ص: ۲۳۷

---

۱- رحیم کارگر، آینده جهان، ص ۱۰۹.

۲- یوحنا ۱۸: ۳۶.

۳- مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، چاپ اول، (بیروت: اساطیر، ۱۹۲۸ م)، ص ۲۱۹.

است که روایات اسلامی به صراحت و مکرراً به آن پرداخته اند. عهد جدید نیز با تأکیدی که بر شأن «داوری و قضاوت مسیح» دارد، به تثبیت این موضوع کمک می کند.

در جمع بندی این مطلب، می توان به دیدگاه آیت الله امامی کاشانی اشاره کرد. وی می گوید:

در انجیل نوشته است که مسیح ظهور خواهد کرد. این یک حقیقت است، ولی مسیحیان همین بحث را غالباً به حکومت جهانی تعبیر نمی کنند. آقی رات سینگر بزرگ ترین شخصیت علمی کاتولیک است و پاپ و امثال او، نظر علمی را از وی می گیرند. وقتی با او صحبت کردم، دیدم زیر بار حکومت نمی رود و حکومت جهانی را نمی پذیرد. او می گفت که مسیح ظهور خواهد کرد، ولی آن را به اسکاتولوژی - که همان عالم آخرت باشد - وصل می کرد. می گفت در عالم آخرت است که عدل خداوند ظهور تام دارد و حضرت مسیح، مجری عدل خداوند است؛ آن جاست که همه به کیفر و پاداش می رسند. (۱)

ص: ۲۳۸

---

۱- امامی کاشانی، "نحوه نگرش مسیحیت به موضوع مهدویت"، رسالت، ش ۵۴۰۲.

در این تحقیق، «وضعیت فرهنگی جهان از ظهور منجی تا وقوع قیامت»، با تکیه بر متون اسلامی و عهد جدید، مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل موضوع از منظر متون اسلامی در سه بازه زمانی «آستانه ی ظهور»، «پس از ظهور» و «از پایان زندگی امام تا وقوع قیامت» صورت پذیرفت که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

بر اساس تصویری که روایات اسلامی از وضعیت جهان در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارائه و ترسیم می کند، می توان دریافت که در آن زمان:

- دین در انزوا قرار گرفته، دچار انحراف می شود.

- بی اخلاقی بر روابط انسان ها حاکم می شود و اخلاق جایگاه خود را از دست می دهد.

- علم جای خود را به جهل داده، علما به فساد و خیانت روی می آورند.

- جنگ های بزرگ و کشتارهای وسیع، موجبات بروز ناامنی را فراهم می آورد.

- قطحی و گرانی و گرسنگی شایع می شود.

- دولت مردان فاسق حکومت کرده، حکومت ها پایداری و استقرار خود را از دست می دهند و حکومت های چندروزه و چندماهه به وجود می آید.

- بیماری ها شیوع پیدا می کند و مرگ های زودرس و ناگهانی زیاد می شود.

این هاهمه، حکایت از وضعیت نامطلوب و نابه سامان فرهنگی جهان، در سال های نزدیک ظهور می کند. اما با ظهور منجی، اوضاع به یک باره دگرگون شده، تحولات شگرفی در همه ابعاد زندگی بشری ایجاد می شود. پس از ظهور منجی، تحولات گسترده و عمیقی در همه مؤلفه های فرهنگی ایجاد می شود که مجموع این تحولات، منجر به یک جهش فرهنگی شده، جهان را در یک موقعیت فرهنگی بسیار مطلوب، بلکه ایده آل قرار می دهد. در واقع با ظهور منجی:

- دین احیا می شود، مردم به گونه بی سابقه ای به اسلام روی می آورند و به تدریج دین اسلام فراگیر شده، بر سایر ادیان غلبه می کند و در نهایت، تنها دین اسلام بر جهان حاکمیت می یابد. در فراگیری و غلبه اسلام، اجبار و اکراه جایگاهی نداشته، حاکمیت جهانی اسلام حیات اقلیت های دینی را نفی نمی کند.

- در حوزه اخلاق، با از بین رفتن مفاسد و انحرافات اخلاقی - از طریق اصلاح در بینش ها و گرایش های جامعه و همین طور اجرای حدود و احکام الهی - اخلاق جایگاه شایسته خود را می یابد و با افزایش اخلاق گرایی در جامعه، روابط انسان ها بر مبنای اخلاق شکل گرفته، فساد، دروغ، خیانت، کینه و دشمنی، از جامعه رخت برمی بندد و جای خود را به پاکی، صداقت، گذشت، صفا و صمیمیت می دهد و ارزش های انسانی و الهی در تمام ساحت های بشری احیا می شود.

- در روزگار پس از ظهور، با رشد دوازه برابری دانش، جهان شاهد یک جهش علمی در تمامی ابعاد خواهد بود و در اوج قدرت و پیشرفت علمی قرار می گیرد.

- حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور، دولتی فضیلت گرا و دینی، بر پایه آموزه های اسلام بنا می نهند که برپایی عدالت در رأس اهداف آن قرار دارد. بر اساس تعداد زیادی از آیات و روایات، دولت و حکومت مهدوی گستره ای جهانی داشته، تمام جوامع بشری را در برمی گیرد.

- قضاوت در دولت مهدوی بر اساس یک نظام قضایی صحیح و نیرومند صورت می گیرد که در آن، حقایق و واقعیات مبنای قضاوت قرار می گیرد و اشتباهات قضایی به صفر میل می کند و مجرمین با پیشرفته ترین وسایل ردیابی می شوند.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در رأس نظام قضایی قرار دارند، گاه در داوری های خود از روش حضرت داود و حضرت سلیمان (علیهما السلام) استفاده می کنند، و آن داوری، بدون نیاز به شاهد و بینه، و با علم به واقعیت و حقیقت است.

مسأله قضاوت زنان و همین طور، قضاوت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در میان اهل کتاب با استفاده از کتب آسمانی خودشان، از دیگر مطالبی است که در بخش قضاوت به آن ها پرداخته شد.

- از دیگر تحولات عصر ظهور، تحول اقتصادی است. در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از طرفی، با آفات اقتصادی، مثل ربا، رشوه، رانت و عدم پرداخت زکات مبارزه می شود، و از سوی دیگر، با اجرای عدالت اقتصادی، ثروت و امکانات درآمدها، به نحو عادلانه بین همگان توزیع می شود.

بر اساس روایات، در عصر ظهور آسمان و زمین برکاتشان را نازل کرده، توسعه کشاورزی، دامپروری و تجارت، سبب تولید روزافزون ثروت می شود. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این ثروت ها را آن چنان به همگان می بخشند که فقر ریشه کن شده، هیچ مستحق زکاتی یافت نمی شود.

- امنیت عصر ظهور، امنیتی است که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است. امنیتی فراگیر، و در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، معنوی، علمی و فرهنگی، قضایی و حقوقی، در تمام جهان حکم فرما شده، راه ها امن می شوند، درندگان سازش می کنند و بر جهان، صلح و صفا و آرامش استقرار می یابد.

- در عصر ظهور، جامعه از نظر بهداشت جسمی و روانی به سطحی ایده آل می رسد. بیماری ها از بین می روند و هیچ مبتلابی باقی نمی ماند. توانایی، جایگزین ضعف و ناتوانی شده، عمرها طولانی می شود.

و در نهایت، برآیند این تحولات، جهان را به لحاظ فرهنگی در سطح آرمانی، مطلوب و بی نظیری قرار می دهد که حتی تصورش هم موجب وجد و سرور می شود.

اما در پاسخ به این سؤال که آیا موقعیت مطلوب فرهنگی عصر ظهور پس از پایان زندگی امام هم ماندگار خواهد بود و دولت کریمه مهدوی (علیه السلام) تا برپایی قیامت، تداوم و ثبات خواهد داشت، باید اذعان کرد دست یابی به موقعیت فرهنگی جهان پس از امام، از طریق

بررسی مؤلفه های فرهنگی در آن زمان، امر ناممکنی می نماید، زیرا از طریق روایات، در این مورد، اطلاعاتی قابل دریافت نیست و لذا از طریق بررسی وضعیت حاکمیت جهان پس از امام، شاید بتوان به صورت اجمالی به نتایجی دست یافت.

در مورد وضعیت حاکمیت پس از امام، سه نظریه مختلف از روایات قابل استنباط است.

۱- رجعت یا بازگشت معصومین (علیهم السلام) به دنیا، برای به دست گرفتن رهبری و حاکمیت جهان؛

۲- به حاکمیت رسیدن اولیای صالح (دوازده مهدی) پس از امام؛

۳- برپا شدن قیامت، چهل روز پس پایان یافتن زندگی امام.

با بررسی روایات ذیل هر کدام از حالت های سه گانه بالا به دست می آید که:

گرچه مطابق نقل علما، روایات رجعت از لحاظ تعداد و صحت سند و متن و اتفاق نظر علما، بر دیگر روایات رجحان دارد، اما اگر در مقام انتخاب قطعی و یقینی یکی از این نظریات نباشیم، باید اذعان کرد که تحقق هر کدام از حالت های سه گانه مذکور، به طور کلی و اجمالی، بر استمرار حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا پایان جهان دلالت می کند و روایات عدیده ای را نیز می توان شاهد بر این ادعا گرفت.

پس از بررسی موضوع از منظر متون اسلامی، عهد جدید - کتاب مقدس مسیحیان - مبنای بررسی قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

از منظر عهد جدید در آستانه بازگشت منجی؛

تعداد انبیای کاذب افزایش یافته، خطر بدعت در کلیسا زیاد می شود؛ تعالیم غلط مذهبی انتشار می یابد و به امور دینی و قوانین الهی بی توجهی می شود. ایمان داران مسیحی نیز مورد جفا قرار می گیرند و بدین ترتیب، دین با چالش و تهدید مواجه می شود.

روابط انسانی به سردی می گراید، محبت و عواطف خانوادگی کاهش می یابد، و بر روابط انسانی، بی اخلاقی حاکم می شود.

جنگ های بزرگ و وحشتناک کشته های بسیار می گیرد و امنیت انسان ها به مخاطره می افتد.

در روزهای آخر، شخص بی دین و شریری فرمانروای جهان می شود و حکومت در دست شیران قرار می گیرد.

عذاب های الهی به منظور تنبه و بیداری انسان ها نازل می شود، اما مؤثر واقع نمی گردد و به این ترتیب، وضعیت فرهنگی جهان در آستانه بازگشت مسیح، به هم ریخته و نامطلوب است.

این تصویر کاملاً قابل انطباق با تصویری است که از روایات اسلامی مربوط به آستانه ظهور به دست می آید.

شاید بتوان گفت مسأله «بازگشت مسیح» برجسته ترین موضوع در مجموعه کتاب های عهد جدید است، اما راجع به وضعیت فرهنگی پس از بازگشت مسیح، پرداخت صریح و روشنی در عهد جدید صورت نگرفته و تنها از طریق اشاراتی می توان جایگاه برخی از مؤلفه های فرهنگی را در آن زمان مشخص نمود.

با توجه به این مطلب که پس از بازگشت مسیح، تنها ایمان آورندگان به او زنده می مانند و مسیح، بی دینی را داوری و نابود خواهد کرد، می توان به حاکمیت دین واحد در جامعه پس از بازگشت منجی پی برد.

در مورد وضعیت اخلاق، می توان بیان کرد که با توجه به اسارت هزارساله ی شیطان، شرارت و گناه برچیده شده، زمین از فاسدان پاک می شود و در حکومت جدید، جایی برای مفسدان نمی ماند.

راجع به امنیت، تنها در نامه دوم پولس به مسیحیان تسالونیک، به آسودگی یافتن ایمان داران پس از بازگشت مسیح اشاره شده است.

موضوع «برکت و رفاه اقتصادی» و همین طور «بهداشت»، هرچند در عهد قدیم به خوبی مورد توجه قرار گرفته و راجع به فراوانی نعمت ها و از بین رفتن بیماری ها، به عنوان ثمرات ظهور مسیح سخن به میان آمده است، اما در عهد جدید مطلبی در این باره نمی توان یافت.

این کلی گویی و ابهام راجع به تحولات پس از بازگشت مسیح در عهد جدید، در حالی است که روایات اسلامی به روشنی و وضوح، جهان پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به تصویر کشیده اند.

از این مطلب که بگذریم، دو هدف به عنوان اهداف اساسی «بازگشت مسیح» مورد تأکید عهد جدید قرار گرفته است:

(۱) بازگشت مسیح برای قضاوت و داوری؛

(۲) بازگشت مسیح برای برقرار ساختن ملکوت خداوند

قضاوت و داوری مسیح در دو مرحله، یکی هنگام بازگشت (داوری اول) و دیگری در آستانه وقوع قیامت (داوری نهایی) صورت می گیرد و بر اساس این داوری ها، نیکان پاداش و بدان کیفر داده می شوند.

راجع به برقرار ساختن ملکوت خداوند یا سلطنت الهی، ابهامات زیادی وجود دارد؛ گاهی ملکوت امری باطنی و ایمانی است که با تحقق یافتن ایمان در دل حاصل می شود، در بعضی موارد ملکوت به اقتدار و حاکمیت کلی خدا و فرمانروایی او بر جهان هستی و یا حکومت او بر قلب ها مربوط شده و به عبارتی، به حکومت روحانی خداوند اشاره دارد، و در مواردی دیگر به حکومت و سلطنتی زمینی، همچون حکومت حضرت داوود (علیه السلام) اشاره می کند.

بنابراین، هرچند میان بازگشت مسیح و تحقق ملکوت یا سلطنت الهی رابطه برقرار است، اما چگونگی تحقق ملکوت خدا از نظر مسیحیان مبهم است. باین همه، مسأله ای که در این رابطه جالب توجه است این است که خود عیسی (علیه السلام) به صراحت اشاره می کند که برای پادشاهی نیامده است:

«من یک پادشاه دنیوی نیستم؛ اگر بودم، پیروانم می جنگیدند تا در چنگ سران قوم یهود گرفتار نشوم؛ پادشاهی من متعلق به این دنیا نیست». (یوحنا ۱۸: ۳۶)

در عهد جدید هم، آن قدر که بر شأن «داوری» حضرت عیسی (علیه السلام) تأکید و اصرار شده، بر حکومت و پادشاهی ایشان چنین ابرامی نرفته است و مسأله سلطنت و حکومت مسیح، بیشتر در آموزه های یهودی مطرح است تا مسیحیت.

بنابراین، تأکید عهد جدید بر مسأله «قضاوت و داوری عیسی (علیه السلام) پس از بازگشت»، کاملاً منطبق بر انگاره «نزول عیسی (علیه السلام) در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و به عهده گرفتن مسؤلیتی مهم مثل فرماندهی یا قضاوت، توسط ایشان» بر اساس روایات اسلامی است.



\* قرآن کریم.

الف. منابع فارسی

۱. آشوری، داریوش. تعریف ها و مفهوم فرهنگ. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، [بی نا]، (۱۳۵۷ش).
۲. ابوالقاسمی، محمدجواد. شناخت فرهنگ. تهران: عروش پژوه، چاپ اول، (۱۳۸۵ش).
۳. افرام بستانی، فواد و مهیار، رضا. فرهنگ ابجدی. تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، (۱۳۷۵ش).
۴. اکبرنژاد، مهدی. بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، (۱۳۸۶ش).
۵. امینی گلستانی، محمد. سیمای جهان در عصر امام زمان (عج). قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، (۱۳۸۶ش).
۶. بروجردی، سید محمد ابراهیم. تفسیر جامع. تهران: انتشارات صدر، چاپ ششم، (۱۳۶۶ش).
۷. بری، آدریان. جهان در ۵۰۰ سال آینده. ترجمه دکتر کوشیار کریمی طاری، تهران: نسل نو اندیش، چاپ اول، (۱۳۷۸ش).
۸. پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول). تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، (۱۳۸۲ش).

۹. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن. برگزیده فرهنگ قرآن. قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، (۱۳۸۷ ش).
۱۰. تونهای، مجتبی. موعودنامه. قم: میراث ماندگار، چاپ سوم، (۱۳۸۵ ش).
۱۱. ثقفی تهران، محمد. تفسیر روان جاوید. تهران: انتشارات برهان، چاپ سوم، (۱۳۹۸ق).
۱۲. دوانی، علی. مهدی موعود. ترجمه جلد ۵۱ بحارالانوار، (تهران: اسلامیه، چاپ بیست و هشتم، (۱۳۷۸ش).
۱۳. رایموند، رویه، دو هزار دانشمند در جستجوی خدا، ترجمه فرامرز برزگر، تهران: انتشارات جاویدان، چاپ چهارم، (۱۳۵۸ ش).
۱۴. رضوانی، علی اصغر. موعود شناسی و پاسخ به شبهات. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، (۱۳۸۴ ش).
۱۵. رفیعپور، فرامرز. آناتومی جامعه؛ مقدمهای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: انتشار، چاپ اول، (۱۳۷۸ش).
۱۶. سلیمان، کامل. یوم الخلاص. ترجمه علی اکبر مهدی پور، تهران: نشر آفاق، چاپ سوم (۱۳۷۶).
۱۷. شریف لاهیجی، محمدبن علی. تفسیر شریف لاهیجی. تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول، (۱۳۷۳ ش).
۱۸. صدر، سیدمحمد. تاریخ پس از ظهور. ترجمه حسن سجادیپور، تهران: موعود عصر (عج)، چاپ دوم، (۱۳۸۴ ش).

۱۹. طباطبایی، سید محسن؛ عبدی چاری، مرتضی و فقیهی مقدس، نفیسه. معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت. قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول (۱۳۸۹ ش).

۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین. تفسیر المیزان. ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، (۱۳۷۴ ش).

۲۱. \_\_\_\_\_ . شیعه در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی، [بی نا]، (۱۳۶۲ ش).

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه مترجمان، تحقیق رضا ستوه، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول، (۱۳۶۰ ش).

۲۳. \_\_\_\_\_ . تفسیر جوامع الجامع. ترجمه ی مترجمان مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، (۱۳۷۷ ش).

۲۴. کارگر، رحیم. آینده ی جهان (دولت و سیاست در اندیشه ی مهدویت). قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ اول، (۱۳۸۳ ش).

۲۵. کریمی، محمد. نگاهی به سرنوشت جهان، انسان، تاریخ. مشهد: انتشارات موحد، چاپ اول، (۱۳۷۴ ش).

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی. ترجمه محمد باقر کمرهای، قم: اسوه، چاپ سوم، (۱۳۷۵ ش).

۲۷. گرجی نژاد، شیرزاد. قانون مجازات اسلامی. تهران: انتشارات طلایه، چاپ اول، (۱۳۷۵ ش).

۲۸. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی. دولت کریمه ی امام زمان (عج). قم: نشر الماس، چاپ پنجم، (۱۴۳۲ ق).

۲۹. مطهری، مرتضی. تکامل اجتماعی انسان. تهران انتشارات صدرا، چاپ ششم، (۱۳۷۰ ش).

۳۰. \_\_\_\_\_ . قیام و انقلاب مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ. تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم، (۱۳۸۹ ش).

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، (۱۳۷۴ ش).

۳۲. \_\_\_\_\_ . حکومت جهانی مهدی (عج). قم: انتشارات نسل جوان، چاپ هفتم، (۱۳۸۸ ش).

۳۳. موسوی بجنوردی، کاظم. دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، (۱۳۷۴ ش).

۳۴. میکنتاش، جون. شگفتی های کاوش جهان. ترجمه نیاز یعقوبشاهی، تهران، نشر زمانه، چاپ اول، (۱۳۷۴ ش).

۳۵. هاكس، مستر. قاموس كتاب مقدس. چاپ بیروت: اساطیر، [بی نا]، (۱۹۲۸ م).

۳۶. هیل، توماس و تورسون، استیفان. تفسیر کاربردی عهد جدید. ترجمه آرمان رشدی و فریبرز خدانی، ([بی جا]، [بی نا]، چاپ اول، (۲۰۰۱ م).

۳۷. کتاب مقدس؛ عهد قدیم و عهد جدید، ترجمه تفسیری.

ب. منابع عربی

ص: ۲۴۸

۳۸. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله . شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید. تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول، (۱۴۰۴ ق).

۳۹. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. الغیبة. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، چاپ اول، (۱۳۹۷ ق).

۴۰. ابن بابویه، علی بن حسین . الامامة و التبصرة من الحيرة. تصحیح مدرسه ی امام مهدی (عج)، قم: مدرسه الامام المهدی (عج)، چاپ اول، (۱۴۰۴ ق).

۴۱. ابن بابویه، محمد بن علی . الخصال. تصحیح علی اکبر غفاری، قم جامعه مدرسین، چاپ اول، (۱۳۶۲ ش).

۴۲. \_\_\_\_\_ . کمال الدین و تمام النعمة. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، چاپ دوم، (۱۳۹۵ ق).

۴۳. \_\_\_\_\_ . علل الشرائع. قم: داوری، چاپ اول، (۱۳۸۵ ش).

۴۴. \_\_\_\_\_ . عیون اخبار الرضا(علیه السلام) . تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، چاپ اول، (۱۳۷۸ ق).

۴۵. \_\_\_\_\_ . من لا یحضره الفقیه. تصحیح علی اکبر غفاری قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، (۱۴۱۳ ق).

۴۶. ابن جعفری، محمد بن مشهد. المزار الکبیر. تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، (۱۴۱۹).

۴۷. ابن حیون، نعمان بن محمد . دعائم الإسلام. تحقیق آصف فیضی، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، (۱۳۸۵ ق).

٤٨. ابن شعبه حرانى، حسن بن على. تحف العقول. على اكبر غفارى، قم: جامعه ي مدرسين، چاپ دوم، (١٤٠٤ ق).

٤٩. ابن طاووس، على بن موسى. اقبال الاعمال. تهران دارالكتب الاسلاميه، چاپ دوم، (١٤٠٩ ق).

٥٠. \_\_\_\_\_ . التشرىف بالمنن فى التعريف بالفتن. تحقيق: مؤسسهُ صاحب الأمر، قم: مؤسسهُ صاحب الأمر، چاپ اول، (١٤١٦ ق).

٥١. \_\_\_\_\_ . الطرائف فى معرفهُ مذاهب الطوائف. تصحيح على عاشور، قم: خيام، چاپ اول، (١٤٠٠ ق).

٥٢. \_\_\_\_\_ . اليقين باختصاص مولانا على عليها السلام بإمرهُ المومنين. تصحيح اسماعيل انصارى، قم: دارالكتاب، چاپ اول، (١٤١٣ ق).

٥٣. ابن طريوق، يحيى بن حسن . عمدهُ عيون صحاح الاخبار فى مناقب امام الابرار. قم: مؤسسهُ النشر الاسلامى، چاپ اول، (١٤٠٧ ق).

٥٤. ابن فهد حلى، احمد بن محمد. التحصين فى صفات العارفين. تصحيح مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم: مدرسه الامام المهدي (عج)، چاپ دوم، (١٤٠٦ ق).

٥٥. ابن قولويه، جعفر بن محمد . كامل الزيارات. تصحيح: عبدالحسين امينى، نجف اشرف: دار المرتضويه: چاپ اول، (١٣٥٦ ش).

٥٦. اربلى، على بن عيسى. كشف الغمهُ فى معرفهُ الائمه. تصحيح هاشم رسولى محلاتى، تبريز: بنى هاشمى، چاپ اول، (١٣٨١ ق).

٥٧. استرآبادى، على . تاويل الايات الظاهرهُ فى فضائل العترهُ الطاهرهُ. تصحيح حسين استادولى، ايران: قم مؤسسهُ النشر الاسلامى، چاپ اول، (١٤٠٩ ق).

٥٨. بحرانی، سید ہاشم . البرهان فی تفسیر القرآن. تصحیح قسم الدراسات الاسلامیہ موسسہ البعثہ، قم: موسسہ بعثہ، چاپ اول، (١٣٧٤ ش).

٥٩. تمیمی آمدی، عبدالواحد. غررالحکم و دررالکلم. تصحیح سید مہدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، (١٤١٠ ق).

٦٠. جزایری، نعمت اللہ. ریاض الأبرار فی مناقب أئمة الأطهار. بیروت: مؤسسۃ التاریخ العربی، چاپ اول، (١٤٢٧ ق).

٦١. جوہری بصری، احمد بن عبدالعزیز . مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر. تصحیح مہدی ہوشمند قم: انتشارات طباطبائی، چاپ اول، [بی تا].

٦٢. حافظ برسی، رجبین محمد. مشارق أنوار الیقین فی أسرار أميرالمومنین. تصحیح علی عاشور، بیروت: أعلمی، چاپ اول (١٤٢٢ ق).

٦٣. حلّی، حسنبن سلیمان، مختصر البصائر، تصحیح مشتاق مظفر، قم: مؤسسہ النشر الإسلامی، چاپ اول، (١٤٢١ ق).

٦٤. حمیری، عبداللہبن جعفر . قرب الأسناد. تصحیح: موسسۃ آل البيت علیہما السلام، قم: موسسۃ آل البيت علیہما السلام، چاپ اول، (١٤١٣ ق).

٦٥. خالد برقی، احمدبن محمد . المحاسن. تصحیح جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامیۃ، چاپ دوم، (١٣٧١ ق).

٦٦. خزاز رازی، علیبن محمد . کفایۃ الأثر فی النص الائمة الاثنی عشر. تصحیح عبداللطیف حسینی کوهکمری قم: بیدار، [بینا]، (١٤٠١ ق).

٦٧. زمخشری، محمود. الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم، (١٤٠٧ ق).

۶۸. شریف الرضی، محمد بن حسین . نهج البلاغه. تصحيح: فيض الإسلام، قم: هجرت، چاپ اول، (۱۴۱۴ ق).

۶۹. شریف مرتضی. رسائل الشریف المرتضی. قم: دارالقرآن کریم، [بی نا]، (۱۴۰۵ ق).

۷۰. شعیری، محمد بن محمد . جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریه، چاپ اول، [بی تا].

۷۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. إثبات الهداء بالنصوص والمعجزات. بیروت، اعلمی، چاپ اول، (۱۴۲۵ ق).

۷۲. \_\_\_\_\_ . الجواهر السنیة فی احادیث القدسیة. تهران: انتشارات دهقان، چاپ سوم، (۱۳۸۰ ش).

۷۳. \_\_\_\_\_ . الايقاظ من الهجة بالبرهان على الرجعة. تصحيح هاشم رسولى و احمد جنتى، تهران:

نويد، چاپ اول، (۱۳۶۲ ش).

۷۴. \_\_\_\_\_ . وسائل الشيعة. تصحيح: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم

السلام)، چاپ اول، (۱۴۰۹ ق).

۷۵. صفار، محمد بن حسن. بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد (صلى الله عليه و آله و سلم)، تصحيح محسن كوچه باغى، قم:

مكتبة آية الله مرعشى النجفى، چاپ دوم، (۱۴۰۴ ق).

۷۶. طباطبایى، سيد محمد حسين. الميزان فى تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به حوزه علميه قم، چاپ پنجم،

(۱۴۱۷ ق).



٧٧. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الصغیر. بیروت، دارالکتب الاسلامیہ، [بی نا]، [بی تا].

٧٨. طبرسی، احمد بن علی . الإحتجاج علی أهل اللجاج. تصحیح محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، چاپ اول (١٤٠٣ ق).

٧٩. طبرسی، حسنبن فضل . مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی، چاپ چهارم، (١٤١٢ ق).

٨٠. طبرسی، فضل بن حسن. إعلام الوری بأعلام الهدی. تهران: اسلامیه، چاپ سوم، (١٣٩٠ ق).

٨١. \_\_\_\_\_ . تاج الموالد. بیروت: دارالقاری، چاپ اول، (١٤٢٢ ق).

٨٢. \_\_\_\_\_ . تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، (١٣٧٧ ش).

٨٣. \_\_\_\_\_ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، (١٣٧٢ ش).

٨٤. طبری آملی، محمد بن جریر. نوادر المعجزات فی مناقب الائمة الهداة علیهم السلام. تصحیح باسم محمدی اسدی، قم: دلیل ما، چاپ اول، (١٤٢٧ ق).

٨٥. \_\_\_\_\_ ، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، (١٤١٢ ق).

٨٦. طبری، سلیمانبن احمد . المعجم الصغیر. بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی نا]، [بی تا].

٨٧. طوسی، محمد بن الحسن. مصباح المتهدّج و سلاح المتعبّد، بیروت: موسسه فقه الشیعه، چاپ اول (١٤١١ ق).

٨٨. \_\_\_\_\_ . الغیبه . تصحیح عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الاسلامیه، چاپ اول، (١٤١١ ق).

٨٩. \_\_\_\_\_ . الأمالی . قم: دارالثقافه، چاپ اول، (١٤١٤ ق).

٩٠. \_\_\_\_\_ . التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی نا]، [بی تا].

٩١. عاملی نباطی، علی بن یونس . الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم. تصحیح میخائیل رمضان، نجف: المکتبه الحیدریه، چاپ اول، (١٣٨٤ ق).

٩٢. عیاشی، محمد بن مسعود . تفسیر العیاشی. تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعه العلمیه، چاپ اول (١٣٨٠ ق).

٩٣. فتال نیشابوری، محمد بن أحمد . روضه الواعظین و بصیره المتعظین. قم: انتشارات رضی، چاپ اول، (١٣٧٥ ش).

٩٤. فیض کاشانی، محمد محسن . الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین علی (ع)، چاپ اول، (١٤٠٦ ق).

٩٥. \_\_\_\_\_ . نوادر الأخبار فیما یتعلق بأصول الدین. تصحیح مهدی انصاری قمی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، (١٣٧١ ش).

٩٦. قطبالدین راوندی، سعید بن هبه الله . الخرائج و الجرائح. تصحیح مؤسسه الإمام المهدي، قم: مؤسسه الإمام المهدي، چاپ اول، (١٤٠٩ ق).

٩٧. قمى، عليين ابراهيم . تفسير القمى . تصحيح طيب موسوى جزائرى، قم: دارالكتاب، چاپ سوم، (١٤٠٤ ق).

٩٨. كراچكى، محمد بن على. الرسالہ العلویۃ فی فضل امیرالمومنین علیہ السلام علی سائر البریۃ. تصحيح عبدالعزیز كرىمى، قم: دليل ما، چاپ اول، (١٤٢٧ ق).

٩٩. كلینى، محمد بن یعقوب. الكافى. تصحيح على اكبر غفارى و محمد آخوندى، قم: دارالكتاب الاسلامى، (١٤١٠ ق).

١٠٠. كورانى العالمى، الشيخ على. معجم أحاديث الإمام المهدي. قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه، چاپ اول، (١٤١١ ق).

١٠١. كوفى، فرات بن ابراهيم . تفسير فرات الكوفى. تصحيح محمد كاظم تهران: مؤسسه الطبع و النشر فى وزاره الارشاد الاسلامى، چاپ اول، (١٤١٠ ق).

١٠٢. مجلسى، محمد باقر . زادالمعاد - مفتاح الجنان . تصحيح علاء الدين اعلمى، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ اول، (١٤٢٣ ق).

١٠٣. \_\_\_\_\_ . بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة. تصحيح جمعى از مصححان، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم، (١٤٠٣ ق).

١٠٤. مفيد، محمد بن محمد . الأمالى. تصحيح حسين استاد ولى و على اكبر غفارى، قم: كنگره شيخ مفيد، چاپ اول، (١٤١٣ ق).

١٠٥. \_\_\_\_\_ . المسائل السرويه. تصحيح كنگره شيخ مفيد، قم: المؤتمر العالمى لالفیه الشيخ المفيد، چاپ اول، (١٤١٣ ق).

١٠٦. \_\_\_\_\_ .الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد. تصحيح مؤسسه ى آل البيت عليهم السلام، قم: كنگره ى شيخ مفيد، چاپ اول (١٤١٣ ق).

١٠٧. الموسوى، السيد محمد سعيد . الامام الثانى عشر. تصحيح على الحسينى الميلى، كربلا: مطبعه القضاء، [بى نا]، (١٣٩٣ ق).

١٠٨. نورى، حسينبن محمد تقى . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. تصحيح مؤسسه آل البيت عليهما السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهما السلام، چاپ اول، (١٤٠٨ ق).

١٠٩. نيشابورى، ابى عبدالله الحاكم. المستدرک على الصحيحين. بيروت: دارالمعرفه، [بى تا]، [بى چا]،

١١٠. نيلى نجفى، عليبن عبدالکريم. سرور أهل الايمان فى علامات ظهور صاحب الزمان. تصحيح قيس عطار، قم: دليل ما، چاپ اول، (١٤٢٦ ق).

١١١. هاشمى خوئى، ميرزا حبيب الله ؛ آملى، حسن حسن زاده و کمرهاى، محمد باقر . منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغه. تصحيح ابراهيم ميانجى، تهران: مكتبه الاسلاميه، چاپ چهارم، (١٤٠٠ ق).

١١٢. هلالى، سليم بن قيس . كتاب سليم بن قيس الهلالى. تصحيح محمدانصارى، قم: الهادى، چاپ اول، (١٤٠٥ ق).

١١٣. يزدى حايرى، على . إلزام الناصب فى إثبات الحجّة الغائب. تصحيح على عاشور، بيروت: مؤسسه الأعلمى، چاپ اول، (١٤٢٢ ق).

ج. مقالات

ص: ٢٥٦

۱۱۴. آقاجانی قناد، محمدرضا. "حقوق اقلیتهای دینی در عصر ظهور". مجموعه آثار همایش بینالمللی دکتترین مهدویت، سال سوم، ۱ (۱۳۸۶ ش).

۱۱۵. احمدوند، شجاع و عزیزخانی، احمد. "آخرالزمان در نگاه مکتب صهیونیسم مسیحی". مشرق موعود، سال چهارم، ۱۴ (۱۳۸۹ ش).

۱۱۶. امامی کاشانی. "نحوه نگرش مسیحیت به موضوع مهدویت". رسالت، ش ۵۴۰۲.

۱۱۷. حاج محمدی، علی. "نظام توزیع ثروت در حکومت موعود". مجموعه آثار همایش بین المللی دکتترین مهدویت، سال چهارم، ۴ (۱۳۸۷ ش).

۱۱۸. حبیبی، ضامن علی. "شیوه ی قضایی دولت مهدوی". مجموعه آثار همایش بین المللی دکتترین مهدویت، سال چهارم، ۴ (۱۳۸۷ ش).

۱۱۹. خنیفر، حسین؛ زروندی، جواد و زروندی، نفسیه. "جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قران کریم و روایات اسلامی". مشرق موعود، سال چهارم، ۱۶ (۱۳۸۹ ش).

۱۲۰. راهنمایی، سید احمد. "حکومت جهانی واحد رویارویی جهان بینی سکولار با جهان بینی الهی". مجموعه آثار همایش بینالمللی دکتترین مهدویت، سال پنجم، ۱ (۱۳۸۸ ش).

۱۲۱. شیروودی، مرتضی. "مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشریت". مشرق موعود، سال اول، ۱ (۱۳۸۵).

۱۲۲. صادق نیا، مهرباب. "تصویر انتظار در عهد جدید". مشرق موعود، سال اول، ۱ (۱۳۸۵ ش).

۱۲۳. \_\_\_\_\_ . "درآمدی بر آموزه نجاتبخش در مسیحیت" . مشرق موعود، سال اول، ۴ (۱۳۸۶ ش).

۱۲۴. صمدی، قنبر علی . "امنیت مهدوی الگوی جامعه امن" . مجموعه آثار همایش بینالمللی دکترین مهدویت، سال چهارم، ۱ (۱۳۸۷ ش).

۱۲۵. قاسمی قمی، جواد . "مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس" . مشرق موعود، سال سوم، ۹ (۱۳۸۸ ش).

۱۲۶. قنبری آلانق، محسن . "اسطوره صهیونیسم مسیحی و انگاره منجیگرایی" . مشرق موعود، سال اول، ۱ (۱۳۸۶ ش).

۱۲۷. مرتضوی، سیدمحمد . "تحول فرهنگی، کلید موفقیت حضرت مهدی (عج)" . مجموعه آثار همایش بینالمللی دکترین مهدویت، سال چهارم، ۴ (۱۳۸۷ ش).

ص: ۲۵۸

The Advent and uprising of the Savior occurs at the end of the world, when the darkness and cruelty take indifferent areas of the human society, and as a great cultural revolution, will lead to widespread cultural changes and alterations in the whole components and phenomena of the culture. These changes happen, while at the eve of the Savior's Advent, the universe will be of an inappropriate situation, and the Savior's appearance and his fundamental reforms will change the world's cultural position to all its elements all of a sudden, putting it in a favorable, and further, ideal status, human being never experienced like it before. In the existing treatise, to get to the Savior's deep influence in achieving transcendence and completion, the world's cultural circumstances between the two significant events, namely Advent Resurrection, and from the two outlooks of the New Testament and Islamic traditional texts has been dealt with. Choosing the New Testament- as the Christians' Holy Scripture- along with Islamic texts has aimed to reflect Christianity's viewpoint as a religion which the Savior's Advent (coming) and what follows, play a central and key role in its doctrines. This research shows that the world's cultural station, being so awful at the eve of the Savior's Advent, will change into a utopian one after his coming. This condition will last constantly towards the end of the world (Resurrection). Moreover, the absolute correspondence of the doctrines of the New Testament with those of the Islamic texts concerning the pre-Advent status, and their partial correspondence regarding the post-Advent circumstances have been attained.

Key words: Apocalypse (end of the time), Savior, Advent, cultural circumstances, Imam Mahdi's rule, Christ's coming

The University of Qom

Faculty of Theology

Thesis

(For Degree of Master of Arts (MA

In Exegesis Quranic Sciences

:Title

The cultural position of the world from coming of the Savior till the Resurrection

according to Islamic texts and the New Testament

:Supervisor

Dr. Mohammad Kazem Shaker

:Advisor

Dr. Mohammad KazemRahmanSetayesh

:By

MonirehGhazavi

Winter- ۱۳۹۱

ص: ۲۶۰



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

